

پاپوس



دروج
سید ابی فضایلی

Thora
Tarot
Tarocco



«ثورا»ی کولیان کتابی شگفت‌انگیز است.

این کتاب با نام تارو (ثورا) تورا، روتا، مبنای تعلیمات ترکیبی مردم قدیم بوده است.

ثورا از قدیم در اختیار کولیان بوده است. انجیل، انجیل‌های است. این کتاب همان «لوح زمرد» هرمس، یا کتاب هرمس مثلث است. نخستین کتاب مقدس مکاشفات از تمدن‌های باستان.

شخص متفکر، از طریق ثورا کلید سنت بسیار پیچیده‌یی را باز می‌یابد.

ریمون لول، برمبنای ثورا کتاب «هنر عظیم» را نوشت و موفق شد مغز بشر را با ثورا مقایسه کند.

ژروم کاردن «کلید چیزهای پنهان» را براساس ثورا تألیف کرد. و لویی کلود د سن مارتون، فیلسوف، در ثورا خطوط رمزآمیزی را توصیف می‌کند که در آن خداوند، جهان و انسان را به وحدت می‌رساند.

به برکت ثوراست که ما می‌توانیم این قانون ترکیبی پنهان در تمامی نمادگرایی‌ها را بازیابیم و گسترش دهیم.

ISBN 964-6404-35-9



9789646404359

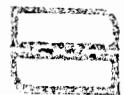
نور

پاپوس

سودابه فضایلی

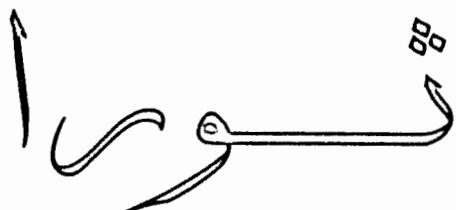


جامعة الملك عبد الله



٢١١

٦٨٨٧١



پاپوس

(زراس آنگوس)

شوارا

ترجمه و تحقیق :

سودابه فضایلی



سال هزار و سیصد و هفتماد و هفت خورشیدی

این کتاب ترجمه‌یی است از:

Le Tarot des Bohemien
Papus (Gerard Encausse)
Paris, 1889

نشر ثالث

پاپوس (ژرار آنکوس)

ئورا

ترجمه‌ی سودابه فضایلی

ویراستاری و تصحیح و طراحی جدولها: اسماعیل جنتی، علیرضا سیداحمدیان
طرح روی جلد: محمدرضا اصلانی
حروفچینی: دایره‌المعارف
چاپ اول، ۳۰۰۰ نسخه، سال ۱۳۷۷ خورشیدی
لیتوگرافی و چاپ: سازمان چاپ احمدی
کلیه‌ی حقوق چاپ محفوظ و متعلق به نشر ثالث است.
نشانی ناشر: خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران، خیابان دوازده فروردین،
شماره‌ی ۱۱، طبقه‌ی دوم، تلفن: ۶۴۶۰ ۱۴۶

مقدمه‌ی مترجم

از بزرگ عارفی شنیده دارم که هر کتابی که خاص تفال است، خود صاحب کتاب آن را وقف تفال کرده، و مأموریت جوابگویی دارد، محض کردار، چنانچه خواجه حافظ به وسیله‌ی مأموری یا فرشته‌ی این مهم را بر عهده می‌گیرد. ده سالی است که بی‌چینگ، این کتاب حکمت و تقدیرات چین باستان، در ایران شناخته شده است. عارف یا عارفانی ناشناس بر زمینیان مسئولیت جوابگویی به سائلان را بر عهده دارند. به کمک کتابهایی از این دست، درون خود را کشف می‌کنیم.

واکنون نوبت ٹورا (تارو) است، کلید دیگری از دیگر سوی عالم، از مصر که قرنها پنهان بود و در هیاهوی علوم ظاهری، جدی گرفته نشد، حال آنکه این کلید اسرار قدیم، رمز هماهنگی درون انسان با کیهان پیرامون خود است، و کنار زدن بیگانگی، و آشتی ذات انسان با ذات این جهان و آن جهان.

ثورا کتاب حکمت مصریان فاضل عهد قدیم است، که در معابد آنان به گونه‌ی راز روح بشری بر سالکان به ارث گذارده شد. با تسخیر مصر و فرار فرزانگان مصری به اکناف جهان، و سوختن کتابخانه‌های عظیم مصری این شاه کلید اسرار روح اسطوره‌یی بشری قرنها پنهان ماند و تنها کتابی است که از آن سوختن‌ها جان به دربرد و این علم شریف را به دست کولیهای رازدار سپرد.

ثورا قرنها در دست کولیها ماند و نمادهای آن جلوه‌یی اروپایی به خود گرفت تا به حدی که اصل آن را کولی پنداشتند. و در قرن هیجدهم به نقاط دیگر اروپا معرفی شد.

یک نویسنده‌ی فرانسوی قرن هیجدهم، به نام آنتوان کور دو ژیلن (۱۷۲۵-۱۷۸۴)، که در باب ریاضیات، تاریخ طبیعی، زیانشناسی، علم اسطوره و متون مذهبی تحقیق و مطالعه می‌کرد، در خانه‌ی دوستی در پاریس با ثورا آشنا شد، نمادها و اشکال شگفت‌انگیز برگهای ثورا او را متوجه ساخت که در مقابل یک راز قرار گرفته است، پس بر آن شد خاستگاه آن را پیدا کند. او در تحقیق خود متوجه شد بخش عظیمی از اروپا ثورا را می‌شناسد، و یکی از رایجترین وسایل تفال در اروپای آن روز است (هر چند که هنوز در فرانسه رواج نیافته و معرفی نشده بود) اما از اصل آن کسی خبر ندارد.

در قرن هیجدهم سرزمین مرموز مصر توجه افراد تحصیلکرده را به خود جلب کرده بود، اما از آنجاکه هنوز کلیدی برای خواندن هیروگلیف پیدا نشده بود پژوهشگران برای تحقیق در باب زندگی و افکار مصری فقط به تاریخ‌نویسان یونانی چون هرودوت و پلوتارک مراجعه می‌کردند. ژیلن حدس زد که ثورا بقایای کتاب تعلیمات مصر

است، همان کتاب ثوث، رب‌النوع علوم خفیه، که در طول قرنها گم شده بود، و بعد از طریق مصریان مهاجر به اروپا معرفی شده بود. سرانجام ژیلن یکی از مجلدات کتاب ^۱ جلدی خود به نام *جهان اولیه* را که بین سالهای ۱۷۷۳ تا ۱۷۸۴ نوشته و چاپ شد به ثورا اختصاص داد. ژیلن در کتاب ثورای خود ثابت می‌کرد که نمادگرایی تصاویر ثورا، کلید خرد و نیروهای پنهان دنیا است باستان است.

اولین کسی که به ژیلن پیوست و فرضیه‌ی مصری بودن ثورا را پذیرفت آلی‌یت با اسم مستعار اتلا (مقلوب اسم اصلی اش) بود، که اولین اعلامیه‌ی رسمی اش درباره‌ی ثورا در ۱۷۸۳، یعنی فقط دو سال پس از انتشار کتاب *جهان اولیه* منتشر شد.

اتلا چندین کتاب در باب علوم خفیه و از جمله ثورا در سالهای ۱۷۸۳ و ۱۷۸۷ نوشت و به چاپ رساند، کتاب ثورای او شامل طرحهای گوناگون بود و اظهار می‌داشت مرمت شده‌ی طرحهای اولیه‌ی مصری است که به حسن اتفاق به دست او رسیده است. اتلا بیش از سی سال درباره‌ی ثورا و خاستگاه آن مطالعه کرده بود و در تفال با ثورا شیوه‌ی خاص خود را داشت (شیوه‌ی خاص اتلا در این کتاب آمده است).

در ۱۷۹۹ یعنی فقط ۱۵ سال پس از کتاب *جهان اولیه* که حاوی کتابی به نام ثورا بود یکی از افسران ناپلئون که در مصر سکونت داشت در شهر رشید (*Rosetta*) قطعه‌یی سنگ آذرین کشف کرد که روی آن یک نسخه‌ی سه زبانه به دموتی، یونانی و هیروگلیف حکاکی شده بود. پیدا کردن سنگ روزتا موجب بازخوانی تدریجی نوشته‌های مصری شد و به باستانشناسان کمک کرد تا بتوانند تصویری از زندگی

مصر قدیم به دست دهنده. هر چند این کشف در رد فرضیه‌ی ژیلن دلیلی نداشت اما آن را اثبات هم نمی‌کرد.

تحقیق در باب مبدأ ثورا ادامه یافت. نویسنده‌ی دیگری که در باب ثورا تحقیق کرد و معروفیت بسیار کسب کرد، در واقع بنیان‌گذار علوم خفیه‌ی جدید در اروپا بود؛ نام او آلفونس لویی گنستان بود که خود را الیفاس لوی زاهد خواند- که تلفظ و ترجمه‌ی عبری نامش بود- و به نام الیفاس لوی (۱۸۷۰-۱۸۱۰) مشهور شد. او پس از تحصیل در رشته الهیات به مطالعه‌ی آثار گیوم پوستل و ریمون لول و کورنلیوس آگریپا پرداخت. هر چند لوی کتابی خاص در باب ثورا منتشر نساخت، لکن تفسیرهای او تأثیر فراوانی بر عالمین علوم خفیه که پیروان او بودند گذارد. مهمترین نظریه‌ی او بر مبنای ارتباط ثورا و آیین عرفانی قبلا بود. او ۲۲ "رمز کبیر" ثورا را مرتبط با ۲۲ حرف الفبای عبری می‌دانست، و چهار خال "رموز صغیر" را به چهار عنصر (آب، باد، آتش، خاک) و چهار حرف نام مقدس وابسته می‌دانست. لوی ثورا را کلید جهانی علوم خفیه، کلید مذهب و آیینهای مذهبی، کلید قبلا و کلید انجیل و کلید سلیمان می‌دانست. او می‌گفت: "قرنها بود که این حلقه را مفقوده می‌پنداشتند و اینک ما آن را کشف کرده‌ایم، و موفق شده‌ایم گورستان جهان قدیم را بگشاویم و مردگان را به سخن آوریم، و به یادواره‌های گذشته در تمامی عظمت‌شان نظاره کنیم، و معماهی همه‌ی ابوالهولها را بدانیم، و در تمام تحصین‌گاهها رخنه کنیم. استفاده از این کلید در گذشته مجاز نبوده است، و فقط راز آن به نخبه‌ی عارفان سپرده می‌شده است."

بعدها لوی پس از آشنایی با آثار وایان یکی از اولین پژوهندگان

معارف و فرهنگ کولیها اعتقاد پیدا کرد که ثورا توسط کولیها به اروپا معرفی شده است. عقاید لوی به توسط ژرار آنکوس (۱۸۶۵-۱۹۱۶)، با اسم مستعار پاپوس، دنبال شد و کتاب ثورای او در ۱۸۸۹ منتشر گردید. این کتاب بر مبنای نظریات لوی و در زمینه‌ی اعداد قبالي و حروف عبری بررسی شده بود. پاپوس پژشك بود و به عنوان مؤلف و محقق در موضوع علوم خفیه بسیار معروف شد و مکتب معروفی موسوم به خاموشان گمنام (*L'Ordre des Silencieux Inconnus*) را بنیان گذارد. او همچنین رهبر مکتب قبالي صلیب گل سرخ شد که در سال ۱۸۸۸ به توسط عارف قبالي استانيسلاس دو گیتا تأسیس شده بود.

همچون لوی، پاپوس هم اعتقادی والا به ثورا داشت، آن را انجیل انجیلها، کتاب ثوت، هرمس مثلث، کتاب حضرت آدم و اولین کتاب مقدس مکاشفات از تمدن‌های باستانی می‌دانست.

می‌توان پذیرفت که نظریات لوی و پاپوس در باب ثورا مبنای جریان اصلی پیشرفت عرفانی در قاره‌ی اروپا شد. جذابیت این کتاب در بر نمودن چگونگی آشنایی غرب با عرفان شرق و با علوم خفیه است، و شکل‌گیری عرفان غرب و اعتقاد به ماوراء الطبيعه را در قرن نوزدهم نشان می‌دهد؛ مکاتب عرفانی در غرب در قرن نوزدهم به فعالیت علی‌تر پرداختند. دموکراسی و پیشرفت‌های علمی دیگر اجازه می‌داد که علوم خفیه از پشت حجاب به درآید، و از طریق علم روز صحت آن مورد بررسی قرار گیرد. در همین سالها است که مقوله‌ی روانشناسی که بخشی از علوم ماوراء الطبيعه است به صورت یک علم مطرح می‌شود و بیماران بسیاری که تا قبل از آن هرگز امیدی با

سالم زیستن آنان نمی‌رفت، بهبود می‌یابند. پیشروی علوم ماوراءالطبيعه و اعتقاد به مذهب برادری و برابری، با همزمان خود ماده‌پرستی و ماده‌گرایی به نحوی پیش می‌رفت که اغلب متفکران و فیلسوفان قرن اعتقاد راسخ داشتند که دوره‌ی ماده‌گرایی به سرآمد و عرفان و معنویات جایگزین آن خواهد بود، اما ظاهراً هنوز وقت آن نشده بود، پس ماده‌گرایی سیطره یافت و به آنجا کشید که دیدیم.

کتاب ثورا که به عنوان تنها کتاب بازمانده از مصر باستان و آیین قبل‌الا مطرح شده، اینجا و آنجا نمادهایی از عرفان باستان ایران و مغان را در بر دارد، که سابقه‌ی تاریخی آن مشخص نیست، و هر چه دورتر می‌رویم باز هم نشانه‌هایی از آن یافت می‌شود. همه‌ی نحله‌های عرفانی به نحوی به مغان ارتباط می‌یابند. مغان همان رهروان و سالکانی بودند که عالم بر علم قدیم، کیمیا و سیمیا و نجوم و اخترشناسی و غیره بودند، و به یقین قبل از حضرت زرتشت وجود داشته‌اند، و پس از ظهرور زرتشت به ایشان پیوسته‌اند و تأثیرگذار بر عرفان جهان و بخصوص بر عرفان غرب بوده‌اند؛ و در ولادت حضرت مسیح حاضر بوده‌اند. مغان را به کنایه مجوس خوانده‌اند.

واز اینرو، برگ اول از رموز کبیر در ثورا مُغ نامیده شد، هر چند در متن فرانسه *Batleur* و در متن انگلیسی *Magician* گذاشته شده بود، که امروزه به معنای تردست و شعبده باز است، لکن کاربرد این برگ و علامت زندگی جاوید (۵۵) بر روی سر انسان، دارا بودن شماره‌ی ۱، که در ادبیات ما نشانه‌ی خرد خداوندی است، همه، مترجم را بر آن داشت که واژه‌ی مُغ را به عنوان معادل برگزیند. لازم به تذکر است که هر یک از رموز کبیر موسوم به اسمی هستند که مفهوم پنهان این اسم

نمادهای این برگ را تشکیل می‌دهد؛ به عنوان مثال، برگ پانزده، شیطان است، و علامت آن مار؛ شیطان و مار در نظر ظاهر هردو نمادهای منفی هستند، اما در واقع مفهوم این برگ عقل است، و مرحله‌ی الهی آن جبر است. پس این برگ نشان‌دهنده‌ی مقدراتی است که در ارتباط با عقل و اختیار آدمی رخ می‌دهد، و اگر امواج عقل آدمی متناسب با امواج الهی حرکت کند، جبر خداوندی و اختیار آدمی یکی خواهد شد. طبق نمادهای عرفانی ایران مار نشانه‌ی عقل است، و عقل به قول ناصر خسرو همچون الف است که هر چیز بدان چسبید اما او به هیچ نچسبد. به همین سیاق ممکن است برخی از اسامی رموز کبیر ظاهراً مفهومی منفی داشته باشد، لکن می‌باید به مفهوم حقیقی و پنهان این اسامی، و مفاد هر رمز توجه کرد. در کتاب ثورا نوعی پراکندگی موضوع و تکرار در بعضی فصول به چشم می‌خورد، این امر ناشی از دو علت است: یکم، پاپوس که دانش بسیار در باب عرفان و علوم خفیه داشت، معتقد بود که کتاب ثورا تنها بازمانده‌ی این علم است که به دست غربیها رسیده و می‌خواست تمام اطلاعات خود را در این کتاب بگنجاند، و از طرفی آن را به گونه‌یی بنویسد که این اطلاعات پنهانی در دسترس نابخردان و شیادان قرار نگیرد، پس کتاب زبانی پیچیده و رمزآمیز یافته است. دوم سبک تألف علاقه‌مندان به علوم باطنی و باستان‌شناسان به گونه‌یی خاص بوده و هست و در نتیجه نوعی پراکندگی در بیان موضوع پدید آمده است. اما از آنجایی که این کتاب اولین کتابی است که ثورا را از طریق فلسفی، عرفانی و علم ترکیب (ستنز) بررسی کرده است، برای ترجمه انتخاب شد و به کمک پانوشت‌ها کوشش به روشن

شدن موضوع شد. بخش پیچیده‌ی اعداد و حروف و ارتباط مفاهیم آنها با فرهنگ شرق و بخصوص ایرانیان، کاملاً آشنا است و در ارتباط با رمل و جفر است.

هر فصل از کتاب به یکی از مؤلفان یا نامآوران همعصر پاپوس که در رشته‌ی عرفان غرب فعالیتی داشته‌اند تقدیم شده، هر چند که نام بسیاری از آنان در فرهنگ‌های معتبر پیدا نشد، لکن برای معرفی افرادی که در این زمینه در قرن نوزدهم فعالیت داشته‌اند، حائز اهمیت بود، از اینرو، نام آنان و تألیفاتشان در تقدیم‌نامه‌ی هر فصل ذکر گردید.

نام کتابهایی که پاپوس برای تهیه‌ی متن مورد استفاده و تحقیق قرار داده بود، عیناً ذکر شد، زیرا هیچیک از آنها تاکنون ترجمه نشده است، و برای علاقه‌مندان نام اصلی کتاب مفیدتر بود.

فصل انتهایی کتاب برای کسانی آمده است که فقط مایل به تفال با ثورا هستند، در این فصل نمادهای ثورا به زبانی ساده توضیح داده شده است.

از میان برگهای ثورا به چاپ ثورای مارسی مبادرت شد که بازسازی اولین ثورایی است که به اروپا آمده است و از قدیمترین برگهای موجود است.

فهرست نام افراد و مکاتبی که در زمینه‌ی شناخت ثورا فعالیت داشته‌اند، به انتهای کتاب منتقل شد. نام بسیاری از آنان در طول کتاب تکرار شده است، و تألیفات آنان مورد مراجعه‌ی مؤلف بوده است. تقریباً تمام پانوشت‌های فارسی از مترجم است، و برای یافتن نام معادلها و توضیحات از کتابهایی که فهرست آن در انتهای کتاب آمده

است، استفاده شده است.

در اینجا لازم می‌دانم از دوستانی تشکر کنم که به واقع اگر همکاری و همراهی آنان نبود، این کار سخت و پیچیده به سرانجام نمی‌رسید: نخست، آقای اسماعیل جنتی، که با چه علاقه‌یی ویرایش، حروفچینی و صفحه‌بندی اولیه‌ی کتاب را تنظیم و نظارت کردند؛ سپس آقای علیرضا سیداحمدیان که ویرایش و صفحه‌بندی و حروفچینی دوم را به نتیجه رساندند، و با چه ظرفاتی جدولها را طراحی و حتی کلمات مختلف و اشکال و حروف عبری را به دست نوشته و در جداول گنجاندند؛ و آقای امین اصلاحی که در ویرایش کتاب نظرات مفیدی داشتند؛ و سرانجام از آقای بیژن الهی که نسخه‌ی انگلیسی کتاب را در اختیار مترجم قرار دادند، زیرا چاپ کتاب بنا به دلایلی ده سالی به تعویق افتاده بود و متن اصلی کتاب (متعلق به سال ۱۸۸۹ میلادی)، و برخی از صفحات دستنوشته گم شده بود، و اگر نسخه‌ی انگلیسی کتاب برای تنظیم جداول و طرحها به دست نمی‌آمد، چاپ کتاب مقدور نبود، و از همین رو مجبور به حروفچینی دومی از کتاب، حذف برخی طرحها و افزودن دو طرح جدید که خود مترجم آن را تنظیم کرده است، شدیم.

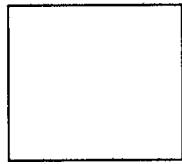
با اینکه می‌دانم ترجمه‌ی این کتاب از نقص خالی نیست، اما شادی‌ام در ترجمه چند سطری بود که در باب حق و حقیقت آمده بود و قوت قلبی که از برادری میان

پرستندگان حق و جویندگان حقیقت یافتم، که نه عامل زمان
می‌شناسد و نه عامل مکان.

س.ف.

تیرماه سال هزار و سیصد و هفتاد و هفت خورشیدی

قدیمی علوم قدیمه
و به تام پیر و آن آن



تهما کلید علوم خفیه

شوسا

منحصر ابر ای استقاده هی جو نند گان حقیقت

تقديم به استاد فيليب اهل ليون

جشن اول

آشنایی با مؤلف کتاب به قلم دکتر فیلیپ آنکوس

پاپوس (دکتر ژرار آنکوس)^۱ در ۱۳ ژوییه سال ۱۸۶۵ در کوروئی^۲ (اسپانیا) به دنیا آمد. پدرش فرانسوی، شیمیدان لویی آنکوس و مادرش اهل والا دولید^۳ (اسپانیا) بود. ژرار کودکی و نوجوانی خود را در محله مونمارتر پاریس، که پدر و مادرش از ۱۸۶۹ در آنجا مقیم شده بودند، گذراند.

او پس از تحصیلات متوسطه وارد دانشکده پزشکی شد و پس از اخذ درجه دکترا تمام وقت خود را به علوم قدیمه تخصیص داد. او تمام مکتوبات خود را با اسم پاپوس (پزشک دوران باستان) نوشت. اولین کتابهای او در ۱۸۸۴ به چاپ رسید، یعنی زمانی که بیش از ۱۹ سال نداشت. نام مستعار پاپوس از نام آپولونیوس اهل

1- Gerard Encausse

2- Corogne

3- Valladolid

تیان^۴ مأخوذه است. پاپوس با آپولونیوس به توسط اولین استادش آشنا شد، این استاد، عالم بزرگ علوم قدیمه الیفاس لوى بود و کتابهای پاپوس را با مراقبت و دقت خاصی مطالعه می‌کرد. ژرار آنکوس پاپوس، فیلسفی علامه، نویسنده‌یی متبحر، خطیبی ماهر و خوشرو، و مروج نامدار علوم قدیمه در قرن نوزدهم است. او در فرانسه و در خارج از فرانسه شناخته شده و مورد قبول بوده است. فهرست کامل آثار او بدون بر شمردن تعداد زیادی از ترجمه‌هایش به ۱۶۰ عنوان می‌رسد. و بر این همه بجا است که نیروی او را در "مداوای امراض"^۵ (اعم از "معالجه‌ی امراض با

۴- (Apollonius de Tyane) فیلسوف یونانی از مکتب نوفیثاغورثی. چند سالی قبل از میلاد مسیح در تیان متولد شد. او در تارسوس و معبد آسکلپیوس در آژه تحصیل کرد، در ضمن تحصیل به فلسفه‌ی فیثاغورث معتقد شد و زندگی مرتاضانه‌یی در پیش گرفت و سپس در آسیا به مسافرت پرداخت و از نینوا، بابل و هند دیدن کرد و جذب عرفان شرق شد. داستان سفرهای آپولونیوس که توسط مریدش دامیس نقل شد و فیلوسترات آن را نوشت آنچنان پر از کرامات او است که بسیاری از افراد او را شخصیتی تخیلی پنداشته‌اند. در بازگشت به اروپا با او با احترام تمام و به عنوان یک مغ روپروردند. او می‌گفت که فقط نیروی پیشگویی آینده را دارد. لکن در روم گفته می‌شد که او جسم بیجان بانوی جوانی را دویاره زنده کرده است. در هاله‌ی نیروی مرموزش او به یونان، ایتالیا، و اسپانیا سفر کرد. گفته می‌شود که به زندان نرون و دومیتیان گرفتار شد اما بوسیله‌ی معجزه نجات یافت. سرانجام مدرسه‌یی در افسس (در آسیای صغیر) بنا نهاد و ظاهراً در همانجا در سال ۹۷ میلادی وفات یافت. کاراکالا (امپراتور روم ۱۸۸-۲۱۷ میلادی) صومعه‌یی به او تخصیص داد و اواخر قرن سوم چهره‌ی تزیین شده‌ی او را بر معابد افسس چون خدایگانی می‌پرستیدند. کتاب فیلوسترات که تذکره‌ی آپولونیوس است در قرن سوم نوشته شده و به صورت یک مشنوی عارفانه است.

اُضداد"^۶، "طب معالجه‌ی امراض با مشابهات"^۷، و "طب روحانی"^۸) افزود.

اگر کشفیات فوق‌العاده و شگفت‌آورش را می‌شناختید، اگر از خوشخویی و خوش‌قلبی‌اش، اشتیاقش برای کمک به خلق و خضوع و خشوع و فروتنی‌اش خبر داشتید، اگر می‌دانستید که پس از دیدار با استاد فیلیپ لیونی چه عشق سوزانی به عیسی مسیح در دلش جوشیده بود، آنگاه شما نیز درمی‌یافید که پدرم این مرد مهربان و وظیفه‌شناس، مرد عمل در آخرین گذرش بر زمین، که بود. او پزشک بود و رئیس مریضخانه‌ی سیار در زمان جنگ از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۵ شد و تمام وقت خود را به درمان زخمیها، چه فرانسوی و چه آلمانی، اختصاص داد.

سرانجام پس از کاری طاقت‌فرسا، که به رغم خستگی ناشی از فعالیت فکری و جسمی‌اش در بیش از سی سال به انجام رسانده بود، از نظر روانی و جسمی بیمار و بستری شد، و پس از یک بازگشت کوتاه به زندگی سرانجام در همان بیمارستانی که کار خود را شروع کرده بود، درگذشت.

او قربانی روحیه‌ی فداکار و حس وظیفه‌شناسی‌اش شد، قربانی از خودگذشتگی بی‌دریغش در برابر همگان، اعم از مؤمنان یا بی‌اعتقادان، که در خطر جسمی یا روحی قرار داشتند.

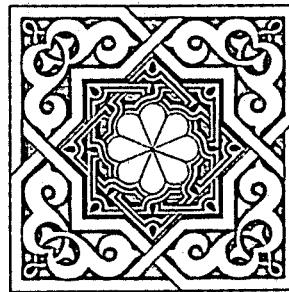
او کسی بود که هرگز وقتی را به بیهوده نگذراند، چه به عنوان یک پزشک حاذق و چه به عنوان یک فیلسوف. او نه

ثورا

تنها در علم باطن قادر به تعمیم و تسهیل آن برای همگان بود بلکه در این مورد مکاشفات بسیار داشت.

دکتر فیلیپ آنکوس

پیشگفتار



..... تقدیم به تمامی خوانندگان آثار عرفانی



پیشگفتار

ثورا نسل پشت نسل به توسط کولیها منتقل شده و به ما رسیده است. و چنانچه تمام دانشمندان عرفان و علوم قدیمه همچون گیوم پوستل^۱، کور دو ژبلن^۲، اتلار^۳، الیفاس لوى^۴ و ژ. آ. وايان^۵ گفته‌اند،

-۱ - گیوم پوستل (Guillaume Postel)، نویسنده و متفکر فرانسوی (بارانتون نرماندی ۱۵۱۰ - پاریس ۱۵۸۱) او به همراه سفیر فرانسوی اول به قسطنطینیه رفت (۱۵۳۷) و با کشورهای خاورمیانه و علوم و زبانهای آنها آشنا شد. بعد در مدرسه‌ی سلطنتی یونانی، عبری و عربی تدریس می‌کرد (۱۵۳۹-۱۵۴۳). سپس در جامه‌ی کشیشان مدتی ژزویت بود (۱۵۴۴). در ونیز (۱۵۴۷) با دیده‌داری ملاقات کرد و این دیده‌دار را چون کسی که از روح القدس وحی می‌گرفت تا بشریت را به خدا بخواند معرفی کرد. پوستل را دیوانه پنداشتند و او دوباره به شرق بازگشت (۱۵۴۸). سپس به ایتالیا رفت و در آنجا به وعظ در باب آشتبی میان مسلمانان و مسیحیان پرداخت (۱۵۴۹-۱۵۵۹)، همانجا به زندان تفتیش عقاید افتاد. سپس به صومعه‌ی سن مارتین پاریس منتقل شد و در آنجا محبوس بود تا وفات یافت. مهمترین نظریه‌ی پوستل تطابق جهانی ادیان (Concordia Mundi) بود و آن را بازگشت حضرت مسیح به جهان میسر می‌دانست.

-۲ - کشیش و نویسنده فرانسوی. پسر آنتوان (Court de Geblin)

ثورا قدیمی‌ترین کتاب عرفانی از عهد باستان است. کلید ساخت و به کار گرفتن ثورا تا قبل از این باز نشده بود. من می‌خواستم جای خالی آن را با تقدیم به جویندگان راه حقیقت پر کنم، و آن را به کسانی تقدیم می‌کنم که عناصر علوم قدیمه را می‌شناسند، چرا که وسیله‌یی است بی‌چون و چرا از برای پیشبرد تحقیقات آنها. خوانندگانی که تاکنون با علوم قدیمه بیگانه بوده‌اند، در ثورا نشان از فلسفه و علمی بسیار والا می‌یابند: علم و فلسفه‌ی مصر قدیم. و برای آن دسته از خوانندگان که فقط تفأل با ثورا را در نظر دارند، فصل شانزدهم تنظیم شده است. کتاب به نحوی تنظیم شده که هر بخش به تنها‌یی کامل است و می‌توان آن را جداگانه مورد ملاحظه قرار داد. من تمام کوشش خود را به کار برده‌ام که تا حد ممکن موضوع را روشن کنم و تمامی کسانی که با محبت آثار قبلی مرا مطالعه کرده‌اند نقایص این اثر عظیم را بر من خواهند بخشید.

پاپوس

پاریس، ۲ مارس ۱۸۸۹

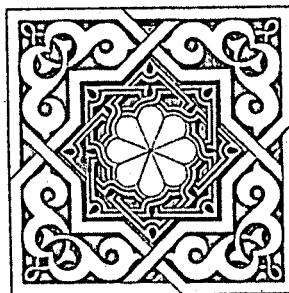
کور (۱۷۲۵-۱۷۸۴ متوالندیم). او به اصل ثورا پی برده و در این باب نکاتی را در کتاب خود جهان اولیه (*Monde Primitif*) (۱۷۷۳-۱۷۸۳) مطرح ساخت.

۳- (Etteila) او آثاری تطبیقی در باب ثورا و قبالا (عرفان یهود) به رشتہ‌ی تحریر درآورده است و تسلط کامل بر ثورا داشته است.

۴- (Eliphas Levi) از استادان علوم قدیمه در قرن نوزدهم که کاملاً بر ثورا تسلط داشت (متوفی به سال ۱۸۷۰).

۵- (J. A. Vaillant) محقق فرانسوی در علوم قدیمه در قرن نوزدهم. او سالها با کولیها زندگی کرده و آداب و سنت آنان را در آثارش به رشتہ‌ی تحریر کشیده است.

فصل اول





واژه‌ی مقدس: واژه‌ی قباليي "يهوه"

اگر ما به سنت باستانی شفاهی عبریان یا قبالا^۱ باور کنیم، واژه‌ی مقدس وجود دارد که چنانچه هر موجود فانی تلفظ حقيقی آن را پیدا کند کلید تمام علوم الهی و بشری را خواهد یافت. اين کلمه را هرگز تلفظ نمی‌کردند، و خاخام بزرگ آن را يك بار در سال در میان فرياد مردم عادي ادا می‌کرد. اين کلمه است که بر قله‌ی هر طریقت

۱- (Kabbala, Qabbalah) از ریشه‌ی **قبّل** به معنی پذیرش است. آین قبالا، یا عرفان یهود، سنتی شفاهی بوده، در قرن یازدهم و دوازدهم در میان یهودیان اسپانیا و جنوب فرانسه افکار قباليي تدوین شد و نخستین آثار مكتوب قباليي، که تفسير عرفاني بر اسفار خمسه در كتاب مقدس بود، به وجود آمد. يكى از مهمترین كتابهای آنها "سفر باهر" يا كتاب روشنایي است. اعتقاد آنان بر مبنای ارتباط خداوند و جهان است. هسته‌ی اصلی قبالا را می‌توان در گفتارهایی که در تلمود آمده و در میان غنوسيان و پیروان فیثاغورث دنبال کرد. هدف قبالا برقراری ارتباط میان جهان اكبر و جهان اصغر است و بيداري در برابر شر و نفس اماره، و نايل شدن به کمال. تمرکز اصلی تعاليم قبالا بر نجوم، حروف و اعداد است.

عظیم و گستردۀ قدمی، علم و دارالعلم و مکاتبی در اختیار داشته است.

هند و مصر هنوز هم از بازمانده‌های گرانقدّری انباشته است که وجود این علم باستانی را ثابت می‌کند.

ما امروزه بر آن هستیم که ثابت کنیم در مجموع شناختهای به دست آمده شاخص غالب این تعلیمات، ترکیبی است جمع آمده در چند قانون به شدت ساده. و اگر ما تمامی این ترکیب را به دست دهیم منجر به چند علت خواهد شد که بیجا نیست آنها را برشماریم.

در عهد باستان علم فقط به افرادی منتقل می‌شد که با آزمایش‌های بسیار امتحان شده بودند. این انتقال در معابد صورت می‌گرفت و عرفان نام داشت، و عالمان بر آن عارف یا سالک نامیده می‌شدند. پس علم امری سری یا خفیه بود و از همین جا است که معاصرین نام علوم خفیه^۲ یا قدیمه را بر ترکیب (ستتر) قدیم گذارده‌اند.

دلیل دیگر، رواج اندک این تعلیمات عالیه، طویل و مشکل بودن سفرهایی بوده است که سالک راه می‌بایست به آنها اقدام ورزد، تا در مرکز مهمترین اسرار علمی قرار گیرد.

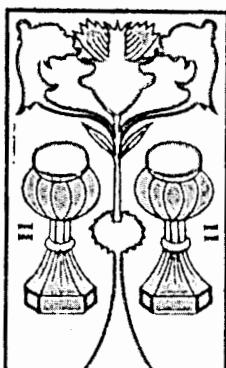
معهذا وقتی سالکان احساس می‌کردند لحظه‌یی فرارسیده که ممکن است تمامی این علوم به دست ابناء بشر از بین بروд تمامی کوشش خود را به کار می‌بستند تا این ترکیب (ستتر) را از نابودی نجات دهند. سه شیوه‌ی اساسی برای این کار معمول بوده است:

۱- انجمنهای سری^۳، ادامه‌ی مستقیم آئین‌های عرفانی قدیم.

- ۲- نحله‌های عرفانی^۴، برگردان تمثیلی تعلیمات عالیه، به زبان ساده برای عوام‌الناس.
- ۳- و سرانجام خود مردم که ناخودآگاه امانتدار علوم می‌شدند. حال بیینیم هر یک از این گروهها چه چیز بر جای گذاشتند.

انجمنهای سری

مکتب اسکندرانی^۵ منبع اصلی تولد انجمنهای سری غربی است. پیروان این انجمنهای اغلب به شرق پناهنده می‌شدند و غربیها به تازگی در هند و تبت به وجود اخوت باطنی که ترکیب (ستنز) قدیم را در اختیار داشته، پی برده‌اند.^۶ اما غربیها به حضور این علم در شرق آنقدر اهمیت نمی‌دهند که به تاریخچه‌ی شکل‌گیری انجمنهای سری در غرب.



4- Les Cultes

-۵ مکتب نوافلاطونی اسکندریه، الیایی و عرفانی اوایل قرن سوم که در اوایل قرن ششم زیرزمینی شد و آخرین نمایندگان آن به ایران گریختند (م۵۲۹).

6- Saint-Yves d'Alveydre: *La Maison de l'Inde*, un vol.

زنگیر انتقال علوم قدیمه در غرب عبارت است از حکمت غنوی^۷، اعراب، کیمیاگران، پیروان هیکل^۸، پیروان صلیب گل

-۷) حکمت غنوی، نظام فلسفی مذهبی بی است که بر خودشناسی و پس از آن بر خداشناسی و در مرحله‌ی آخر به داشت کامل نسبت به مطلق بنا شده است. و در این مرحله‌ی آخر است که آنان اجازه دارند تمام مسایل مربوط به الوهیت، انسان و جهان را حل کنند. این شناخت، جوهری و الهامی است و با اشرافی ناگهانی و تعیین شده، فقط برای سالکانی خاص در نظر گرفته شده است، و به رستگاری می‌رسد. غنوسیان معتقد اند که از این طریق است که شخص ممکن است نجات یابد، و نه از راه ایمان یا اعمال خود. آنان با هر گونه تعصب مذهبی مخالف اند و به رستاخیز و زندگیهای متواتی اعتقاد دارند. این اعتقادات گاه با ریاضت و عزلت همراه می‌شود.

حکمت غنوی از یک شریعت برناخسته است، بلکه در درون هر شریعتی وجه عرفانی آن که با جمع آمدن گروه کوچکی از سالکان شروع شده، حکمت غنوی آن مذهب را شکل داده است. مؤسس حکمت غنوی مسیحیت سیمون مع (Simon Magicien)، بازیلید (Basilide) و غیره بوده‌اند. حکمت غنوی یهودی را فیلون اسکندرانی (Philon D'Alexandrie) به وجود آورده و آن را آیین قبالا (Kabbal) می‌خوانند. حکمت غنوی در اسلام، در عرفان اسلامی و در میان دروزیان وجود دارد. در ایران مغان یا مجوسان بین شیوه از تفکر بودند و حتی از واژه‌ی mage که به معنای مع است و تمام عرفای شروع کننده‌ی راههای عرفانی غرب این عنوان را بر اسم خود دارند، می‌توان نتیجه گرفت که آشنایی آنان با مغان ایران این فلسفه را به غرب معرفی کرده است، لکن در هیچ‌یک از دایره‌ال المعارفهای معروف جهان نام مغان ایران به عنوان مؤثرترین اصل عرفان غرب دیده نمی‌شود. غنوسیان در مکاتب هندی و بودایی نیز وجود داشته‌اند. ردپای حکمت غنوی در اروپای غربی در بسیاری از علوم قدیمه و در چندین جریان فلسفی معاصر بخصوص در الهیات جدید دیده می‌شود. مکتبات حکمت غنوی فقط در نقل قولهای ایرانی قدیس آمده بود، تا اینکه در سال ۱۹۴۶ کتابخانه‌یی از حکمت غنوسیان و درویشان در نزدیکی نگ حمدی در مصر علیا کشف شد. حکمت اشراق سه‌وردي مرتبط با حکمت غنوسیان است.

-۸) مکتب هیکل در ۱۱۱۹ توسط سلحشوری موسوم به هوگو دو پن و چند سلحشور دیگر فرانسوی در اورشلیم تأسیس شد. آنها نام سلحشوران فقیر مسیح را بر خود گذاشتند و دستورات آگوستین قدیس را تقلید

سرخ^۹ و غیره.

کافی است گوشه‌چشمی به تعلیمات این انجمنها بیاندازیم تا بینیم که مکاتب فعلی به تقریب تمام مقاهیم واقعی نمادهای سنتی را از دست داده‌اند و به ته‌مانده‌یی از آیین‌ها و آداب قدیم چسبیده‌اند و

کردند. شاه اورشلیم بودین دوم آنان را در قصری نزدیکی هیکل قدیمی سلیمان سکنا داد. در ۱۱۲۸ این مکتب شکل اساسی خود را گرفت و قوانین جدی بر آن وضع شد. سپس گروه بنیانگذار به غرب آمدند و مکتب هیکل را در غرب اشاعه دادند. در ۱۱۴۸ پاپ به آنان جامه‌یی خاص داد: خرقه‌ی سفید با صلیبی سرخ رنگ. مکتب هیکل بسیار وسعت گرفت و ژروتمند شد. اما در قرن چهاردهم به بهانه‌ی پشتیبانی آنان از مسلمین، لکن در واقع به دلیل داشتن مخازن مالی سرشار، مورد ضرب و شتم کلیسا‌ییان قرار گرفتند و سرانجام به خواسته‌ی شاه فرانسه و به دست دادگاه تفتیش عقاید، بسیاری از آنان به زندان افتادند و زیر شکنجه هلاک شدند. مکتب عرفانی معبد تکفیر شد و تمام اموال آنان برای ایجاد دارالایتمام و مریضخانه مصادره شد، اما به این مصرف نرسید بلکه به دست شاه و سران کلیسا حیف و میل شد.

-۹ (Rose-Croix) مکتبی اشراقی که پیروان آن در قرن هفدهم در آلمان می‌زیستند. نام این مکتب مأخوذه از کتابی است که در سالهای ۱۶۱۴ تا ۱۶۱۵ در آلمان بدون نام مؤلف موسوم به "Allgemeine und General Reformation" به معنای "تغییر عمومی و کلی" منتشر شد. در این کتاب هفت حکیم یونانی در باب تحول دنیا مشورت می‌کنند و در آن نویسنده از وجود یک جمعیت سری به نام صلیب گل سرخ پرده بر می‌دارد و هدف آنان را تشریح می‌کند. از همان تاریخ بخصوص پس از هجویه‌یی که در باب این کتاب انتشار یافت. گروههای مختلف عرفانی که از قرن شانزدهم به طور محترمانه فعالیت داشتند با نام و تحت ریاست صلیب گل سرخ متعدد شدند و صلح جهانی و مذهب بین‌المللی را شعار خود قرار دادند. این گروه که از اجتماعات متعدد بدون ریاست مرکزی تشکیل شده بود از قرن هفدهم در سراسر اروپا بسیار اشاعه یافت. لکن در طول سالها، مقام پرستی و عوامل منفی وارد این مکتب شد و موازین آن از هم گیست. حدود سال ۱۸۸۸ گروهی از نویسنده‌گان علاقه‌مند به عرفان (از جمله بارله، گیتا، آدام، پاپوس مؤلف همین کتاب، و پلادان) سعی کردند صلیب گل سرخ را بازسازی کنند، لکن این گروه هم چندان نپایید و شاید صلیب گل سرخ هنوز هم به صورت جمعیتی سری باقی مانده باشد.

دوره به دوره آن را منتقل می‌کند.

تمام مراسم آیینی امروز که به توسط نمایندگان مکاتب عرفانی غرب اجرا می‌شود و ظاهراً نشانگر تعلیمات عمیق عهد باستان است به نظر سخت و مسخره می‌رسد. معهذا باید متفکران بزرگی چون راگون^{۱۰} و برخی دیگر را مستثنی کرد.

روی هم، مکاتب عرفانی غرب از برآوردن تعهدی که به آنها سپرده شده بود ناتوان مانده و نتوانسته بخصوص این قانون ترکیبی (ستتر) را که ما جست‌وجو می‌کنیم به مرحله‌ی عمل درآورد.

نحله‌های عرفانی

انجمنهای سری بدین منظور به وجود آمده بودند که در نمادگرایی خود بخش علمی عرفان را منتقل کنند، حال اینکه نحله‌های عرفانی به این منظور بودند که بخش فلسفی و ماوراء‌الطبیعه‌ی آن را انتقال دهند.

تمام وابستگان نحله‌های عرفانی قدیم عارف بودند، یعنی می‌دانستند که فقط یک مذهب وجود دارد. نحله‌های عرفانی فقط برای منتقل کردن این مذهب به افراد مختلف با طبیعتهای خاص این افراد است. از این باور نتیجه‌یی مهم به دست آمد: اینکه یک روحانی متعلق به هر مسلکی که بود در تمام معابد با احترام پذیرفته می‌شد و تقدیم قربانی او به هر یک از این معابد مورد قبول واقع می‌شد. با اینهمه، این امر کوچکترین ارتباطی به چند خداییگری

نداشت؛ چنانچه خاخام بزرگ یهودی در هیکل اورشلیم اسکندر کبیر^{۱۱} را پذیرفت و او را در قدس القداس^{۱۲} به تقدیم قربانی راهنمایی کرد.

جدل مذهبیها برای اثبات برتری یک آئین مذهبی بر آئین مذهبی دیگر، عارف را بسیار می‌خنداند زیرا او قادر نیست تصور کند که انسانهای هوشمند بتوانند وحدت تمامی آئینهای مذهبی را در یک مذهب نادیده بگیرند.

فرقه‌گرایی و تعصب نسبت به آئین‌های شخصی، علت اصلی از دست رفتن کامل تعلیمات سری‌یی شد که کلید وحدت ترکیبی (سنتز) را به دست می‌داد.

می‌باید کاری عظیم انجام شود تا ترکیب (سنتز) در مذاهب غربی بازیافته شود. تنها یهودیان هستند که نه فقط روحیه، بلکه حتی ادبیات سنت شفاخی خود یا "قبالاً" را در اختیار دارند. انجیل نوشته شده به زبان عبری از این نقطه نظر یکی از عجایب است. این انجیل تمامی سنت‌های خفیه را در بر دارد، اما از مفهوم واقعی انجیل هرگز پرده‌برداری نشده است. فقط در آثار فابر دلیو^{۱۳} این کار پارزش شروع شده است و تفسیر عرفانی سفر پیدایش توسط سنت ایو به انجام رسیده است. هرچند اعقاب جاهم تفتیش عقاید

۱۱- اسکندر کبیر شاه مقدونیه (۳۵۶-۳۲۳ قبل از میلاد) بعد از گرفتن اورشلیم با احترام گذاشتن به معابد آنان و به جای آوردن ادب مذهبی با مردم از در صلح و آشتی درآمد.

۱۲- (Saint des Saints) بنایی در هیکل یهود واقع در اورشلیم. تالار جماعت موسوم به دیبر یا قدس القداس به ضلع ده متر.

13- Antoine Fabre d'Olivet: *La Langue Hebraïque Restituée*.

که در رم بر مسند نشسته‌اند این آثار را مردود شمرده‌اند، آینده قضاوت خواهد کرد. با این وصف هر آینه‌ی سنت خود و کتاب مقدس خود را دارد و به کسانی که بتوانند وحدت آیین شان را با آینه‌ای دیگر درک کنند آموزش می‌دهد.

"سفر پیدایش" موسی کتاب یهودیان است، "مکاففات" یوحنا و "اناجیل" کتاب مسیحیان است. "او دیسه" کتاب ظاهراً چند خدایی یونانی است، "انه‌اید" کتاب رومیان، "ودا" از آن هندوان و "قرآن" مسلمانان شناخته شده‌تر از آن است که نیازی به معرفی داشته باشد. اگر کلید این کتابها را در اختیار داشته باشیم، یک نظریه ابراز می‌کنند. این کلید را که برای گشودن در عرفان است فرقه‌گرایان مکاتب غربی گم کرده‌اند. پس بی‌فایده است بیشتر در میان آنها بچرخیم.

مردم

حکیمان عهد باستان در مورد آینده‌ی علوم خفیه هیچ تصوری نداشتند و در واقع حفظ و حراست و همچنین پیشرفت آن را به خرد و فضیلت نسلهای آینده سپردند.

مردم به انتظار کسانی که ایمان به آنان داشتند هرگز دچار اشتباه نشده بودند. هیچ چیز از حقیقتی که در اختیار داشتند نمی‌فهمیدند، هیچ تغییری را بر آن روانمی‌دانستند و کوچکترین صدمه‌یی که به آن وارد می‌آمد چون گناهی کبیره می‌انگاشتند، و بدین ترتیب است که یهودیان تمامی ادبیات اسفار موسی را اینچنین دست‌نخورده برای ما باقی گذارند.

آوردن کتابی برای قومی تا آن را با احترام ستایش کند، و آن را

همواره دست‌نخورده حفظ کند عالی است، اما بهتر از آن آوردن کتابی است برای قومی تابه او اجازه‌ی زندگی دهد. آن قومی که از دوران باستان تعلیمات قدیمه به او منتقل شده قوم کولی است.

کولیها

کولیها هم صاحب کتاب هستند. این کتاب موجب می‌شود آنان زندگی کنند زیرا باعث می‌شود حوادث خوب را از پیش بدانند و به خود جلب کنند. این کتاب برای تصریح خاطر دائمی آنها است زیرا سرگرمشان می‌کند و مشغولشان می‌دارد.

این سرگرمی خاطر موسوم به ثورا از قدیم در اختیار کولیها بوده است؛ انجیل انجیل‌ها است، این کتاب ثوث، هرمس مثلث^{۱۴} است، کتاب حضرت آدم است این، و اولین کتاب مقدس مکاشفات از تمدن‌های باستان است.

حال که عرفان غربی افراد هوشمند و با فضیلت سنت خود را از

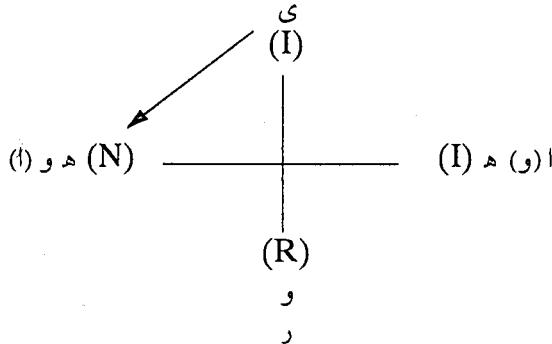
۱۴ - (Hermes Trismagistes) نامی که یونانیان به ثوث، رب النوع مصری ماه، دادند. ثوث سرچشممه‌ی تمام نوشتارهای عرفانی و علوم خفیه، نجوم و طب و مختروع تمام هنرها بود. یونانیان در قرن سوم ثوث را با رب النوع یونانی هرمس برابر دانستند (لقب *trismagistes* یعنی سه بار معظم که از لقب هیروگلیف ثوث به یونانی ترجمه شده است). پس از آن پیروان هرمس به علوم خفیه و قدیمه، طب، کیمیا، فلسفه و الهیات پرداختند و تمام نحله‌های عرفانی مسیحیت با تأثیراتی از نوافل‌اطوینیان و آمیزه‌ی آن با انجیل در آثار آنان به اوج رسید و سراسر قرون وسطی و دوره‌ی نو زایی را در برگرفت. در ادب و فلسفه‌ی اسلامی او را هرمس مثلث النعمه خوانده‌اند. واژه‌ی *magistes* به معنی معظم از ریشه‌ی مُخ است.

دست داده است، حال که کشیشان و روحانیون، افراد خردمند و فاضل عرفان خود را از دست داده‌اند، کولیها، این افراد جاهم و شرور، کلیدی به دست ما می‌دهند که اجازه می‌دهد تمام نمادهای معنوی عهد باستان را بدون اشکال توصیف کنیم.

چگونه ستایش نکنیم حکمت کولیها را که از شر بیش از فضیلت استفاده می‌کردند، لکن ثمر نیکی به دست آوردند.

چنانچه کور دو ژبلن^{۱۵} و بخصوص وايان^{۱۶} اظهار داشته‌اند، کتاب ثورای کولیها کتابی شگفت‌انگیز است. این کتاب با نام تارو، ثورا، تورا و روتا به تناوب مبنای تعلیمات ترکیبی مردم قدیم بوده است. شاید مردم عادی ثورا را جز وسیله‌یی برای تفأل نمی‌بینند، لکن شخصی متفسک از طریق ثورا کلید سنت بسیار پیچیده‌یی را بازمی‌یابد.

ث (ت)



15- Court de Geblin: *Le Monde Primitif*.

16- G. A. Vaillant: *Les Romes, Histoire des Bohémiens*.

ریمون لول بر مبنای ثورا کتاب "هنر کبیر" را نوشته است و موفق شده است مغز بشر را با ثورا مقایسه کند. ژروم کاردان در باب کلید ثورا رساله‌ی سرعت تأثیر را نوشه است. گیوم پوستل در باب ثورا "کلید چیزهای پنهان" را تألیف کرده است و لویی کلود دو سن مارتین، فیلسوف گمنام، در آن خطوط رمزآمیزی را توصیف می‌کند که در آن خداوند جهان و انسان را به وحدت می‌رساند. به برکت ثورا است که ما می‌توانیم این قانون ترکیبی پنهان در تمامی نمادگرایی‌ها را بازیابیم و گسترش دهیم.

مثلاً حروف رمز INRI و "ی هوه" همان رمز را در وجوده مختلف نشان می‌دهد. و ثورا نیز کاملاً بر مبنای همین حروف ساخته شده است. در نمودار صفحه‌ی قبل ثورای "ی هوه" و INRI بر هم منطبق شده است.

رمز INRI: IESUS NAZAREUS REX IUDAORUM یعنی عیسای ناصری شاه یهودیان، قطبه‌ای مخالف علمی، مذهبی و مادی، غیر مادی (ماوراءالطبيعه) یک نظریه است و حروف رمزی است که وحدت با مبدأ را نشان می‌دهد. "ی هوه" این حروف رمز نیز وحدت با مبدأ را نشان می‌دهد.

ثورا (Tarot, Thora, Rota) حروف رمزی است که به همه‌ی شرقیها و غربیها نشان می‌دهد چگونه نیازها و الهامها در آدم-حوای ابدی به وحدت می‌رسد. آدم-حوالا که سرمنشأ تمام شناختها و تمام باورهای ما است.

پس درود بر همه‌ی کولیهای چادرنشین، که حفاظت از این ابزار

شگفت‌انگیز، این چکیده‌ی ترکیب علوم باستان را بدانان مدیونیم.

کار ما در این کتاب

کار ما با تحقیقی در باب حروف جمل و اعداد شروع می‌شود و سپس به جزئیات ساختار ثورا می‌پردازیم و جداگانه هر یک از قطعاتی که این دستگاه را می‌سازند مورد بررسی قرار می‌دهیم، و آنگاه طرز عمل هر یک از قطعات را نسبت به دیگری می‌سنجمیم. ما باید کار خود را به دادن کلیدی منحصر سازیم که به وسیله‌ی یک ضابطه‌ی ترکیبی (فرمول سنتیک) ساخته شده است، فقط وسائل کار را طوری آماده می‌کنیم تا هر کس بخواهد، بتواند از آن استفاده کند، و مطمئن هستیم که افراد ترتیب استفاده‌ی از آن را خواهند فهمید. و سرانجام به ساده‌ترین شیوه‌یی که ممکن بوده چگونگی تفأل با ثورا را بدانگونه که کولیها عمل می‌کردند معرفی کرده‌ایم. برخی افراد گمان دارند نباید علوم خفیه را ظاهر کرد، لکن نمی‌توانند خردی‌یی بر ما بگیرند، زیرا تجربه نشان داده است که می‌توان همه چیز را بدون ترس گفت و افراد فقط آنچه را باید بفهمند می‌فهمند. برخی دیگر نوشه‌های ما را متهم می‌کنند به اینکه گنگ و غیرقابل فهم نوشته شده است، ما با گذاشتن جمله‌ی زیر بر ابتدای کتاب این مطلب را پیش‌بینی کرده‌ایم:

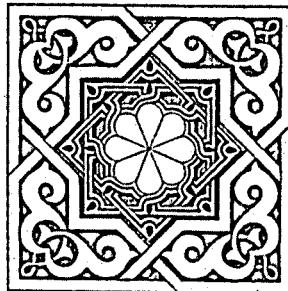
منحصرًا برای استفاده‌ی جویندگان حقیقت

این کتاب بررسی خاصی است از علوم قدیمه‌ی واقعی، تا بتوانیم به

ازادی در برابر همه آن را انجام دهیم و شبیه است به داستانها و تمثیلهایی که اینهمه در قدیم عزیز بوده، و اینک بسیاری از افراد آن را فقط جلوه‌یی از یک تخیل جسورانه می‌دانند. هیچگاه نباید از سخن بی‌پرده ترسید؛ کلمه فقط به کسی اصابت می‌کند که باید به او اصابت کند.

باری، سخن من خطاب به شما است، به همه‌ی شما فیلسوفان "وحدت وجود"، دشمن فرقه‌گرایی علمی، اجتماعی، مذهبی، به شما است که ثمره‌ی سالها کوششم را تقدیم می‌کنم، باشد که از این طریق بتوانم در برپایی معبدی همکاری کنم که شما به افتخار خداوند نامتناهی خواهید ساخت، و در آنجا همه کس در ابدیت به پای خواهد خاست.

فصل دوّم



..... تقدیم به مؤلف بر آستانه‌ی راز،
استانیسلاس دو گیتا از پیروان آیین قبالا^۱

مقدمه‌یی بر آشنایی با ثورا

ما در شرف دگرگونی کامل شیوه‌های علمی خود هستیم. ماده‌گرایی هر آنچه در توان داشته بروز داده است، و پژوهشگران که اغلب به اشتباه خود پی برده‌اند، منظر آینده‌اند، بی آنکه بخواهند بیش از این معطل شیوه‌ی خطای زمان حال شوند. تجزیه و تحلیل تا حد ممکن در تمام شقوق شناخت پیش رفته است، و تنها باعث گودتر شدن خندقی شده که علوم را جدا می‌کند.

ترکیب (ستتر) ضروری است؛ اما چگونه آن را به مرحله‌ی عمل درآوریم؟

اگر لحظه‌یی به لطف، دیگر به پیشرفت بی‌پایان و برتری محظوم نسل جدید بر نسل قدیم باور نکنیم، بدون شک درمی‌یابیم که تمدن

۱- (Le Kabbalist Stanislas de Guita) عالم و عارف قرن نوزده، پیرو آیین قبالا که آثار تطبیقی در مورد ثورا و قبالا دارد. مهمترین کتاب او در این باب "بر آستانه‌ی راز" (Au Seuil du Mystère) است.

عرفانی یافت می‌شود و همین کلمه است که بر فراز دروازه‌ی کلیساها قدمی گسترده شده، از چهار حرف عبری تشکیل شده و "ی هوه" خوانده می‌شود.

در اسفرار سخن از الوهیت آمده است، و ساختار دستوری آن بدانگونه است که تمامی صفات خداوند را در بر دارد.

بنابراین، نیروهایی که به این کلمه متصف شده، نقطه‌یی خاص به وجود می‌آورد که به آسانی دریچه‌ی نمادین صندوق الواح را خواهد گشود، صندوقی که شرح و تفسیر تمام علوم قدیم را در بر دارد و ما ناگزیریم در این باب وارد جزییاتی چند شویم. این کلمه از چهار حرف "ی هوه" تشکیل شده که "ه" در آن دو بار تکرار شده است. به هر حرف از الفبای عبری شماره‌یی منسوب است. بیینیم این چهار حرف چه اعدادی را در بر دارند:

$$\text{ی} = 10$$

$$\text{ه} = 5$$

$$\text{و} = 6$$

بنابراین، ارزش عددی مجموع چهار حرف "ی هوه":

$$10 + 5 + 6 + 5 = 26$$

می‌شود. حال بیینیم مفهوم هر یک از حروف چیست.

"ی"

"ی" نشانه‌ی اصل اشیا است

تمامی حروف الفبای عبری از ترکیب و جفت شدن حرف "ی"=(۱۰) است. بررسی ترکیبی طبیعت، عالمان قدیم را معتقد

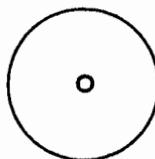
ساخت که فقط یک قانون، تولیدهای طبیعی را رهبری می‌کند. این قانون که پایه‌ی قیاس است واحد-اصل را در مبدأ اشیا قرار می‌دهد و اشیا را چون انعکاس درجات مختلف این واحد-اصل به حساب می‌آورد. از طرفی "ی" به تنها ی تمام حروف و پس از آن تمام کلمات و تمام جملات را شکل می‌دهد، فقط تصویر این واحد-اصل است، و شناخت آن بر کافران محجب است.

بدین قرار قانونی که بر خلقت زبانها و از آنجا بر خلقت زبان عبری حکمفرما بوده، همان قانونی است که در خلقت جهان حاکم بوده است و شناخت یکی از این دو به طور ضمنی شناخت دیگری خواهد بود. این مطلب محتوای اصلی یکی از قدیمی‌ترین کتابهای قبالی "سفر یتسیره"^۱ است. قبل از اینکه مبحث بعدی را مطرح کنیم با مثالی تعریفی را که راجع به "ی" دادیم روشن کنیم.

اولین حرف الفبای عبری، "الف"، از چهار "ی" تشکیل شده است که دو بدو مقابل هم قرار گرفته‌اند و به همین ترتیب در سایر حروف الفبای عبری می‌توان نقش "ی" را یافت.^۲ ارزش عددی "ی" به بررسیهای دیگری نیز منجر می‌شود. در نظریه‌ی قبالاً واحد-اصل، واحد-نهایت موجودات هم هست، و از این نقطه‌نظر

1- (Sepher Jasirah) در میان آثار اولیه‌ی قبالی این تلفظ یافت نشد، لکن نزدیکترین شکلی که پیدا شد "سفر یتسیره" (Yetsirah) بود که در آغاز قرن سیزدهم به توسط ساگی ناهور (ییتسحاق کور) پسر ابراهیم بن داود، معلم و مرشد قبالاً و شاگردانش تألیف شده و در برگیرنده‌ی رسالاتی در باب آفرینش، تفسیری بر "سفر آفرینش" تورات است. پاپوس در پانویس "سفر یتسیره" متذکر شده که "این اثر اخیراً برای اولین بار به زبان فرانسه ترجمه شده است."
2- voir: La Kabbala Denudata

اشیا و ابدیت جز یک حال مستدام و ابدی نیستند. نمادگرایان قدیم این نظریه را به وسیله‌ی نقطه‌یی در مرکز دایره نشان داده‌اند و آن را نشانه‌ی واحد-اصل دانسته‌اند (دایره خطی است بدون شروع یا پایان).^۱



با توجه به این اطلاعات، واحد به عنوان مجموعه‌یی بررسی می‌شود که تمام موجودات آفریده شده، فقط بخش ساخته شده‌ی آن هستند. همانطور که واحد-انسان از مجموع میلیونها سلول تشکیل شده که این موجود را ساخته است.

پس قبلا در مورد مبدأ هر چیز تأکید می‌کند که مطلق موجود به خودی خود در من-واحد است که به طور نمادین با حرف "ی" واز نظر شماره با عدد ۱۰ نشان داده می‌شود. شماره‌ی ۱۰ اصل-کل را نشان می‌دهد و همان عدد ۱ است و با نیست-هیچ که ۰ (صفرا) است ارتباط دارد و به شرایط مورد درخواست جواب می‌گوید.^۲

1- voir: Kircher, *Oedipus Egyptianus*; Lenain. *La Science Kabbalistique*; J. Dee. *Monas Hieroglyphica*.

2- Saint-Martin: *Des Rapports Qui Existe Entre Dieu, L'Homme et L'Univers*; Lacuria: *Harmonies de l'Être Exprimées par les Nombres*.

اما "من" نمی‌تواند درک شود مگر با متضاد خود "نامن". به محض اینکه "من" مورد تأیید قرار گرفت باید بلاfacسله یک انعکاس من-مطلق روی خودش انجام بگیرد که از آنجا مفهوم وجود به توسط نوعی تقسیم واحد به دست می‌آید. این است اصل ثنویت، اصل تضاد، اصل دوگانگی و اصل تصویر زنانگی، همانطور که واحد تصویر مردانگی بود. ده برای ایجاد تضاد با خودش برد تو تقسیم می‌شود ($\frac{1}{2}=5$)^۱، پنج به دست می‌آید که دقیقاً عدد حرف "ه"، حرف دوم کلمه‌ی مقدس است.

پس در مقایسه بای که نشانه‌ی فعال (فاعل) است، هشانه‌ی غیرفعال (مفعول) خواهد بود. "نامن" در مقابل "من"، زن در مقابل مرد، ماده در برابر جوهر، زندگی در مقابل روح وغیره.

اما تضاد "من" و "نامن" بلاfacسله عامل دیگر را به وجود می‌آورد که ارتباط موجود میان من و نامن است.

پس "و" که ششمین حرف الفبای عبری است به وجود آمده است از:

$$(1+5)=6=(ه)+(ي)$$

"و" نشانه‌ی قلاب و پیوند است. این قلاب است که ضدین را در کل طبیعت به هم پیوند می‌دهد و سومین رأس این مثلث عرفانی است.

1- voir: Eliphas Levi. Dogme et Rituel de Haute Magie, La Clef des Grands Mystères.

2- voir: Fabre d'Olivet: La Langue Hebraique Restituée.

"من"- "نامن" ، پیوند "من" با "نامن".

"ه" دوم

بالاتر از این مثلث که حکم قانون را دارد دیگر چیزی وجود ندارد. مثلث رمز ترکیب و مطلق است، که تمامی علوم به آن منتهی می شود و این رمز که ارزش علمی آن فراموش شده به توسط تمام مذاهب این امانتدار ناخودآگاه علم عقلی تمدنهای اولیه، کاملاً به ما انتقال یافته است.^۱

همچنین فقط سه حرف نام مقدس را می سازد؛ حرف چهارم این نام از همان حرف دوم درست شده: "ه" دوباره تکرار شده است. این تکرار عبور قانون مثلث را در یک کاربرد جدید نشان می دهد. به عبارت صحیحتر انتقال از جهان ماوراء الطبیعه به جهان مادی است یا در کل انتقال از جهانی است به جهان بعدی آن.

شناخت خصوصیات هدوم کلید نام الهی به طور کلی است، رد تمام کاربردهایی که نسبت به آن تأثیرپذیر است. اثبات این امر را در فصول آتی خواهیم دید.

خلاصه‌یی در باب کلمه‌ی "ی هوه"

حال که به طور جداگانه هر یک از حروف تشکیل دهنده‌ی کلمه‌ی مقدس را دیدیم نتیجه به دست آمده را ترکیب و آن را جمعبندی می کنیم.

1- voir, Louis Lucas: Le Roman Alchemique.

کلمه‌ی "ی هوه" از چهار حرف تشکیل شده که هر یک مفاهیم زیر را دارد است:

ی = اصل فعال (فاعل)

من = ۱۰

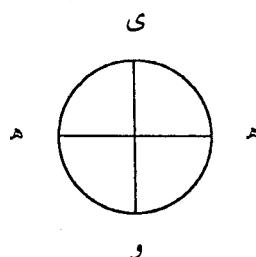
ه = اصل غیرفعال (مفوعول)

نامن = ۵

و کلمه‌ی واسط: قلاب وصل کننده‌ی فاعل به مفعول و ارتباط

من با نامن = ۶

این سه حرف قانون مثلث مطلق است. هدوم نشانه‌ی عبور از یک دنیا به دنیای دیگر است: انتقال. کلمه‌ی هوه را می‌توان به طرق گوناگون عرضه کرد که هر یک موارد استفاده‌ی خود را دارد. می‌توان آن را به صورت دایره به ترتیب زیر عرضه کرد.



اما چون "ه" ب دوم علامت انتقال است، می‌توان حروف فعال را از "ه" ب دوم جدا کرد و آن را به صورت

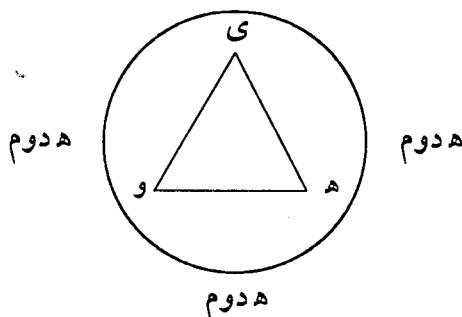
ی ه و

هدوم

نوشت. و یا صورت سوم که سه حرف اول را در یک مثلث بگنجانیم

و هدوم را به صورت دایره‌یی محیط بر مثلث بکشیم.^۱

هدوم



۱- حروف ابجد بسیار قدیمتر از حروف ابتش (حروف هجای عربی) است و در خط فنیقی، سریانی، آرامی و نبطی وجود داشته است. در عربی بعدها ترتیب اصلی الفبا را به هم زندن و ترتیب فعلی را اختاز کردند، به احتمال قوی دسته‌بندی فعلی الفبای عربی پیش از اسلام صورت گرفته است. حروف ابجد یا "ابوجد" عبارت اند از: ابجد، هوز، حطی، کلمن، سعفاص، قرشت، ثخذ، ضطغ. ترتیب حروف ابجد همان ترتیب عبری آرامی است و این امر مؤید آن است که عرب الفبای خود را از آنان به وساطت نبطیان اقتباس کرده است. (مأخذ از برهان قاطع)

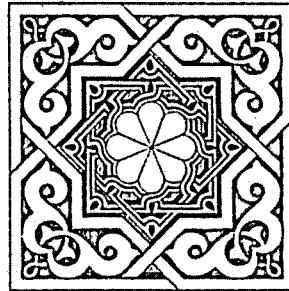
شماره‌گذاری بر حروف ابجد به دو صورت بوده است که در کتاب ثورا صورت دوم اعمال شده است.

صورت اول: از الف تا ی برابر با از ۱ تا ۱۰
از ی تا ق برابر با از ۱۰ تا ۱۰۰
از ق تا غ برابر با از ۱۰۰ تا ۱۰۰۰

صورت دوم در الفبای عبری معمول بوده است. الفبای عبری از ۲۲ حرف تشکیل شده و از الفبای فنیقی گرفته شده است. اشکال حروف تغییر و تبدیل شکل فنیقی آن است. نام حروف عبری به صورت زیر است:
الف، بت، جیمل، دالت، هه، واو، زین، حث، طت، یه، لامد، میم، نون، سامخ، عین، ف، صاد، قاف، رش، شین، تا.

که به ترتیب از ۱ تا ۲۲ شمرده می‌شوند: الف=۱، بت=ب=۲، جیمل=ج=۳، دالت=d=۴، هه=h=۵، واو=w=۶، زین=z=۷، حث=ح=۸، طث=ط=۹، یه=y=۱۰، کاف=k=۱۱، لامد=l=۱۲، میم=m=۱۳، نون=n=۱۴، سامخ=s=۱۵، عین=s=۱۶، ف=f=۱۷، صاد=d=۱۸، قاف=q=۱۹، رش=r=۲۰، شین=t=۲۱، تا=t=۲۲.

فصل سوم





عرفان اعداد

در عهد باستان از اعداد مفاهیمی برداشت می‌کردند که امروزه به تقریب تمامی آن از میان رفته است.

معنی واحد در تمامی تجلیاتش، اعداد را چون بیان قوانین مطلق به حساب می‌آورده است. و از همین رو در عهد باستان برای عدد ۳ و ۴ آنچنان عزتی قایل بوده‌اند، که برای ریاضیدانان هم‌عصر ما کاملاً غیر قابل فهم است.

با اینهمه، واضح است که اگر در عهد باستان عملکرد دیگری سوای آنچه ما امروزه برای اعداد در نظر می‌گیریم قایل نبودند ممکن نبود بر اعداد چنین ارجی بنهند و آنها را به عقاید رایج در تمام دارالعلماء‌های هندو، مصری یا یونانی پیوند دهند.^۱

پس چیستند این عملکردهایی که برای دانشمندان ما ناشناخته‌اند؟

1- Fabre d'Olivet. La Langue Hebraïque Restituée; Saint-Yves d'Alveydre. Mission des Juifs, Archéometre.

در عهد باستان دو عملکرد وجود داشته است: کاهش و افزایش عرفانی.

به این دو عمل اصلی در اعداد، صفات معنوی منسوب می‌شده، زیرا آنان معتقد بودند که در جهان قوانین اصلی طبیعت نفوذ می‌کند و نمی‌تواند از طریق پدیده‌ها درک شود و بر بلندای تفکر خالص مستولی می‌شود. همچنین علم اعداد پایه‌ی آموزش مقدس و شفاهی بوده است که به افرادی با عنوان سالک تعلیم داده می‌شده است.

۱- کاهش عرفانی

کاهش یا تفریق عرفانی به معنای کم کردن اعدادی است که از دو رقم یا بیشتر تشکیل شده‌اند و رساندن آنها به یک رقم منظور نظر است. این امر از طریق جمع کردن ارقام تشکیل دهنده‌ی آن عدد به دست می‌آید تا وقتی که جز یک عدد یک رقمی باقی نماند. مثال:

$$10 = 1 + 0 = 1$$

$$11 = 1 + 1 = 2$$

$$12 = 1 + 2 = 3$$

$$126 = 1 + 2 + 6 = 9$$

$$2488 = 2 + 4 + 8 + 8 = 6 + 16 = 22 = 2 + 2 = 4$$

این همان عملی است که در ریاضی امروز به آن قابلیت تقسیم بر ۳ یا ۹ می‌گویند.

۲- افزایش عرفانی

افزایش یا جمع عرفانی برای شناخت ارزش عرفانی یک عدد است و از نظر حساب تمام ارقام از واحد تا آن عدد را با هم جمع می‌کنیم.

به این معنی که عدد ۴ از نظر افزایش عرفانی برابر است با تمام اعدادی که از ۱ شروع می‌شوند و تا عدد مورد نظر یعنی مثلاً ۴، می‌رسد. مثال:

$$4 = 1 + 2 + 3 + 4 = 10$$

عدد هفت برابر است با:

$$1 + 2 + 3 + 4 + 5 + 6 + 7 = 28 = 2 + 8 = 10$$

عدد ۱۲ برابر است با:

$$1 + 2 + 3 + 4 + 5 + 6 + 7 + 8 + 9 + 10 + 11 + 12 = 78 = 7 + 8 = 15$$

برای شناختن علم و فلسفه‌ی عهد باستان کاهش و افزایش عرفانی دو عملکرد اجتناب ناپذیر هستند.^۱ حال اگر اطلاعات داده شده را در مورد تمام اعداد به کار ببریم می‌توانیم قانونی برای توالی آنها پیدا کنیم.

کاهش عرفانی به ما نشان می‌دهد که اول از همه تمامی اعداد، هر عددی که باشد، به ۹ عدد اول کاهش می‌یابد زیرا ما آنها را تبدیل به یک عدد یک رقمی می‌کنیم.

اما این نتیجه‌گیری کافی نیست زیرا افزایش عرفانی پرتوی دیگری نیز می‌تاباند.

1- Papus. *Traité Elementaire de Science Occulte*, chapitre II;
Jacob. *Esquisse du tout Universel*.

از طریق افزایش عرفانی می‌بینیم که ۱، ۴، ۷، ۱۰ برابرند با ۱ زیرا:

$$1 = 1$$

$$4 = 1 + 2 + 3 + 4 = 10 = 1 + 0 = 1$$

$$7 = 1 + 2 + 3 + 4 + 5 + 6 + 7 = 28 = 2 + 8 = 10 = 1 + 0 = 1$$

$$10 = 1 + 0 = 1$$

به این ترتیب عدد ۱۰ تمام مجموعه‌های زیر را در بر می‌گیرد:
۱ ، ۲ ، ۳

$$4 = 10 = 1$$

$$4 ، 5 ، 6$$

$$7 = 28 = 10 = 1$$

می‌توان نوشت:

$$1 ، 2 ، 3$$

(۱)

$$4 ، 5 ، 6$$

(۱)

.....

از این بررسی چنین نتیجه می‌شود که اولاً تمام اعداد در تغییر خود ۴ عدد اول را تولید می‌کنند. ثانیاً آخرین عدد این چهار عدد اول یعنی ۴، واحد را در یک مجموعه‌ی بعدی متفاوت عرضه می‌کند.

حال اگر ردیف اعداد را به ترتیب زیر بنویسیم:

$$1 ، 2 ، 3$$

$$4 ، 5 ، 6$$

$$7 ، 8 ، 9$$

$$10 ، 11 ، 12$$

$$13 ، 14 ، 15$$

$$16 ، 17 ، 18$$

$$19 ، \dots , \dots$$

می‌بینیم که ۴، ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۱۹ و غیره مقایم مختلف واحد

هستند و چنانچه دیدیم کاهش و افزایش عرفانی این امر را اثبات می‌کنند:

$$1=1$$

$$4=1+2+3+4=10=1$$

$$7=1+2+3+4+5+6+7=28=10=1$$

$$10=1$$

$$13=1+3=4=10=1$$

$$16=1+6=7=10=1$$

$$19=1+9=10=1$$

و غیره

پس می‌بینیم از هر سه عدد ردیف اول، یکی فوراً به واحد می‌رسد در حالی که دو عدد بین دو عددی که به واحد می‌رسند تدریجیاً به واحد می‌رسند (یعنی ۱، ۱۰، ۱۹ فوراً عدد یک را به دست می‌دهد، ولی ۴، ۷، ۱۳، ۱۶ با عملیات تدریجی مساوی یک می‌شود). تکرار کنیم که شناخت قانون بررسی اعداد آنچنانکه در اینجا آمده است کلید تمامی علوم قدیمه است.^۱

آنچه تا کنون گفتیم را می‌توان به ترتیب زیر خلاصه کرد:
تمامی اعداد در آخرین تجزیه‌ی خود به ردیف چهار عدد اول که به ترتیب زیر چیده شده‌اند، کاهش می‌یابند.

۱-۲-۳-۴

ارزش ۱۲ عدد اول، کلید عدد ۷۸ در برگهای ثورا است:

$$1=1$$

$$2=1+2=3$$

$$3=1+2+3=6$$

$$4=1+2+3+4=10$$

1- Eckartshausen. La Magie des Nombres, publiée dans La Revue L'Initiation.

$$۵=۱+۲+۳+۴+۵=۱۵$$

$$۶=۱+۲+۳+۴+۵+۶=۲۱$$

$$۷=۱+۲+۳+۴+۵+۶+۷=۲۸$$

$$۸=۱+۲+۳+۴+۵+۶+۷+۸=۳۶$$

$$۹=۱+۲+۳+۴+۵+۶+۷+۸+۹=۴۵$$

$$۱۰=۱+۲+۳+۴+۵+۶+۷+۸+۹+۱۰=۵۵$$

$$۱۱=۱+۲+۳+۴+۵+۶+۷+۸+۹+۱۰+۱۱=۶۶$$

$$۱۲=۱+۲+۳+۴+۵+۶+۷+۸+۹+۱۰+۱۱+۱۲=۷۸$$

(اگر حاصل هر مجموع را در نظر بگیریم مابه التفاوت هر عدد با عدد قبل از خود، عدد سمت چپ را به دست می‌دهد. مثلاً: $۲ - ۱ = ۱$ و $۳ - ۲ = ۱$ و $۴ - ۳ = ۱$ و $۵ - ۴ = ۱$ و $۶ - ۵ = ۱$ و $۷ - ۶ = ۱$ و $۸ - ۷ = ۱$ و $۹ - ۸ = ۱$ و $۱۰ - ۹ = ۱$ و $۱۱ - ۱۰ = ۱$ و $۱۲ - ۱۱ = ۱$ و ...).
الی آخر).

مفاهیم اعداد

معلومات علوم قدیم در باب اعداد در همینجا خاتمه نمی‌یابد.

علم قدیم به هر عددی مفهومی را نسبت می‌دهد.

دیدیم که تمام اعداد را می‌توان به چهار عدد اول کاهش داد، پس

کافی است که مفهوم این چهار عدد را بدانیم.

واحد نشانه‌ی اصل آفریننده‌ی اعداد است، زیرا از او است که همه

چیز ناشی می‌شود. در نهایت واحد، اصل فعال (فاعل) است.

اما واحد به تنها بی نمی‌تواند چیزی تولید کند مگر در تضاد با خود

یعنی به صورت $\frac{۱}{۱}$ ، که از آنجا ثنویت به وجود می‌آید که اصل تضاد

را می‌نماید و با $\frac{۱}{۱}$ نشان داده می‌شود. در نهایت $\frac{۲}{۱}$ اصل غیرفعال

(مفوع) است.

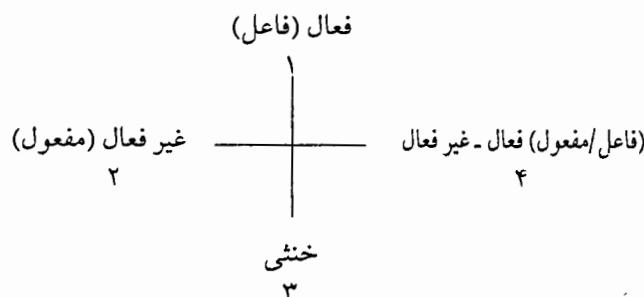
از اتحاد واحد و ثانی اصل سوم به وجود می‌آید که دو متضاد را در

یک خنثای مشترک اتصال می‌دهد: $۱+۲=۳$. در نهایت ۳ یک اصل خنثی است.

اما این سه اصل تمامی در یک اصل چهارم کاهش می‌یابند و فقط مزیتی جدید بر واحد در اصل فعال عرضه می‌کنند.^۱ بنابراین، قانون اصلهای مطرح شده به صورت زیر است:

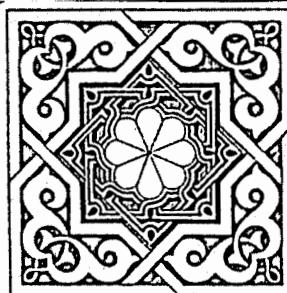
عمل تضاد	تضاد	واحد
روی واحد	مخاصمه	یا بازگشت به واحد
خنثی	غيرفعال	فعال
۳	۲	۱
		فعال
		۴

و شکل زیر حاصل می‌شود:



1- Papus: *Traité Élémentaire de Science Occulte*.

فصل چهارم



۱ تقدیم به ژرژ مونتیر



ارتباط کلمه‌ی مقدس و اعداد

ردیف اعداد ۱، ۲، ۳، ۴ نشانه‌ی فعال (فاعل)، غیرفعال (مفعول)،
ختشی و یک فاعل دوم است که از هر نظر به مجموعه‌ی حروف نام
 المقدس جواب می‌گوید، به ترتیبی که می‌توان کلمه‌ی مقدس را به
صورت زیر نوشت:

"ی"- "ه"- "و"

"ه" دوم = "ی" و غیره

از نظر قیاسی:

۱ نشانه‌ی ی

۲ نشانه‌ی ه

۳ نشانه‌ی و

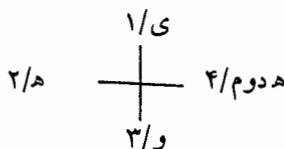
۴ نشانه‌ی ه دوم

در ضمن به یاد داشته باشیم که عدد ۴ همسان با ۱۰ و بنابراین برابر با واحد است ($1 = 4 = 10$) و هدوم نشانه‌ی "ی" از مجموعه‌ی دوم است. اگر دو مجموعه‌ی همسان را کنار هم بگذاریم شکل زیر را به دست خواهیم آورد:

ردیف قبالاً ردیف اعداد



همسانی دو مجموعه



ما اینک حتی می‌فهمیم چرا فیثاغورث^۱، که در مصر به طور پنهانی

-۱ - (Pythagoras) فیلسوف یونانی که در ۵۳۰ قبل از میلاد نشانه‌هایی از فعالیت او در دست است. او در ساموس تولد یافت. اخبار سفرهای او بسیار است و به یقین افکار عرفانی و مذهبی خود را در سفر به آسیای صغیر، مصر، هند و ایران جذب کرده است. او مکتبی را تأسیس کرد که مبنای آن برادری مذهبی بود، بر ترکیه‌ی نفس و جستن از "چرخ تولد" تکیه داشت و به تحول اخلاقی به جای تحول فلسفی توصیه می‌کرد. در مكتب او علم جایگاهی رفیع داشت؛ اصل فلسفی اعداد، و تطبیق آنها را با علوم طبیعی و الهی دنبال می‌کرد. او در علم ریاضیات، فیزیک و نجوم تحقیق می‌کرد. جدول ضرب بدو منسوب است. در حساب واحد را نشانه‌ی نقطه، عدد ۲ را نشانه‌ی خط، عدد ۳ را نشانه‌ی سطح و عدد ۴ را نشانه‌ی حجم می‌گرفت. او با ترکیب هندسه و حساب اعداد ۱ تا ۴ را به صورت مثلثی آراست و آن را چهارتایی (Tetraktyς) خواند و از طریق این شکل افزایش عرفانی در قبالا یا مصر قدیم را نتیجه گرفت: $1 + 2 + 3 + 4 = 10$ ، و از

فصل چهارم

۵۱

با واژه‌ی مقدس "یهوه" آشنا شده بود در تعلیمات عرفانی خود آن را با مجموعه‌ی ۴ عدد یا چهارتایی جانشین کرده بود. این ردیف اعداد از هر نظر با مجموعه‌ی حروف نام مقدس و چهارتایی فیثاغورث: ۴، ۳، ۲، ۱ برابر است. مجموعه‌ی اعداد یا مجموعه‌ی حروف قطعاً در چهار عدد با معلومات زیر خلاصه می‌شود:

یک جزء مثبت یا مولد

۱ یا ۱

یک جزء منفی یا تولید شده

۲ هیا

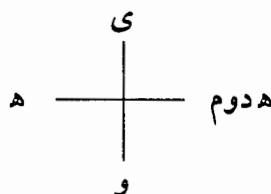
یک جزء خنثی، منتج از دو جزء قبلی

۳ و یا

یک جزء انتقالی که در مجموعه‌ی بعدی شکل می‌گیرد

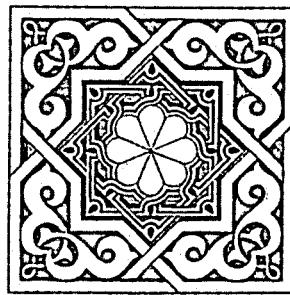
۴ هدوم یا

همراه با معلومات اولیه‌ی داده شده، که داشتن آنها کاملاً اجتناب ناپذیر است برگهای ثورا را برمی‌داریم و قانون جهانی را که در عهد باستان به صورت صلیب نموده می‌شده است بازمی‌یابیم.



آنجا عدد ۱۰ را نشانه‌ی مثلث می‌دانست.

فصل پنجم



..... تقدیم به دکتر گویار^۱



کلید رمز صغیر

ثورا از ۷۸ برگ تشکیل شده که به ترتیب زیر تقسیم می‌شوند:

۵۶ برگ موسوم به رمز صغیر

۲۲ برگ موسوم به رمز کبیر

۵۶ رمز صغیر از ۴ دسته برگ ۱۴ تایی تشکیل شده است. ۲۲ رمز کبیر از ۲۱

برگ شماره دار و یک برگ بدون شماره تشکیل شده است.

پس برای آشنایی با برگهای ثورا باید دسته‌بندی زیر را انجام داد:

$$14 + 14 + 14 + 14 = 56 \quad (4 \text{ بسته برگ } 14 \text{ تایی})$$

$$+ 21 \quad (1 \text{ بسته برگ } 21 \text{ تایی})$$

$$+ 1 \quad (1 \text{ بسته برگ یکی})$$

$$\hline 78 \quad \text{جمع}$$

ما در صفحات بعد به مبدأ و اصل این اختراع شگفت‌انگیز افراد بشر برخواهیم گشت. در اینجا تنها این مجموعه را تشریح می‌کنیم و عملکرد عجیب آن را نشان می‌دهیم:

با یک اصل تغییرناپذیر شروع می‌کنیم، ساختار نمودار چهار حرفی مقدس "ی هوه" در ثورا ترکیب‌های گوناگونی را تجربه می‌کند اما هرگز از مبدأ اصلی خود جدا نمی‌شود. در هنگام استفاده از ثورا متوجه می‌شویم که این ساختار شگفت‌آور همواره بر قانون جهانی قیاس مبتنی است که در فصلهای آینده بدان خواهیم پرداخت.

توضیحاتی که پس از این می‌آید شاید به نظر برخی مشکل باشد. کسانی که تصور می‌کردند کلید حتمی علوم قدیمه یا علوم خفیه را در اینجا به دست خواهند آورد لازم است بدانند که در صندوق الواح را باید خودشان بگشايند.

بررسی یک خال (رنگ)

یکی از دسته‌های چهارده‌تایی را که جدا کرده‌ایم برداریم و ساختار آن را بررسی کنیم.

از میان چهار دسته‌ی چوب‌دست، جام، شمشیر و سکه، چوب‌دست را انتخاب می‌کنیم.

این دسته‌ی چهارده برجی از چهار صورت: شاه، شاهبانو، سردار و سرباز، و از ده برج شماره‌دار تشکیل شده است. شماره‌ها عبارت‌اند از: تکخال، دو، سه، چهار، پنج، شش، هفت، هشت، ثُه و ده.

بررسی چهار صورت

ابتدا چهار صورت را بررسی کنیم:

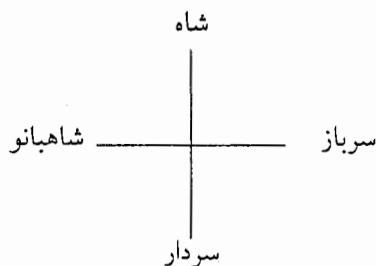
شاه، نشانگر فاعل، مرد، نر؛

شاهبانو (بی بی)، نشانگر مفعول، زن، ماده؛

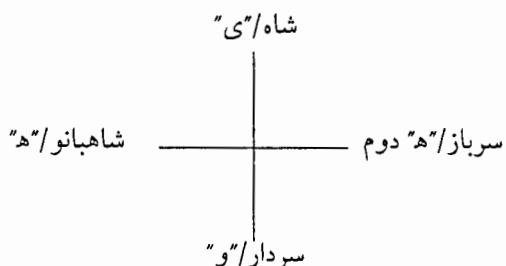
سردار، نشانگر خشی، نوجوان؛

و سرانجام سرباز که چهارمین صورت است از این گروه چهارتایی.

حال می توانیم نموداری به شکل زیر بکشیم:



این مجموعه فقط کاربرد قانونی کلی است از "ی هوه" که ما بخوبی می شناسیم و رابطه‌ی آنها به صورت زیر خواهد بود:



پس سرباز با "ه" دوم مرتبط است، یعنی فقط مفهومی برای انتقال دارد؛ اما انتقال از کجا به کجا؟ انتقال از چهار صورت به ده شماره‌ی بعدی.

بررسی ده شماره‌ی بعدی

حال به این شماره‌ها بپردازیم. ما قانون شماره‌ها را می‌دانیم و قانون ارقام گروهی را که قبل‌اً در این مورد بررسی کردیم، می‌شناسیم:

۱-۲-۳

۴-۵-۶

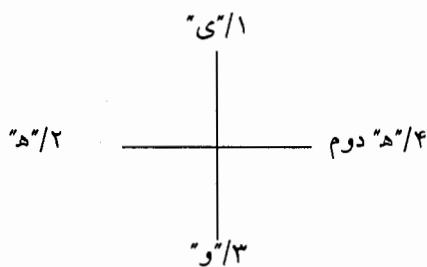
۷-۸-۹

.....

این ده برگ از این قانون بری نیستند و ما می‌توانیم مجموعه را پشت سر هم ردیف کنیم.

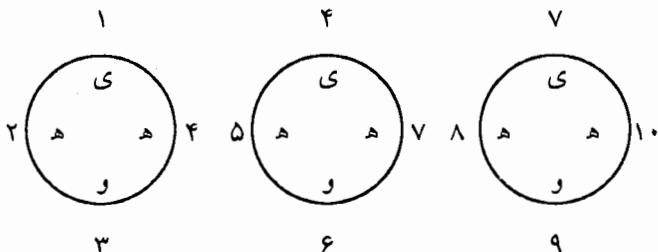
اولین مجموعه از تکحال یا ۱ نشانه‌ی فاعل، ۲ نشانه‌ی مفعول، ۳ نشانه‌ی خنثی، و بالاخره ۴ نشانه‌ی انتقال از این مجموعه به مجموعه‌ی دیگر است.

بنابراین، ۱، ۲، ۳، و ۴ هم با "یهوه" مرتبط است و نموداری به شکل زیر خواهد داشت:

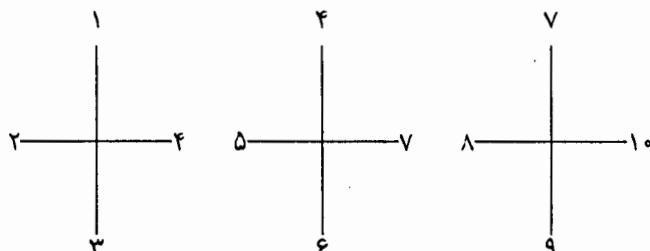
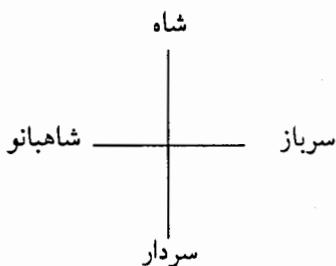


در مورد مجموعه‌های دیگر هم به همین شکل خواهد بود: "ه" دوم از مجموعه‌ی قبلی، "ی" از مجموعه‌ی بعدی خواهد بود؛ همچنین ۴، چهارمین جزء از مجموعه‌ی اول، جزء اول از مجموعه‌ی دوم خواهد شد؛ ۷ چهارمین جزء از مجموعه‌ی دوم، اولین جزء از

مجموعه‌ی سوم خواهد شد، و قس‌علیه‌ذا:



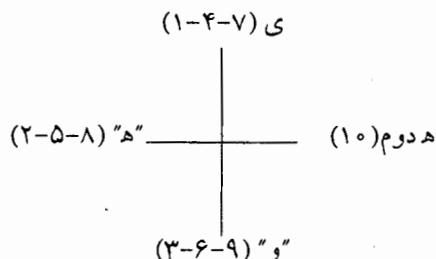
می‌بینیم که همان قانون "ی‌هوه" در مورد سلسله‌ی اعداد ثورا هم صدق می‌کند. از آنجایی که این قانون برای چهار صورت هم صدق می‌کند می‌توان دریافتی بر مبنای تnasabat زیر داشت:
دو جزء (اعداد و تصاویر) مساوی با یک جزء سوم (قانون ی‌هوه)
هستند، پس با هم برابرند.



حال اگر تمامی اعداد پیاپی را از روی حروف چهار حرفی ردیف

کنیم می بینیم:

"ی"	۱-۴-۷
"ه"	۲-۵-۸
"و"	۳-۶-۹
"ه" دوم	۱۰



بنابراین، شماره‌ی ۱۰ برای اعداد مانند سریا ز است برای صورتها، یعنی حکم انتقال دارد. انتقال از چه به چه؟ انتقال از خالی به خال دیگر.

رابطه‌ی خال‌ها و اعداد

ما ابتدا صورتهار ابهت‌هایی بررسی کردیم و بعد خال‌ها را. حال ببینیم رابطه‌ی که میان صورتها و اعداد وجود دارد چیست. اگر دسته‌های مشابه را از روی قانون مشابهی که بر آن حاکم است بررسی کنیم آنچه در زیر آمده را به دست خواهیم آورد:

شاه	"ی"	۱-۴-۷
شاهبانو	"ه"	۲-۵-۸
سردار	"و"	۳-۶-۹

۱۰ سرباز "ه" دوم

مجموعه‌ی صورتها سه بار در مجموعه‌ی اعداد خواهد آمد، یعنی هر دسته‌ی اعداد نشانگر مفهومی از صورتها است در هر یک از سه دنیای قبالا.

مجموعه‌ی اعداد ۱، ۲، ۳، ۴ نشانگر مجموعه‌ی شاه، شاهبانو، سردار، و سرباز در عالم علوی است. مجموعه‌ی اعداد ۴، ۵، ۶، ۷ نشانگر این تغییر در عالم بشری و مجموعه‌ی ۷، ۸، ۹، ۱۰ نشانگر این تغییر در عالم مادی است.

هر حال یک شکل کامل به صورت اختصاصات بشری دارد:

جسم مادی:

(سردار - ۹، ۸، ۷)

نیروی حیاتی:

(شاهبانو - ۶، ۵، ۴)

تفکر:

(شاه - ۱، ۲، ۳)

عوامل تولیدکننده:

(سرباز - ۱۰)

هر یک از این بخشها خود به سه قسمت دیگر تقسیم می‌شوند، مانند شماره‌یی که نشانگر آنها است.
اگر با توجه به توضیحات فوق نتایج به دست آمده را جمع‌بندی

کنیم، می بینیم:
نشانه های "ی":

شاه یا تکحال

۱

۴

۷

نشانه های "ه":

شاهبانو (بی بی)

۲

۵

۸

نشانه های "و":

سردار

۳

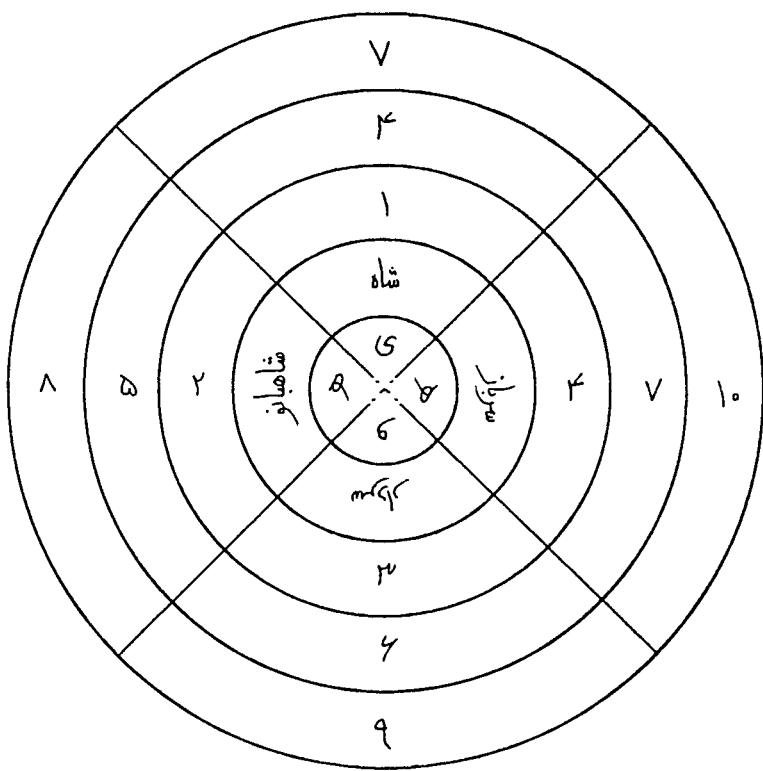
۶

۹

نشانه های "ه" دوم:

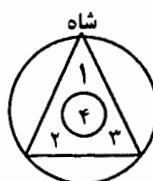
سرپاز

۱۰



نمایش یک خال

عالم علوی



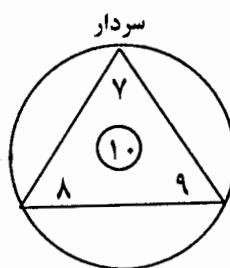
سر- معنویت

عالم بشری

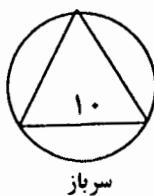


سینه- حیات

عالم مادی



جسم- مادی بودن

انتقال از یک عالم
به عالم دیگرانتقال از یک موجود
به موجودی دیگر

ارتباط اندامها و عوالم در یک رمز صغیر

بررسی چهار خال

با توجه به مطالب فوق به بررسی خود ادامه می‌دهیم و همین اصول را در مورد دیگر برگها در نظر می‌گیریم.

قانونی که هم‌اکنون برای وضعیت یک خال به کار برده‌یم برای سه خال دیگر هم قابل اجرا است. اما اگر چهار خال ثورا را در نظر بگیریم شرح و تفصیل جدیدی لازم می‌شود. به یاد داشته باشیم که این چهار خال عبارت اند از:

چوبدست، جام، شمشیر و سکه.

چوبدست نشانه‌ی مرد یا فاعل
جام نشانه‌ی مفعول یا زنانگی

شمشیر نشانه‌ی وحدت این دو، در شکل صلیبی اش:

سکه نشانه‌ی هدوم

تمام کسانی که ثورا را از نظر فلسفی بررسی کرده‌اند در مورد ارتباط میان چهار شکل و چهار خال همداستان اند. گیوم پوستل، و بخصوص الیفاس لوی، در این بررسی به نتایج جالبی رسیده‌اند و بجانشان می‌دهند که چهار حرف چهارتایی "یوه" در نمادگرایی تمام مکاتب معنوی به کار می‌روند.

ارتباط این چهار حرف و نمادهای ثورا در مسیحیت چنین است:

"ی" یا چوبدست ثورا، نشانه‌ی عصای مطران

"ه" اول یا جام، نشانه‌ی جام تبرک کلیسا

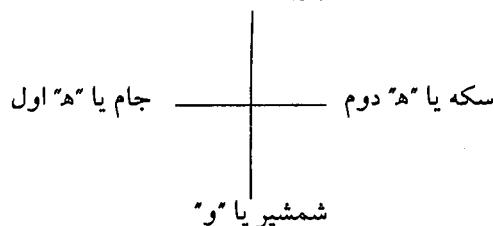
"و" یا شمشیر، نشانه‌ی صلیب چراکه همان شکل را دارد

"ه" دوم یا سکه، مانند فطیر در مراسم کلیسا، نشانه‌ی انتقال از عالم طبیعت به

عالی ماوراء الطبیعه

مجموعه‌یی که ما در یک خال بررسی کردیم در مورد چهار خال دیگر هم صدق می‌کند (شکل ص ۶۳).

چوبدست یا "ه"



نگاهی کوتاه بر مجموعه‌ی رموز صغیر

اگر مانگاهی به صفحات قبل بیاندازیم می‌توانیم باسانی مسیر طی شده را بازبینی کنیم.

چهار خال مورد نظر در کل به ما کاربرد قانون "ی هوه" را نشان می‌دهند.

اما در مورد هر یک از خالهای انتخاب شده نیز، به طور جداگانه همین قانون صدق می‌کند.

چهار صورت، "ی هوه" را نشان می‌دهند.

چهار مجموعه‌ی اعداد هم همینطور.

حال اگر تمام برگها را از روی ارتباطشان دسته‌بندی کنیم، نتایج زیر به دست خواهد آمد:

"ی" : ۴ شاه

۴ تکخال

٤ چهار
٤ هفت
٤ شاهبانو: "اول"

٤ دو
٤ پنج
٤ هشت

"و": ٤ سردار
٤ سه
٤ شش
٤ نه

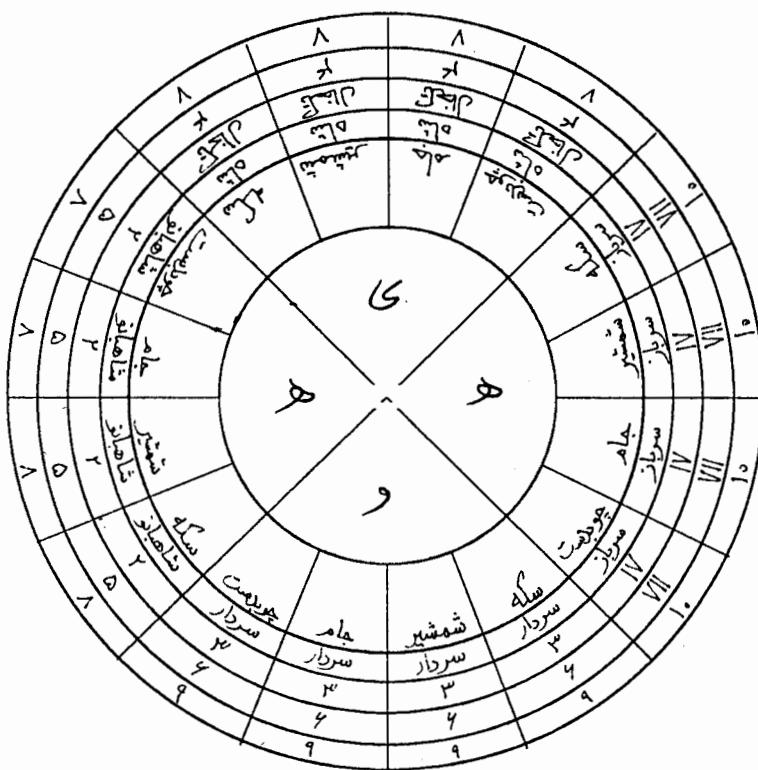
"ه" دوم: ٤ سرباز
٤ ده

اگر بخواهیم تمام این صورتها را با یک شکل ترکیبی نشان دهیم، آنها را در مرکز یک دایره‌ی منقسم به چهار بخش قرار می‌دهیم که هر بخش از دو طرف به حروف "ی هوه" ارتباط داردند.
با هر یک از بخشها چهار حرف مرتبط هستند و در تمام دایره برگها به صورت شعاع پخش می‌شود. شکل ص ۶۸: "شکل کلی رموز صغیر" را ببینید.

صورتها برای خالها به همانگونه اند که خالها برای صورتها.
مجموعه‌ی صورتها در سه عالم علوی، بشری و مادی (ص ۶۴) با

اعداد نموده شده، به همان ترتیب مجموعه‌ی خالها: چوبدست، جام، شمشیر و سکه نیز در صورتها مشخص می‌شوند (شکل ۷۰).

شکل کلی رموز صغیر



می‌دانیم که هر خال یک قالب کامل از جسم، روح و روان یا نیروی حیاتی است، به همان ترتیب هر چهار خال دسته‌بندی زیر را

می‌دهند:

جسم مادی رموز صغیر:

سردار	۴
هفت	۴
هشت	۴
نه	۲

جسم حیاتی رموز صغیر:

شاهبانو	۴
چهار	۴
پنج	۴
شش	۴

جسم متفکر:

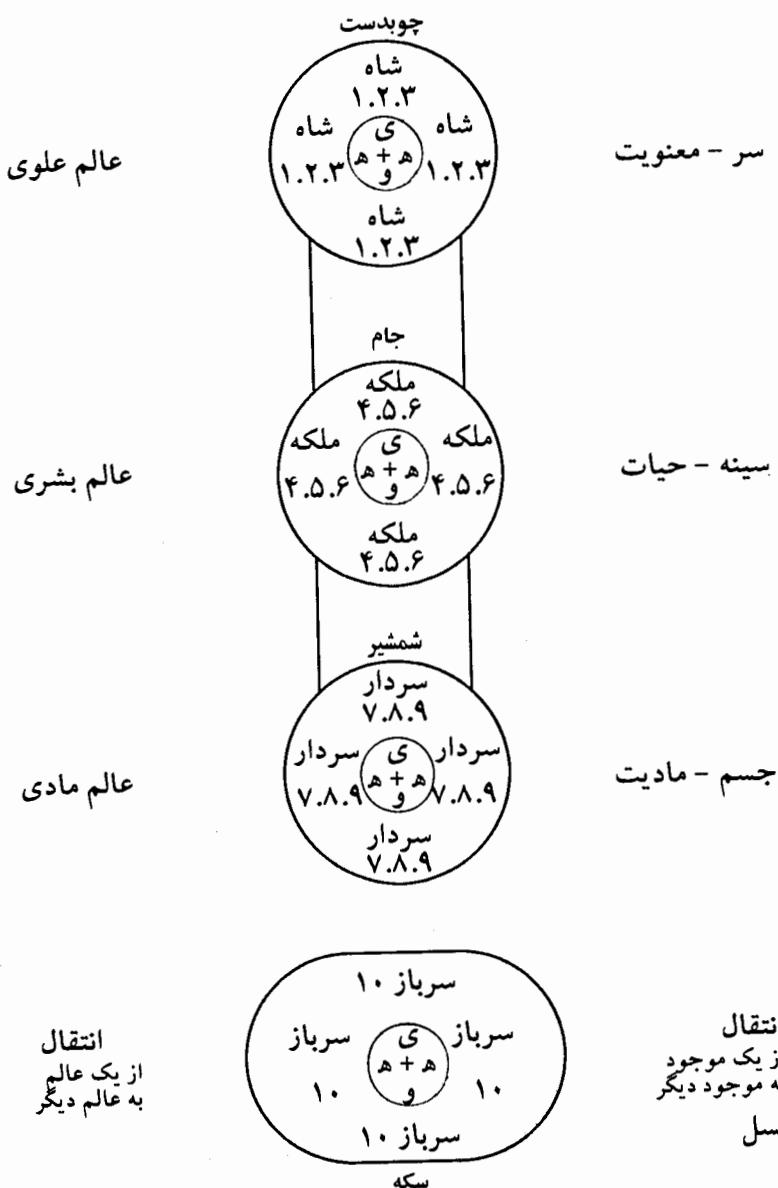
شاه	۴
تکخال	۴
دو	۴
سه	۴

اندامهای تولیدکننده:

سریاز	۴
-------	---

از سوی دیگر چوبیدستی دارای چهار شاه است، جام ه دارای

چهار شاهبانو، شمشیر و دارای چهار سردار، سکه‌ی ه دارای چهار سرباز (شکل ص ۶۸).



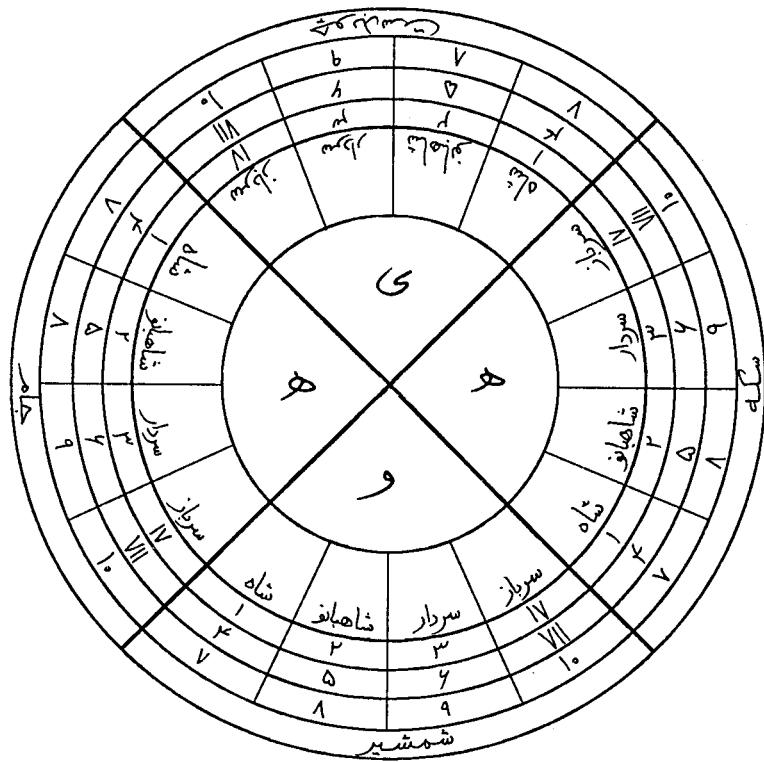
در اینجا فقط بر ارتباط گسترده و سازنده میان خالها تأکید می‌کنیم و خاطرنشان می‌کنیم که تفسیر آنها را در ابعاد وسیعی می‌توان بسط داد.

نمودارهایی که ملاحظه می‌کنید عملأ برای نشان دادن تلاقي شباهتها است که شیوه‌ی علوم قدیمه است و از آن در آثار قبلی خود سخن بسیار گفته‌ایم.

کافی است که این نمودار آخر (ص ۷۲: با عنوان "کلید کلی رموز صغیر") را که چهار خال: چوبدست، جام، شمشیر و سکه را نشان می‌دهد با نمودار اول (ص ۶۳) که فقط یکی از آنها را نشان می‌دهد مقایسه کنیم. می‌بینیم قانونی که این دو نمودار از آن پیروی می‌کنند مشابه است، فقط طرز به کار گرفتن متفاوت است.

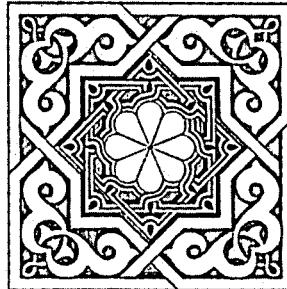
بدین ترتیب است که سلوهایی که بشر را شکل می‌دهند، دسته‌بندی می‌شوند تا جهاز بدن را بسازند، و جهازها دسته‌بندی می‌شوند و فرد را به وجود می‌آورند.

از آنچه تاکنون گفته شد جمع‌بندی زیر را نتیجه می‌گیریم:
سکه در مقابل هدوم و نشانه‌ی انتقال است
انتقال از کجا به کجا؟
از رموز صغیر به رموز کبیر.



کلید کلی روز صغیر

فصل ششم



..... تقدیم به خاطره‌ی نویسنده‌ی انتقام حیوانات،

امیل گودو^۱



کلید رموز کبیر

اختلاف عمدۀ میان رموز کبیر و صغیر در این است که در رموز کبیر صورت‌ها و اعداد به هم آمیخته‌اند، در حالی که در رموز صغیر صورت‌ها (عکس‌ها) از اعداد جدا هستند.

رموز کبیر ۲۲ برگ است، اما یکی از این میان صفر (۰) است و یا به اعتباری هیچ عددی ندارد. پس باید گفت رموز کبیر در واقع از ۲۱ برگ تشکیل شده است.

اغلب محققانی که ثورا را مورد بررسی قرار داده‌اند فقط همین ۲۲ برگ را مورد توجه قرار داده‌اند، بی‌آنکه سایر برگ‌ها را در نظر گیرند. حال آنکه همه‌ی این مجموعه با هم نظام کلی ثورا را به وجود می‌آورد. بیش از این از موضوع خارج نشویم و به کاربرد قانون "یوه" در این بخش از ثورا بپردازیم.

1- Emile Goudeau: *Revanche des Bêtes*.

پس از ملاحظه‌ی رموز صغیر اولین نتیجه‌گیری کلارینچ اسپیت کلیملر رموز کبیر هم به‌حتم ردیفی وجود دارد. اما چگونه باید این ردیف را پیدا کرد؟

هر برگ از رموز صغیر نشانه‌ی نمادینی است که به سادگی می‌توان آن را در مجموعه جای داد (چوبدست، جام، شمشیر، سکه). اما در رموز کبیر چنین نیست؛ هر برگ نشانه‌ی نمادی متفاوت است، بنابراین، نمادگرایی نمی‌تواند حداقل در این مرحله کمکی به ما دهد.

هر برگ علاوه بر نماد حاوی نظریه‌یی است. داشتن نظریه معمولاً راهنمای بهتری است و بهتر از نماد قابل دسته‌بندی است. معهداً، این هم کافی نیست، چراکه ممکن است هر کس به نوع دیگری آن را استتباط کند. از طرفی نظریه باعث می‌شود نماد روی جزء دیگر برگ عمل کند، که این جزء دیگر، عدد است.

عدد به طور یقین مثبت‌ترین عامل است و برای دنبال کردن در این تغییرات آسانترین است. بنابراین، ما باید از طریق اعداد این ۲۲ برگ را دسته‌بندی کنیم. از طریق عدد حتی می‌توانیم دو عامل دیگر (یعنی نظریه و نماد) را هم در مورد هر برگ کشف کنیم.

هر گاه در معرفی این ۲۲ برگ و طرز کار آن به اعداد استناد کنیم، آنگاه مجموعه‌ی رموز کبیر و صغیر به سادگی تعیین خواهد شد. با اینهمه، از ابتدا نکته‌یی را در نظر بگیریم: شیوه‌یی که مجموعه را شماره‌بندی خواهیم کرد جامعترین شیوه است اما تنها شیوه‌یی موجود نیست.

به هر تقدیر چهار رمز کبیر اول را در نظر بگیریم.

شماره‌های ۱، ۲، ۳، ۴ دسته‌بندی شده و طبیعتِ اجزا را نشان می‌دهد:

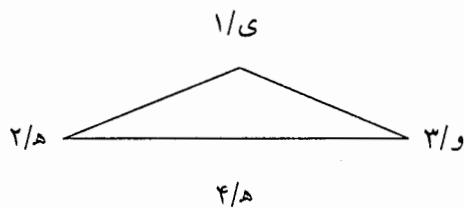
۱ وابسته به **ی**: فاعل

۲ وابسته به **ه**: مفعول

۳ وابسته به **و**: ختني

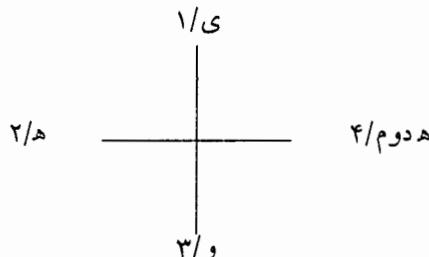
۴ وابسته به **ه دوم**: نشانه‌ی انتقال

رمز ۴ وابسته است به سرباز و به ۱۰ در رموز صغير و در مجموعه‌ی چهارتايي بعد تبديل به "ی" می‌شود.
مثلث اول: اگر بخواهيم ۱ و ۲ و ۳ را نشان دهيم در مثلث اول به صورت زير می‌شود:



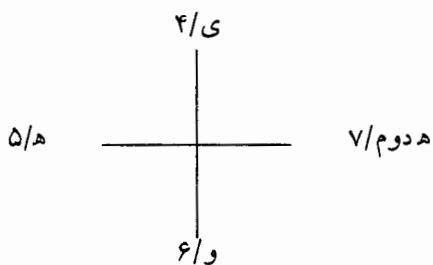
مفهوم فاعل، ۱ در رأس فوقاني مثلث است. دو مفهوم ديگر در دو رأس ديگر اند.

این مثلث می‌تواند در ارتباط با "ی هوه" نیز به نمایش درآید.

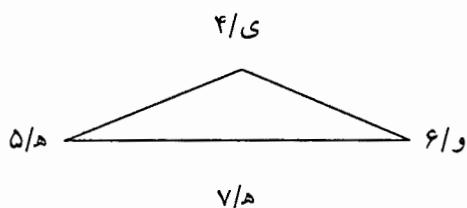


مثلث دوم: گفتيم که ۴ در مجموعه‌ی بعدی "ی" با مفهوم فاعل

می شود. این نکته را در شکل زیر می بینیم:



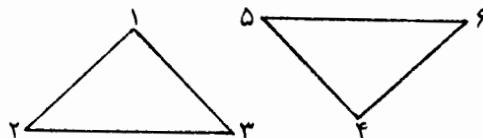
پس "۴، "ی" را نشان می دهد و بنابراین، رو به روی "۵ و "۶ عمل می کند و ما یک مثلث دیگر به دست می آوریم:



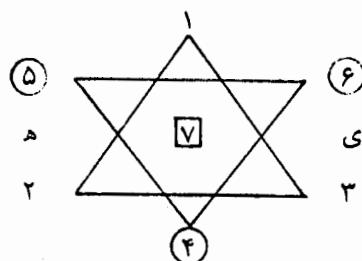
در اینجا مانند "۴ عمل می کند و برای تمام مجموعه‌ی رموز همین طور عمل خواهد کرد.

اولین هفت تایی: عملکرد همان قانون است با اجزای کاملاً متفاوت. بنابراین، طبق همان قانون نگاه کنیم و نتیجه بگیریم که: اگر در مثلث جزء فاعل = "ی"، جزء مفعول = "ه" و جزء خنثی = "و"، دو مثلث اول را به دست داده بود، چرا نتوانیم دو مثلث را به صورت یک واحد داشته باشیم.

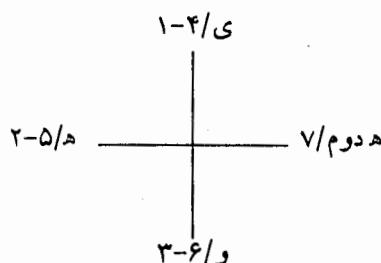
مثلث اول فاعل بود و مرتبط با "ی"، مثلث دوم مفعول است و مرتبط با "ه". انعکاس مثلث اول روی مثلث دوم، مثلث سوم یا "و" را به وجود می آورد. به صورت زیر:



و



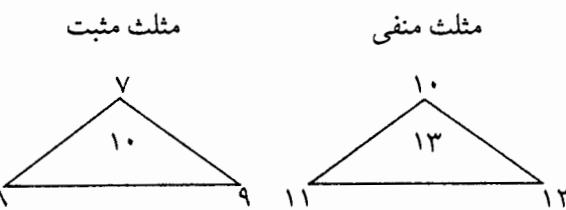
بنابراین، ۷ به عامل انتقال از یک هفت تایی به هفت تایی دیگر شکل می‌دهد. اگر ما رابطه‌ی میان اولین هفت تایی را با "ی هوه" برابر کنیم نمودار زیر به دست می‌آید:



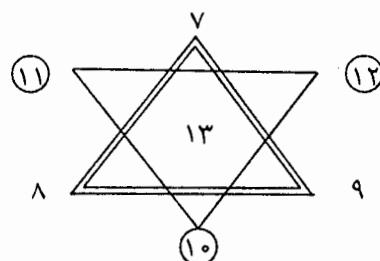
در نگاهی دقیقتر می‌توان نتیجه‌گیریهای بسیار کرد و بسیاری از مطالب را دریافت: ۴ همان ۱ است، اما به صورت منفی؛ ۵ همان ۲ است، اما به صورت منفی؛ و ۶ صورت منفی ۳ است. همیشه همان اعداد هستند، متنها تحت وجود مختلف.

پس یک هفت تایی که از دو مثلث معکوس تشکیل شده به دست آمد. و دیدیم که این هفت تایی هم بر چهار حرف رمز "ی هوه"

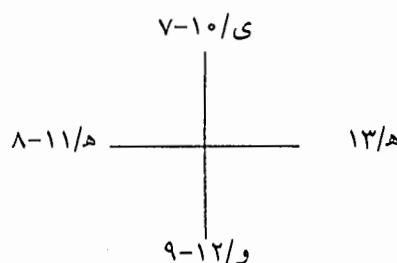
دومین هفت تایی: آنچه در مورد دو مثلث اول صدق می‌کند. برای مثلثهای دیگر هم صدق می‌کند، و بر همان روال می‌توانیم هفت تایی دوم را به دست آوریم:



دو مثلث مثبت و منفی هم‌دیگر را متعادل خواهند کرد و هفت تایی دوم را به وجود خواهند آورد، و عامل انتقال ۱۳ به نوبه‌ی خود به وجود می‌آید:



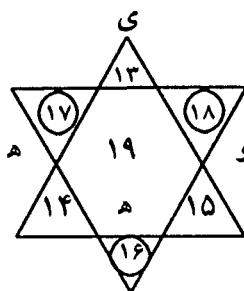
از شکل می‌توان نمودار زیر را نتیجه گرفت:



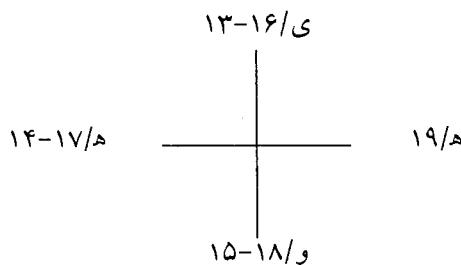
اگر دو مثلث می‌توانند دو مثلث متقابل مثبت و منفی عمل کند،
چرا دو هفت تایی بدین ترتیب عمل نکند.

اولین هفت تایی را به طور کلی مثبت بگیریم و هفت تایی دوم را
منفی بگیریم. اولین هفت تایی در ارتباط با "ی" خواهد بود و دومین
هفت تایی در ارتباط با "ه".

سومین هفت تایی: سومین هفت تایی به ترتیب زیر خواهد بود:



از شکل می‌توان نمودار زیر را نتیجه گرفت:



اگر اولین هفت تایی مثبت باشد و دومی منفی، سومین هفت تایی
ختشی خواهد بود و مرتبط با "و".
بنابراین، قطعاً ترتیب زیر را خواهیم داشت:

اول - هفت تایی مثبت = ی

دوم - هفت تایی منفی = ه

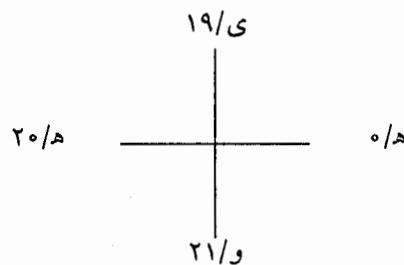
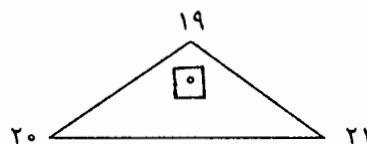
سوم - هفت تایی خشی = و

معهذا، هر هفت تایی جزئی به ما می دهد که با هفت تایی قبلی و با هفت تایی بعدی مشترک است. به این ترتیب ۷، هفتمین رقم اولین هفت تایی و رقم اول دومین هفت تایی خواهد بود. ۱۳ آخرین رقم دومین هفت تایی و رقم اول سومین هفت تایی خواهد بود و قس علیهذا.

از آینجا نتیجه می گیریم که سه رقم برای دسته بندی داریم: ۱۹، آخرین رقم سومین هفت تایی؛ و دو برگ باقیمانده: ۲۰ و ۲۱.

۱۹ و ۲۰ و ۲۱

این سه رقم آخرین مثلث را تشکیل می دهد. مثلث انتقال میان رموز کبیر و رموز صغیر، مثلث مرتبط با دومین ه که می توان آن را به صورت زیر ترسیم کرد:



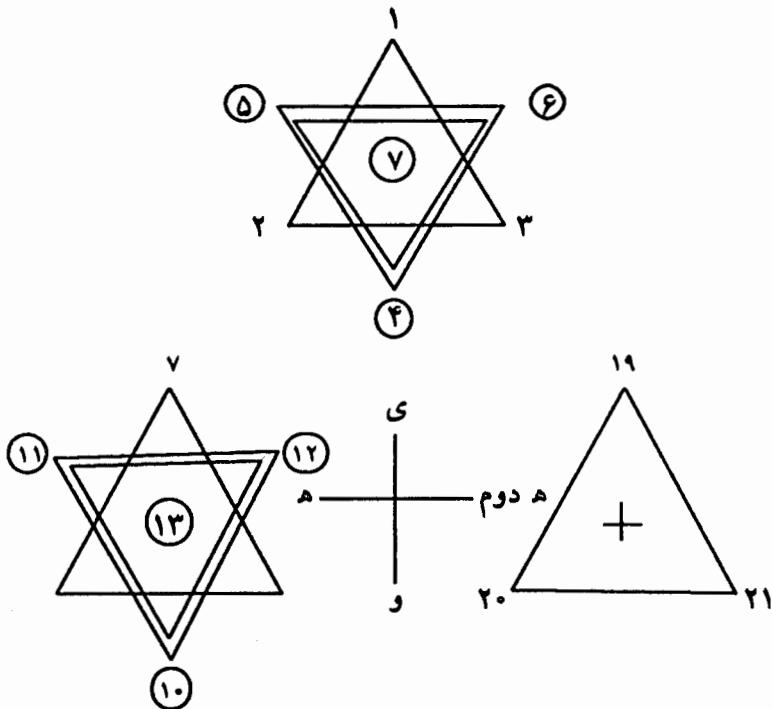
آخرین برگ شماره دار که می بایست شماره‌ی ۲۲ (مرتبط با حرف ت) باشد، فاقد این شماره است. این برگ تصویری فوق العاده ارائه می‌کند و برای کسی که نماد آن را درک کند نشانگر وضعیت آن است. در فصول آینده راجع به آن صحبت خواهیم کرد. بنابراین، در رموز کبیر قانون اصلی به صورت زیر است:

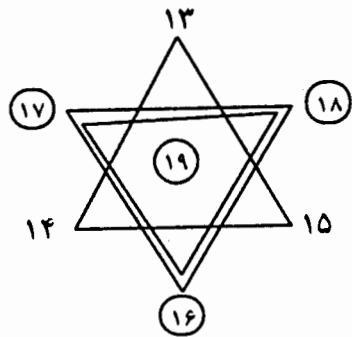
اولین هفت تایی با عالم علوی و خداوند ارتباط دارد. دومین هفت تایی با انسان. سومین هفت تایی با طبیعت.

و سرانجام آخرین مثلث نشانه‌ی عبور از دنیای خلاق و الهی به دنیای مخلوق و فانی است.

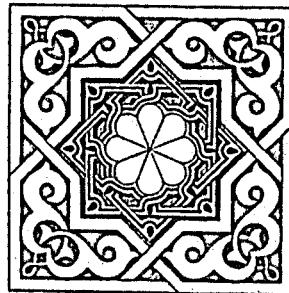
این مثلث رابطه‌ی میان رموز کبیر و رموز صغیر را برقرار می‌کند.

بنا براین در رموز کبیر قانون اصلی به صورت زیر است:





فصل هفتم





رابطه‌ی میان رموز کبیر و صغیر

سکه‌ها از یک طرف و مثلث انتقالی از طرف دیگر رابطه‌ی میان رموز کبیر و صغیر را برقرار می‌کند. این رابطه در رابطه‌ی کلی نمودار چهارتایی در چهار حرف "ی هوه" خلاصه می‌شود. اولین هفتتایی مرتبط با "ی" است و بر تمام مرتبطهاش در مجموعه‌ی رموز صغیر حاکم است. یعنی:

۴ شاه

۴ تکحال

۴ چهار

۴ هفت

هر یک از عوامل هفتتایی بر برگهای مختلف حاکم است، بدین قرار:

هفت تایی اول

برگهای ۱ و ۴ از رموز کبیر حاکم است بر برگهای ۱ و ۴ و ۷ و شاه چوبدست از رموز صغیر

برگهای ۲ و ۵ از رموز کبیر حاکم است بر برگهای ۱ و ۴ و ۷ و شاه جام از رموز صغیر

برگهای ۳ و ۶ از رموز کبیر حاکم است بر برگهای ۱ و ۴ و ۷ و شاه شمشیر از رموز صغیر

برگ ۷ از رموز کبیر حاکم است بر برگهای ۱ و ۴ و ۷ و شاه سکه از رموز صغیر به علاوه:

رمز ۱ به طور خاص بر برگهای مثبت مجموعه حاکم است، یعنی:
رمز ۱ (+):

شاه "ی" چوبدست (+)

شاه "و" شمشیر (-)

و رمز ۴ به طور خاص بر برگهای منفی مجموعه حکومت می‌کند:
رمز ۴ (-):

شاه "ه" جام (+)

شاه "ه" دوم سکه (-)

با به کار گرفتن همان قانون برای رموز دیگر می‌بینیم:

رمز ۲ (+):

تکخال "ی" چوبدست (+)

تکخال "و" شمشیر (-)

فصل هفتم

۸۹

: رمز ۵ (-)

تکحال "ه" جام (+)

تکحال "ه" سکه (-)

: رمز ۳ (+)

۴ "ی" چوبیدست (+)

۴ "و" شمشیر (-)

: رمز ۶ (-)

۴ "ه" جام (+)

۴ "ه" دوم سکه (-)

: رمز ۷ (∞)

تمام برگهای انتقالی

(∞) ۷

علامت (+) نشانهی برگ مثبت

علامت (-) نشانهی برگ منفی

علامت (∞) نشانهی برگ خنثی

هفت تایی دوم

هفت تایی دوم با هدر ارتباط است و بر تمام مرتبهای "ه" اول در

مجموعه‌ی رموز صغیر حاکم است، یعنی:

۴ شاهبانو (بی بی)

۴ دو

۴ پنج

۴ هشت

هر یک از عوامل این هفت تابی دوم بر برگهای زیر حاکم است:

رمز ۷ (+):

شاهبانو "ی" چوبدست (+)

شاهبانو "و" شمشیر (-)

رمز ۸ (+):

۲ "ی" چوبدست (+)

۲ "و" شمشیر (-)

رمز ۹ (+):

۵ "ی" چوبدست (+)

۵ "و" شمشیر (-)

رمز ۱۰ (-):

شاهبانو "ه" جام (+)

شاهبانو "ه" دوم سکه (-)

رمز ۱۱ (-):

۲ "ه" جام (+)

۲ "ه" دوم سکه (-)

فصل هفتم

۹۱

رمز (۱۲) (-):

۵ "ه" جام (+)

۵ "ه" دوم سکه (-)

رمز (۱۳) (۰۰):

تمام هشت ها

(۰۰) ۱۳

هفت تایی سوم

هفت تایی سوم در ارتباط با "و" است و حاکم است بر:

۴ سردار

۴ سه

۴ شش

۴ نه

هر عامل از این هفت تایی بر برگهای زیر بدین قرار حاکم است:

رمز (۱۳) (+):

سردار "ی" چوبیدست (+)

سردار "و" چوبیدست (-)

رمز (۱۴) (+):

سه "ی" چوبیدست (+)

سه "و" شمشیر (-)

رمز (۱۵) (+):

شش "ی" چوبیدست (+)

شش "و" شمشیر (-)

رمز ۱۶ (-):
 سردار "ه" جام (+)
 سردار "ه" دوم سکه (-)

رمز ۱۷ (-):
 سه "ه" جام (+)
 سه "ه" دوم سکه (-)

رمز ۱۸ (-):
 شش "ه" جام (+)
 شش "ه" دوم سکه (-)

رمز ۱۹ (۰۰):
 تمام نه ها
 (۰۰) ۱۹

مثلث انتقالی

مثلث انتقالی حاکم است بر:
 ۴ سرباز و ۴ ده

هر یک از این عوامل به ترتیب زیر حاکم است بر:
 رمز ۱۹ (۰۰) (+):
 سرباز "ی" چوبدست (+)
 سرباز "و" شمشیر (-)

رمز ۲۰ (۰۰) (-):
 سرباز "ه" جام (+)
 سرباز "ه" دوم سکه (-)

رمز ۲۱ (+):
 تمام ده ها
 (۰۰) ۲۱

ارزش علامات + و -

با توجه به مطالبی که در فوق ذکر شد علامت هر برگ ارزش آن برگ را تعیین می‌کند. یک نمونه برای درک این مطلب کافی است. حال (رنگ) هر برگ را می‌توان در دو وضعیت اصلی، مثبت (+) و منفی (-) پذیرفت. با توجه به آن تقسیماتی رخ خواهد داد: مرتبطهای "ی" در هفت تایی اول رموز کبیر ۱ و ۴ هستند.

۱ مثبت است (+)

۴ منفی است (-)

۱ بر دو رمز صغیر حاکم است: شاه‌چوبدست و شاه‌شمشیر.
بنابراین، ارزش قطعی خالها چنین است:

اول: شاه‌چوبدست

مثبت (+) از مثبت (+)

له شاه (+) له چوبدست (+)

دوم: شاه‌شمشیر

مثبت (+) از منفی (-)

له شاه (+) از له شمشیر (-)

به همین ترتیب برای دیگر خالها نیز از دو علامت تعیت می‌کند یکی علامتی که از رمز کبیر تعیت می‌کند دیگری علامتی که آن خال مورد نظر در بر دارد، و به این ترتیب ارزش هر یک از ۷۸ برگ ثوراً مشخص می‌شود.

روابط کلی

روابطی

رموز کبیر:

منفی:

رمز ۴

رمز ۱۰

رمز ۱۶

ثبت:

رمز ۱

رمز ۷

رمز ۱۳

رموز صغیر:

شاه شمشیر

شاه سکه

تک خال شمشیر

تک خال سکه

۴ شمشیر

۴ سکه

۷ شمشیر

۷ سکه

شاه چوبیدست

شاه جام

تک خال چوبیدست

تک خال جام

۴ چوبیدست

۴ جام

۷ چوبیدست

۷ جام

روابط هاول

رموز کبیر

منفی:

رمز ۵

رمز ۱۱

رمز ۱۷

ثبت:

رمز ۲

رمز ۸

رمز ۱۴

رموز صغیر

شاه بانوی شمشیر

شاه بانوی سکه

۲ شمشیر

۲ سکه

۵ شمشیر

۵ سکه

۸ شمشیر

۸ سکه

شاه بانوی چوبیدست

شاه بانوی جام

۲ چوبیدست

۲ جام

۵ چوبیدست

۵ جام

۸ چوبیدست

۸ جام

روابط و رموز کبیر

منفی:	ثبت:
رمز ۶	رمز ۳
رمز ۱۲	رمز ۹
رمز ۱۸	رمز ۱۵

رموز صغیر

سردار شمشیر	سردار چوبیدست
سردار سکه	سردار جام
۳ شمشیر	۳ چوبیدست
۳ سکه	۳ جام
ع شمشیر	ع چوبیدست
ع سکه	ع جام
۹ شمشیر	۹ چوبیدست
۹ سکه	۹ جام

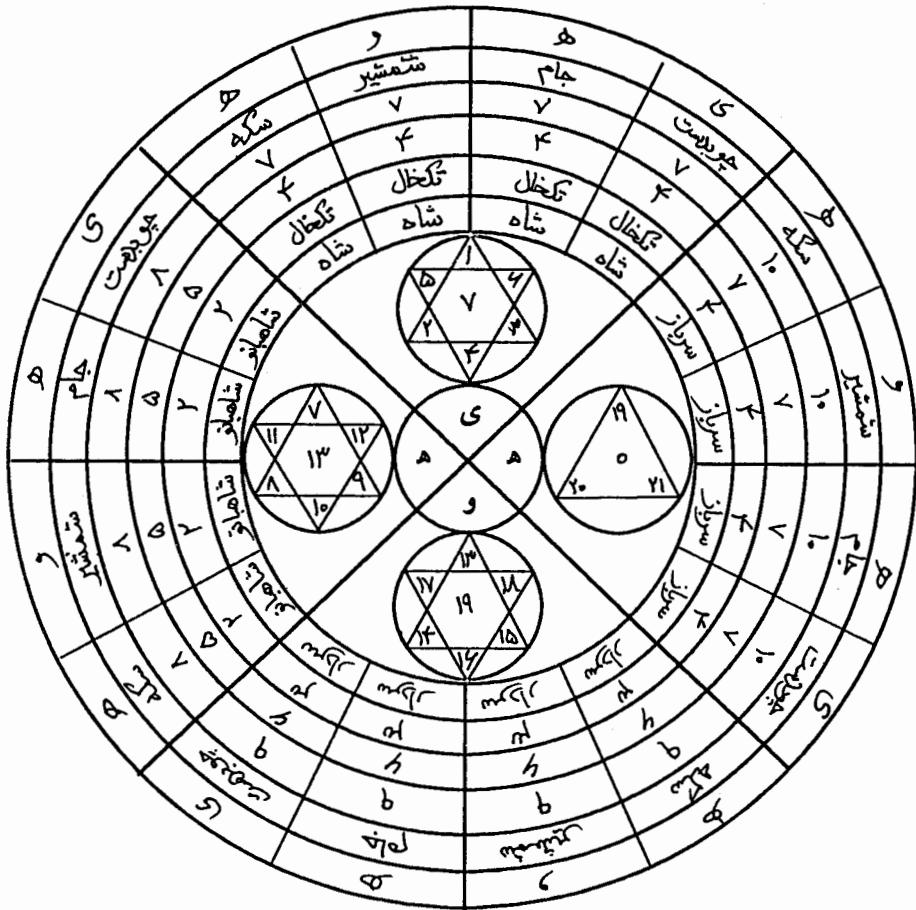
روابط "ه" دوم

منفی:	ثبت:
رمز ۲۰	رمز ۱۹
سریاز جام	سریاز چوبیدست
سریاز سکه	سریاز شمشیر

موازنہ

رموز ۲۱ و ۲۲	۱۰ چوبیدست
۱۰ شمشیر	۱۰ جام

۱۰ سکه



تصویر کلی ثورا

تصویر کلی ساختمان ثورا تمام روابط را خلاصه می‌کند. قانون مطلق: "ی هوه" در مرکز تصویر است.

هر یک از حروف چهارتایی "ی هوه" بر یک ربع از دایره که در برگیرنده‌ی روابط است، حاکم است. خالهای مختلف نشانه‌ی حاکم بودن خاص هر یک از رموز است.

چیدن ثورای متحرک یا چرخان (چرخ *Rota*) با شکل صفحه‌ی ۹۶ تمام روابط رموز کبیر و صغیر برقرار می‌شود. برای یافتن مفهوم این روابط کافی است مرکز شکل را به دور دایره‌ی فوقانی بچرخانیم.

به این ترتیب رمز ۱، حرف الف، خود را در معرض تمام گروههای رموز صغیر قرار خواهد داد و ما به این ترتیب یک سلسله حروف جُمل به دست خواهیم آورد که پیدا کردن عدد آن آسان است.

چوبدست "ی":

ی ی الف
ه ی الف
و ی الف
ه ی الف

جام "ه":

ه ه الف
و ه الف
ه ه الف
ی ه الف

شمشیر "و":

و و الف
ه و الف
ی و الف
ه و الف

سکه "ه" دوم:

ه ه الف

ی ه الف

ه ه الف

و ه الف

در چرخیدن اولین برگ ثورای چرخان کافی است به جای "الف" هر یک از ۲۱ حرف دیگر جمل را جایگزین کنیم تا عدد مورد نظر پیدا شود.

در تمام ستونها ترتیب زیر را خواهیم داشت:
شاه = "ی"

شاهبانو = "ه"

سردار = "و"

سریاز = "ه" دوم

چوبدست ←	شاه ("ی" "ی")، شاهبانو ("ه" "ی")، سردار ("و" "ی")، سریاز ("ه" "ی")
جام ←	شاهبانو ("ه" "ه")، سردار ("و" "ه")، سریاز ("ه" "ه")، شاه ("ی" "ه")
شمشیر ←	سردار ("و" "و")، سریاز ("ه" "و")، شاه ("ی" "و")، شاهبانو ("ه" "و")
سکه ←	سریاز ("ه" "ه")، شاه ("ی" "ه")، شاهبانو ("ه" "ه")، سردار ("و" "ه")

چوبدست از "ی": شمشیر از "و":

۳۶۹	=	سردار	۱۴۷	=	شاه
۱۰	=	سریاز	۲۵۸	=	شاهبانو
۱۴۷	=	شاه	۳۶۹	=	سردار
۳۶۹	=	شاهبانو	۱۰	=	سریاز

فصل هفتم

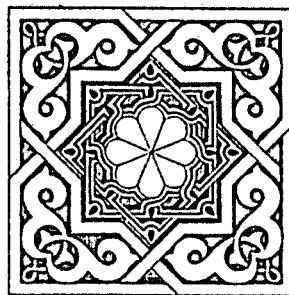
۹۹

سکه از "ه" دوم:

جام از "ه":

۱۰	=	سریاز	۲۵۸	=	شاهبانو
۱۴۷	=	شاه	۳۶۹	=	سردار
۲۵۸	=	شاهبانو	۱۰	=	سریاز
۳۶۹	=	سردار	۱۴۷	=	شاه

فصل هشتم



..... تقدیم به یاد نویسنده‌ی "ماموریت یهودیان" و "معیار باستانی":
مارکی دو سنت-ایو دآلودر^۱



مقدمه بر بررسی نمادگرایی ثورا

استفاده از کلید کلی در نمادگرایی

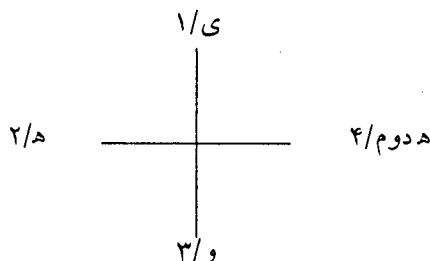
مطالعه‌یی که در باب چگونگی قرار گرفتن شماره‌ها انجام شد کلید کلی طریقه‌ی چیدن برگهای ثورا را به دست می‌دهد.

بنابراین، نمادها می‌باید دقیقاً تغییرات شماره‌ها را تبعیت کنند. معهذا، چون ما هر یک از برگهای ثورا را به تنها یی مورد مطالعه قرار خواهیم داد، و ممکن است خواننده در این مسیر کمی خسته شود و ترتیب پیش روی برگها را متوجه نگردد، از این‌رو، مقدمه‌یی در باب این نمادگرایی خواهیم گفت که طی آن چند کلمه‌یی در باب دسته‌بندی این نمادگرایی به دست خواهیم داد.

پس از این توضیح می‌توانیم این پیش روی را گسترش دهیم و با نگاهی به بخش ترکیبی (ستنتیک) آن را پایان دهیم. امیدواریم تا حد ممکن این مسئله‌ی غامض روشن گردد.

1- Le Marquis de Saint-Yves d'Alveydre: *Mission des Juifs; Archéometre*

تحلیل حروف ی ه و ه قانون کلی چیدن برگهای ثورا را می دهد. این قانون بدین گونه است:



پس در ابتدای امر می باید چهار حرف اولیه یی را که قانون ساختاری ثورا را می سازد بازشناسی کنیم، زیرا این قانون ساختاری بر تمام نمادگرایی ثورا حکمفرما خواهد بود.
در واقع ما این چهار مفهوم را در چهار برگ اولیه بازخواهیم یافت، و مفهوم کلی آن به ترتیب زیر خواهد بود:

۱- خالق یا ملکوتی

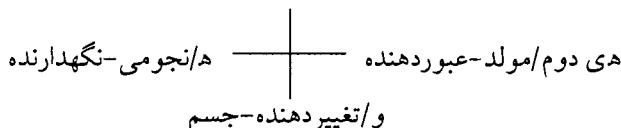
۲- نگهدارنده یا نجومی

۳- تغییر دهنده یا جسم نشرشونده

۴- مولد یا عبور دهنده در برابر خالت

این قانون از همه نظر به کلمه‌ی مقدس جواب می‌گوید:

ی/ خالق ملکوتی



می بینیم این قانون دقیقاً در مورد همه‌ی برگهایی که این سه مفهوم را دارند به کار می آید:

یک مفهوم تفصیلی یا ملکوتی
 یک مفهوم قیاسی یا ساحرانه-نجمی
 یک مفهوم مثبت یا جسمانی و جوابگو به یک تغییر.

نگاهی کلی به چهار برگ اول

کلید نمادگرایی در ثورا

چهار برگ اولیه‌ی رموز بسیار، چه از نظر نمادین و چه از نظر شماره،
 یک سلسله‌ی کامل به وجود می‌آورد که به کلمه‌ی مقدس "ی هوه"
 جواب می‌گوید.

در واقع، اولین برگ فاعل مطلق را توصیف می‌کند و با "ی" مرتبط
 است؛

برگ دوم نشانگر انعکاس برگ دوم است، مفعول مطلق و با "ه"ی
 اول در ارتباط است؛

برگ سوم به معنای میانگین است، به مفهوم تبدیل‌پذیر و
 تغییردهنده و مرتبط با "و" است؛

و سرانجام برگ چهارم به معنای عبور دهنده‌ی میان دسته‌های قبل
 و بعد است.

مجموعه‌ی نمادین ثورا بنابراین کاملاً بوسیله‌ی چهار برگ اول
 معرفی می‌شود و مانند مجموعه‌ی برگهای شماره‌دار با چهار
 شماره‌ی اول مشخص می‌شود، و از آنجا بررسی بسیار مهمی ناشی
 می‌شود؛ اینکه تمام نمادهای ثورا چیزی جز تغییر شکل سه برگ
 اول نیست و این امر قانون کلی نمادگرایی ثورا را تشکیل می‌دهد؛

قانونی که به ما اجازه می دهد از نظر ریاضی مفهوم هر برگ را تعیین کنیم. اما از این مرحله نیز می توان جلوتر رفت.

چون برگ دوم انعکاس برگ اول است، پس بوسیله اولین برگ شکل گرفته، اما به صورت منفی بررسی می شود. از طرفی برگ سوم از دو برگ دیگر منتج می شود، پس کافی است به طور کامل برگهای اول ثورا را بشناسیم تا از راه ریاضی مفهوم تمام برگهای دیگر را دریابیم.

جزیياتی چند در این باب لازم است.

قانون کلی چهار برگ اول به ترتیب زیر است:

۱- مثبت: خالق

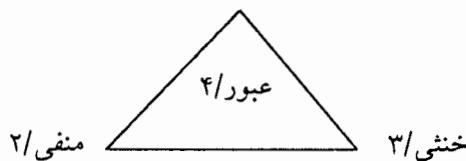
۲- منفی: انعکاس برگ اول، نگهدارنده

۳- خشی: در برگرینده ۲ برگ اول، تغییر دهنده

۴- عبور یک مجموعه به دیگری

می توان این مجموعه را در شکل زیر جای داد:

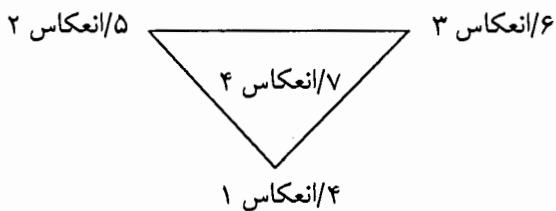
مثبت / ۱



آنچه که برای هر یک از مفاهیم یک مثلث واقعیت دارد برای مثلثی که به صورت کلی در نظر گرفته شده هم صدق می کند و ما را به بررسیهای جدیدی رهنمون می شود.

در واقع، اولین مثلث مثبت خواهد بود و با "ی"، با فاعل و با خالق در ارتباط است.

دومین مثلث منفی خواهد بود و با "ه" اول مرتبط است، یعنی تمام مفاهیم این مثلث انعکاس مفاهیم مثلث اول هستند، چون برگ دوم انعکاس برگ اول است.



به این ترتیب اگر ما مفهوم رموز ۱، ۲، ۳، ۴ را بدانیم، می‌توانیم مفهوم رموز ۴، ۵، ۶، ۷ را در سه عالم دریابیم.

کافی است به بررسی ثورا با اعداد مراجعه کنیم تا نمادهایی که به طور پیاپی با "یهوه" مرتبط هستند، ببینیم.

اما اگر مثلث دوم انعکاس مثلث اول باشد پس برای هفت ضلعی هم به همان ترتیب خواهد بود و بنابراین تمام برگهای هفت تایی از نظر نمادین انعکاس اولین هفت تایی هستند.

تمام برگهای هفت تایی سوم نمایندهٔ برگ سوم یا تغییر دهنده هستند.

و به این ترتیب مفهوم برگها به ترتیب زیر خواهد بود:

اولین هفت تایی نشانگر خلقت فعال، اوزیریس^۱، برهما^۲ی الهی یا

-۱ (Osiris) نام یونانی مرتبط با اوسمیرهٔ مصری. خدایی مهم و دارای شخصیتی پیچیده. دو طبیعت در او مشخص شده است: نیروی حیاتی مستولی بر نباتات، که چون دانه‌یی در زمستان خود را زیر خاک پنهان می‌کند، و دیگری شخصیت خدا-شاه که در میان آدمیان به صورت انسان جلوه می‌کند و بر زمین حکومت می‌کند، و زمین را آبیاری می‌کند و در آن کشاورزی می‌کند. بعد با

پدر؛

دومین هفت تایی نشانگر نگهدارنده، اختری، ایزیس^۳، ویشنو^۴، پسر؛

سومین هفت تایی نشانگر تغییر دهنده، جسم، هوروس^۵، شیوا^۶، روح القدس.

ایزیس ازدواج می‌کند. او زیریس خدایگانی است که مؤبدًا می‌میرد و باز به دنیا می‌آید. به زعم پلوتارک او زیریس مظهر عشق الهی است و بر روی زمین به صورت ذات حق جلوه می‌کند. در علم کیمیا او زیریس نشانه‌ی سرب و گوگرد است. او زیریس به دست براذرش سث (Seth) کشته می‌شود.

-۲ - (Brahma) خدای هند، مظهر برهمن. او در تثلیث تریمورتی قرار دارد که با نام ویشنو، نگهدارنده‌ی دنیا، و شیوا، نابودکننده‌ی دنیا، همراه می‌شود. برهما را با چهار سر و چهار بازو نشان می‌دهند.

-۳ - (Isis) خداییانوی مصری که در زبان مصری اسی (Esi) خوانده می‌شد. خداوند مادر که پسرش شاه آینده‌ی زمین، خدای جوانی هوروس (Horus) است. او خدا و شاهیانو، و همسر او زیریس است. حامی مادران و کودکان، نگاهبان خانواده. به صورت زنی با سرگاو ماده، یا با آرایش دو شاخ گاو بر سر، در تندیسهها و نقش برجسته‌ها نموده شده است.

-۴ - (Vishnou) یکی از مظاهر هندی خدای خورشید. وابسته به ایندره است و فضا را در اختیار دارد. گاهی مظاهرهای او در زمین حاضر می‌شوند تا شریعت را در آن برقرار سازند. او بر روی مار ابدیت به صورت ایستاده، نشسته یا خوابیده نموده می‌شود، و هنگام مراقبه از سوراخ بینی‌اش یک نیلوفر آبی (Lotus) می‌روید، که بر این نیلوفر برهما زاییده می‌شود، که خالق هستی است. -۵ - (Horus) خدای خورشید از مصر باستان و از نیاکان فراعنه است. او بر عمومی خود سث که پدرش او زیریس را کشته بود فاتح شد. پسر ایزیس است و گاهی به عنوان پسر رع (Re) شناخته می‌شود. تندیسهای او اغلب به صورت انسانی با سر شاهین ساخته شده است.

-۶ - (Siva, Shiva) سومین شخصیت تثلیث هندو یا تریمورتی: شیوا، ویشنو، برهما. مظهر نابودی، نشانه‌ی آتش خشمگین و امواج سهمگین، و در عین نابود کننده بودن، پژشک و زاینده نیز هست. او برای خلق کردن نابود می‌کند، شیوا خدای قریانی است. مجسمه‌ها و نقشهای او را به ترتیبی که چشم سومی به طور عمودی بر پیشانی دارد، می‌سازند و چهار دست دارد.

فصل هشتم

۱۰۹

به طور خلاصه، سه رمز اول مفهوم تمامی باقی رموز را بر مبنای جدول زیر به دست می‌دهد:

جدول نشان‌دهندهٔ مفهوم هر یک از ۲۲ رمز کبیر								
۱۹	۱۶	۱۳	۱۰	۷	۴	۱	۵	مجموعه‌ی مثبت یا خلاق
۲۰	۱۷	۱۴	۱۱	۸	۵	۲	۶	ه‌اول مجموعه‌ی منفی یا نگهدارنده
۲۱	۱۸	۱۵	۱۲	۹	۶	۳	۷	و مجموعه‌ی خشن یا تغیر‌دهنده (متعادل‌کننده)
۰۰					۱=۴		۸	ه‌دو مجموعه‌ی عبوردهنده
ه	دوم مجموعه‌ی خشن یا تغیر‌دهنده (متعادل‌کننده)	و مجموعه‌ی منفی یا نگهدارنده	ه مجموعه‌ی منفی یا نگهدارنده	ی مجموعه‌ی مثبت یا خلاق				

این جدول بسیار اهمیت دارد، زیرا باعث می‌شود ارزش نمادین هر برگ ثوراً فوراً تعیین شود.

تعیین ارزش نمادین یک برگ ثورا در نظر اول

به جدول نگاه کنیم:

۱ - حرفی که در ستون راست افقی نوشته شده و برگهای مورد نظر

را در برمی‌گیرد، کدام است؟

۲ - حرفی که در پایین ستون عمودی نوشته شده و برگ مورد نظر را

در برمی‌گیرد، کدام است؟

۳- کدام علامت (+ یا -) بر ستون دوم عمودی که برگ مورد نظر را در بر دارد، حاکم است؟

مثال:

مثلاً می‌خواهیم مفهوم رمز ۵ را پیدا کنیم.

به راست نگاه می‌کنیم و حرف "ه" را پیدا می‌کنیم.

متوجه می‌شویم که رمز ۵، "ه" است، از چه؟

برای فهمیدن آن به ستون عمودی نگاه می‌کنیم و "ه" را پیدا می‌کنیم.

رمز ۵، "ه" از "ه" است؛ اما این کافی نیست و ما به ستون دوم نگاه می‌کنیم که در برگیرنده‌ی علامت منفی (-) است.

به این ترتیب یک جواب قطعی برای رمز ۵ به دست می‌آوریم:

پنجمین برگ ثورا "ه" از "ه" است و به طور منفی بررسی می‌شود

اینجا یک جواب ترکیبی به دست می‌دهد که فقط برای کسی قابل

درک است که با مفهوم کلمه‌ی "ه" آشنا باشد.

لازم است این نکته را باز کنیم:

"ه" نشانگر انعکاس است

پس برای وضوح بیشتر می‌توان گفت:

رمز ۵

انعکاس "ه" به طور منفی بررسی می‌شود. اما این انعکاس که به

طور منفی بررسی می شود چیست؟
 برای دانستن آن در ستون چپ حرف "ی" نگاه می کنیم. در ستون عمودی دوم علامت منفی (-) را جست و جو می کنیم و در نقطه ای تقاطع این دو خط رمز ۴ را پیدا می کنیم.
 "ی" که به طور منفی بررسی می شود رمز ۴ است و ما را رهنمون می شود تا بگوییم:

رمز ۵ انعکاس رمز ۴ است

به این ترتیب، تمام رموز یکی بوسیله‌ی دیگری به پیروی از آنچه قبل‌اگفته‌یم به دست می آید.
 جدول زیر کلید کتاب هنرکبیر، اثر ریمون لول است.

رموز کبیر

ارتباط نمودار چهارتایی با هر رمز

۱۳ "ی" از "و" +	۱ "ی" از "ی" +
۱۴ "ه" از "و" +	۲ "ه" از "ی" +
۱۵ "و" از "و" +	۳ "و" از "ی" +
۱۶ "ی" از "و" -	۴ "ی" از "ی" -
۱۷ "ه" از "و" -	۵ "ه" از "ی" -
۱۸ "و" از "و" -	۶ "و" از "ه" +

۱۹	از هدوم	۷	ی" از "ه"	+
۲۰	"ه" از "ه" دوم	۸	"ه" از "ه"	+
۲۱	و " از "ه" دوم	۹	و " از "ه"	+
		۱۰	ی" از "ه"	-
۲۲	ه و ه دوم	۱۱	"ه" از "ه"	-
		۱۲	و " از "ه"	-

ارتباط برگهای ثورا با هم

برای به دست آوردن اصل و مشتق هر برگی از ثورا کافی است سومین برگ قبل و بعد از آن را برداریم. به این ترتیب رمز ۸ از رمز ۵ مشتق می شود و به رمز ۱۱ موجودیت می بخشد.

۱۱

۸

۵

زندگی جهانی	وجود جوهری	زندگی متفکر و گذرا
-------------	------------	--------------------

از اینجا نتیجه می شود که وقتی دو برگ اضافه به هم شماره‌ی زوجی می دهد، کافی است معدلی از آن دو را بگیریم تا برگی به دست آوریم که برای متصل ساختن دو برگ مورد نظر بین خودشان مناسب باشد.

به این ترتیب، شماره‌یی که رمز ۴ را به رمز ۶ پیوند می دهد پیدا می کنیم؛ یعنی مایع حیاتبخش جهانی را با عشق جهانی؛ ۴ را با ۶ جمع می کنیم: $\frac{1}{2} = 10 = 6 + 4$ و نصف آن را به دست می آوریم:

رمز ۵ (زندگی جهانی) بنابراین، دو متصاد را متعدد می‌کند.
عبور مایع حیاتبخش (۴) در عشق (۶) با واسطه‌ی زندگی جهانی
(۵) عمل می‌کند.

هر برگ ثورا سه مفهوم دارد. می‌بینیم چطور می‌توان بدون رنج زیاد
از طریق بازی، فلسفه‌بافی کرد.

یک نتیجه‌ی دیگر از تمامی اینها، آن است که هر برگ ثورا برای
تکمیل برگی را دارد که شماره‌ی آن باضافه‌ی همان برگ مجموع
۲۲ را به دست دهد.

به این ترتیب، برگ تکمیلی رمز ۱ کدام است؟ رمز ۲۱ است،
زیرا:
 $21+1=22$

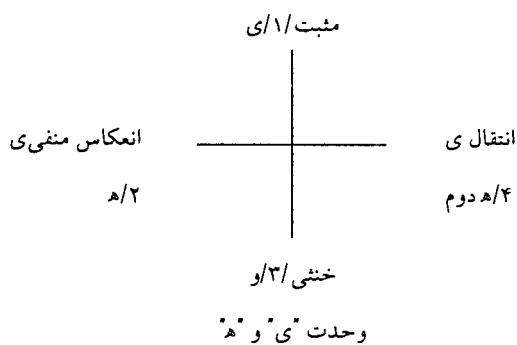
عبور دهنده از ۱ به ۲۱ کدام است؟ بنابر آنچه هم اکنون
 $\frac{22}{2}=11$ ، $21+1=22$ گفتیم:

رمز ۱۱ (زندگی متفکر و گذرا) بنابراین، عبور بین رمز ۱ (=خالق
اصلی) و رمز ۲۱ (=نسل جهانی) برقرار می‌شود.
برای پیدا کردن برگ تکمیلی از دیگری، کافی است شماره‌ی برگ
مورد نظر را از ۲۲ تفریق کنیم. مثلاً برگ تکمیلی شماره‌ی ۱۴ به
ترتیب زیر به دست می‌آید:

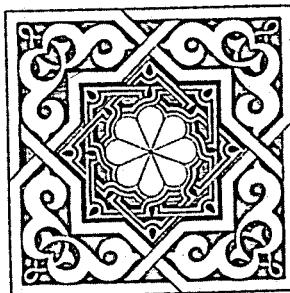
$$22-14=8$$

بنابراین، رمز ۸ برگ تکمیلی برگ ۱۴ است.
تمام این اطلاعات در نهایت مفید واقع خواهند شد و به همین دلیل
بود که کمی از موضوع خارج شدیم. اکنون به مطالعه‌ی رموز کبیر
می‌پردازیم.

همواره به یاد داشته باشید که چگونه چهار برگ اول روز، بنا بر ارتباطی که با کلمه‌ی مقدس دارند، کلید نمادگرایی تمامی باقی برگهای ثورا را به دست خواهند داد. نمودار زیر را بینیم:



فصل نهم



..... تقدیم به نویسنده‌ی سالکان بزرگ، م. شوره^۱



تاریخ نمادگرایی ثورا

تحقیق در اصل ثورا

اصل نمادهای ثورا

هر برگ ثورا چنانچه گفتیم نشانگر یک نماد، یک شماره و یک نظریه است.

ما در طول این کتاب کوشش کرده‌ایم، تا حد ممکن از مقوله‌یی غیرعلمی و صرفاً استقرایی احتراز کنیم و به همین جهت ابتدا عوامل ثابت و تغییرناپذیر، یعنی اعداد را در این ترکیبها مورد بررسی قرار داده‌ایم.

در حالیکه با استحکام تمام بر پایه‌هایی که تاکنون بنا کرده‌ایم متکی هستیم می‌توانیم اکنون با اطمینان بیشتر مطالعه‌ی نمادها را آغاز

1- M. Schuré: *Des Grands Initiés*.

کنیم.

برای این امر برگهای ثورا، بخصوص ثورای مارسی، را که از نظر نمادین از همه‌ی انواع آن درست‌تر است در پیش چشم داشته باشید.

اکنون کافی است برگها را روی یک میز بچینید تا در اولین نگاه متوجه شوید که افراد لباس دوره‌ی نو زایی (رنسانس) را بر تن دارند. آنگاه به من خواهید گفت: "این همه در مورد قدمت ثورا گفتنی، اما آنقدرها هم قدیمی نیست؟"

اما با دقت بیشتری در آن نظر کنید؛ بلافتله نمادهای مصری را خواهید دید: صلیب سه خط (شماره‌ی ۵) و همچنین شماره‌ی ۱۷ که بالباسهای دوره‌ی نو زایی مخلوط شده‌اند. این امر از همان نگاه اول می‌گوید که ثورای مارسی معرف دقیق ثورای اولیه‌ی مصری است که در دوره‌ی نو زایی کمی در شکل لباسهای آن دست بردۀ‌اند و آنها را باب آن روز کرده‌اند. فقط کولیها ثورای اصلی مصری را در اختیار داشته‌اند.

آثار محققانی که در باب ثورا تحقیق کرده‌اند این امر را با شواهد کافی اثبات می‌کند و به این ترتیب با مطالعه‌ی آثار شاتو^۱، بوآتو^۲ و بخصوص مرلن^۳ اثبات خواهد شد که تاریخی را که ما به قدمت

1- Chatto: *Facts and Speculation of the Origin and History of Playing Cards in Europe*. in-8, 1848.

2- Boiteau: *Les Cartes à Jouer et La Cartomancie*, Paris, in-4, 1854.

3- Merlin: *Origine des Cartes à Jouer, Recherches Nouvelles sur les Naibis, Les Tarots et sur les autres espèces des cartes, Ouvrage*

ثورا نسبت می‌دهیم بی‌وجه نیست.

مرلن تحقیق خود را با روشی کاملاً علمی دنبال کرده است و موفق شده اصل ثورای مارسی را در یک ثورای ایتالیایی از ونیز پیدا کند که این ثورای ونیزی در واقع پدر ثوراهای بعدی در اروپا است.

او ضمناً اعتقاد دارد که اصل ثورای ونیز از سرگرمی فلسفی مونتنیا آمده است. اما نمی‌تواند برای اصل و مبدأ مونتنیا نظری متین بدهد. لکن بر عکس، مونتنیا، که مرلن آن را اصل ثورا می‌داند، خود منتجی است از ثورا و در اصل، مونتنیا توسط سالکی از روی ثورا ساخته شده است. این دقیقاً همان شیوه‌یی است که در "هنر بزر" ریمون لول^۱ اعمال شده و کاملاً از ثورا گرفته شده است.

ما برای آگاهی بیشتر در باب بازی مونتنیا، که تجار آن را به نام برگهای بالدینی می‌شناسند، و همچنین ثورای ایتالیا، که غالب ثوراهای اروپا از آن مشتق است، مطالعه‌یی تطبیقی انجام می‌دهیم. جدولهایی که در صفحات بعد می‌آید ارتباط ثورا را با برگهای مونتنیا نشان می‌دهد و به وضوح مشخص می‌شود که در واقع برگهای مونتنیا از ثورا مشتق شده است (جدولهای صفحه‌ی ۱۲۰ و صفحه‌ی ۱۲۱ را ببینید).

Orné de 70 Planches. Paris, in-4, 1869.

1- Raymond Lulle (1235-1315): *Ars Magna*.

مودتني

برگ ۸ (از ثورا)

الف/حکم	ب/جوبدست	ج/جام	د/اسکه	هـ/امض
۱- قفر	۱۱- کالیوب	۱۱- دستور	۳۱- نجوم	۶۱- ماه
۲- سریاز	۱۲- اورانی (مور)	۱۲- منطق	۳۲- تاریخنامه	۶۲- مریخ
۳- صنعتگر	۱۳- تیپسکور (مور)	۱۳- علم بیان	۳۳- علم کائنات	۶۳- دنوس
۴- تاجر	۱۴- ازانو (مور)	۱۴- هندسه	۳۴- خورشید	۶۴- خورشید
۵- نجیبزاده	۱۵- پولیسی	۱۵- حساب	۳۵- اختیاط	۶۵- مارس
۶- جوانسرد	۱۶- ظالی (مور)	۱۶- زوپیتر	۳۶- نیر	۶۶- زوپیتر
۷- خنان	۱۷- ملیومن (مور)	۱۷- عطارد	۳۷- عدالت	۶۷- عطارد
۸- شاه	۱۸- اورب (مور)	۱۸- فلسفه	۳۸- ترجم	۶۸- کروی هشتم
۹- امپاطور	۱۹- کلیو (مور)	۱۹- امید	۳۹- سیاره اول	۶۹- سیاره اول
۱۰- پلب	۲۰- آیولون	۲۰- ایمان	۴۰- علت اولی	۵۰- علت اولی
د- مراحل زندگی	د- هنر	د- علوم	د- فضایل	الف- نظام عالم

تاریخ‌گینوی بولوینا

ثورای ونیزی	مینکیاته از فلورانس
٦٢ برگ	٩٧ برگ
٢١ برگ از ثورا	٤٠ برگ از ثورا

-٠ شیدا	-٠ شیدا	-٠ شیدا
-١ شعبده باز	-١ شعبده باز	-١ شعبده باز
-٢ پابانو	-٢ پابانو	-٢ میزان
-٣ شاهبانو	-٣ شاهبانو	-٣ امیر بزرگ
-٤ شاه	-٤ شاه	-٤ امپراطور غرب
-٥ پاب	-٥ پاب	-٥ عشق
-٦ عشق	-٦ عشق	-٦ اعتدال
-٧ درشکه	-٧ درشکه	-٧ نیرو
-٨ اعتدال	-٨ عدالت	-٨ عدالت
-٩ عدالت	-٩ درویش	-٩ چرخ سرنوشت
-١٠ نیرو	-١٠ چرخ سرنوشت	-١٠ کالسکه
-١١ سرنوشت	-١١ نیرو	-١١ پیرمود
-١٢ پیرمود	-١٢ به دار آویخته	-١٢ بدبار آویخته
-١٣ به دار آویخته	-١٣ مرگ	-١٣ مرگ
-١٤ مرگ	-١٤ اعتدال	-١٤ فرشته
-١٥ فرشته	-١٥ فرشته	-١٥ جهنم
-١٦ صاعقه	-١٦ خانه خراب	-١٦ امید
-١٧ ستاره	-١٧ ستاره	-١٧ اختیاط
-١٨ ماه	-١٨ ماه	-١٨ ایمان
-١٩ خورشید	-١٩ خورشید	-١٩ ترجم
-٢٠ دنیا	-٢٠ قیامت	-٢٠ آتش
-٢١ فرشته	-٢١ دنیا	-٢١ آب

معهذا، اگر وجود این همه نمادهای صرفاً مصری در ثورای ایتالیایی برای خوانندگان کافی نبوده است، چند کلمه‌یی در باب تحول ثورا در شرق و همچنین در سایر کشورهای اروپایی، علاوه بر ایتالیا، به اثبات این نظریه کمک خواهد کرد.

ثورای هندی

چنانچه مرن می‌گوید، ثورا فشرده‌یی است از شناخت علمی عهد باستان. با تحقیقاتی که شاتو در این باب در شرق انجام داده است، این امر به روشنی اثبات می‌شود.

در واقع، هندوان بازی‌یی دارند موسوم به شترنج که از ثورا مشتق شده است و چید و واچید مهره‌های آن در چهار مجموعه انجام می‌شود: فیل، رخ، اسب، پیاده.

زرتشیان هند (پارسیان) هم بازی‌یی دارند که مستقیماً از نمادهای قدیمی ثورا مشتق شده است: به نام گنجفه^۱. این بازی از هشت مجموعه‌ی دوازده برگی تشکیل شده و به ترتیب زیر تقسیم

۱- گنجفه یک بازی قدیمی ایرانی است که روی هم نودوشش برگ، دوازده برگ در هشت مجموعه، داشته؛ از دوازده برگ هر مجموعه دو برگ به نام شاه و وزیر و بقیه با شماره‌های ۱ تا ۱۰ شناخته می‌شدند.

فصل نهم

۱۲۳

می شود:

بخش فوكانی یا بیسبور

تاج

سکه‌ی نقره

شمშیر

غلام

بخش تحتانی یا کنبور

چنگ

برات

اشرفی طلا

قماش

ارتباط ثورا با یک یادگار قدیمی چینی: ثورای چینی
م. برتن^۱ خدمات بزرگی به ادبیات و علوم کرده است. او خاطراتش
را در باب چین تهیه و منتشر کرده است و در این کتاب یک یادگار
قدیمی چینی را معرفی کرده است، که ظاهراً متعلق به دوره‌ی اول
امپراطوری چین است، زیرا چینیان نقش آن را طرح خطوط
خشکی بر روی آب می‌دانند که در طوفان یائو^۲ به وجود آمد. این
یادگار چینی از شکل‌هایی تشکیل شده، به صورت مستطیل، تماماً
برابر با هم و دقیقاً به اندازه‌ی برگهای ثورا.

1- M. Bertin

۲- (Yao) کوهی در جنوب چین.

این جدول به شش ستون عمودی تقسیم می‌شود که پنج ستون اول هر یک چهارده خانه را در بر می‌گیرند، در حالیکه ستون ششم، که فقط تا نصفه پر شده، فقط از هفتادویک تا هفتادوهفت را در بر می‌گیرد.

بنابراین، ثورای چینی از هفتادوهفت شکل تشکیل شده، مانند برگهای ثورا و بر عدد ۷ بخش‌پذیر است، زیرا هر ستون پر، از چهارده شکل تشکیل شده و آن ستونی که نصفه است هفت شماره دارد.

جز این، می‌توانستیم این هفتادوهفت خانه را به طریقی تنظیم کنیم که هیچ جای خالی در ستون ششم نماند، و به این ترتیب کافی بود در هر ستون سیزده خانه منظور شود و ستون ششم دوازده حجره می‌داشت. بنابراین، ثورای چینی از نظر چیدن کاملاً شبیه به ثورا است و اگر آن را روی جدولی قرار دهیم چهار رنگ چهار ستون اول هر کدام با چهارده برگ خواهد بود و حکم به شماره‌ی ۲۱، ستون پنجم را پر خواهد کرد و دقیقاً نصف ستون ششم خواهد بود.

کاملاً دور از منطق است اگر چنین ارتباطی را فقط تصادف بخوانیم. پس واضح است که ثورای چینی بر مبنای نظریه‌ی ثورا و در ارتباط با عدد مقدس هفت ساخته شده است. بنابراین، هر دو کاربردهای مختلف از یک طرز تفکر هستند و ابزاری در دست دارند که شاید قبل از موجودیت چینی و مصری، خود، وجود داشته است. شاید ابزاری مشابه را در میان ملل قدیم، مثلاً هندوان یا نزد مردم تبت بیابیم.

ماکوشش بسیار کردیم تا شاید چگونگی تفأل با ثورای چینی را هم

دریابیم، لکن از ترس اینکه بر خط را رویم و از آنجا که نمی‌خواستیم بر صحت و اعتبار و درستی این کتاب خدشه‌یی وارد آید، از مطرح کردن اطلاعات به دست آمده اجتناب کردیم.

لازم به تذکر است که ثورای چینی، اشکال سفید بر زمینه‌ی سیاه هستند و در نتیجه بسیار برجسته نموده می‌شوند. نگاهی غیرمعجب ممکن است در بازشناسی ثورا در این بازی چینی دچار تردید شود. اما ثورای چینی برای چید و واچید برگها استدلالی خاص دارد، که غیرقابل انکار است. ما برای تطابق آن با ثورا، اعداد رموز کبیر و رموز صغیر را ذکر کرده‌ایم.

ثورای چینی

رموز صغیر			رموز کبیر		
۱	۱۵	۲۹	۴۳	۵۷	۷۱
۲	۱۶	۳۰	۴۴	۵۸	۷۲
۳	۱۷	۳۱	۴۵	۵۹	۷۳
۴	۱۸	۳۲	۴۶	۶۰	۷۴
۵	۱۹	۳۳	۴۷	۶۱	۷۵
۶	۲۰	۳۴	۴۸	۶۲	۷۶
۷	۲۱	۳۵	۴۹	۶۳	۷۷
۸	۲۲	۳۶	۵۰	۶۴	
۹	۲۳	۳۷	۵۱	۶۵	
۱۰	۲۴	۳۸	۵۲	۶۶	
۱۱	۲۵	۳۹	۵۳	۶۷	
۱۲	۲۶	۴۰	۵۴	۶۸	
۱۳	۲۷	۴۱	۵۵	۶۹	
۱۴	۲۸	۴۲	۵۶	۷۰	

توضیح بیشتر در باب ثورای چینی را در کتاب جهان اولیه، اثر کور دو ژبلن و در آثار وایان می‌بینیم. در مورد ثوراهای اروپایی، تقریباً تمامی آنها را در اختیار داریم و تنها به ذکر برخی از آنان و توضیح مختصری کفایت می‌کنیم.

ثوراهای فعلی

امروزه ثوراهای بسیاری در دست است که اینک چند ثورای اصلی

رانام می‌بریم:

ثورای اتلاء^۱

ثورای ایتالیایی

ثورای مارسی

ثورای بزانسون^۲

ثورای بزانسون با دو سر

ثورای واتیو^۳

ثورای آلمانی

ثورای پاپوس

ثوراهای فرانسوی

ثورای اتلاء هیچگونه ارزش نمادینی ندارد و مجموعه‌ی ناقص و زشتی از ثورای اصلی است. همین ثورای اتلاء است که فالگیرها مورد استفاده قرار می‌دهند و تنها چیز جالب آن غرابت اشکال آن است.

ثورای واتیو یا برگهای شاهدخت ثورا بازسازی دقیقی است از

1- Etteila

2- Besançon

3- Watillaux

رموز صغیر و از این جهت است که ارزش تحقیق دارد.

ثورای ایتالیایی، ثورای بزانسون و ثورای مارسی، بدون شک بهترین ثوراهایی هستند که امروزه در دسترس ما قرار دارند، بخصوص ثورای مارسی که بخوبی ثورای نمادین اولیه را بازسازی کرده است.

ثوراهای دیگر یا ثوراهای خارجی

علاوه بر ثورای ایتالیایی باید از ثورای آلمانی نام برد که در آن نمادهای رموز صغیر متفاوت هستند. در واقع: دل به جای جام؛ زنگوله به جای سکه؛ برگ به جای شمشیر؛ بلوط به جای چوبدست نشسته است و باقی اشکال این ثورا بسیار زشت است.

ثورای پاپوس

مهم بود که ثورایی وجود داشته باشد که نمادهای آن به طور مشخصی تنظیم شده باشد. این کار را الیفاس لوى لازم دیده بود و اصول آن را پایه ریزی کرده بود و گولینا^۱ تحت نظر پاپوس آن را نقاشی کرد.

این نقاش با استعداد، یک مجموعه‌ی بیست و دو تایی از رموز کبیر و یک مجموعه‌ی پنجاه و شش تایی از رموز صغیر را نقاشی کرد. طراحیها بازسازی ثورای مارسی است، با تغییراتی در نمادها که از آثار بالارزش الیفاس لوى بر این مسئله‌ی مهم الهام گرفته شده است.

چنانچه گفتیم، برای افرادی که بخواهند عمیقاً ثورا را مورد بررسی قرار دهند بسیار مفید خواهد بود اگر یک دست ثورای مارسی و یک دست ثورای پاپوس فراهم کنند.

این دو ثورا هستند که ما مفهوم نمادین هر یک از برگها را از آنها نتیجه می‌گیریم.

اما قبل از پرداختن به بررسی برگ نمادها، بر ما لازم است که ببینیم آیا وسیله‌یی وجود ندارد که به طور قطعی نمادگرایی ثورا را مشخص کند.

چگونه می‌توان امید داشت نمادگرایی ثورا به طور دقیق مشخص شود؟

ثورا معرف علم باستان یا علم قدیمه در تمامی ابعاد ممکن خویش است. بر این مطلب تا بدینجا به کفايت تأکید شده است.

بنابراین، اگر بخواهیم مبنای مستحکمی برای تفسیر نمادهای ۲۲ رمز کبیر پیدا کنیم، باید چند لحظه‌یی ثورای خود را به کنار بگذاریم و به این علم باستان نظر کنیم. فقط این علم است که می‌تواند وسیله‌یی در اختیار ما بگذارد که به هدف خود بررسیم، نه برای پیدا کردن توضیحی برای نمادها، بلکه بیشتر برای یافتن رهنمودی تا بتوانیم در تفسیر هر یک از اشکال خلاقیت داشته باشیم و تفسیرهای باسمه‌یی و تکراری را کنار بگذاریم و به این ترتیب اگر در حد ممکن احتیاط کنیم و مرتكب این اشتباه نشویم که نمادهای ثورا را با خود آنها توضیح بدھیم، و به جای آن تحقیق کنیم و دلیل وجود آنها را در منبع اصلی شان جست و جو کنیم،

کاری نو به انجام خواهد رسید.

همان اولین تحقیق در باب نمادهای ثورا، ما را به بحث درباره‌ی مسئله‌ی عظیم اصل نمادگرایی به طور کلی رهنمون خواهد شد. از آنجایی که ما به تنها بی نمی‌توانیم به حل این مسئله پردازیم، از این‌رو، نظر چند تن از محققان را در این باب مطرح می‌کنیم و با توجه با اینکه تنها معیار حقیقت، "وحدت" است، محل تلاقی نتیجه‌گیریهای این محققان را به عنوان رهنمونی گرانبهای پذیرا می‌شویم.

کلود دو سن مارتئن^۱، فیلسوف گمنام، در کتاب ارتباطات خود می‌نویسد: "القبای اولیه از شانزده علامت تشکیل شده است." او اطلاعات خود را تا جایی در اختیار ما می‌گذارد که بتوانیم بر آنها با الهام درونی همراه با درس‌های معنوی، که خود او در یکی از مکاتب عرفانی فرامی‌گیرد، قضاوت کنیم.

لاکور^۲ در کتاب خود الوهیم^۳ یا خدای موسی موفق شد با استنتاجی کلی وجود یک القبای اولیه را تبیین کند، که آن هم از شانزده علامت تشکیل شده است. محقق دیگر موسوم به باروآ^۴ در تحقیقی کاملاً متفاوت، وقتی به دنبال اختراع زبان اشاره‌یی برای ناشنوایان بود به همین نتیجه رسید و وجود شانزده علامت اولیه را تأیید کرد. اما کارکور دو ژبلن، وبخصوص فابر دُلیوه، در این باب بسیار شایان

1- Claude de Saint-Martin: *Livres des Rapports....*

2- Lacour: *Eloim.*

3- الوهیم یا الوئیم (Elohim) جمع کلمه‌ی عبری ال (El) یا الوآه (Eloah) است که به معنی خدا است و به یهوده هم اطلاق می‌شود.

4- Barrois: *Dactylogie.*

توجه است. این دو عارف دانشمند در زبان عبری تحقیق کرده‌اند، وجود علامات هیروغلیف اولیه را که حروف عبری از آن مشتق است، تعیین کرده‌اند.

با اینکه تمامی این محققان از منابع کاملاً متفاوتی بهره‌مند شده‌اند اما نتیجه گیریهای مشابهی کرده‌اند، و این امر دلیل قانع‌کننده‌یی است بر صحبت تحقیقاتشان.

این واقعیت که شانزده علامت اولیه به شیوه‌ی خاصی موجب پیدایش الفبای عبری، سنسکریت، چینی یا یونانی شده است، مناطق توجه ما نیست. اما اینکه الفبای عبری از ۲۲ حرف تشکیل شده، شماره‌های حروف الفبایش بر شماره‌های رموز کبیر ثورا منطبق است، به نظر ما از اهمیت خاص برخوردار است.

به این ترتیب، به عنوان نقطه‌ی شروع تحقیق، الفبای عبری مشتمل بر ۲۲ حرف را که از ۱۶ علامت اولیه مشتق است به خدمت می‌گیریم.

به محض انتخاب زبان عبری برای تحقیق، از هر سو نور تازه‌یی بر این مسئله خواهد تابید.

گیوم پوستل^۱ رابطه‌ی میان حروف عبری و ثورا را بر ما روشن می‌کند؛ وان هلمون^۲ (پسر)، کلود دو سن مارتئن^۳، فابر ڈلیوہ، این عقیده را مستحکم می‌کنند و سرانجام الیفاس لوى هم نکته‌ی

1- Guillaume Postel: *Clavis*.

2- Van Helmont (fils): *Origine du Langue* (Latin).

3- Claude de Saint-Martin: *Tableau Naturel des Rapports Qui Existe entre Dieu, L'Homme et L'Univers*.

استادانه‌ی خود را در این مسئله عنوان می‌کند.

اما آنچه بیش از هر چیز ما را متعجب می‌سازد، بررسی یک کتاب باستانی قبالایی است موسوم به "سفر یتسیره"^۱ که در مورد تشکیل الفبای عبری تحقیق کرده است و به تقسیمات حروف مرتبط با معلومات نجومی رسیده است، به همان شکلی که در یک نسخه‌ی قدیمی واتیکان نشان داده شده است، و روی آن کریستیان^۱ کارهای تنجیم خود را بنا کرده است.

از تمامی این نقطه‌نظرهای مختلف یک نتیجه‌ی منفرد به دست می‌آید: یک حرف عبری ارزشی در حد یک نماد دارد. در آن یک نماد واقعی وجود دارد که از آن نه فقط می‌توان نتیجه را دانست، بلکه می‌توان منابع آن را هم شناخت.

پس می‌توان ثورایی ساخت که فقط از حروف عبری و شماره‌ها تشکیل شده باشد. اما هدف ما این نیست، بلکه ما می‌خواهیم بدانیم چگونه از نمادگرایی حروف عبری می‌توان نمادگرایی ثورا را بیرون کشید، از این طریق برنامه‌ی ما مشخص می‌شود: تعیین استنتاجی مفهوم اشکال ثورا و علت وجودشان.

(Sepher Yetsirah) سفر یتسیره در کتاب قبالای پاپوس به فرانسه ترجمه شده است. به پانویس صفحه‌ی ۱۳۱ از همین کتاب رجوع شود.
 (Christian) کتابدار کتابخانه‌ی آرسنال پاریس در قرن نوزدهم، مولف کتاب *Histoire de la Magie*

حروف عبری پایه‌ی ثورای نمادین

ما می‌خواهیم حروف عبری را یک به یک تحقیق کنیم، و برای این امر سه نکته‌ی زیر را در نظر می‌گیریم:

- ۱- ارزش هیروگلیفی هر یک از حروف بنا بر اصلشان (فابر دُلیوه، باروآ)؛
- ۲- ارزش نمادین مشتق از این هیروگلیف (فابر دُلیوه، الیفاس لوى، کریستیان)؛
- ۳- ارزش تنجمی (کریستیان، و "سفر یتسیره").

با دانستن این معلومات برای ما آسان خواهد بود که کاربرد نمادهای ثورا را از آن استنتاج کنیم.

اما قبل از شروع این تحقیق، بد نیست چند کلمه‌یی از الفبای عبری به طور کلی و از شکل‌گیری آن بگوییم: الفبای عبری از ۲۲ حرف تشکیل شده، معهذا حروف به طور تصادفی پشت همدیگر قرار نگرفته‌اند؛ هر یک از آنها با یک عدد از ردیف خود، با یک هیروگلیف از روی شکل خود و با یک نماد در ارتباط با حروف دیگر مرتبط است. چنانچه گفته شد تمام حروف از یک حرف از میان خودشان، "ی" مشتق شده‌اند ("سفر یتسیره" را ببینید). این حرف "ی" آنها را دسته‌بندی می‌کند، به صورت زیر:

۱- سه مادر:

الف (ا)

مم (م)

شین (ش)

۲- هفت دوتایی (دو تایی زیرا دو صدا دارند، یکی مثبت و قوی و دیگری منفی و ضعیف):

بت، یا و ت (ب)

جیمل (ج)

دالت (د، ذ)

کاف (ک)

ف (ف)

رش (ر)

تاو (ت، ث)

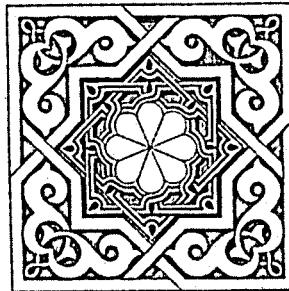
۳- و سرانجام دوازده شکل ساده به توسط حروف دیگر.

برای روشن کردن تمام موارد فوق الفبای عبری را به دست می‌دهیم
تا کیفیت هر یک از این حروف و همچنین درجه‌ی آنها را نشان
بدهیم.

ردیف	هیروغلیف	نام	رومی	ارزش
۱	א	الف	Alef	مادر
۲	ב	بت	Bet	مرکب
۳	ג	جیمل	Gimel	مرکب
۴	ד	دالت	Dâlet	مرکب
۵	ה	ه	He	ساده
۶	ו	واو	Vâv	ساده
۷	ז	زئین	Zayin	ساده
۸	ח	حیت	Het	ساده
۹	ט	طیت	Tet	ساده
۱۰	י	یُد	Yod	ساده و اصل
۱۱	כ	کاف	Kâf	مرکب
۱۲	ל	لامد	Lâmed	ساده
۱۳	ם	مم	Mem	مادر
۱۴	נ	نون	Nûn	ساده
۱۵	ס	سامخ	Siamekh	ساده
۱۶	ע	عین	Ayin	ساده
۱۷	ף	ف	Fe	مرکب
۱۸	צ	صادی	Tsâdi	ساده
۱۹	ק	قاف	Qâf/Qof	ساده
۲۰	ך	رش	Reš	مرکب
۲۱	ש	شین	Šin	مادر
۲۲	ׁת	تاو	Tâv	مرکب

ما در حروف عبری اصول ثابتی برای نمادگرایی تعیین کرده‌ایم. حال دیگر ترسی از تعبیر غلط به خاطر مثلاً لباسی یا شکلی غیردقیق در برگهای ثورا نداریم، چرا که با کمک حرف عبری مرتبط با شماره‌ی رموز کبیر نکات نامعلوم یا مشکل برای تحقیق را درمی‌یابیم. بنابراین، می‌توانیم در کمال اطمینان به ثورا بازگردیم، که برای لحظه‌ی کنار گذاشتمیم تا جمله‌ی معترضه‌ی را تشریح کنیم.

فصل دهم



..... تقدیم به خاطره‌ی نویسنده‌ی کتاب دنیای جدید،
۱ اسفه روكا



ثورای نمادین تحقیق در باب هر یک از ۲۲ رمز کبیر

طرح برنامه

طرحی را که در صفحه‌ی ۱۳۹ می‌بینید به عنوان قانون کلی نمادگرایی ثورا در مورد هر یک از بیست و دو رمز کبیر به کار خواهیم گرفت. در اینجا توجه خواننده را به دیدن تمام موضوع جلب می‌کنیم، و تمام کوشش خود را به کار می‌بندیم تا در حد ممکن به روشنی سخن بگوییم و برای این امر ابتدا طرحی را نشان خواهیم داد که برای تحقیق هر یک از برگهای ثورا دنبال خواهیم کرد. ۱- همیشه از علامت هیروغلیف شروع می‌کنیم که حروف عبری را به وجود آورده است. کور دو ژبلن مؤلفی است که ما در

این باره به ویژه از او کمک خواهیم گرفت.

۲- از حروف هیروگلیف نظراتی را به دست می‌آوریم که از آنها حروف عبری تدریجاً استنتاج شده است و به صورت علامت مشخص شده است. مطالعه‌ی آثار کرشر^۱ و فابر دُلیوه در این مورد به بهترین وجه کمک خواهد کرد.

۳- هنگامی که ما نظریاتی را که با حروف عبری مشخص شده‌اند، تعیین کردیم، به دنبال مفهوم این نظریات در شکل نمادین ثورا خواهیم گشت.

الیفاس لوی^۲، کریستیان^۳، باروا^۴ در این تحقیق به ما کمک می‌کنند.

۴- و سرانجام مفهومی را که باید به برگ ثورا نسبت بدھیم بر مبنای ارتباط عددی و نمادین آن با برگ‌های دیگر است و همچنین با در نظر گرفتن قانون کلی نمادگرایی است. این بخش از کار شخصی است.

۵- مطالعه در باب هر یک از برگ‌های ثورا را با ارایه‌ی جدولی برای خلاصه کردن آنچه تا کنون گفتیم تمام می‌کنیم و در ضمن به خوانندگان یادآوری می‌کنیم که فقط مطالعه‌ی جداول خلاصه شده هیچ فایده‌یی برای برگ‌های ثورا نخواهد داشت و بهترین روش دنبال کردن تدریجی مفهوم هر برگ و در عین حال پیش چشم داشتن آن برگ است.

1- Kircher

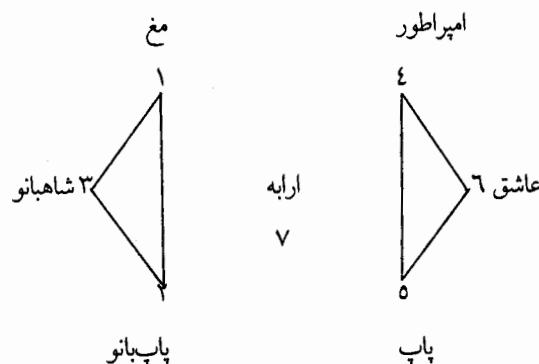
2- E. Levi: *Rituel de Haute Magie*.

3- Christian: *Histoire de la Magie*.

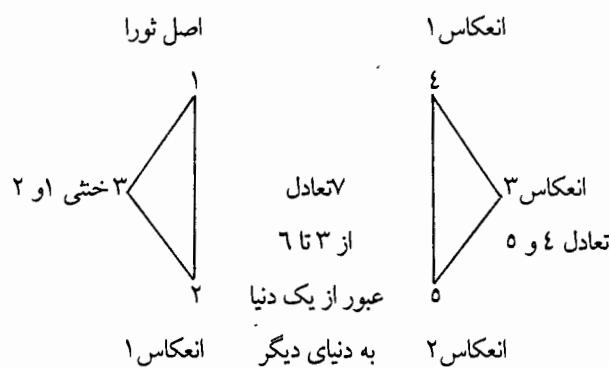
4- Barrois: *Dactylogie, ou Langage Primitif*.

کلید اولین هفت تایی

هفت برگ اول رموز کبیر



مطابقه با مفهوم اصلی



ما نمی‌خواهیم این بخش را بدون گفتن کلمه‌یی در باب پایه‌یی که روی آن رابطه‌ی تنجیمی هر برگ ثورا را برباکرده‌ایم، خاتمه دهیم. یکی از قدیمترین کتابهای قبالاً که در اختیار ما است، "سفر یتسیره"^۱ می‌گوید که سه حرف مادر در الفبای عبری به سه جهان مربوط می‌شود، هفت مرکب به هفت سیاره و دوازده ساده به دوازده ماه^۱ فلکی.

پس با دیدن کتاب نجوم تألف کریستیان فهمیدیم که شماره‌یی که توسط نویسنده‌ی کتاب به کرات آسمانی منسوب شده دقیقاً با شماره‌های مرکب حروف عبری در ارتباط است و شماره‌های منسوب به دوازده ماه فلکی دقیقاً با حروف ساده مرتبط است. به اعتقاد ما این انطباق مطلق میان دو سند اصیل، با اینهمه تفاوت از نظر زمان و مکان، ارزش آن را دارد که به طور جدی مورد ملاحظه قرار گیرد. به همین دلیل در کنار هر یک از حروف مرتبط تنجیمی آن را نیز بازگفته‌ایم.

1- voir Franck: La Kabbale, Paris, in-8.

اولین برگ ثورا مبدأ معنای تمام برگهای ثورا

پس از آنچه گذشت می‌بینیم کافی است معنای دقیق اولین برگ ثورا را بدانیم تا بتوانیم به دقت معنای تمام برگهای دیگر را تعیین کنیم. البته نمی‌توان با یقین کامل به موضوع نزدیک شد و در واقع امید رسیدن به حقیقت موضوع بر باد می‌رود. زیرا با امکان اشتباهی هرچند کوچک نتیجه‌یی نادرست حاصل خواهد شد.

کاری که تا کنون انجام دادیم به ما اجازه می‌دهد که کمابیش به صورت ریاضی به مفهوم نمادین اولین برگ ثورا برسیم؛ اما فقط در مفهوم کلی، و ما می‌دانیم که هر برگ ثورا نه تنها یک مفهوم بلکه سه مفهوم خواهد داشت.

باید سه اصل تقریباً کلی پیدا کنیم که با تمام قوانین شناخت بشری وفق یابد، زیرا این امر باید هدف ثورا باشد.

در این مورد مانند همیشه ما به نظر محققان دیگری که این مسائل را از نقطه‌نظرهای مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند مراجعه می‌کنیم؛ تطابق تعلیمات آنها پرتو تازه‌یی خواهد افساند که به یقین بهتر راه ما را روشن می‌کند.

هونه ورونسکی^۱، عالم لهستانی که از گرسنگی در حوالی پاریس مرد، شاید یکی از مغزهای قدرتمندی بود که در قرن نوزدهم می‌زیست. او مدعی بود که رمز مطلق را کشف کرده است و آثار او

1- Hoenè Wronski: *L'Occultisme Contemporain*.

بی‌چون و چرا خلاصه‌ی ترکیبی برجسته‌یی است که ما تاکنون برای شناخت در دست داشته‌ایم. در اینجا نمی‌خواهیم نظریه‌ی ورونسکی را مورد بحث قرار دهیم، بلکه فقط می‌خواهیم سه عنصر اولیه را که در قانون خلقت او وارد می‌شود خاطرنشان کنیم. ورونسکی در اصل هر خلقت سه عنصر را قرار می‌دهد به اسامی زیر:

۱- عامل خنثی ۲- عامل بودن ۳- عامل دانستن

عامل خنثی نشانگر مطلق است، حقیقتی که منتج از خنثی بودن کلی دو عامل دیگر، یکی به وسیله‌ی دیگری است.

عامل دانستن نشانگر قوه‌ی خلاق است با خصوصیات ویژه‌اش: زایش خودبخود و خودجوشی.

عامل بودن نشانگر قوه‌ی دائم است با خصوصیاتش: خودنگری و بی‌حرکتی.

اصول خلاقیت یا عامل دانستن

اصول حفاظت یا عامل بودن

اصول خنثی بودن یا عامل خنثی

اینها هستند سه عاملی که ورونسکی روی آنها، پایه‌ی حقیقت را بنا گذاشت و در باب تمام نظام آفرینش نظر داد.

فابر ڈلیو در تحقیقاتش در باب علت اولی که همه چیز از آن ناشی است^۱، از سه اصطلاح نام می‌برد: مشیت، سرنوشت و اختیار بشری.

۱- اشعار طلایی فیثاغورث، و تاریخ فلسفه‌ی نوع بشر را ببینید.

مشیت اصل آزادی مطلق خلقت موجودات و اشیا است.

سرنوشت اصل نیاز مطلق خلقت موجودات و اشیا است.

و سرانجام:

اختیار بشری اصلی خشی است میان این دو: اصل حرکت و تغییر تمام اشکال است.

پس لازم نیست که یک عالم بزرگ روحانی باشیم تا انطباق مطلقی را که وجود دارد مشاهده کنیم. وروننسکی از طریق ریاضی به این نتیجه رسیده است، و دلیوه به عقیده‌ی خود از طریق تعمق در عهد عتیق و رازهای آن به این نتیجه دست یافته است. در واقع کلمات تفاوت می‌کنند اما عقیده در عمق خود یکی است. عامل دانستن نزد وروننسکی یا اصل خلقت، آیا چیز دیگری غیر از مشیت دلیوه است که او هم آن را چون اصل خلقت معرفی می‌کند؟

عامل بودن نزد وروننسکی، اصل قوه‌ی دائم، آیا دقیقاً نشانگر آنچه دلیوه سرنوشت می‌خواند نیست، همانکه او به عنوان اصل حفاظت معرفی می‌کند؟ و سرانجام اختیار بشری دلیوه از هر نظر به عامل خشای وروننسکی جواب می‌دهد.

پس این دو روش فکری کاملاً متفاوت به یک مفهوم می‌رسد. اما نتیجه‌گیری ما در اینجا متوقف نمی‌شود.

در واقع اگر با دقت بسیار این سه اصل اولیه را مورد بررسی قرار دهیم می‌بینیم در اولی:

مشیت یا عامل دانستن، آن چیزی است که از نظر فلسفی "خدا" می‌نامیم.

سرنوشت یا بودن همسانی خود را با قوانین جبری که بر جهان

حاکم است نشان می‌دهد.

و بالاخره اختیار بشری همپایه‌ی انسان است و به او جواب می‌گوید و نیازی به مطالعه‌ی طولانی برای رسیدن به این جمع‌بندی وجود ندارد:

خدا، انسان، کابینات

این سه کلمه پایه‌ی تمام فلسفه‌های عرفانی قدیم است و تنها ورونسکی یا فابر دُلیوه نیستند که در مورد تثییث عرفانی به اتفاق نظر رسیده‌اند. به طور کلی، علوم قدیمه اصولی برابر را از دهان تمام پیروان خود بشارت داده است. هرمس مثلث، قبالای مقدس نوافلاطونیان و کیمیاگران، با گذر از فیشاگورث و تمام فلسفه‌ی یونان، تقسیم جهان اکبر را به سه کون یا جهان تأیید کرده‌اند.

پس از ایشان، گیوم پوستل کلید ثورا را به دست می‌دهد، بی‌آنکه آن را توضیح بدهد و مبنای این کلید با این سه وجود رمزبار شکل گرفته است:

خدا، انسان، چرخ سرنوشت

تریتم^۱ و شاگرد او کورنلیوس آگریپا^۲ هم در تمام آثار استقرایی

۱- (Johann Trithemius) (۱۴۶۲-۱۵۱۶) متاله، تاریخنگار و نویسنده‌ی آلمانی.

۲- (Henry Cornelius Agrippa von Nettesheim) (۱۴۸۵-۱۵۳۵) نویسنده، نظامی، و در اصطلاح عام مجوسى آلمانی. علاقه‌ی او به علوم خفیه و قدیمه باعث درگیری او با کلیسا در ۱۵۰۹ شد. بخصوص سخنرانی او راجع به هرمس مثلث در دانشگاه پاویا. مدتی کوتاه پس از آن به پیشکشی اشتغال داشت تا به عنوان تاریخنگار و بایگان به خدمت امپراطور درآمد. کتاب او "فلسفه‌ی خفیه" (De Occulta Philosophia) تحت تأثیر دوست متاله، تاریخنگار و

خود این تثلیث بارور و والا را مطرح کرده‌اند.

کرشر^۱ یسوعی، این تقسیم را در سه جهان به عنوان مبنای راز و عرفان مصر مطرح می‌کند. و سرانجام کلود دو سن مارتین کتابی جامع در باب کلید ثورا نوشته موسوم به "جدول طبیعی ارتباطاتی که خدا، انسان و جهان را یکی می‌کند".^۲

از هند در باب قانون مطلق سؤال کنیم جواب می‌گوید:

تریمورتی^۳: برهماء، شیوا، ویشنو

از چین مفخم آخرین راز فلسفه‌اش را سؤال کنیم "فو هسى"^۴

— نویسنده‌اش، تریتم، در حدود ۱۵۱۰ نوشته شد و او را به سختی با عوامل تفتیش عقاید درگیر کرد. این کتاب دفاعیه‌ای است بر فلسفه‌ی مغان و اینکه انسان ممکن است از این طریق به معرفت بر طبیعت و خداوند دست یابد، و نشانگر نظریه‌ی اگریپا در باب کوهکشان منقسم به سه جهان است.

۱- (Athanasius Kircher) (۱۶۸۰-۱۶۱) یسوعی و فیزیکدان آلمانی. ابتدا در وورتسبورگ فلسفه و ریاضی درس می‌داد، بعد برای تدریس به آوینیون و روم رفت. چندین کتاب در باب مغناطیس، نور و تاریکی، و پدیده‌های کیهانی نوشته است.

2- Claude de Saint-Martin: *Tableau Naturel des Rapports qui unissent Dieu, L'Homme et L'Univers.*

۳- (Trimorti) سه وجهی؛ تثلیث هندو، متشکل از برهماء، خالق، ویشنو: نگهدارنده، و شیوا: نابودکننده. تریمورتی معرف سه نیروی ابدی است.

۴- (Fu Hsi) که در متن فوهی نوشته شده اولین امپاطور اسطوره‌ی چین که حدود ۴۵۰۰ سال پیش می‌زیسته است. "در زمان باستان فو هسى بر همه چیز در زیر آسمانها حکومت می‌کرد. او به بالا می‌نگریست و اشکال نورانی آسمان را مشاهده می‌کرد، سپس به پایین می‌نگریست و شکل زمین را مورد بررسی قرار می‌داد. او نقش تربیتی روی پرندگان و حیوانات و خصوصیات ویژه‌ی مکانهای آنان را یادداشت می‌کرد. نخست او بدن خود را مورد مطالعه قرار داد و بعد چیزهای دوردست را مشاهده کرد." از تمامی اینها او هشت "سه‌خطی" (trigram) مشخص کرد تا از گردنش ملکوتی طبیعت پرده بردارد و خصلت همه چیز را دریابد. از خط ممتد — که آسمان یا یانگ خوانده می‌شود، و نشانگر

سه خطی‌ها را به ما خواهد داد.

به عرفان باستانی مصر رجوع کنیم به ما جواب خواهد داد:

اوزیریس، ایزیس (=ایسیس)، هوروس

بنیانگذار علم "تکوین عالم"^۱ که شاگرد علوم مصر بود، هزیود^۲ یونانی، هم برای ما این قانون را آورد است.

تمامی این آراء با لوکاس^۳ موافقت دارد که می‌گفت: "من احساس می‌کنم پشت این رمز عرفانی تثلیث یکی از مهمترین قوانین علمی پنهان شده است، قانونی که انسان هرگز موفق به کشفش نخواهد شد."

خداء، انسان، و کاینات کلی ترین اصولی هستند که می‌توان به درک آن نایل شد و همان عواملی هستند که سه مفهوم اولین برگ ثورای ما را تشکیل می‌دهند.

فقط مانده است بیینیم: اولاً آیا این مفاهیم به هیروغلیف اولیه جواب

— قطب مثبت، مذکر و فعال طبیعت است، و خط منفصل — زمین یا ین که نشانگر قطب منفی، مؤنث و منفعل طبیعت است، هشت سه خطی به دست آمد و به هر یک از آنها نامی داده شد و برخی صفات ویژه بدانان منسوب گردید (رجوع کنید به بی‌چینگ: کتاب تقدیرات، ترجمه‌ی س. ف.).

1- Cosmogonie

۲- (Hesiode) شاعر یونانی احتمالاً متولد حدود اواسط قرن ششم قبل از میلاد در اسکرا؛ از زندگی او اطلاع چندانی در دست نیست. یقین است که پس از ویرانی اسکرا به دست تسپیس (Thespis) در این شهر درگذشته است. خاکستر او در اورخومنوس (Orkhomenos) شهر باستانی یونان نگهداری می‌شده است. او به هتر تفال و علوم خفیه علاقه‌مند بوده، از کتابهای او تئوگونی (یا هرم خدایان) درباره‌ی به وجود آمدن کیهان و تکوین خدایان یونان است. زبان شعری او مردانه، تلح، مشتاقانه و عارفانه است.

3- Louis Lucas: *Le Roman Alchémique*.

می‌گویند یا نه، و بعد تعیین کنیم، تعمیم معنا در تمامی ثورا به چه صورت است.

۱- الف^۱ اولین حرف الفبای عبری

مبدأ نمادگرایی اولین برگ ثورا

"الف" از نظر هیروغلیف خود انسان است، چون یک واحد جمعی، ماده‌ی اصلی و غالب بر زمین.

از این مفهوم هیروغلیفی تفکر در باب وحدت، و اصل این وحدت اشتقاق می‌یابد؛ تفکری که به "الف" ارزش قدرت و استحکام را می‌دهد.

انسان یا جهان اصغر، وحدت با اصل اول در تمام جهانها: این است مفهوم "الف" در هیروغلیف اولیه. و چنانچه می‌بینیم دقیقاً بر نظریه‌ی اولیه‌ی ما تأکید می‌کند.

اما یک بررسی دقیق از برگ اول ثورا بیشتر ما را روشن خواهد کرد.



نمادگرایی اولین برگ ثورا

مُنْعَ

اگر برگ اول ثورا را برداریم و آن را به دقت نگاه کنیم، به سرعت متوجه می‌شویم که شکل مُنْعَ کاملاً به حرف "الف" جواب می‌گوید. حال اگر به مطالعه‌ی این برگ بپردازیم اصول تعاریف نمادگرایی بنا بر درس‌های اولیه‌ی علوم خفیه معلومات جدیدی را در اختیار ما می‌گذارد.

در قسمت بالای این برگ علامت مقدس زندگی جاوید (۸۸) روی سر مُنْعَ جای گرفته است.

در قسمت پایین زمین نشان داده شده است که با گیاهان و

فرآورده‌های خود تزیین شده است و نماد طبیعت است، وبالاخره در وسط خود انسان است که پشت میزی قرار گرفته و بر روی میز اشیای مختلف قرار دارند.

در سمت راست و چپ این تصویر دستهای مغ دیده می‌شود که یکی به طرف زمین پایین آمده است و دیگری به طرف آسمان بالا رفته است.

وضعیت قرارگیری دستها دو اصل فعال و منفعل جهان اکبر را نشان می‌دهند و همچنین نشانه‌ی دو ستون "یاکین" و "بوعز" در هیكل سلیمان^۱ است. انسان با یک دست خدا را در آسمان می‌جوید و با دست دیگر در اسفل السافلین فرو می‌رود تا شیطان را به سطح خود بالا بکشد. در بشر، الوهیت و شیطان صفتی در یک جا جمع شده است. به این طریق است که ثورا نقش میانجی جهانی آدم ابوالبشر^۲ را به ما نشان می‌دهد. اگر بخواهیم مفهوم نمادهایی را که تا اینجا تعیین کرده‌ایم خلاصه کنیم به صورت جدول زیر خواهد بود.

البته نمادگرایی برگ اول ثورا در همین جا متوقف نمی‌شود. در واقع مُخ در دستی که رو به بالا می‌رود چوبیدست مغان را گرفته و در مقابل او (روی میز) چهار نماد بزرگ ثورا قرار گرفته است.

۱- هیكل اورشلیم که به امر خداوند به توسط سلیمان در ۹۵۶-۹۵۹ قبل از میلاد ساخته شد و گویا ترکیبی فنیقی داشت، زیرا هرم شاه صور در کشیدن نقشه‌ی ساختمان معبد سلیمان را یاری داده بود. دو ستون یاکین (Jakin) در سمت راست و بوعز (Bohas) در سمت چپ در زیر رواق واقع بودند. هیكل سلیمان ۴۲۴ سال باقی ماند.

۲- آدم کدمون (Adam Kadmon) یا آدم کدمون، اصطلاح قبالي از برای انسان ازلی یا حضرت آدم.

	سر	الهی	بالا	راست
چپ				(دست رو به پایین)
(دست رو به بالا)				
آزادی	بدن	بشری	وسط	احتیاج
خوب	پا	طبیعی	پایین	بد

چوبدست، جام، شمشیر، سکه یا طلسم که دقیقاً در ارتباط است با
چهار حرف "ی هوه" که تا اینجا مطرح شد:

چوبدست یا در نهایت، نشانه‌ی اصل فعال و خدا؛

جام یا هدر نهایت، نشانه‌ی اصل غیرفعال و منفعل، یا جهان؛

شمشیر، صلیب یا و در نهایت، نشانه‌ی اصل متعادل‌کننده، یا انسان؛

سکه یا هدوم، نشانه‌ی ادواری ابدیت که سه اصل اول را در یک ثورا به هم پیوند

می‌دهد.

از نقطه‌نظر انسانی، این نمادها به چهار نژاد بزرگ بشری وابسته
است:

انسانهای "ی" یا مخترعین، تولیدگران، نجایی باهوش؛

انسانهای "ه" یا امانتداران حقایق بزرگی که بوسیله‌ی انسانهای "ی" یافته شده؛

عالمان، قاضیان، آقایان عظام؛

انسانهای "و" یا حافظان و مدافعان دو گروه پیشین، مشتمل بر جنگجویان و

سلحشوران؛

انسانهای "ه" دوم، جماعت مردم که در تمام لحظات از طبقات مختلف آنان سر بازگیری می‌شود: مردمان.

چهار نماد بزرگی که تصادفاً روی میز قرار گرفته و انسان آن را در اختیار دارد و باید به آنها نظم بدهد، در بیست و یکمین برگ ثورا باز دیده می‌شود. در برگ بیست و یکم، این نمادها روی صلیب دیده می‌شوند. ما در واقع می‌دانیم که برگ اول ثورا با برگ بیست و یکم کامل می‌شود ($1+21=22$)، و متوجه می‌شویم چرا این برگ نشانه‌ی جهان اصغر و برگ بیست و دوم نشانه‌ی جهان اکبر است. برگ یازدهم ($22:2=11$) رابط کلی تمام مکملهای ثورا و نشانگر خردمند زنده‌ی جاوید است و همچون ارتباطی میان جهانها است. اما بهتر است پیش نیفتم و به برگ اول خود بازگرددیم.

این نماد اولین (برگ اول)، نماد کلی ثورا است^۱، و شماره‌ی خاص آن "واحد" است.

واحد-اصل، که مبدأ آن برای درک بشری غیرقابل دسترسی است، و در آغاز همه چیز قرار گرفته است. ما می توانیم مبدأ این علت اولیه را فقط بنابر قانون مطلق استقرار درک کنیم. الیفاس لوی این نکته را به خوبی در گفتار زیر نشان داده است:

۱- عجیب است که با مطالعه‌ی وضعیت قوارگیری دستهای برگ اول ثورای مارسی می‌بینیم که این وضعیت مشابه بازسازی حروف الفبا در نظریه‌ی باروآ در کتابش "مسئله‌ی الفبا برای ناشنوايان، يا زبان اولیه" است. برگهای ۵، ۲، ۱، پخصوص در این مورد شاخص هستند- پایه سر:

من بر آن ناشناس که تجسم خدا است، باور دارم
او با وجود خود و عظمتش اثبات می شود
او مافوق بشر، آorman فلسفه است
هوش کامل است او، و خوبی متعال
اگر ما نمی توانیم اصل و مبدأ این ناشناس را پیدا کنیم، حدائقی به
آسانی خواهیم توانست او را از طریق آثارش بیابیم، و از سوی
دیگر مطالعات ما در باب تکوین عقل اول است، در آفرینش که در
هرم خدایان، در عرفان باستان، روایت شده است. بنابراین، خدا،
انسان، و جهان سه مفهوم برگ اول ما هستند.
حال سخنی چند در باب تأثیر این برگ بر تمام برگهای دیگر ثورا
بگوییم.

تعمیم مفهوم سه اصل بزرگ در ثورا

سه مفهوم برگ اول، دو دسته نماد را نشان می دهد:
آفریننده یا ای
گیرنده یا ه
منتقل‌کننده یا و،
و بالاخره: انتقال به هدوم که به حساب نمی‌آید.
پس اولین برگ ثورا به طور کلی نشانگر آفریننده یا ای، دومین برگ
نشانه گیرنده یا ه و سومین برگ نشانگر منتقل‌کننده یا و است.
علاوه هر یک از میان آنها چهار وجه "ی ه و ه" را از اندیشه‌یی که

بیان می‌کند نشان خواهد داد.

اما آنچه برای مثلث صدق می‌کند به همان نسبت برای هفت تایی هم صدق می‌کند، یعنی اولین هفت تایی در کل نمایشگر آفریننده است؛ هفت تایی دوم نشانگر گیرنده است؛ هفت تایی سوم نشانه‌ی منتقل کننده و سرانجام مثلث عبور یا جابجایی نشان‌دهنده‌ی بازگشت اثرات در علت، و معلول در علت اول است.

تمام مطالب فوق را به صورت زیر خلاصه می‌کنیم:

هفت تایی اول	نشانگر	خدا؛
هفت تایی دوم	نشانگر	انسان؛
هفت تایی سوم	نشانگر	جهان.

به علاوه هر یک از این عوامل در بروزات دو عالم دیگر وجود دارد.

خلاصه‌نویسی کل مطالب

اینک تمام مطالب ذکر شده در باب برگ اول را در یک جدول کلی خلاصه می‌کنیم. چنین جدولی را در مورد هر یک از برگهای دیگر روز کبیر ثورا نیز تنظیم خواهیم کرد.

در بالای جدول شماره و حرف عبری برگ نوشته شده است. در پایین آن نام مصطلح این برگ نوشته شده.

در سمت راست جدول معانی آن در سه جهان: الهی، بشری، و طبیعی، به چشم می‌خورد.

در گوشی چپ هر یک از خانه‌های دست راست، کلید مطلق آن از روی تقلیب حروف "ی هوه" داده شده است. حرفی که روی خط بالایی جدول جای گرفته نشانگر مبدأ اصلی برگ مورد نظر است و

مفهوم دقیق این برگ را نشان می‌دهد.

در مرحله‌ی الهی:

آفریننده‌ی الهی

خدا

پدر

در مرحله‌ی بشری:

نگهدارنده‌ی الهی

انسان

در مرحله‌ی طبیعی:

متعادل‌کننده‌ی الهی

جهان فعال

طبیعت قادر

۱- الف

مُخ

ارتباطات	علامات	
هیرو کلیف اولیه: انسان قبلا: کیر (Kethir) به معنی تاج نجوم: (ارتباطی ندارد) معیار باستانی ^۱	کلید برگ	ی ی
		آفرینشی الهی خدا پدر
	ی- لزی ی- ی	از پرس
		نگهدارنده الهی انسان آدم
		ه- ازی ی- ی
ملاحظات	متقل کننده الهی جهان فعال طیعت قادر	
	وازی ی- ی	
	ه- دوم ازی ی- ی	

^۱ (Archeometre)، نوشته‌ی سنت ایو دآلودر. برای یافتن ضوابط معيار باستانی هر برگ "ثورای تقال کننده" پاپوس را بینند، در این کتاب معيار باستانی به شرح و تفصیل توضیح داده شده است.

۲- بت^۱ یا وت دومین حرف الفبای عبری

مبدأ نمادگرایی برگ دوم ثورا

ب در هیر و گلیف دهان آدمی است و همچون ابزار سخن گفتن است. سخن گفتن عملی است که از درون موجود خارج می‌شود. همچنین "بت" نشانگر تمام آن چیزی است که در اندرون و مرکز است، چون مسکنی که می‌توان به تنهایی در آن مأوایی گزید، بدون هرگونه مزاحمتی. از آنجا تفکر بیت‌الحرام یعنی مسکنی مصون از تعرض از برای انسان و خدا به وجود آمد. اما "بت" در ضمن تمام تولید صادره از این عزلتگاه مرموز نیز هست، تمام اعمال درونی و فعال، و از آنجا فکر تعلیمات عرفانی، علوم بسیار والا، شریعت، معرفت، علوم خفیه یا قبالا نیز نشأت گرفته است.

ب با شماره‌ی ۲ برابر است، و از نظر فلکی با ماه. این شماره به تمام نشانه‌های انفعالی صادره از ترکیبات عدد ۲ حیات می‌بخشد و از آنجا فکر انعکاس پیش می‌آید، یعنی زن که شامل حال ماه می‌شود، در برابر خورشید، زن در مقابل مرد.

1- bet, vet



نمادگرایی دومین برگ ثورا

پاپبانو^۱

خود خداوند یا خدای پدر انعکاس می‌باید در خدا-انسان، یا خدای پسر، و به او حیات می‌بخشد، که خدای پسر تجلی خالق خویش است. چنانچه دیدیم انسان گیرنده‌ی الهی است، همچنین این برگ ثورا بیانگر تمام نشانه‌هایی از برگ اول است که به صورت انعکاس آن باشد.

برگ اول یک مرد ایستاده را نشان می‌دهد، برگ دوم، برعکس، یک زن نشسته را نشان می‌دهد. اولین نشانه‌ی انفعال بوسیله‌ی زن با طرز قرار گرفتن او بروز می‌کند.

1- Papesse

مرد تمام نشانه‌های قدرت را دارد و در وسط طبیعت قرار گرفته است. زن به تمام نشانه‌های اقتدار و عقاید مذهبی مزین است و زیر رواق معبد ایزیس میان دو ستون قرار گرفته است. از همینجا فکر مأمن مقدس و گیرنده‌ی الهی نشأت گرفته است. دو ستون نشانگر مثبت و منفی هستند، مثل بازوهاي منغ در برگ اول.

بر سر زن تاجی است که بر آن هلال ماه نشانده شده، و حجاب شفافی روی تاج را پوشانده و چینهای آن تا روی صورت را می‌پوشاند. بر سینه‌اش صلیب خورشید قرار گرفته و روی زانوانش کتابی باز قرار گرفته که روپوشش گوشه‌یی از کتاب را پوشانده است. این تصویر ایزیس است، تصویر جسم یک زن که نباید حجابش را در مقابل کفار کنار زند. تعلیمات ایزیس پنهانی است، چنانچه کتاب نشان می‌دهد ایزیس است که به مغان اسرار واقعی قبالا و علوم خفیه را می‌آموزد. این نماد عمیق شایسته‌ی تقدیر است. برگ اول نشانه‌ی اوزیریس در سه جهان بود، برگ دوم نشانه‌ی ایزیس، همسر اوزیریس، است.

به اعتبار خدا، اوزیریس مظهر و انعکاس خدای پدر است، ایزیس مظهر انعکاس خدای پسر.

به اعتبار انسان، اوزیریس مظهر و انعکاس حضرت آدم: انسان مطلق است و ایزیس مظهر و انعکاس حوا، زن زندگی.

به اعتبار جهان، اوزیریس مظهر و انعکاس طبیعت قادر است و ایزیس مظهر و انعکاس طبیعت طبیعی است.

۲- ب

پاپ بانو

ارتباطات	علامات
هیروگلیف اولیه: دهن انسان قلا: شوکمه (Chocmah) (به معنی خرد) نجوم: ماه (قمر) روز هفته: دوشنبه حرف عبری: ب (مرکب)	انعکاس خنای پدر: ایزرس خنای پسر ایزرس انعکاس آدم حوا زن هزار هـ هـ-هـ
ملاحظات	انعکاس طیعت قادر طیعت طبیعی واژه هـ-هـ
	هدوم از هـ هـ-هـ

سومین حرف الفبای عبری ۳- جیمل^۱

مبدأ نمادگرایی سومین برگ ثورا

"جیمل" در هیروغلیف نشانه‌ی گلو است. دست نیمه‌بسته انسانی که در حال گرفتن اشیا است. و از آنجا نشانه‌ی هر چیزی است که محصور می‌کند، نشانه‌ی هر آنچه تو خالی و گود است، نشانه‌ی یک ترue، یک زن حامله. گلو جایی است که کلمه‌ی متصروره در مغز ما، شکل می‌گیرد و به صورت سخن تجسم می‌یابد. همچنین "جیمل" نماد پوشش مادی اشکال معنوی است. نماد توالد و تناسل اندامها است، تحت همه‌ی اشکال، نماد تمام عقایدی است که در باب اندامهای جسمی و عملکردشان وجود دارد.

توالد و تناسل رازی است که در پس آن روح با جسم پیوند می‌یابد و از طریق آن الوهیت، بشری می‌شود.

همچنین با اطلاعاتی که داده شد به سادگی متوجه می‌شویم که برگ سوم ثورا که در ارتباط با ونوس-اورانیایی^۲ است، نشانه‌ی چیست.

1- 'gimel

-۲ (Venus-Ouranien) از موزها. نجوم را به اورانی نسبت می‌دهند. در علم اساطیر قدیم آفروزیته‌ی اورانیایی هم ذکر شده که الوهیت آسمانی و آرمانی است و نمی‌تواند هدف امیال جسمانی قرار بگیرد. ونوس خدایانوی باستانی لاتین‌ها بود، که حمایت از باگهای سبز را به عهده داشت. او الهی مهمی به شمار نمی‌آمد تا اینکه از قرن دوم پیش از میلاد با آفروزیته، الهی عشق یونانی برابر شد. حیوان محبوب او کبوتر و گیاهان مخصوص او گل سرخ و مورد بوده است.



نمادگرایی سومین برگ ثورا

شاہبانو یا امپراطريس^۱

برگ سوم ثورا نشانگر نظریه‌ی توالد و تناسل، و به جسم درآمدن در تمام جهانها است.
زئی از رویرو.

از پهلوی زن است که موجود بشری به جسم درمی‌آید و تجسد می‌یابد.

این زن به صورت بالدار یا در مرکز یک خورشید مشعشع نشان داده می‌شود.

نظریه‌ی معنویت است در ارتباط با اصل حیاتی موجودات.

1- Impératrice

این زن عقابی در دست راست گرفته است؛

عقاب نماد روح و زندگی است (روح القدس).

در دست چپ عصایی با علامت فلکی ونس گرفته است.

عصا در دست چپ گرفته شده، برای نشان دادن تأثیر انفعالی یی که طبیعت، ونس اورانیایی، یا زن در توالد و تناسل موجودات ایجاد می‌کند.

او تاجی بر سر دارد، با دوازده نگین یا دوازده ستاره.

نشانه‌ی تقسیم شدن اصل حیاتی در تمام جهان‌ها، و تقسیم خورشید در میان صور فلکی.

برگ سوم ثورا نتیجه‌ی اعمال دوسویه‌ی دو برگ اول است که در یک اصل یکدیگر را خشی می‌کنند. و از اینجا عنصر خشای ورونسکی به دست می‌آید که پایه‌ی تمام نظام واقعیت است.

نیروی آفریننده‌ی مطلق، یا اوزیریس، یا نیروی نگهدارنده‌ی مطلق یا ایزیس یکدیگر را در نیرویی متعادل‌کننده، خشی می‌کنند که در خود اختصاصات بسیار متفاوت دو شکل اولیه را به طور فشرده دارا هستند.

مرحله‌ی الهی:

تعادل پدر و پسر

خدای روح القدس

هوروس

نیروی حیاتی جهانی

مرحله‌ی بشری:

آدم- حوا

بشریت

مرحله‌ی طبیعی:

دنیا

۳- جیمل

شاهبانو (امپراطريس)

ارتباطات	علامات		
<p>هیروگلیف اولیه: دست در حال گرفتن اشیاء فلا: یا (Binah) به معنی ادراک نجوم: زهره (ونوس) روز هفت: جمعه حروف عبری: جیمل (مرکب)</p>	<p>خلای روح القدس: هوروس نیروی حیاتی جهان</p> <table border="1" data-bbox="665 661 798 746"> <tr> <td>ی ازو</td> </tr> <tr> <td>و-و</td> </tr> </table>	ی ازو	و-و
ی ازو			
و-و			
	<p>آدم-حوا بشریت</p> <table border="1" data-bbox="665 822 798 917"> <tr> <td>هازو</td> </tr> <tr> <td>و-و</td> </tr> </table>	هازو	و-و
هازو			
و-و			
ملاحظات	<p>جهان (دینا) طیعت طیعی</p> <table border="1" data-bbox="665 1040 798 1134"> <tr> <td>وازو</td> </tr> <tr> <td>و-و</td> </tr> </table> <p>هدوم ازو و-و</p>	وازو	و-و
وازو			
و-و			

اصل آفریننده و اصل گیرنده با اعمال دوسویه‌ی خود اصل منتقل کننده را به وجود آورده است: یک کلیت کامل خلق شده است. مرحله‌یی که اکنون به وجود می‌آید به "ه" دوم از کلمه‌ی مقدس وابسته است و از آنجا عبور از یک گروه به گروه دیگر را نشان می‌دهد.

۴- دالت^۱ یا ذالت

چهارمین حرف الفبای عبری

مبدأ نمادگرایی چهارمین برگ ثورا

دالت در هیروگلیف یعنی سینه. سینه اگر فراخ باشد روزی بسیار به دست می‌دهد و سرچشمه‌ی یک آینده‌ی سرشار است. فرزند یک واسط زنده است که در عین خشی بودن خود، تضاد جنسیتها را پوند می‌دهد. همچنان دالت نشانه‌ی فراوانی زاده از تقسیم است.

دالت مانند شماره‌ی ۱، نشانه‌ی آفرینش فعال است؛ اما این آفرینش نتیجه‌ی اعمال درونی است و به آسانی قابل تشخیص است، در حالی که مبدأ یک برای دراکه‌ی بشری غیر قابل دسترسی است. دالت آفرینشی را نشان می‌دهد که از روی قوانین الهی به وسیله‌ی یک موجود مخلوق ایجاد شده است.

دالت تصویر اصل حیاتی فعال جهان، نشانه‌ی مشتری (ژوپیتر) است و انعکاس علت اول.

^۱ dalet



نمادگرایی چهارمین برگ ژورا

شاه (امپراطور)^۱

نماد این برگ فعالانه هر آنچه را که برگ قبلی به صورت انفعالی بیان می‌کرده است، بیان می‌کند.

مرد نشسته‌یی از نیمرخ؛

مرد نشانه‌یی فعالیت است. معهداً، وضعیت نشستن او نشانه‌ی آن است که این فعالیت به مرحله‌ی بالاتر احواله شده است. برگ اول، مُغ، فعال مطلق به صورت ایستاده و از روی رو عرضه شده بود و برگ چهارم، شاه (امپراطور)، فعال نسبی، به صورت نشسته و از نیمرخ است.

1- Empereur

این مرد با دست راست عصای نمادین توالد و تناصل یا عصای ونوس را گرفته است. عصا با دست راست گرفته شده و برای نشان دادن تأثیر فعال است که اصل حیاتی در طبیعت، در تضاد با اصل شکل دهنده عمل می‌کند (برگ سوم).

مرد ریش دارد و کلاهخودی با دوازده دندانه (شش دندانه در هر طرف) بر سر دارد. او بر سنگ مکعبی نشسته، که تصویر عقابی بر آن است.

کلاهخود نشانه‌ی استیلای مشیت الهی در جهان است و عملکرد جهانی آن در آفرینش حیات (عقاب).

وضعیت قرارگیری روی سنگ مکعب نشانه‌ی به عمل درآمدن در تمام جهانها است.

۱- به عمل درآمدن کلمه‌ی الهی است، هنگام آفرینش (کن فیکون)؛

۲- به عمل درآمدن فکر هستی از کار چهارگانه‌ی ذات اعلیٰ منبعث است:

تأکید-نفی

بحث

راه حل

۳- به عمل درآمدن اعمالی که از اختیار منشاء‌گرفته.

مرد پایش را صلیب‌وار روی هم انداخته و بدنش به صورت یک مثلث شده است (▲).
استیلای ذات بر ماده.

اگر با دقیق بیشتری نگاه کنیم، تصویر، نماد ژوپیتر (مشتری)  را می‌سازد که نشانه‌ی برگ چهارم ثورا است.
برگ چهارم ثورا با "ه" دوم مرتبط است و از آنجا دو مسیر مجزا و

مشخص را برمی‌گزینند: اول بیانگر یک دوره‌ی انتقالی است که دسته‌ی برگهای اول (نیروی فعال، نیروی غیرفعال، واسط دو نیرو) را به دسته‌ی برگهای بعدی پسوند می‌دهد؛ عبور از یک دنیا به دنیای دیگر.

دوم بیانگر این دوره از انتقال است که خود مرحله‌ی اول دسته‌ی بعدی خواهد بود. چنانچه دسته‌ی بعدی به طور کلی گرفته شود، در ارتباط با اولی منفی است، نماد چهارم نشانگر تأثیر عملی از دسته‌ی اول ۱، ۲، ۳ در دسته‌ی دوم ۴، ۵، ۶ است.

بنابراین، چهار همه جا انعکاس برگ اول است، یعنی، در برابر دسته‌ی اول چنان عمل می‌کند که برگ دوم در برابر اولی. و از آنجا مقاهم زیر به دست می‌آید:

در مرحله‌ی الهی:

انعکاس و مظهر خدای پدر

در مرحله‌ی بشری:

انعکاس و مظهر آدم

در مرحله‌ی طبیعی:

انعکاس طبیعت قادر:

ماده سیال جهانی آفریننده:

روح جهان

۴- دالت

شاه (امپراطور)

ارتباطات	علامات
<p>هیروگلیف اولیه: سینه قبل: شد (Chesed) به معنی فیض و رحمت نجم: مشتری (زوپیتر) روز هفته: پنجشنبه حرف عبری: دالت (مرکب)</p>	<p>انعکاس خدای پدر اختیار</p>
	<p>انعکاس آدم قدرت</p>
ملاحظات	<p>انعکاس طبیعت قادر ماده‌ی سیال جهانی آفریننده روح جهان</p>

^۱- هـ

پنجمین حرف الفبای عبری (هـ)

مبدأ نمادگرایی پنجمین حرف ثورا

"هـ" در هیروغلیف نشانگر تنفس است، و نشانه‌ی حلق. از طریق حلق تکلم می‌کنیم و تنفس موجب است که زندگی بدون وقفه ادامه یابد، و از آنجا هر چه منسوب به "هـ" است حیات می‌یابد. اما زندگی انسان را با متمایز کردن او از دیگر موجودات ممتاز می‌کند و از آنجا نظریه‌یی در باب خود انسان در ارتباط با این حرف به دست می‌آید.

معهذا، در اینجا عمل زندگی متوقف نمی‌شود. این زندگی است که اصل واسط میان جسم مادی و روح الهی است، و این دو را به هم می‌پیوندد، همانطور که انسان پیوند میان خدا و جسم طبیعی است، زندگی برای انسان ("الف") همان است که انسان برای جهان، یعنی در نهایت اصل واسط آنها است. از آنجا تمام نظریه‌های وابستگی، وحدت، اصول متضاد، مذهب در ارتباط با "هـ" نشأت می‌گیرد. این حرف، حرفی ساده است و از نظر نجوم صورت فلکی آن حمل آتشین است.



نمادگرایی پنجمین برگ ثورا

پاپ^۱

این نماد بیانگر نظریات زیر است:

اول: نظریه‌ی زندگی، حیات؛

دوم: نظریه‌ی بودن؛

سوم: نظریه‌ی همبستگی.

رهبر و معلم عرفان ایزیس میان دو ستون محراب نشسته.

بر صلیبی با سه خط افقی تکیه داده و با دست راست علامت
تعلیمات باطنی و عرفانی را نشان می‌دهد. صلیب با سه خط افقی
نشانه‌ی لینگام^۲ از اساطیر مذهبی هندی است: یعنی رسوخ و نفوذ

1- Pape

(Lingham, Lingam, Linga) –۲
نماد آلت مردانه خدای هندی شیوا، در

در قدرت آفرینش از طریق دنیای باطن، دنیای تفکر برتر و دنیای جسم تا تمام بروزات زندگی جهان را روشن کند (نظریه‌ی اول). نماد دو ستون: ستون سمت راست نشانه‌ی شریعت است؛ ستون سمت چپ نشانه‌ی آزادی در اطاعت و عدم اطاعت که اختیار است و جوهر هستی است (نظریه‌ی دوم).

رهبر و معلم معنوی تاجی بر سر دارد. بر پایش دو مرد تاجدار زانو زده‌اند، یکی با تاج سرخ و دیگری با تاج سیاه.

در اینجا ما نمادگرایی فعالی را می‌بینیم که در برگ دوم به طور انفعالی بیان شده بود. در واقع، همان نظریه‌ی عرفانی و تعلیمات سری مجددًا عنوان می‌شود، اما در اینجا ادراک و مکاشفات به صورت عملی و شفاهی است و دیگر نیازی به کتاب و آموزش نوشتاری نیست (نظریه‌ی سوم).

چنانچه می‌بینیم این برگ مکمل برگ دوم است. این برگ متعلق به تمام برگهایی است که مجموعشان شماره‌ی ۷ می‌شود. به ترتیب زیر:

← عمل آن را از سنگ سفید می‌سازند، اما از مواد دیگر هم ساخته می‌شود و پس از مراسم تقدیس پوچا (Puja) آن را از بین می‌برند. مکتب لینگا یا لینگایات (Lingayat) که وجه آفرینندگی شیوا را در نظر دارد یکی از فرقی است که شیوا را به طور مستقل پیروی می‌کند. این فرقه پیروان زیادی در جنوب هند دارد و بنیانگذار یا در واقع متحول کننده‌ی آن باشیوا (Basiva)، یک برهمنای اهل بلگاؤن (Belgaun) بود که ظاهراً در قرن یازده یا دوازده میلادی می‌زیسته. اعتقادات این فرقه در واقع نوعی عکس‌العمل بر علیه قشریگری سانکارا است. آنان در مراسم تقدیس خود آلت مردانه‌ی شیوا، ساخته شده از مس یا نقره را که معمولاً در جعبه‌یی محصور است با بندی به گردن خود می‌آویزند، اما اعتقادات آنان هیچگونه حالت جنسی ندارد.

شاهبانو (امپراطربیس)=۳، کامل می شود با: شاه (امپراطور)=۴

$$4+3=7$$

$$7=2\Delta=2+\Delta=10$$

پاپ بانو=۲، کامل می شود با پاپ=۵

$$5+2=7$$

من=۱، کامل می شود با عاشق=۶

$$6+1=7$$

برگ پنجم ثورا وابسته است به حرف "ه" از کلمه‌ی مقدس. انعکاس مستقیم برگ ۴ و انعکاس غیرمستقیم برگ ۲ است. و از آنجا مفهوم آن به ترتیب زیر است:

در مرحله‌ی الهی:

انعکاس اختیار هوش

در مرحله‌ی بشری:

انعکاس قدرت

افتدار (خصوصیت زن)

مذهب،

ایمان

در مرحله‌ی طبیعی:

انعکاس روح جهان یا ماده‌ی سیالی جهانی آفریننده

زندگی جهانی

(خصوصیت طبیعت طبیعی)

پاپ

ارتباطات	علامات
هیروگلیف اولیه: حلق قبلاً پشده ^۱ (Pechad) به معنی نیز نجوم: حمل ماد: فروردین حرف عبری: هـ (مرکب)	انعکاس اختیار هوش
	انعکاس قدرت اقتدار مذهب، ایمان
ملاحظات	انعکاس روح دنیا زندگی جهانی

زندگی جهانی بخش منفی ماده‌ی حیاتی جهانی است. عمل دوسویه‌ی آن، کشش جهانی را به وجود می‌آورد، یا عشق جهانی را که نشانه‌ی برگ ششم است.

^۱ در ثورای داگلاس گبورا (Geburah) نوشته شده است.

۶- واو^۱ ششمین حرف الفبای عربی

مبدأ نمادگرایی ششمین برگ ثورا

"واو" در سنت نشانه‌ی چشم است و هر آنچه وابسته است به رعد و برق و نور. چشم میان ما و جهان خارج ارتباط برقرار می‌کند. بوسیله‌ی نور است که اشکال در آگاهی ما شکل می‌گیرند و بدین ترتیب نظریه‌ی غالب برای این حرف ارتباط است، ارتباط میان اضداد. ما تا اینجا روی حرف "و" بسیار تأکید کرده‌ایم، اما فکر می‌کنیم خالی از فایده نباشد اگر شرح تحقیق فابر دُلیوه را در باب این حرف مطرح کنیم:

"این حرف تصویر عرفانی بسیار عمیق و مافوق تصوری را به دست می‌دهد، تصویرگری که نیستی را با هستی یکی می‌کند، یا نقطه‌یی که نیستی را از هستی جدا می‌کند. این علامت تغییرپذیری جهانی است، علامتی که عبور طبیعتی به طبیعت دیگر را ممکن می‌سازد، از یک سو با علامت نور و حس معنوی رابطه برقرار می‌کند ("واو")، و از سوی دیگر در تغییر طبیعتش با علامت تاریکی و حس مادی ارتباط دارد ("عین")، که در اولی متعالی و در دومی دنی است."

"واو" دومین حرف ساده است و از نظر نجوم نشانه‌ی دومین صورت فلکی است: ثور.



نمادگرایی ششمین برگ ثورا

عاشق^۱

این نماد نظریه‌ی پیوند و نظریه‌ی تضاد را در هر شرایطی عرضه می‌کند.

مرد جوانی بدون ریش (همان مغ برگ ۴) بدون کلاه و تاج ایستاده، او بر نقطه‌یی ایستاده که دو جاده به هم می‌رسند. مرد دست به سینه ایستاده، دستها چون صلیبی مورب.

تکرار رمز ۱. او نمی‌تواند و نمی‌داند چگونه جریان مغناطیسی برق نجومی را رهبری کند. و همچنین در ضد و نقیض افکار مختلف غرق شده و نمی‌تواند بر آنها مسلط شود.

1- L'Amoureux

دو زن، یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپش، دستی را بر شانه‌ی مرد جوان گذاشته‌اند و با دست دیگر یکی از دو جاده را نشان می‌دهند. زن سمت راستی حلقه‌یی طلایی بر سر گذاشته و زن سمت چپی تاجی از شاخ و برگ موبر سر دارد.

دو بازوی مغ نشانگر مثبت و منفی است، و دو ستون معبد ایزیس که نشانگر آزادی و احتیاج است، در این تصویر به صورت این دو زن مجسم می‌شوند و نشانگر خیر و شر هستند.

در جاده‌یی که مرد جوان انتخاب خواهد کرد، یا تبدیل به مغ سالک در رمز ۱ خواهد شد ("واو" معنوی) یا به یک صاعقه‌زده‌ی احتیاط در رمز ۱۶ (۴) بدل می‌شود.

بر فراز سر این عده فرشته‌ی عدالت محاط در هاله‌یی درخشان از بالا می‌نگرد، کمان خود را خم می‌کند و با تیر تنبیه به سوی تجسم شر نشانه می‌رود.

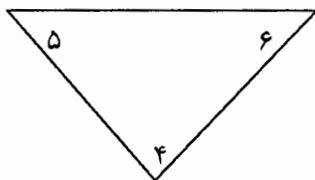
نمادگرایی بر دوراندیشی تأکید می‌کند، زیرا که اگر انسان راه خیر را در پیش گیرد فقط با نیروهای خودش تنها نمی‌ماند و مشیت الهی برای از بین بردن شر با اراده‌ی او همراه خواهد شد.

در کل مجموعه‌ی این هیروغلیف مبارزه‌ی میان هوس و آگاهی را نشان می‌دهد، و تضاد میان اندیشه‌ها را.

اما این تضاد اندیشه‌ها خود قدر تمدنترین تولیدکننده‌ی طبیعی جهان می‌تواند باشد، اگر با عشق عجین شود که عشق همواره تضادها را به هم جذب می‌کند و آنها را متعدد می‌سازد.

این ششمین برگ ثورا را باید از دو وجه در نظر گرفت، تا به مفهومی دست یافت:

- ۱- چون ۳ به ۴، یعنی چون نماینده‌ی برگ ۴ یا انعکاس ۱ که در ارتباط با وحدت‌شان بررسی می‌شوند؛
- ۲- چون متعادل‌کننده‌ی ۴ و ۵ آنگونه که مثلث تشکیل شده از مثلث دوم نشان می‌دهد.



هر برگی دو برگ دیگر را متعادل می‌کند:

۴ متعادل‌کننده‌ی ۵ و ۶

۵ متعادل‌کننده‌ی ۴ و ۶

۶ متعادل‌کننده‌ی ۴ و ۵

واز آنجا مفاهیم آن:

در مرحله‌ی الهی:

تعادل اختیار و هوش:

زیبایی؛

در مرحله‌ی بشری:

تعادل قدرت و اقتدار:

عشق (خصوصیت بشری)،

ترحم؛

در مرحله‌ی طبیعی:

تعادل روح جهانی و زندگی جهانی:

کشش جهانی، عشق جهانی.

۶- واو

عاشق

ارتباطات	علامات
هیروگلیف اولیه: کوش- چشم قبلا: تپرث (Tiphereth) به معنی زیبایی و ممکنکی نحوه: ثور ماه: اردیبهشت حروف عربی: واو (ساده)	تعادل اختیار و هوش زیبایی
	تعادل اختیار و اقتدار عشق ترجم
ملاحظات	تعادل روح جهانی و زندگی جهانی کشش جهانی یا عشق جهانی

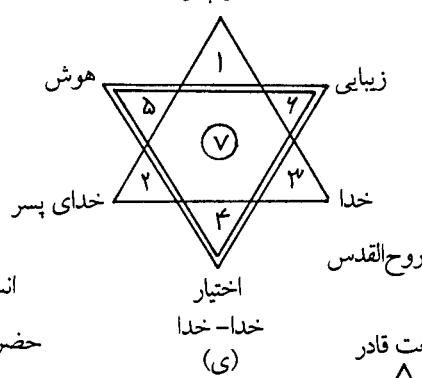
هفت تایی اول

اساسنامه‌ی الهی

خدا- خدا

با

خدای پدر



حضرت آدم

اقتدار

حوا- زن

خدا- انسان

(ه)

خدا- خدا (ی)

طیعت طبیعی

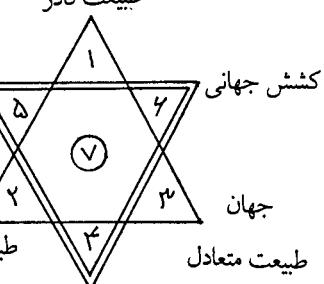
طیعت قادر

زندگی جهانی عشق

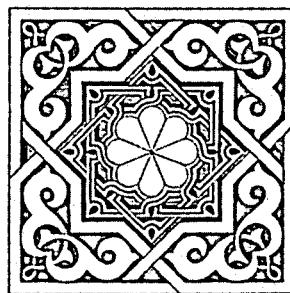
ماده‌ی سیال آفریننده

خدای- جهان

(و)



فصل یازدهم



..... تقدیم به دوستم مارک هون^۱،

مؤلف شرح حال کالیوسترو^۲



هفت تایی دوم: روز ۷ تا ۱۳

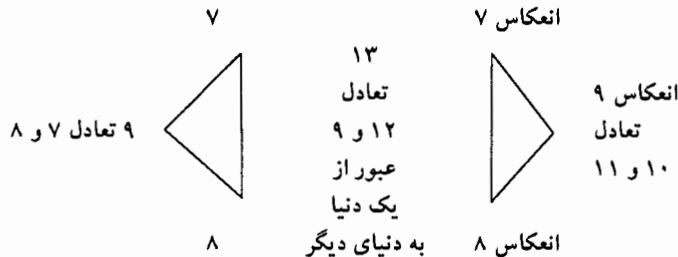
کلید هفت تایی دوم

شماره‌ی تصاویر تأثیر هفت تایی اول در هفت تایی دوم

هفت تایی اول نشانگر دنیای علتها یا آفرینش تحت تمام وجودش بود. ما اینک دنیای قوانین یا محافظت را در هفت تایی دوم بررسی می‌کنیم.

1- Marc Haven

(Cagliostro, Giuseppe Balsamo, Alessandro Comte de) حادثه‌جوی ایتالیایی (۱۷۴۳-۱۷۹۵). به جامعه‌ی کشیشان درآمد و پژوهش کرد. به جرم کلاهبرداری از کلیسا اخراج شد، سپس مشرق زمین و به تقریب تمام شهرهای اروپا را گشت و در مورد تأثیر داروهایش، بخصوص آنچه به نام "آب حیات" ساخته بود، لاف زد و از این طریق بسیار مشهور شد. در ۱۷۸۵ به پاریس رفت و در جامعه‌ی اشراف فرانسه موفقیت عظیمی به دست آورد. بعد در ماجراهی تهیه‌ی گردنبند قیمتی برای ملکه‌ی بی دروغی، که خود را ماری آنتوانت جا زده بود، به همدستی متهم شد. به زندان باستیل افتاد و سرانجام از فرانسه تبعید شد (۱۷۸۶). دوباره به سفر پرداخت. در ۱۷۸۹ در رُم دستگیر شد و دادگاه تفتیش عقاید او را به مرگ محکوم کرد. مجازات او به زندان ابد تخفیف یافت.



ارابه / ۷

درویش / ۹

عدالت / ۸

سرنوشت / ۱۰

مرگ / ۱۳

نیرو / ۱۱

به دارآویخته / ۱۲

۷- زَين^۱

هفتمین حرف الفبای عبری

مبدأ نمادگرایی هفتمین برگ ثورا

"ز" در هیروگلیف نشانه‌ی پیکان است و از آنجا تمام وابسته‌های اسلحه، وسیله‌یی که انسان برای غالب شدن و فاتح شدن و رسیدن به هدف به کار می‌برد.

"ز" نشانه‌ی فتح در تمام جهان‌ها است. از نظر نجومی حرفی ساده است و با صورت فلكی جوزا برابر است.

1- 'zayin



نمادگرایی هفتمین برگ ثورا:

ارابه^۱

نمادگرایی این برگ از هر نظر به مفهومی که باید القا کند، جواب
می‌گوید.

روی ارابه به شکل مکعب سایبانی با پارچه‌ی نیلی ستاره‌دار بر فراز
چهار ستون ارابه افراشته شده، فاتحی با تاجی که بر حلقه‌ی آن پنج
کنگره‌ی طلایی وجود دارد، به جلو می‌راند.

این نماد حالت دیگری از رمز ۱، و رمز ۲۱ را القا می‌کند. چهار
ستون نشانگر چهار حیوان رمز ۲۱، و نشانه‌ی چهار نماد رمز ۱

1- Le Chariot

است؛ نمادی چهار بعدی با تمام امتیازها یش.
 فاتح که در مرکز چهار عنصر قرار گرفته، مردی است که غالب شده و نیروهای اولیه را رهبری می‌کند: شکل مکعب ارابه، و کنگره‌هایی که بر تاج این فاتح قرار دارد، فتح او را تأکید می‌کنند.
 بر زره فاتح سه گونیا قرار گرفته، روی شانه‌هایش "اوریم و تمیم"^۱ پادشاه قربانی کننده که روی دو هلال ماه در چپ و راست قرار گرفته، او عصایی را که روی آن یک کره، یک مربع و یک مثلث قرار دارد در دست چپ گرفته است. روی صفحه‌ی جلوی ارابه یک لینگام هندی قرار گرفته و روی آن گوی بالدار مصری نشانده شده است.

-۱ (Urime و Thummim) طالع بینی مقدس عبریان. عبارت از دو تاس یا دو چوب کوچک که کاهنان لاوی بر سینه‌ی خود می‌بستند و سینه‌بند را ریس کهنه وقتی که به حضور خداوند می‌رفت به سینه‌ی خود می‌بست. تفائل با آن جواب "آری" و "نه" به دست می‌داد و ریس کهنه تنها کسی بود که مجاز به تفائل با اوریم و تمیم بود و جواب را از یهوه می‌گرفت. ظاهراً از زمان حضرت موسی تا زمان حضرت سلیمان وجود داشته است. مفهوم اصلی اوریم "الف" است و تمیم "تا"، حرف آخر عبری. اوریم به معنی "نور" و تمیم به معنی "کمال" است، معنی ۲۲ حرف عبری را هم می‌دهد. احتمالاً اوریم و تمیم ریشه‌ی واژه‌ی یونانی آریتموس (*arithmos*) به معنی اعداد نیز هستند. اوریم و تمیم همان رع و تم مصری و الواح بابلی است. در عهد عتیق آمده: و چون یروش بن نون خلیفه‌ی موسی شد، در حضور العاذار کاهن به پا ایستاد تا به واسطه‌ی اوریم برای او سؤال نماید. اوریم و تمیم پادشاه قربانی کننده در متن ثورا به معنی کسی است که مجاز به تفائل است و جواب را از یهوه می‌گیرد، و هم او است که اجزاء قربانی کردن در قدس القداس را دارد، و معمولاً ریس کهنه بوده است. اوریم احتمالاً همان رمل و تمیم احتمالاً اسطلاب است.

دو ابوالهول (در برگهای ثورای مارسی به صورت اسب) یکی سفید و دیگری سیاه به ارابه بسته شده‌اند.

اینچنانی است ترتیب هفت تایی مقدس در تمام اشکالش. کلمه‌ی "ی هوه" در جلوی ارابه روی دایره‌ی بالدار نشان می‌دهد که هفت تایی کلید کامل ثورا است. دو ابوالهول (در برگهای مارسی دو اسب)، نشانه‌ی دو اصل فعال و غیرفعال است. فاتح، خصوصاً نشانه‌ی شمشیر و "و" در کلمه‌ی مقدس است.

هفتمین برگ ثورا تأثیر آفرینش را در نگهداری و حفاظت نشان می‌دهد، تأثیر خداوند را بر بشر نشان می‌دهد. و نشانه‌ی "ی" یا خدا در هفت تایی دوم است.

در مرحله‌ی الهی
خدا (در هفت تایی دوم)
انسان، بجا آورنده‌ی وظیفه‌ی خدای آفریننده
پدر

در مرحله‌ی بشری
شریعت (در هفت تایی دوم)
به عمل درآوردن
(انعکاس قدرت)

در مرحله طبیعی
انسان (در هفت تایی دوم)
طبیعت بجا آورنده‌ی وظیفه‌ی آدم
نور کوکبی

۷- زَيْن

ارابیه

ارتباطات	علامات
هیروگلیف اولیه: پیکان قبلا: هود ^۱ (Hod) به معنی شکوه و جلال نجوم: جوزا ماه: خرداد حروف عربی: زین (ساده)	انسان به جا آوردنده وظیفه‌ی خلای آفرینش پادر عمل کننده
	شریعت به عمل درآوردن
ملاحظات	طیعت به جا آوردنده وظیفه‌ی آدم
	نور کوکبی

نیرویی که هم‌اکنون در قدرت ظهرور در رمز ۱۱ متجلى شد، خود را در رمز بعدی متعادل می‌کند.

^۱ در ثورای داگلاس قبالای شماره‌ی ۷ نیزه (Nizah) به معنی فتح و شماره‌ی ۸ هود (Hod) آمده است.

به محض اینکه عبور از یک دنیا به دنیای دیگر عملی شد، ما می‌بینیم همان قانون هفت تایی اول در اینجا هم اعمال می‌شود. دومین دوره از این مجموعه، انعکاس اولی خواهد بود، همانطوری که در دوره‌ی دوم از مجموعه‌ی اول انعکاس اولی بود. معهذا، این هفت تایی دوم نقش واسطه را بر عهده دارد، به همین دلیل در همه‌ی رموز آن، نظریه‌ی مراقبه یا تعادل را می‌بینیم. آنچه نشانگر برگ هشتم است.

۸- حت^۱ یا خت هشتمین حرف الفبای عبری

مبدأ نمادگرایی برگ هشتم ثورا

"حت" در هیروغلیف نشانه‌ی مزروعه است و از آنجا هر آنچه را که نشانگر کار، سختی، و کوشش باشد القا می‌کند.

در نتیجه‌ی کوشش مدام میان نابودی و حفظ آثار انسان تعادلی برقرار می‌شود، و نابودی آثار انسان که به علت طبیعتی خودمدار ایجاد شده بود، تعديل می‌گردد. از آنجا قدرت متعادل‌کننده و پس از آن عدالتی که به این حرف داده شده، القا می‌شود.^۲

حرف "حت" در نجوم با صورت فلكی سرطان برابر است.

1- het, xet

۲- حرف "ح" از "خطی" بین "ه" از "هوز" و "كاف" از "کلمن" قوار دارد، که "ه" نشانه‌ی زندگی و وجود مطلق است و "كاف" نشانه‌ی زندگی نسبی و وجود تشبيه‌ی است، حال اينکه "ح" نشانه‌ی وجود فردی و بسيط است که نوعی تعادل را نشان می‌دهد و نظریه‌ی کار و عمل طبیعی و قانونی را القا می‌کند- پاپوس.



نمادگرایی هشتمین برگ ثورا

عدالت^۱

نظریه‌یی که این نماد بیان می‌کند تحت هر شکلی نشانه‌ی تعادل است.

زنی بر تخت نشسته واز روپروردیده می‌شود. بر سرش تاجی آهنی است. او میان دو ستون معبد نشسته است و یک صلیب مدرسی^۲ بر سینه دارد.

ما در اینجا ادامه‌ی نمادگرایی^۳ و^۴ را می‌بینیم. زن نشسته، در مرکز ستونها قرار گرفته و این اولین نشانه‌ی تعادل میان خیر و شر است.

1- Justice

2- Croix Scolaire

او خنجری بر هنر بانوک رو به بالا به دست راست دارد ترازویی به دست چپ.

علوم قدیمه (=۲) که در ابتداء علمی نظری بود به علمی عملی

(=۵) تبدیل شد و به صورت شفاهی تعلیم داده شد.

اکنون با وجود سختی شرایطش که برای سالک دروغین (خنجر)

وحشتناک است، برای سالک حقیقی (ترازو) عادلانه است و

درست این رمز در وسط رمز ۵ یا "ه" و رمز ۱۱ یا "کاف" قرار

می‌گیرد:

$11+5+8=16$. این برگ مکمل برگ یازدهم است، چنانچه

برگ پنجم مکمل برگ دوم بود. در هفت تایی اول تمام برگها

شماره‌ی ۷ را به دست می‌دهند، اگر هر دو شماره‌ی قرینه از یک به

بعد را با هم جمع کنیم: $1+6$ یا $3+4$ یا $2+5$ ؛ در هفت تایی دوم اگر

هر دو شماره‌ی قرینه از هفت به بعد را در ستاره‌ی هفت تایی با هم

جمع کنیم عدد ۱۹ به دست می‌آید:

$$7+12=19$$

کامل می‌شود

۱۲

به دار آویخته

ارابه با

$$8+11=19$$

کامل می‌شود

۱۱

نیرو

۸

عدالت با

$$9+10=19$$

کامل می‌شود

۱۰

چرخ سرنوشت

۹

درویش با

هشتمین برگ ثورا نشانه‌ی مفهوم نگهدارنده‌ی برگ دوم است. این برگ در خود معنای برگ دوم و پنجم ثورا را ترکیب می‌کند و انعکاس برگ هفتم است. مفهوم آن به ترتیب زیر است:

در مرحله‌ی الهی:
 خدای پسر هفت تایی دوم
 زن بجا آورنده‌ی وظیفه‌ی خدای پسر.
 مادر
 انعکاس پدر.
 نگهدارنده‌ی خدای پسر در یشریت.

در مرحله‌ی بشری
 قانون انفعالی هفت تایی دوم:
 عدالت
 انعکاس به عمل درآوردن
 انعکاس اقتدار.

در مرحله‌ی طبیعی
 زن هفت تایی دوم، طبیعت بجا آورنده‌ی وظیفه‌ی حوا.
 وجود جوهری
 انعکاس نور کوکبی،
 حفظ طبیعت طبیعی در جهان.

-۸- حت

عدالت

ارتباطات	علامات
هیروگلیف لولیه: مزروعه قابل نیزه (Nizah) به معنی نفع نجوم: سلطان ماده: تیر حرف عربی: حت (ساده)	زن عمل کننده به وظیفه خدای پسر مادر
	قانون (شریعت) عدالت
ملاحظات	طبیعت عمل کننده وظیفه حوا وجود جوهری

وجود جوهری وسیله‌یی است که توسط آن ماده‌ی سیال حیاتی کوکبی یا نور کوکبی (۷) از طریق اثیر یا ماده‌ی کوکبی (۹) تجلی می‌کند، و همان چیزی است که به ما رمز بعدی را نشان می‌دهد.

۹- طت^۱

نهمین حرف الفبای عبری

مبدأ نمادگرایی نهمین برگ ثورا

"طت" در هیروگلیف نشانگر بام خانه است. از آنجا فکر یک جای
امن، و حمایت کننده القا می‌شود. تمام فکرهایی که از این حرف
مشتق می‌شوند از پیوند امنیت و حمایت ناشی از عقل و خرد به
دست می‌آیند.

"طت" از نظر نجوم علامت صورت فلکی اسد است.



نمادگرایی نهمین برگ ثورا

^۱ درویش

نظراتی که از این برگ القا می‌شود عبارت اند از:

۱- حمایت

۲- خرد، مآل اندیشه

پیرمردی راه می‌رود، در حالی که تکیه بر عصایش دارد. او فانوس روشنی به دست گرفته که نیمی از آن زیر عبای بلندی که به خود پیچیده پنهان شده است.

این نماد بین ششمین و دوازدهمین حرف عبری قرار گرفته ("ط" از

1- L'Hermite

حطی بین "و" از هوز و "ل" از کلمن).

عبایی که پیرمرد به خود پیچیده نشانه‌ی حمایت است.
فانوس نیمه‌پنهان نشانه‌ی خرد است.

عصا نشان می‌دهد که مرد خردمند همواره برای مبارزه بر علیه بیعدالتی یا خطأ مسلح است.

اگر این بیعدالتی را با دو برگ ششم و دوازدهم مقایسه کنیم، می‌بینیم که مرد جوان بدون ریش در برگ ششم، راه درست را در پیش گرفته است و تجربه‌یی که از رنج و تعب زندگی به دست می‌آورد از او پیرمردی محتاط خواهد ساخت، و احتیاط همراه با خرد و عقل او را مطمئناً به هدف متعالی اش خواهد رساند (برگ دوازدهم). تیر فرشته‌ی عدالت در رمز ششم تبدیل به عصای درویش شده است و هاله‌ی درخشانی که فرشته در آن جا گرفته بود، اکنون در یک فانوس خلاصه شده که راه سالک را روشن می‌کند. این است نتیجه‌ی سختکوشی او.

برگ نهم ثورا نمایانگر سومین مفهوم چون نگهدارنده و گیرنده است. این برگ بیش از همه، برگ هفتم و هشتم را متعادل می‌کند.
در مرحله الهی:

بشریت بجا آورنده‌ی وظیفه‌ی خدا، روح القدس.
نیروی آفریننده‌ی بشری
عشق بشری
قدرت نگهدارنده‌ی بشریت.
تعادل پدر و مادر.

در مرحله‌ی بشری
تعادل به عمل درآوردن و عدالت.
احتیاط
ساکت بودن

در مرحله‌ی طبیعی
طبیعت به جای آورندۀ وظیفه‌ی بشریت.
تعادل نور کوکبی و وجود جوهری
نیروی نگهدارنده‌ی طبیعی
ماده‌ی سیال کوکبی

۹- طت

درویش

ارتباطات	علامات
هیروگلیف اولیه: بام خانه قبلاً: بزود (lesod) به معنی زیرین نجوم: اسد ماه: مرداد حرف عربی: طت (ساده)	بشریت به جا آوردنده وظیفه خطا روح القدس عشق بشری
	احتیاط (ساكت بودن)
ملاحظات	نیروی نگهدارنده طبیعی ماده‌ی سیال کوکی

به این ترتیب ماده‌ی سیال کوکی نشانگر حفاظت جهانی نیروهای عمل کننده در طبیعت است. در اینجا اولین مثلث هفت‌تابی حفاظت به پایان می‌رسد. ما اکنون به بررسی انعکاس این سه مورد در مثلث بعدی می‌پردازیم.

۱۰ - یُد^۱

دهمین حرف الفبای عبری

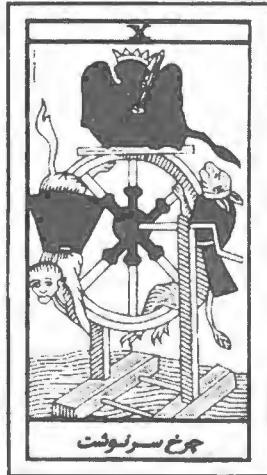
مبدأ نمادگرایی دهمین برگ ثورا

"یُد" در هیروگلیف به معنی انگشت آدمی است، نشانه‌ی سبابه که به علامت فرمان دراز شده و از آنجا این حرف تصویر تجلی بالقوه پایداری معنویت و جاودانگی زمان را القا می‌کند و همچنین تمام نظراتی را که به آن مرتبط می‌شود.^۲

"یُد" حرفی ساده است و از نظر نجومی علامت صورت فلکی سبنله است.

1- yod

۲- بررسی حروف "یهوه" را بینید.



نمادگرایی دهمین برگ ثورا

چرخ سرنوشت^۱

دو نظریه‌ی اصلی با این نماد بیان می‌شود:

۱- نظریه‌ی فرمانروایی و تفوق

۲- نظریه‌ی پایداری و حرکت ابدی زمان.

چرخ سرنوشت روی محورش استقرار دارد. در سمت راست

هرمانوبیس^۲، فرشته‌ی خوبی، بالا می‌رود و در سمت چپ

1- La Roue de Fortune

(Hermanubis) نام یونانی یک خدای مصری که با شخصیت ثوت (طوط) برابر شده و با هرمس و آنوبیس مخلوط شده است. او با سر یک شتر آبی، شاهین یا سگ عرضه شده است.

تیفون^۱، فرشته‌ی بدی، پایین می‌آید. در بالای چرخ ابوالهول^۲ نشسته و در دست شمشیری میان پنجه‌های شیروارش گرفته است. اولین نظریه از مثلث این سه شخصیت به دست می‌آید: هرمانویس یا مثبت؛ تیفون یا منفی؛ ابوالهول یا متعادل کننده و مسلط. نظریه‌ی دوم از چرخ به دست می‌آید. چرخ (دایره) خطی است بدون ابتدا و انتها و نماد ابدیت است.

رمز ۱۰ وسط دورمز ۷ و ۱۳ است ("ی" از خطی بین "ز" از هوز و "م" از کلمن): $۲۰:۲ = ۱۰ + ۷ + ۱۳$

این رمز نشانه‌ی تعادل بدون انقطاعی است که عملکردهای آفریننده‌ی هفت تایی را به وسیله‌ی نابودی لازم مرگ (رمز ۱۳) متعادل می‌کند. سه رمز ۷ و ۱۰ و ۱۳ دقیقاً با تثلیث هندو یا تریمورتی مرتبط است:

۱ - (Typhon) اسطوره‌ی یونانی، پسر گایا و تارتاروس، آخرین دشمن زمین. او از تیتانها عظیم‌الجثه‌تر بود و با دستهایش صد کله‌ی اژدها را حمل می‌کرد، و بدنش پوشیده از افعی بود. تیفون زئوس را شکست داد، زردپیاش را قطع کرد، بعد بدنش را قطعه‌قطعه کرد و قطعاتش را در غاری زندانی کرد. اما هرمس و خدای پان موفق شدند زردپی را برپایند و آن را به بدن زئوس وصل کنند. زئوس زندگی و نیروهایش را بازیافت. بعد با صاعقه به جنگ دشمنش تیفون رفت و او را در پای کوه اتنا در هم شکست.

۲ - (Sphinx)، غولی فرزند اکیدنا و تیفون. ابوالهول در کوهستانی واقع بر دروازه‌ی شهر تبس قرار گرفت و به تحریب تبس و کشنن عابران پرداخت. او برای هر عابری معماهای می‌ساخت و هر که را از جواب عاجز می‌ماند می‌کشت. اودیپوس (= اودیپ) موفق شد معماهای او را حل کند. پس ابوالهول خود را از فراز کوه به زیر انداخت.

برهما = آفریننده = رمز ۷

شیوا = نابودکننده = رمز ۱۳

ویشنو = نگهدارنده = رمز ۱۰

که این نشانه‌ی طی طریق است و منطبق است بر قانون مثلث که تمام تجلیات الهی را رهبری می‌کند.

دهمین برگ ثورا قسمت انعکاسی یا منفی دومین هفت تایی است، که در انعکاس خود مورد بررسی قرار می‌گیرد.
بنابراین، نشانگر سه مورد زیر است:

در مرحله‌ی الهی:
انعکاس اختیار (رمز ۴ را ببینید)
احتیاج
کارمای هندو

در مرحله‌ی بشری:
انعکاس قدرت و به مرحله‌ی عمل در آوردن
نیروی جادویی
سرنوشت

در مرحله‌ی طبیعی:
انعکاس روح جهانی
نیروی قدرتمند ظهور

۱۰- ید

چرخ سرنوشت

ارتباطات	علامات
هیروگلیف اولیه: انگشت سایه قبلا: مالخوت (Malchut) به معنی ملکوت نجوم: سنبله ماه: شهر بور حروف عبری: یہ (ساده)	احتیاج کارمای هند
	قدرت ملوراء الطیعه سرنوشت خواستن
مالحظات	انعکاس روح جهانی نیروی قدرتمند
	ظهور

نیروی آفریننده‌ی مطلق بدون انقطاع در ماده‌ی سیال حیاتی جهانی (۴)
 تمیز داده می‌شود؛ نور کوکبی (۷) اکتون به وسیله‌ی نیروی قدرتمند
 ظهور نشان داده شده است. ما این نیرو را که در رمز بعدی خود را
 نشان می‌دهد، خواهیم دید.

۱۱- کاف^۱

یازدهمین حرف الفبای عبری

مبدأ نمادگرایی حرف یازدهم ثورا

"کاف" در هیروگلیف نشانه دست نیم بسته و در حال گرفتن است، مانند "جیمل". اما "کاف" نیرویی بیش از "جیمل" دارد که در نتیجه می توان گفت که "کاف" نشانه‌ی دستی است که به سختی می فشارد. و از آنجا تمام نظریه‌ی نیرویی که به این حرف وابسته است القا می شود.

شماره‌ی ۱۱ اولین شماره بعد از دهه‌ی اول است و ارزش دیگری به "کاف" می دهد. زیرا نشانه‌ی یک زندگی انعکاسی و موقت است، نشانه‌ی نوعی قالب که به همه شکلی درمی آید و هر چیزی را به شکل همان قالب درمی آورد.

شماره‌ی ۱۱ از حرف ح-۸ به دست می آید که خود از علامت زندگی مطلق، ۵-۵ ناشی است. بنابراین، از یک طرف زندگی جوهری را القا می کند (رمز ۸ را بیینید) که به مفهوم حرف "حت"

1- xaf (khaf)

متصل است و از سوی دیگر به علامت بنیانی "گیمل = جیمل" (رمز ۳) وصل می‌شود و بنابراین نیروی بیشتری را نشان می‌دهد. "کاف" حرف مرکب، از نظر نجومی نشانه‌ی ماه فروردین و روز سه‌شنبه است.



نمادگرایی یازدهمین برگ ثورا

نیرو^۱

دو نظریه است که با این رمز بیان می شود:

۱- نظریه‌ی نیرو

۲- نظریه‌ی حیات

نظریه‌ی اول

دختری جوان بدون تقلابا دستهای خود پوزه‌ی شیری را می‌بندد.

نظریه‌ی دوم

این دختر جوان موهاش را با علامت زندگی جاوید ($\infty =$) آراسته است.

1- La Force

رمز میان دو رمز ۸ ("ح" از حطی) و ۱۴ ("ن" از کلمن) می‌نشینند.
در او نمادگرایی رمز ۸ را می‌بینیم که به حالت مادی درمی‌آید. در
واقع این تصویر قدرت است که نشانه‌ی علوم الهی رمز ۲ است و
همراه با عدالت (=۸) آمده است.

یازدهمین برگ ثورا به ما تمام مفاهیم منفی یا انعکاسی برگ پنجم
را می‌دهد:

مرحله الهی
(انعکاس هوش، ۵)
آزادی

مرحله بشری
(انعکاس اقتدار و ایمان)
شهامت

مرحله طبیعی
(انعکاس زندگی جهانی-تجلى نیرو از رمز قبلی)
زندگی انعکاسی و موقت

۱۱- کاف

نیرو

ارتباطات	علامات
هیروگلیف لوله: دست در حال نشدن نجوم: بهرام روز: سه شنبه حرف عبری: کاف (مرکب)	انعکاس هوش آزادی
	انعکاس انتشار و ایمان شهادت (جرئت کردن)
ملاحظات	انعکاس زندگی جهانی زندگی انعکاسی و موقنی

نیرویی که هم‌اکنون در قدرت ظهور در رمز ۱۱ متجلی شد، خود را در رمز بعدی متعادل می‌کند.

۱۲- لامد^۱

دوازدهمین حرف الفبای عبری

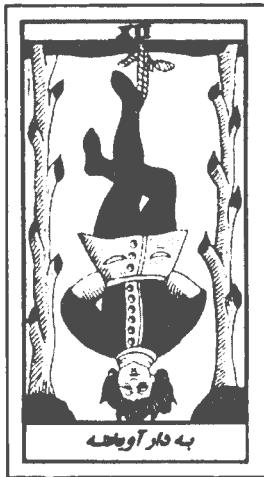
مبدأ نمادگرایی دوازدهمین حرف ثورا

"لامد" در هیروگلیف به معنای بازو است. از آنجا نظریه‌ی هر چیزی که باز می‌شود، بالا می‌رود و تا می‌شود مثل بازو، به ذهن می‌آید. همچنین این حرف علامت یک حرکت گسترده است. این علامت نظریه‌ی پهن شدن، اشغال شدن و در اختیار گرفتن را القا می‌کند. این برگ مانند برگ قبلی (برگ شماره‌ی ۱۱) تصویر نیرویی است که ناشی از ارتقا و اعتلا است.

گسترش الوهیت در میان بشریت توسط پیغمبران، از طریق وحی صورت می‌گیرد. از آنجا نظریه‌ی شریعت وحی شده القا می‌شود. اما شریعت وحی شده برای کسی که نسبت به این شریعت خائن است، تنبیه روا می‌دارد و برای کسی که آن را درک می‌کند ارتقا در نظر می‌گیرد. از آنجا نظریه‌ی تنبیه، مرگ مفاجات، خواسته یا ناخواسته اعمال می‌شود.

"لامد" حرف ساده در نجوم نشانه‌ی صورت فلکی میزان است.

1- Lâmed



نمادگرایی دوازدهمین برگ ثورا به دار آویخته^۱

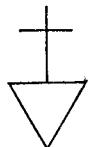
مردی از پا به دار آویخته شده، به داربستی که بر روی دو درخت با
شش شاخه بربیده مستحکم شده است. دستهای این مرد در پشت
سرش به هم وصل است و تای بازویش شبیه یک مثلث وارو است
که رأس آن سر او است. چشمان "به دار آویخته" باز است، موهای
بورش در باد تکان می خورد. پای راستش به صورت صلیب بر پای
چپ قرار گرفته است. این مرد جوان همان مُنگ برگ اول است که ما
تغییر و تحول او را از خلال رموز ۱، ۶ و ۷ دنبال کردیم.

1- Le Pendu

شبیه خورشید که در وسط صور فلکی قرار گرفته (شش تا در هر طرف، مثل شش شاخه‌ی بریده در تصویر) این جوان بی‌باک هم میان دو تصمیم معلق است. جایی که نه فقط آینده‌ی مادی او، چنانچه در رمز ۶ بوده است، بلکه آینده‌ی روحی و معنوی او به وجود خواهد آمد.

رمز ۱۲ در واقع وسط رمز ۹ (خرد) و ۱۵ (اجل) را اشغال می‌کند (۱۲ یا "ل" از کلمن میان ۹ یا "ط" از حطی و ۱۵ یا س از سعفus نشسته است). این دو رمز دو بانوی رمز ۶ را نشان می‌دهد که در زمینه‌ی معنوی بررسی شده‌اند.

"به دار آویخته" چون نمونه‌یی از شهامت است و وضعیت قرار گرفتن او نشانه‌ی نظم، تسلیم و تفویض مطلق است، نشانه‌ی وضعیتی است که انسان می‌باید در برابر خدا داشته باشد. از نظر علم کیمیا "به دار آویخته" علامت اخلاق و خصوصیات شخص است.



از نظر مکاتب عرفانی نشانه‌ی نحله‌ی "صلیب گل سرخ" است که یکی از عالیم تشخیص این نکته وضعیت قرار گرفتن پاهای به صورت

صلیب است.

دوازدهمین برگ ثورا نشانه‌ی قدرت متعادل‌کننده در حد اعلای آن است. او در خود مخالفت برگهای دهم و یازدهم را خشی می‌کند.

در مرحله الهی
تعادل احتیاج و آزادی
ترجم - فیض
(قدرت نگهدارندهی عشق)

در مرحله‌ی بشری
تعادل قدرت و شهامت، انعکاس احتیاط
تجربه‌ی به دست آمده
(دانستن)

در مرحله‌ی طبیعی
تعادل تجلی بالقوه (۱۰)، و زندگی انعکاسی (۱۱).
انعکاس ماده‌ی سیال کوکبی
نیروی متعادل‌کننده.

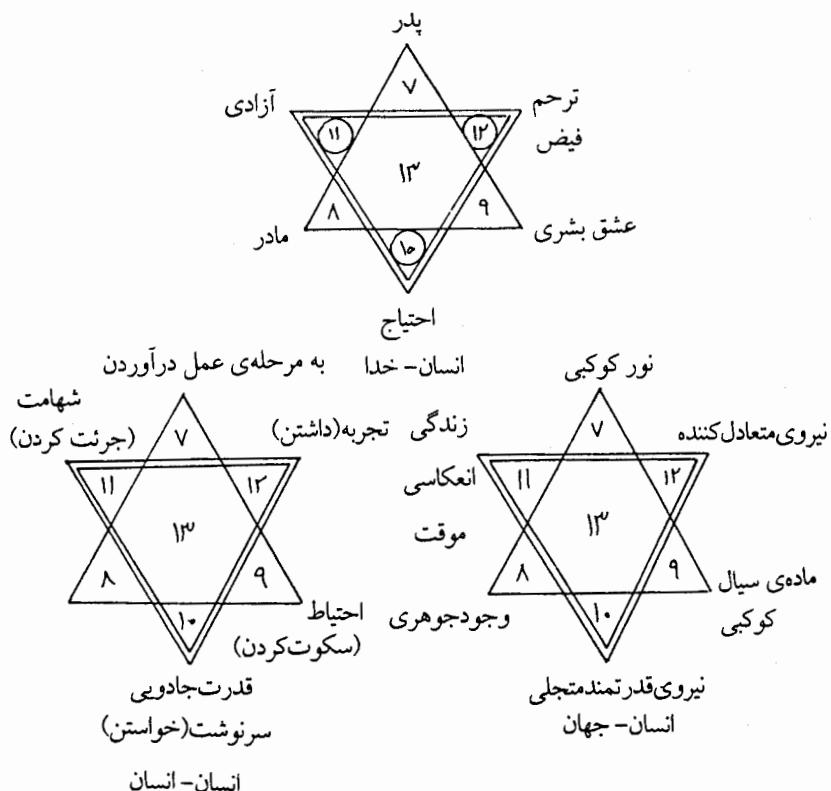
۱۲- لامد

به دار آویخته

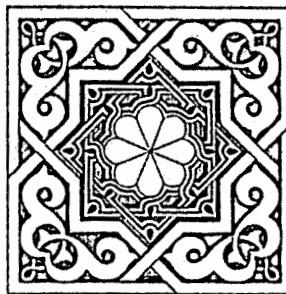
ارتباطات	علامات
هیروگلیف اولیه: بازوی تاشده نحوه: میزان حرف عربی: لامد (ساده)	ترجم فیض تجربه‌ی به دست آمده دانستن
مالحظات	نیروی معادل‌کننده

نیروی معتمد و معادل‌کننده آخرین برگ هفت تابی دوم است. از طریق این برگ ستاره به صورتی درمی‌آید که برای گذشتن از جسم و ماده، برای گذشتن از دنیای حفاظت و پذیرش (هفت تابی دوم) مناسب باشد و به دنیای تغییر (هفت تابی سوم) برسد.

ساختار انسان



فصل دوازدهم



..... تقدیم به مؤلف کتاب تاریخ شیطان،
م. ژول بساک^۱



هفت تایی سوم، رموز ۱۳ تا ۱۹
کلید هفت تایی سوم

طرز قرار گرفتن تصاویر برای بررسی

هفت تایی اول دنیای علل یا آفرینش را به ما نشان می‌داد.

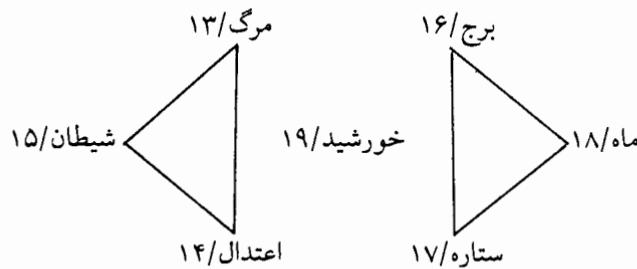
هفت تایی دوم دنیای قوانین یا حفاظت را نشان می‌داد.

هفت تایی سوم دنیای اعمال یا تغییرات را به ما نشان خواهد داد. ما

خواهیم دید چگونه حرکتی دورانی میان نیروهای دو هفت تایی

اول برقرار می‌شود.

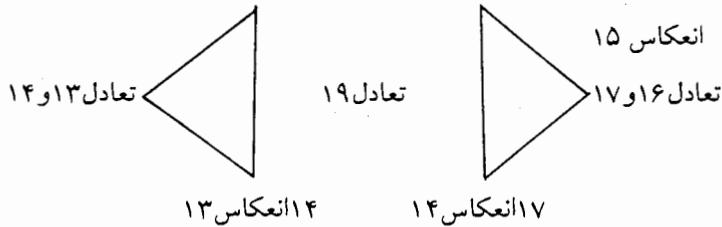
1- M. Jules Baissac: *L'Histoire du Diable*.



مشخصات تصاویر

تأثیر هفت تایی دوم

در هفت تایی سوم

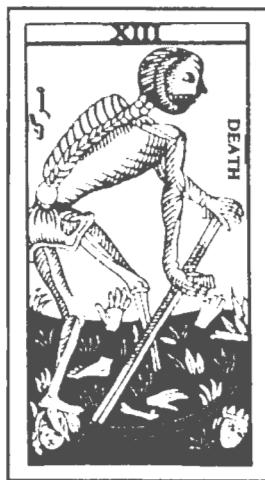


۱۳- مِم^۱

سیزدهمین حرف الفبای عبری

مبدأ نمادگرایی سیزدهمین برگ ثورا

"مِم" در هیروغلیف نمایانگر زن، و همسر مرد است. از آنجا نظریه‌ی هر آنچه بارور و مولد است القا می‌شود. این حرف در نهایت علامت مادری و زنانگی است. این علامت موضعی و قالب‌پذیر، تصویر عملی بیرونی و انفعالی است. وقتی در آخر کلمه به کار گرفته می‌شود، این حرف علامت جمع (میم آخر) می‌شود. در این حالت "مِم" شخص را در فضای بین نهایت رشد می‌دهد. آفرینش و خلقت به یک اندازه به انهدام و خرابی نیازمند است. از طرف دیگر "مِم" همه گونه احیا و بازسازی خرابیهای داخلی را نشان می‌دهد، و همچنین نمایانگر تمامی استحاله و تغییر شکل، و در نتیجه، نشانه‌ی مرگ است که چون عبور از یک دنیا به دنیای دیگر تصور شده است. "مِم" یکی از سه مادر است.



نمادگرایی سیزدهمین برگ ثورا مرگ^۱ یا اسکلت دروگر

نظریه‌یی که این رمز را بیان می‌کند عبارت است از خرابی و انهدام قبل یا بعد از احیا و بازسازی.

اسکلتی در مزرعه‌یی که از هر گوشه‌ی آن دست و پای آدمها بیرون آمده به وسیله‌ی داسی سر مرده‌ها را درو می‌کند.

عمل درو کردن سر (تصور) به محض عملی شدن (دست و پا)، جاودان می‌شود.

رمز ۱۳ توسط رموز ۱۰ (چرخ سرنوشت) و ۱۶ (برج) که در وسط این دو واقع است توضیح داده می‌شود:

1- La Mort

$$10+16=26 \quad 26:2=13$$

پس ۱۳ بین "ی" (اصل آفرینش = ۱۰) و "ع" (اصل خرابی = ۱۶) قرار گرفته است.

چنانچه تاکنون دیدیم هر رمزی با رمز بعدی خود در هفت تایی‌ها کامل می‌شود، از همین رو، رمز ۱۳ با رمز ۱۸ کامل می‌شود (هفت تایی سوم)، همانطوری که رمز ۵ با رمز ۲ کامل می‌شود (در هفت تایی اول) و دوازده مکمل هفت است (در هفت تایی دوم).^۱ اگر در هفت تایی سوم هر دو شماره‌ی متوالی پس از ۱۳ را با هم جمع کنیم عدد ۳۱ به دست می‌آید.

کامل می‌شود		ماه		با		مرگ
۳۱	=	۱۸	+	۱۳		

در هفت تایی دوم

$$10=1+0=1$$

در هفت تایی اول

$$31=3+1=4$$

و

کامل می‌شود		ستاره		با		اعتدال
۳۱	=	۱۷	+	۱۴		

و

کامل می‌شود		برج		با		شیطان
۳۱	=	۱۶	+	۱۵		

۱- روز ۵ و ۸ را ببینید.

برگ سیزدهم ثورا میان دنیای نامریی و دنیای مریی قرار گرفته است. این خط و اصل جهانی طبیعت است، وسیله‌یی است که به توسط آن یک دنیا بر دنیای دیگر تأثیر می‌گذارد. معنی این برگ چنین است:

در مرحله‌ی الهی:

خدا تغییردهنده

اصل تغییردهنده‌ی جهان

نابودکننده و آفریننده

در مرحله‌ی بشری:

وجه منفی عمل

مرگ

در مرحله‌ی طبیعی:

نور کوکبی، عملکرد آفریننده

نیروی قالب‌پذیر جهانی

متعادل‌کننده‌ی مرگ و نیروی تغییردهنده

۱۳- مم

مرگ

ارتباطات	علامات
هیروگلیف اولیه: زن حرف عبری: مم (بکن از سه مادر)	اصل تغیردهنده جهانی نابودکننده و آفریننده مرگ
ملاحظات	نیروی قلبپذیری جهانی

۱۴- نون

چهاردهمین حرف الفبای عبری (نون)^۱

مبدأ نمادگرایی چهاردهمین برگ ثورا

"نون" در هیروغلیف تولیدات زن رانشان می‌دهد؛ یک پسر، یک نوع میوه، تمام موجوداتی که تولید می‌شوند. همچنین این حرف تصویر موجود تولید شده یا انعکاسی، علامت وجود فردی یا جسمانی است.

"نون" در آخر کلمه ("نون" آخر) علامت افزایندگی است، به کلمه‌یی که آن را دریافت می‌کند، بسط خاصی می‌بخشد، که مفهوم آن کلمه مستعد و آماده‌ی چنین بسطی است.

"نون" از نظر نجومی صورت فلکی عقرب است.

"نون" در کل ثمره‌ی هر نوع ترکیبی را نشان می‌دهد، و نتیجه‌ی عملکرد نیروهای اوچ گیرنده یا آفریننده، و نیروهای پایین رونده یا نابود‌کننده است، که به وسیله‌ی ستاره‌ی داود نشان داده می‌شود.



نمادگرایی چهاردهمین برگ ثورا اعتدال^۱

نظریه‌یی که این نماد بیان می‌کند، عبارت است از:

۱- ترکیب ماده‌های سیال مختلف

۲- فردیت وجود

فرشته‌ی خورشید از یک کوزه‌ی طلایی، آب حیات را به یک کوزه‌ی نقره‌یی می‌ریزد (نظریه‌ی اول).

این مایع از یک ظرف به ظرف دیگر به گونه‌یی می‌ریزد که کمترین قطره از آن بیرون نمی‌پاشد (نظریه‌ی دوم).

1- La Temperance

برگ چهاردهم دختر جوانی را نشان می‌دهد که در رمز یازدهم او را دیده‌ایم و دویاره در رمز هفدهم او را خواهیم دید.
علامت زندگی جاوید (۱۱) که روی سر دختر رمز ۱۱ بود، اینجا از یک کوزه به کوزه‌ی دیگر منتقل می‌شود و در رمز ۱۷ پراکنده خواهد شد.

برگ چهاردهم ثورا، ماده‌ی سیاله‌یی را نشان می‌دهد که تا کنون محافظت شده بود، اما اکنون در جریان کامل طبیعت قرار گرفته است.

مرحله‌ی الهی:

ترکیب ماده‌های سیال فعال و غیرفعال.

ورود روح در ماده و

عکس العمل ماده روی ذات.

سیر نزولی روح

مرحله‌ی بشری:

انعکاس عدالت در جهان مادی

اعتدال

مرحله‌ی طبیعی:

ثبتیت زندگی انعکاسی تجسد زندگی

زندگی فردی و جسمانی

۱۴- نون

اعتدال

ارتباطات	علامات
هیروگلیف اولیه: یک میوه نحوه: غرب ماه: آبان حرف عربی: نون (ساده)	سیر نزولی روح روح به طرف ماده نزول می کند
ملاحظات	اعتدال زندگی فردی و جسمانی

۱۵- سامخ^۱ پانزدهمین حرف الفبای عربی

مبداً نمادگرایی پانزدهمین برگ ثورا

"سامخ" در هیروگلیف مشابه "زین" (رمز ۷) است، یعنی نشانگر پیکان، یا یک جور سلاح است؛ اما پیکان در این علامت، حرکتی دایره‌وار انجام می‌دهد، در نتیجه تمام حرکات دایره‌وار تمام دایره‌هایی که حدود و ثغوری را تعیین می‌کند و برای آن مرزی ایجاد می‌کند، از طریق آن القا می‌شود.

از طریق نظریه‌ی یک دایره‌ی غیر قابل رسوخ، مفهوم تقدیر و جبر به دست می‌آید که خواستها و اختیارات بشری در اندرون محیط همین دایره عمل می‌کند؛ در ضمن آیا ماری که مثل یک دایره روی خود چنبر زده و دُم خود را می‌گزد همیشه نماد این جبر و تقدیر نبوده که دنیا را در ابدیت خویش می‌شارد. چنبر مارنشانه‌ی گذر سالها است، و خبر از دوران جبری و مقدر در طول زمان می‌دهد. "سامخ" به عنوان یک حرف، رابطی است ("زین") که تشدید شده و روی خودش تاب خورده و به عنوان یک حرف ساده با صورت فلکی قوس ارتباط دارد.

1- samex (samekh)



نمادگرایی پانزدهمین برگ ثورا شیطان^۱

شیطان در تمام اصول تکوین عالم نشانه‌ی نیروی کوکبی مرموزی است که در هیروغلیف حرف "سامخ" (س) اصل آن ظاهر می‌شود. اما با بررسی کمی دقیقتر این نماد، نشانه‌های چند تصویر دیگر ثورا را بازمی‌یابیم که به ترتیبی تازه عرضه شده است.

1- Le Diable

در واقع مُغ (برگ اول) را در کنار شیطان قرار دهید، بلا فاصله متوجه خواهید شد که بازوان هر دو تصویر یک شکل را نشان می‌دهند، اما به نحوی واژگونه مُغ دست راست خود را به طرف جهان نگاه داشته و دست چپ را به سوی خدا. شیطان عکس این حرکت را انجام داده، یعنی دست چپ به طرف زمین پایین آمده و دست راست به طرف هوا برافراشته شده است. به جای چوب دست معجزه‌آسا و عرفانی مُغ، شیطان یک مشعل شعله‌ور در دست دارد که نماد عقل بشری است.

دو نفر در دو طرف شیطان پایین تر از او قرار گرفته‌اند، که القا کننده‌ی همان نمادهایی هستند که ما در دو زن عاشق (رمز ۶) و همچنین در دو پایه‌ی داربست "به دار آویخته" (رمز ۱۲) دیده بودیم، و نشانه‌ی شب و روز هستند. نیروی حیاتی جهانی که به وسیله‌ی رمز ۳ عرضه شده بود در اینجا به دو نیروی به وجود آورند و نابودکننده تبدیل شده است. عصای وнос-اورانیایی تبدیل به مشعل شیطان شده است که هم نیروی تصحیح را در خود دارد و هم آتش سوزان تطهیر کننده را. رمز ۳ نشانه‌ی روح القدس یا چنانچه فابر دُلیوه می‌گوید نشانه‌ی مشیت است.

رمز ۱۵ نشانه‌ی روح بشری یا چنانچه فابر دُلیوه می‌گوید نشانه‌ی سرنوشت است.

$$15+3=18:2=9$$

رمز ۹ که وسط این دو حرف قرار می‌گیرد، نشانه‌ی احتیاط یا چنانچه فابر دلیوه می‌گوید نشانه‌ی اختیار بشری است.

شیطان علامت زندگی جاوید (۰۰) را که روی سر مغ جای داشت، به شکل عینی درآورده، و به صورت دو شاخ که با شش کنگره (در هر طرف) تزیین شده است، روی سر دارد. او روی مکعبی ایستاده که مکعب بر بالای کره‌یی قرار دارد و نشان دهنده‌ی استیلای ماده (مکعب) بر روح (کره) است.
پانزدهمین برگ ثورا مفاهیم خود را از همین نمادگرایی به دست می‌آورد:

مرحله‌ی الهی:

سرنوشت مقدار

مرحله‌ی بشری:

جبر منتج به هبوط آدم و حوا

مرحله‌ی طبیعی:

ماده‌ی سیال کوکبی که موجب فردیت می‌شود

ناحاش^۱، مار آستانه

۱- ناحاش (مار) شهریار عمون که پس از فتح "یابیش جلعاد" (= شهری در مشرق اردن) خواست که با اهالی عهدی استوار نماید به شرط آنکه چشم راست هر یک از ایشان را درآورد. و چون شائول این مطلب را شنید روح خداوند بر وی آمده بدان استصواب ایشان را از دست وی رهایی بخشد.

١٥- سامخ

شیطان

ارتباطات	علامات
هیرو گلیف اولیه: مار نجمون: قوس ماه: آذر حرف عبری: سامخ (ساده)	سرنوشت مقدر جبر متنج به هبوط آدم و حوا
ملاحظات	ماده‌ی سیال کرکبی ناحاش (مار آستانه)

۱۶- عین^۱

شانزدهمین حرف الفبای عبری

مبدأ نمادگرایی شانزدهمین برگ ثورا

هیروگلیف "عین" شبیه به هیروگلیف "واو" (رمز ۶) است، با این تفاوت که صورتی مادی به خود گرفته است. "عین" علامت حس مادی است؛ علامت فساد و خرابی، علامت هر آنچه کج، غلط، منحرف و زشت است.

این حرف از نظر نجوم، صورت فلکی جدی است.

1- 'ayin



نمادگرایی شانزدهمین برگ ثورا

^۱ برج

قلعه‌بی که کنگره‌های آن با صاعقه‌ی آسمان در هم شکسته. مردی تاجدار و مردی بدون تاج از ارتفاع قلعه به بیرون پرتاب شده‌اند و خردمند فرو ریختگی و انهدام قلعه دور و بر آنها دیده می‌شود. یکی از دو مرد در حین افتادن شکل حرف عبری "عين" را به خود می‌گیرد.

در این تصاویر برای اولین بار تصویر یک ساختمان عینی و مادی را می‌بینیم. ما این نماد را در رمز ۱۸ و ۱۹ هم خواهیم دید.

برگ شانزدهم نشانه‌ی سقوط آدم در ماده است. او به تدریج مادی‌تر و عینی‌تر می‌شود تا جایی که به رمز ۱۸ می‌رسد، یعنی به آخرین مرحله‌ی مادی بودن می‌رسد.

مفاهیم این تصاویر تمامی بر مبنای سقوط و مادی شدن در حرف معنوی و غیرمادی "و" (رمز ۶) القا می‌شود:

مرحله‌ی الهی:

مادی شدن خدا-روح القدس (رمز ۳ را ببینید)

ورود روح القدس در جهان مریی: روح القدس چون خدای بانو عمل می‌کند.

نابودی الوهیت

مرحله‌ی بشری:

مادی شدن آدم - حوا که تا اینجا غیرمادی بوده‌اند.

ورود آدم و حوا به جهان مریی

سقوط

انعکاس مرگ

مرحله‌ی طبیعی:

مادی شدن دنیای علتها

دنیای مریی

۱۶- عین

برج

ارتباطات	علامات
هیروگلیف اولیه: اتصال (و) مادی شده نحوه: جدی ماده‌دی حروف عبری: عین (ساده)	نایدی الوهیت
	ستوط
ملاحظات	دنیای مرئی

۱- ف

هفدهمین حرف الفبای عبری

مبدأ نمادگرایی هفدهمین برگ ثورا

"ف" در هیروغلیف مشابه هیروغلیف حرف "بت" (برگ دوم) است، اما در مفهومی گستردہ تر. همان طور که ب به طور خاصی نشانه‌ی دهان آدمی است، به عنوان اندام سخن گفتن، "ف" هم نشانه‌ی تولیدات این اندام است یعنی: سخن.

این حرف علامت سخن است و هر آنچه با سخن در ارتباط است. این حرف نشانه‌ی کلمه‌ی در حال ادا شدن در طبیعت است، با تمام شرایط آن.

همچنین این حرف از نظر نجومی با مریخ در ارتباط است، خداوند سخن و نشر علم و تجارت، خداوند مبادلات میان تمام موجودات و تمام جهانها.

"ف" یک حرف مرکب است.



نمادگرایی هفدهمین برگ ثورا

ستاره^۱

این نماد نشان دهندهٔ نظرات زیر است:

۱- پخش و پراکنده کردن آب حیات

۲- تجدید جاودانه‌ی آن

دختر جوانی آب حیات را با دو کوزه آهسته بر زمین می‌ریزد، فرشته‌ی خورشید (رمز ۱۴) اینک به شکل این دختر فرود آمده است، و تصویر جوانی جاودانی است. آب حیات را که هم اکنون از ظرفی به ظرفی می‌ریخت، اینک بر روی زمین خالی می‌کند (نظریه‌ی اول).

1- L'Étoile

بر فراز سر این دختر جوان هفت ستاره است و یک ستاره‌ی بسیار بزرگ و درخشان. نزدیک دختر جوان یک لکلک، و در برخی ثوراهای دیگر یک پروانه، روی گلی نشسته است (نظریه‌ی دوم).
ما در اینجا نماد جاودانگی را می‌یابیم. روح - لکلک یا پروانه - می‌باید در جسمی زنده بماند که فقط یک محل آزمایش است (گل یک روزه). شهامت برای طاقت آوردن در مقابل استخوانها از آن بالا می‌رسد (ستاره‌ها).

سقوط الوهیت و انسانیت در ماده فقط در صدایی مرموز پدیدار می‌شود، و گناهکار را شهامت می‌بخشد و به او فرصتی می‌دهد تا جزیی از آینده‌اش را در ارتباط با امتحان بییند.
این برگ دقیقاً تمام اثرات زشت برگ قبلی را متعادل می‌کند. و از آنجا مفهوم آن عبارت خواهد بود از:

مرحله‌ی الهی

تضاد و خرابی: هیچ خرابی‌یی مقدار نیست.
همه چیز در ارتباط با خداوند ابدی و جاودان است:
جاودانگی
آفرینش روح بشر

مرحله‌ی بشری

سقوط قابل ترمیم، حسن درونی الهامی
رجا

مرحله‌ی طبیعی

سرچشمه‌ی الهیات در جهان مریبی

نیروی پخش شونده‌ی ماده‌ی سیال، که بازسازی ابدی آفریده‌ها را پس از خرابی
ممکن می‌سازد.

-۱۷-

ستاره

ارتباطات	علامات
هیروگلیف اولیه: سخن (دهان و زبان) نحوه: مریخ روز: چهارشنبه حروف عربی: ف (مرکب)	جاودگی رجاه (اید)
ملاحظات	نیروی پخش‌شونده ماده‌ی سیال کرکی

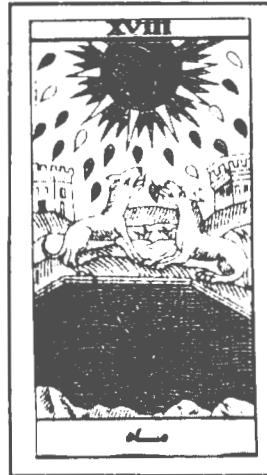
۱۸- صاد^۱ یا تصادی هیجدهمین حرف الفبای عبری

مبدأ نمادگرایی هیجدهمین برگ ثورا

"صاد" در هیروغلیف همان نظریه‌ی حرف "طت" (برگ نهم) را به دست می‌دهد، و بیش از هر چیز نظریه‌ی انتها، هدف، پایان را القا می‌کند. "صاد" ضمناً علامت پایانی و نهایی هر آن نظریه‌یی است که نشانگر انتها، تفرقه، راه حل و هدف باشد.^۲

1- 'tsadi

2- ص (صاد) اگر در شروع کلمه باشد نشانه‌ی حرکتی است به جانب انتها. اگر در انتهای کلمه باشد همچنان نشانه‌ی انتها است. این حرف به صورت "ص" از "س" (=١٥) و "ز" (=٧) ناشی است، که نشانه‌ی تفرقه‌ی یکی از دیگری است. (پاپوس)



نمادگرایی هیجدهمین برگ ثورا

ماه^۱

ما تا اینجا درجات مختلفی که روح را هر چه بیشتر در ماده سقوط می‌دهد، دیدیم. اکنون این مسیر به آخرین مرحله‌ی خود رسیده است. روح کاملاً مادی شده و این مرحله‌ی نهایی در برگ هیجدهم نشان داده شده است.

مزرعی که نور ضعیفی از ماه می‌گیرد.

نور، نشانه‌ی روح، به طور مستقیم نمی‌تابد.

فقط از طریق انعکاس است که این کره‌ی مادی نورانی می‌شود.

در دو طرف تصویر بر جی دیده می شود که مزرع را محدود می کند، و در واقع حکم حد و مرز این مزرع را دارد. از ماه قطرات خون فرومی چکد.

دنیای ماده، نقطه بی نهای است که روح به آن می رسد. هیچ چیز نمی تواند پایین تر از این حد سقوط کند، و این همان چیزی است که مرز را نشان می دهد. قطرات خون نشانه سقوط روح در ماده است.

جاده بی که از قطرات خون پر شده در افق گم می شود؛ در وسط جاده یک سگ و یک گرگ به سوی ماه زوزه می کشنند؛ یک خرچنگ از آن خارج می شود و میان این دو حیوان می خزد؛ دخول روح به ماده. سقوط چنان عظیم است که همه چیز برای صعودی دوباره متعدد می شود.

ارواح پست (سگ)، ارواح جنایتکاران درنده خو (گرگ)، عناصر در حال خزیدن (خرچنگ) در کمین هستند تا پس از سقوط روح در ماده هر چه بیشتر زجرش دهند.

مرحله‌ی الهی:

مرحله‌ی پایانی مادی شدن الوهیت: نقطه‌ی نهایی سیر نزولی

هرج و مرج

مرحله‌ی بشری:

مرحله‌ی پایانی مادی شدن آدمیت

جسم مادی و مصائب آن

مرحله‌ی طبیعی:

مرحله‌ی پایانی مادی شدن جسم

ماده

۱۸- صاد یا تُصادی

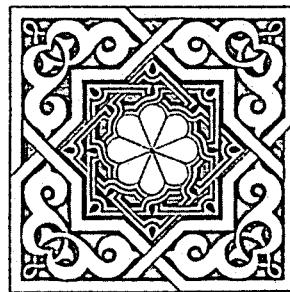
ماه

ارتباطات	علامات
هیروگلیف اولیه: بام نحوه: دلو ماه: بهمن حروف عربی: صاد (ساده)	هرچ و هرج جسم مادی و مصائب آن
ملاحظات	ماده

با سومین هفت تابی سیر نزولی روح، یعنی سقوط روح در ماده، تمام می شود.

سه برگ آخر ثورا نشان می دهد چگونه تمام نیروهای به وجود آمده، به طور تدریجی از طریق تکامل به علت العلل اصلی خود بازمی گردند.

فصل سیزدهم



^۱ به فیلسوف عارف، سدیر



انتقال کلی
رمز ۱۹ تا ۲۱
^۲- قاف ۱۹

نوزدهمین حرف الفبای عبری

مبدأ نمادگرایی نوزدهمین برگ ثورا

"قاف" در هیروگلیف نشانگر اسلحه‌ی تیز و بران است، نشانه‌ی هر چه که در خدمت انسان است و از او دفاع می‌کند و به خاطر او کوشش می‌کند. همچنین ق علامت فشار و تراکم، قبض و برندگی در حد اعلای کلمه است. این حرف تصویر شکلی انباشته شده و دفع‌کننده است، و از آنجا نظریه‌ی وجود مادی به دست می‌آید. این حرف نشانه‌ی حرف ک (=۱۱) است، اگر به طور کامل مادی شده باشد و در مورد اشیایی به کار می‌رود که کاملاً جسمانی

1- Sedir

2- qaf (qof)

هستند. بنابراین، پیشرفت علامت به ترتیب زیر است:

- ه (۵=) زندگی جهانی
- ح (۸=) وجود جوهری، کوشش طبیعت
- ک (۱۱=) زندگی سازش یافته با قالبی طبیعی
- ق (۱۹=) وجود مادی، ابزاری برای ساختن شکلها

این حرف ساده است و صورت فلکی حوت را دارد.



نمادگرایی نوزدهمین حرف ثورا خورشید^۱

دو کودک لخت محبوس میان دیوارهای حصار. بر بالای سر آنها خورشید اشعه‌ی خود را می‌پراکند و قطرات طلایی از آن بیرون می‌غلتد و روی زمین می‌افتد.

نور از بالا می‌تابد، اما دیگر مانند رمز قبلی نوری انعکاسی نیست که تصویر را روشن می‌کند، بلکه نور خلاق مستقیم است، نور خدا در جهان مادی است که مثل رود پخش می‌شود.

دیوار حصار نشان می‌دهد که ما همچنان در دنیای مریبی یا مادی هستیم. دو بچه نماد دو ماده‌ی سیال آفریننده‌ی مثبت و منفی

1- Le Soleil

موجود بشری هستند:

مرحله‌ی الهی:

بیداری روح: انتقال دنیای مادی به دنیای الهی:
ماده از خداوند استجابت می‌خواهد.

عناصر

مرحله بشری:

جسم انسان تازه می‌شود.
تغذیه، هضم

مرحله طبیعی:

ماده‌ی جهانی سیر صعودی خود را به طرف خداوند شروع
می‌کند.
حکومت جمادی

۱۹- قاف

خورشید

ارتباطات	علامات
هیروکلیف اولیه؛ تیشه، اسلحه‌ی برنده نجرم؛ حوت ماه: آسفند حرف عبری: قاف (ساده)	عناصر تنفس هم
ملاحظات	حکومت جمادی

مبداً نمادگرایی بیستمین برگ ثورا^۱ بیستمین حرف الفبای عبری

مبداً نمادگرایی بیستمین برگ ثورا

"رش" در هیروغلیف سر انسان را نشان می‌دهد، و از آنجا نظریه‌ی هر آنچه در خود یک حرکت کامل و تعیین‌کننده دارد، به دست می‌آید. "رش" علامت یک حرکت کامل است، چه خوب و چه بد. نشانگر تازه شدن و تجدید چیزها است به خاطر حرکاتشان. "رش" یک حرف مرکب است و از نظر نجوم زحل (کیوان) صورت فلکی آن است.

1- resh



نمادگرایی بیستمین برگ ثورا قیامت^۱

یک فرشته با بالهای آتشین، در هاله‌ی شکوهمند و درخشان، در صور روز قیامت می‌دمد، صلیبی آن را تزیین کرده است.
قبای در زمین باز می‌شود و یک مرد، یک زن و یک کودک از آن خارج می‌شوند و به حالت دعا و ثنا دستها را به هم چسبانده‌اند.
چگونه می‌شد جالب‌تر از این بیداری طبیعت را تحت تأثیر کلمة الله نشان داد؟ چطور می‌توان با دیدن طریقه‌یی که نماد آن با هیروغلیف عبری خود مطابق می‌شود سرشار از تحسین نشد؟

1- Le Jugement

مرحله‌ی الهی:

بازگشت به دنیای الهی، سرانجام روح مالک خویش می‌شود
حرکت کامل و تعیین‌کننده

مرحله‌ی بشری:

زندگی با حرکت خودش تازه می‌شود
زندگی نباتی
تنفس

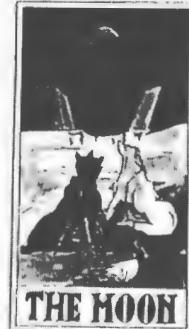
مرحله‌ی طبیعی:

ماده‌ی دنیا، یک درجه در صعود خود به طرف خدا پیشرفته می‌کند
حکومت نباتی

-۲۰ رش

قيامت

ارتباطات	علامات
هیروگلیف اولیه: سر انسان نحوه: زحل (کیوان) ردیز: شبیه حرف عربی: رش (مرکب)	حرکت کامل و تعین کننده
	نفس زندگی نباتی
ملاحظات	حکومت نباتی



تعدادی از برگهای رموز کبیر که به سفارش پاپوس توسط گولینا نقاشی شده است

۲۱- شین^۱

بیست و یکمین حرف الفبای عبری

مبدأ نمادگرایی برگی از ثورا که شماره بی ندارد

"شین"^۲ در هیروغلیف همان را بیان می‌کند که حرف "زَین" (=V) و "سامخ" (=X)، و نشانه‌ی یک تیر است، ابزاری که تا هدف پیش می‌رود. اما حرکتی که در "زَین" مستقیم بود و در "سامخ" گرد شده است، در اینجا شکل متعادل یک قطب را می‌گیرد که بر نقطه‌ی تعادلی در وسط استوار شده است.

بدین دلیل است که "شین" علامت مدت زمانی نسبی و حرکتی است که در این زمان انجام می‌شود، حال اینکه "سامخ" نشانگر حرکتی دورانی بود و نشانه‌ی زمان مطلق. "شین" یکی از سه حرف مادر است.

1- shin

- این حرف از صدای "یا" صدادار (مصطفوت) که به مرحله‌ی بی‌صدا رسیده مشتق است، و به بیان اصلی علامات پیاپی حروف "ز" و "س" وصل می‌شود (فابر دلیوه).



نمادگرایی بیست و یکمین برگ ثورا، بدون شماره شیدا^۱

مردی با لاقیدی، کلاه دیوانگان بر سر، کوله باری بر دوش و لباسی ژنده بر تن، راه می‌رود، در حالی که به نظر نمی‌رسد اصلاً نگران سگی باشد که پایش را گازگرفته است. او راه می‌رود بدون اینکه به طرف پرتگاهی نگاه کند که در آن تماسحی آماده است تا او را ز هم بدرد.

این تصویر مرحله‌یی است که در آن مصائب، آدمی را به جایی می‌رسانند که دیگر در مقابل آنها مقاومتی نمی‌کند. این نماد جسم آدمی و سرخوشی آن است. از نقطه نظر معنوی،

چهار بیت از الیفاس لوی به خوبی این نماد را توضیح می‌دهد:

رنج بردن، کار کردن است و کار را به انجام بردن
نکبت باد آن کاهل را که بر جاده می‌خوابد
رنج همچون سگی پاشنه‌ی این خسته را می‌گزد
که امروزگم شده، روز دیگر باری می‌برد

نمادهای شیدا به ترتیب زیر است:

مرحله‌ی الهی:

بازگشتن فعالتر به دنیای الهی؛ شخصیت تحکیم می‌شود
حرکت در مدت زمان نسبی

مرحله‌ی بشری:

تفکری روشن، تحت تأثیر تکامل شکل می‌گیرد
پراکندگی اعصاب-غیریزه

مرحله‌ی طبیعی:

ماده‌ی دنیا به اوج پیشرفت مادی خود می‌رسد
حکومت حیوانی

۲۱- شین

شیدا

ارتباطات	علامات
هیروگلیف اولیه: تیر حرف عبری: شین (یکن از سه مادر)	حرکت در مدت زمان نسبی
	غزیزه پرآندگی اعصاب
ملاحظات	حکومت حیوانی

۲۲- تاو^۱ یا ثاو بیست و دومین حرف الفبای عبری

مبدأ نمادگرایی بیست و یکمین برگ ثورا^۲

"تاو" در هیروغلیف بیانگر رحم است و از نظر مفهوم شبیه "دالت" (=) است، اما بخصوص بیانگر معامله و مقابله است، تصویر هر آنچه دو سویه و دو طرفه است. این، علامت علامتها است، زیرا فراوانی و وفور حرف "دالت" (برگ چهارم)، و نیروی مقاومت و حمایت حرف "طت" (برگ نهم) به هم متصل می‌شود و نظریه‌ی کمال را به دست می‌دهد که نماد حرف "تاو" است.
در الفبای عبری اولیه، "تاو" به صورت صلیب (†) نوشته می‌شود. این حرف مرکب است و از نظر نجوم نشانه‌ی خورشید است.

1- tav, thav

۲- چنانچه در فصول قبل دیده شد، هر چند شیدا نشانه‌ی حرف بیست و یکم عبری (=شین) است، لکن چون فاقد شماره است حرف بیست و دوم عبری (=تاو، ثاو) که نشانه‌ی دنیا است در واقع بیست و یکمین برگ به حساب آمده. از همین رو، بر برگ دنیا در ثورای مارسی و ثورای کور دو ژیلن شماره‌ی بیست و یک به لاتین درج شده است.



نمادگرایی بیست و دومین برگ ثورا دنیا^۱

یک دختر جوان، چوب کوتاهی در هر یک از دستها گرفته و پاها روى هم چليپا شده (چون "به دار آويخته" در برگ دوازدهم)، و در وسط یک بيضی جا گرفته است. در چهار گوشی اين برگ (در بیرون از بيضی) چهار حیوان: کاتبان اناجیل^۲، و چهار شکل ابوالهول^۳: انسان، شیر، گاو و عقاب، قرار گرفته.

1- Le Monde

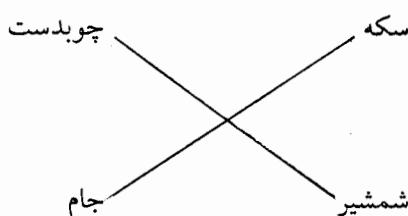
۲- در شمايل سازی متى را به صورت مرد جوان بالدار یا فرشته بی به همراه جوانی می کشند؛ لوقا را به صورت سر یک گاو؛ مرقس را به صورت یک شیر و یوحنا را به صورت یک عقاب.

۳- (Sphinx) موجود مؤنثی که چهره‌ی زن، سینه و پا و دم شیر داشت، و مانند پرنده‌گان شکاری دارای بال بود.

این نماد نشانه‌ی جهان اکبر و جهان اصغر است، یعنی خدا و آفرینش یا قانون ابدیت. چهار شکل که در چهارگوش قرار گرفته‌اند نشانه‌ی چهار حرف اسم مقدس (یهوه) یا چهار نماد اصلی ثورا است.

آتش	چوبدست	ی
آب	ه	جام
خاک	و	شمშیر
سکه	ه دو م	هوا

می‌توان رابطه‌ی میان این چهار عامل را به صورت زیر نشان داد:

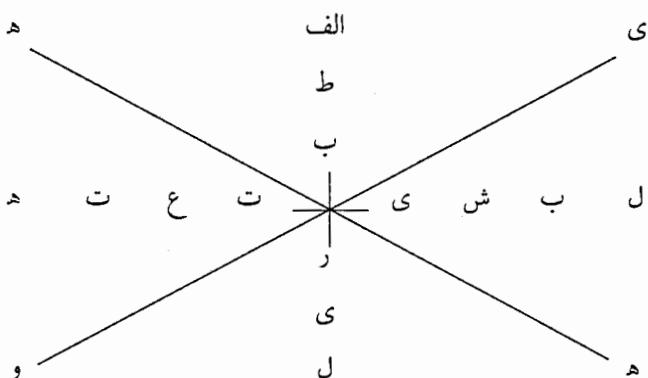


بین کلمه‌ی مقدس (چهار شکلی که در چهارگوش قرار گرفته‌اند) به نشانه‌ی خداوند و مرکز برگ (تصویر زن)، یک بیضی دیده می‌شود که نشانه‌ی طبیعت و حرکت جبری آن است، و از آنجا نام چرخ^۱ به ذهن مبتادر می‌شود که نامی است که گیوم پوستل بر آن نهاده است. و سرانجام در مرکز این شکل بشریت، آدم و حوا، نشان داده شده است و سومین دوره‌ی مجموعه‌ی عظیم ابدیت را به دست می‌دهد.

همان ابدیت نفوذناپذیر (الله الصمد)، که در آیین قبالاً "ان سوف"^۱
و در آیین هندو "پارابراهم"^۲ خوانده می‌شود.

هفت تایی اول	ذات مطلق یا خدا،
هفت تایی دوم	روح مطلق یا انسان،
هفت تایی سوم	جسم مطلق یا جهان،

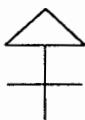
بدین ترتیب این بیست و دوین برج ثورا فشرده‌بی از کار را به ما
نشان می‌دهد و حقیقت استنتاجهای ما را اثبات می‌کند.
شكلی ساده تمام مطالب فوق را خلاصه می‌کند:



همچنین این نماد دقیقاً شکل ساختمان ثورا را به دست می‌دهد. در تصویر زن در برج دنیا می‌بینیم که نیم‌تنه‌ی بالای تصویر مثلثی به وجود می‌آورد (سر و دو بازوی باز شده) که این مثلث روی صلیبی استوار شده است (پاهای)، یعنی یک هفت تایی به این صورت به

-۱ (En-Soph= Einsof) در آیین قبالاً به معنی نامتناهی است.
-۲ (Paramâtmân) یا پاراماتمن (Parabrahm)، جوهر متعالی یا ذات مطلق.

دست آمده است:



چهار گوشه‌ی برگ، چهار نماد بزرگ ثورا را نشان می‌دهد. در وسط این چهار نماد دایره‌یی (یا بیضی‌یی) محاط شده است که نشانگر عملکرد این چهار نماد است. دایره‌ی وسطی با ده شماره‌ی رمزهای صغیر، و بیست و دو حرف رمز کبیر مشخص شده است. و سرانجام در مرکز دایره، علامت هفت تایی رمزهای کبیر دیده می‌شود.

چنانچه می‌بینیم این هفت تایی در مرکز سه دایره، که نماد سه جهان است، قرار دارد. و از اینجا مفهوم بیست و یک رمز کبیر معلوم می‌شود ($3 \times 7 = 21$).

شکل صفحه‌ی بعد عملکرد بیست و یکمین برگ ثورا را نشان می‌دهد.

جدول نشان‌دهنده‌ی اعداد تقلیب شده‌ی "یهود" (رموز مثبت) -
("ی" = ۱، "ھ" = ۲، "و" = ۳، "د" = ۴ دوم)

مرحله‌ی الهی:

خداآوند- مظہر

مرحله‌ی بشری:

مظہر- انسان

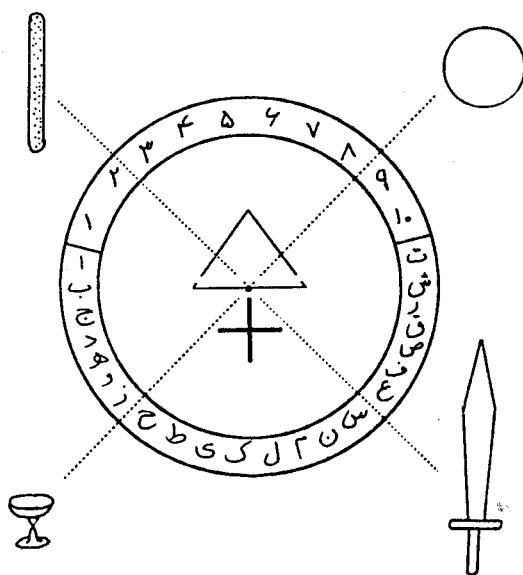
مرحله‌ی طبیعی:

مظہر- جهان

۲۲- تاو

دنيا

ارتباطات	علامات
هیروگلیف اولیه: رحم نحوه: خورشید حرف عربی: تاو (مرکب)	خداوند مظہر انسان
ملاحظات	جهان

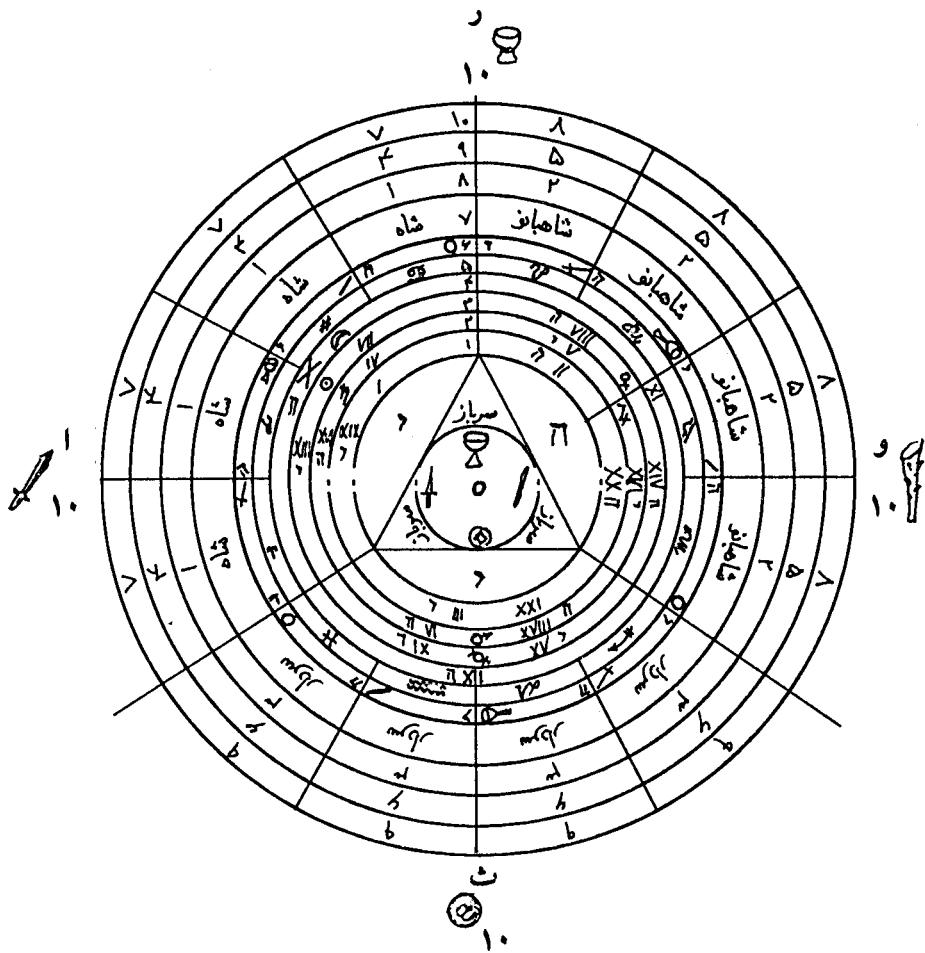


جدول نشان دهنده اعداد تقلیب "ی هوه" (رموز مثبت)

(ی = ۱، ۲ = ه، ۳ = و، ۴ = م)

(کلید جدول قبلی)

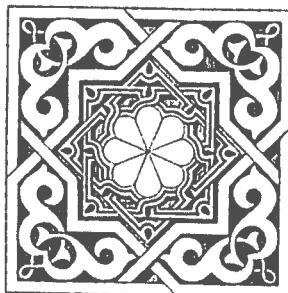
	از ۱ در ۷	از ۱ در ۱۳	از ۱ در ۱۹	از ۱ در ۴
I	۱	۲	۳	۴
	۲	۳	۴	۱
	۳	۴	۱	۲
	۴	۱	۲	۳
	از ۲ در ۸	از ۲ در ۱۴	از ۲ در ۲۰	از ۲ در ۴
	۱	۲	۳	۴
	۲	۳	۴	۱
	۳	۴	۱	۲
II	۴	۱	۲	۳
	از ۳ در ۹	از ۳ در ۱۵	از ۳ در ۲۱	از ۳ در ۴
	۱	۲	۳	۴
	۲	۳	۴	۱
	۳	۴	۱	۲
	۴	۱	۲	۳
	از ۴ در ۱۰	از ۴ در ۱۶	از ۴ در ۲۲	از ۴ در ۴
	۱	۲	۳	۴
III	۲	۳	۴	۱
	۳	۴	۱	۲
	۴	۱	۲	۳
	از ۴ در ۱۰	از ۴ در ۱۶	از ۴ در ۲۲	از ۴ در ۴
	۱	۲	۳	۴
	۲	۳	۴	۱
	۳	۴	۱	۲
	۴	۱	۲	۳
IV	از ۴ در ۱۰	از ۴ در ۱۶	از ۴ در ۲۲	از ۴ در ۴
	۱	۲	۳	۴
	۲	۳	۴	۱
	۳	۴	۱	۲
	۴	۱	۲	۳
	از ۴ در ۱۰	از ۴ در ۱۶	از ۴ در ۲۲	از ۴ در ۴
	۱	۲	۳	۴
	۲	۳	۴	۱



تقدیم به یاد نویسنده‌ی معیار باستانی،
مارکی دو سنت ایو دآلودر

جشن کوئر

فصل چهاردهم



۱ تقدیم به فیلسوف متأله، آماراولًا



کلید کلی کاربرد ثورا

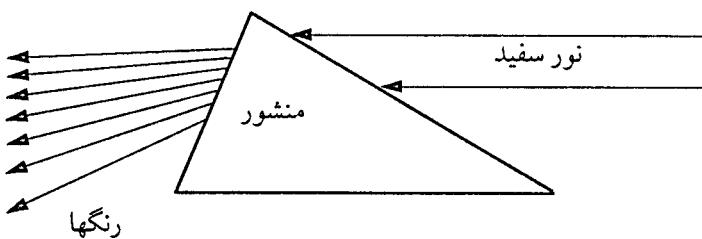
دیدیم که بیست و یکمین برگ (دنیا) کلید ساختار ثورا را به دست می‌دهد. استفاده از این رمز به همین جا محدود نمی‌شود، بلکه در واقع این برگ کلید کاربرد نمادهای ثورا را می‌سازد.

در اینجا لازم است چند کلمه‌یی توضیح داده شود تا بدانیم چگونه یک تصویر نمادین ممکن است در مفاهیم مختلف مورد استفاده قرار گیرد بدون اینکه کمترین تغییری بکند.

مثال ساده‌یی بیاوریم، و این مثال را در زمینه‌ی علوم تجربی انتخاب کنیم، و در بررسی آن از روش‌های قیاسی استفاده کنیم. مثلاً پدیده‌ی شناخته شده‌ی تجزیه‌ی نور سفید به وسیله‌ی منشور.

در مرکز شکل منشور را می‌بینیم، که به شکل مثلث نشان داده شده است. از یک گوشه‌ی منشور نور سفیدی وارد می‌شود. نور

سفید با خطوط موازی نموده شده است، و از سوی دیگر مثلث نور انکسار می‌یابد و با خطوط مورب به رنگهای مختلف خارج می‌شود. پس مسیر این پدیده را می‌توان با سه کلمه‌ی منشور، نور سفید و رنگها نشان داد.

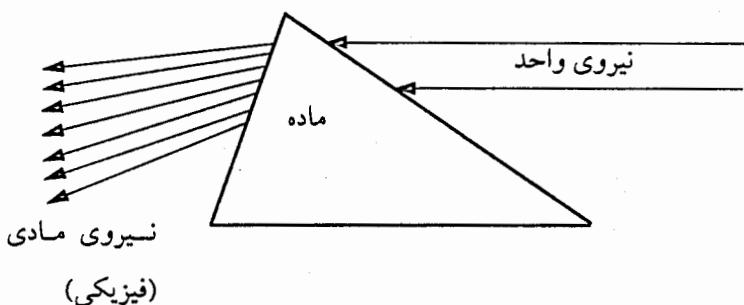


معهذا، اگر تصور کنیم که به هر حال در این پدیده فقط یک نیروی کلی (نور سفید) وجود دارد که تغییرات گوناگون را متحمل می‌شود و مبتنی است بر کمیت ماده‌یی که با آن برخورد می‌کند (ضخامت‌های مختلف منشور). آنگاه آسان خواهد بود که به مفهوم دیگری از تصویر بررسیم.^۱

در واقع کار لویی لوکاس، که به طور ناخودآگاه به توسط دانشمندان معاصر دنبال شده است، به وضوح وحدت نیروی عامل را در طبیعت نشان می‌دهد. نیروهای مختلف مادی (فیزیکی)، چون گرما، نور، یا الکتریسیته فقط نمایانگر این نیروی واحد هستند، و در ارتباط با کمیت ماده‌یی که به آن برخورد می‌کنند، تغییر شکل می‌یابند.

1- Louis Lucas: *Chimie Nouvelle*.

بدین ترتیب است که وقتی نور سفید با منشوری از مواد مختلف برخورد می‌کند نور بنشش تولید می‌کند و به همین نحو، نیروی واحد در برخورد با بسیاری از مواد تولید گرما می‌کند و یا در برخورد با برخی از مواد نور یا الکتریسیته تولید می‌کند. بنابراین، ما می‌توانیم این پدیده را بدون عوض کردن شکل قبلی و فقط با تغییر اسمی نشان دهیم:



به این ترتیب کمیتهای گوناگون ماده با قطرهای مختلف منشور نمایش داده می‌شود: نیروی واحد مرتبط با نور سفید به صورت خطوط موازی، و نیروهای مادی (فیزیکی) مرتبط با رنگ‌های مختلف به صورت خطوط منكسر نشان داده می‌شود.

اگر با این دو مثال مخالفت شود به دلیل اینکه از قلمروی مادی (فیزیکی) گرفته شده است، و گفته شود که این امر برای تعمیم یک پدیده کفايت نمی‌کند، در این صورت جواب آن را با انتخاب مثالی در زمینه‌ی وظایف اعضاء (فیزیولوژی) خواهیم داد.

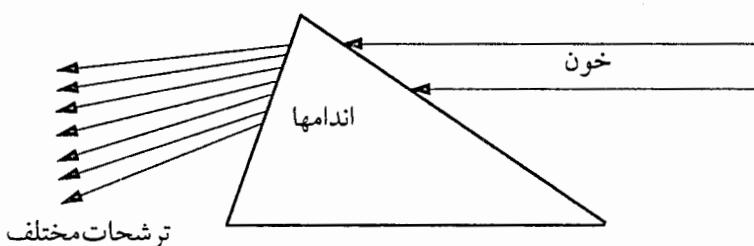
وظایف اعضاء (فیزیولوژی) به ما می‌آموزد که تمام اندامها تحت تأثیر خون انسان به حرکت درمی‌آیند. به این ترتیب خونی که در

غدد بزاقی حرکت می‌کند، بزاق را به وجود می‌آورد؛ خونی که بر معده تأثیر می‌کند، شیره‌ی معده را به وجود می‌آورد؛ و به همین ترتیب خونی که بر کبد تأثیر می‌کند در بعضی موارد خاص، صفرا را تولید می‌کند و غیره.

به طور کلی این پدیده‌ی اندامی به یک عامل واحد (خون) خلاصه می‌شود و بر اندامهای مختلف (غدد، غدد بزاقی، معده، کبد) اثر می‌کند، و تولیدهای مختلف (bzاق، شیره‌ی معده، صفرا) را به وجود می‌آورد.

آیا نمی‌توانیم اندامهای مختلف را به وسیله‌ی قطر مختلف منشور نشان دهیم؟ و نیروی واحد را به صورت خطوط موازی و تولیدهای مختلف آن را پس از عبور از منشور به صورت خطوط منكسر نمایش دهیم؟

این ارتباط بسیار قطعی و مشخص است، و این تصویر مجدداً در این مورد مصدق می‌یابد:



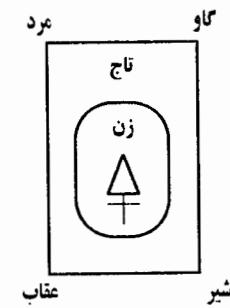
به این ترتیب می‌بینیم که تصویر اصلاً عوض نشده است، بلکه فقط اسمی در بخش‌های مختلف این تصویر فرق کرده‌اند. این امر، به

تمامی، پایه‌ی علوم خفیه است، و از شیوه‌ی قیاسی تبعیت می‌کند: یک اصل ثابت و تغییرناپذیر که روی آن متواالاً قواعد مختلف پدیده‌ها عمل می‌کند.

بیست و یکمین (و در واقع بیست و دومین) برگ ثورا، چنانچه دیدیم، چهار حیوان کاتبان انجیل^۱ را که در گوشه‌ی برگ قرار گرفته‌اند، نشان می‌دهد. در مرکز زنی قرار گرفته، تصویر پسریت، و محیط بر زن تاجی است بیضی شکل که در میان چهار نماد انجیلی محاط شده است.

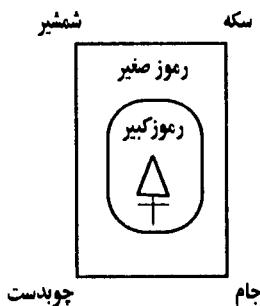
این نکته نشان‌گر آن است که در تمام کاربردهای برگ بیست و یکم ثورا، همواره چهار اصل ثابت وجود دارد (زیرا نمادهای چهارگوشی این برگ را نمی‌توان جابجا کرد)، و اصول تغییرپذیر آن به وسیله‌ی چرخ (تاج بیضی) نشان داده شده است که در وسط چهار نماد قرار می‌گیرد.

پس این تصویر ثابت است، زیرا تصویری اصلی است و تنها اسماء به کار رفته ممکن است تغییر کند.



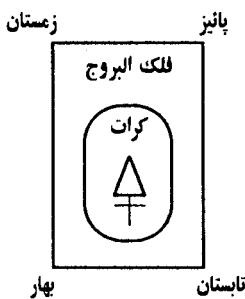
۱- مقصود کاتبان انجیل اربعه است: متی، لوقا، مرقس و یوحنا، که به ترتیب به شکل‌های مرد جوان بالدار، سر یک گاو، شیر و عقاب در شمایل‌سازی مسیحی نموده می‌شوند.

به این ترتیب چهار نماد گاو، مرد، شیر، عقاب برابر است با نمادهای زیر:



چنانچه می‌بینیم نمادها تغییری نکرده‌اند، بلکه فقط اسم اسامی تغییر کرده‌اند، و در تمام کاربردهای ثورا هم به همین ترتیب است.

بنابراین، اگر نجوم را در نظر بگیریم، چهار شکل مطابق با چهار فصل خواهد بود، تاج مطابق دایرة البروج (مجموعه‌ی صور تهای فلکی) و زن عریان (حوا) برابر نظام به حرکت درآورندهی فلک البروج یا صور فلکی (کرات).



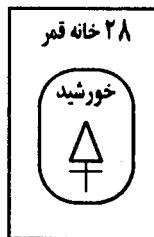
شکل فوق حرکت خورشید را نشان می‌دهد و چگونگی به وجود آمدن سال. حال اگر بخواهیم نیروی به حرکت درآورندهی ماه (قمر) را بدانیم تا چگونگی به وجود آمدن ماهها را بشناسیم،

فصل چهاردهم

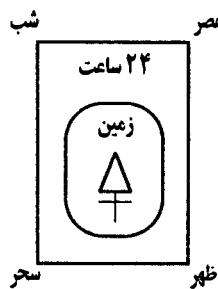
۲۸۷

می‌باید چهار فصل را تبدیل به چهار تربیع قمر، فلك البروج را تبدیل به بیست و هشت منزل قمر کنیم، و در مرکز، خورشید باشد که موجب حرکت ماه شود.

ماه جدید (هلال) آخرین تربیع قمر



اگر بخواهیم زایجه یا حرکت یک روز را ببینیم، شکل زیر داده می‌شود:

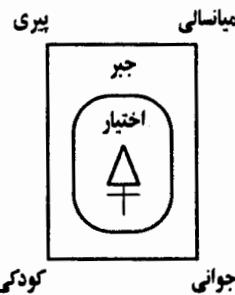


در اینجا زمین همان نقشی را به عهده دارد که قمر در مورد دوازده ماه و خورشید در مورد سال بر عهده داشت.

حال، پس از این اطلاعات نجومی، دایره‌ی زندگی بشری را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. شکل صفحه‌ی ۲۷۵ به دست خواهد آمد.

این نماد عمیق به ما نشان می‌دهد که اختیار بشری سازنده‌ی جبر است (عکس العمل اعمال ما مقدرات را می‌سازد) و در آن چهار دوره‌ی سنی زندگی بشری تحت تأثیر حلقه‌ی مشیت حرکت

می‌کند. اگر بدانیم که مشیت (دایره‌ی خارجی) روی آینده، جبر (حلقه‌ی وسطی) روی گذشته و اختیار بشری (دایره‌ی داخلی) روی حال تأثیر می‌گذارد، آنگاه مبنای ثورای تفأل‌کننده را درک خواهیم کرد.



ما تصور می‌کنیم این مثالها کاملاً روش‌بوده است، حال چند کاربرد دیگر ثورا را مورد بررسی قرار می‌دهیم، و این زمینه را برای پژوهندگان و جویندگان باز می‌گذاریم تا بلکه کاربردهای دیگر این اصل بنیادین را دریابند.

ثورا از نظر فلسفی^۱

تا کنون هیچ مؤلفی کلید تطابق فلسفی ثورا را به دست نداده است. ما می خواستیم چون پیشکسوتان خود، این کلید را برای تعلیمات شفاهی حفظ کنیم. اما پس از مذاقه، تصمیم گرفتیم عوامل تماس واقعی با ثورا را برای خوانندگان خود در این کتاب عرضه کنیم. هر چند بر ما قدرگون است که چیزی دیگر جز همین عوامل را در اختیار بگذاریم، به علاوه با وجود اینکه، به رغم همه چیز، میل داریم واضح سخن بگوییم، لکن مجبوریم سایه‌یی را که برخی از نکات این نوشته را می‌پوشاند، بر جای بگذاریم.

باشد که کاهلان ما را بیخشند، زیرا برای آنان می‌باید پوسته‌ی چوبین بادام را شکست تا به مغز بادام رسید، و باشد که ساعیان

۱- تطابق فلسفی ثورا، در ارتباط با "معیار باستانی" سنت ایو دالودر تنظیم شده است.

شهامت خود را از دست ندهند، راه به ایشان نشان داده شده، بسته به خودشان است که راه را فقط با استقامت و پشتکار دنبال کنند.

زبان رموز که زبان عبری گرته برداری شده از روی آن است، فقط یک فعل می‌شناشد: فعل هستن یا بودن را. و برای خواندن جملات قصار فلسفی ثورا باید این فعل را با در نظر گرفتن جای آن در وضعیت برگهای ثورا به کار گرفت.

به علاوه باید برای درک بیشتر تعلیمات کتاب ثورا مطابقتی میان ۲۲ رمز کبیر و مفهوم فلسفی آنها به دست داد.

تطابق فلسفی ۲۲ رمز کبیر با مفاهیم فلسفی آنها:

۱-اصل/جوهر	انسان	طبعیت قادر
۲-ماده	زن	طبعیت طبیعی
۳-علم	بشریت	کیهان
۴-اختیار	قدرت	ماده‌ی سیال آفریننده
۵-هوش	اقتدار	زندگی جهانی
۶-زیبایی	عشق	کشن طبیعی
۷-پدر	به عمل درآوردن (فتح)	نور کوکبی
۸-مادر	عدالت	وجود جوهری
۹-عشق الهی	احتیاط (ساكت بودن)	ماده‌ی سیال کوکبی
۱۰-نظم	مقدرات (قدرت جادویی)	نیروی قدرتمند ظهور
۱۱-آزادی	شهامت (جرئت کردن)	زندگی انعکاسی موقت
۱۲-آزمایش	قربانی آگاهانه	نیروی متعادل کننده
۱۳-اصل تغییر دهنده	مرگ	نیروی قالب‌بندیر جهانی

فصل چهاردهم

۲۹۱

زندگی فردی	اعتدال	۱۴- سیر نزولی روح
بازگشت به زندگی	مقدار/نیروی ماوراء الطبيعة	۱۵- تقدیر (زمان)
تعادل وازنونه/تبدیل به ماده	فاجعه	۱۶- نابودی/هرج و مرج
نیروی جسمانی	رجاه (امید)	۱۷- جاودانگی
نیروهای مخفی	جسم مادی	۱۸- رقبای نامریی
حکومت جمادی / طلای فلسفی	حقیقت بارور	۱۹- نور واقعی
حکومت نباتی (زندگی نباتی)	تفییر	۲۰- بازیابی اخلاقی
حکومت حیوانی / اماده زنده	غربیزه کور اخلاقی	۲۱- گستگی ارتباطات
تعادل جهان (ارتباط کوکبی)	فتح (از طریق عمل)	۲۲- ذات مطلق

برای خواندن الهامات ثورا توصیه می‌کنیم که به ترتیب زیر عمل کنید:

- ۱- دو برگ را در کنار هم بگذارید و مفهوم نموده شده را بدون اضافه کردن فعل، ضمیر یا اسم بخوانید؛
- ۲- بعد ترکیب مفید و برگی که باید مثلث را کامل کند بیابید؛
- ۳- مفهوم به دست آمده را با اضافه کردن فعل "هستن" یا "بودن" بخوانید. مثال:

$$\text{برگ } 3 = \text{ علم}$$

$$\text{برگ } 6 = \text{ زیبایی}$$

مجموع این دو برگ $(3+6)$ به ما شماره‌ی ۹ را می‌دهد:

$$3 + 6 = 9$$

$$\text{علم} + \text{زیبایی} = \text{عشق الهی}$$

با اضافه کردن کسره‌ی اضافت یا حرف رابطی میان ۳ و ۶ و فعلی در

انتهای ۹، جمله‌ی قصار (گزین‌گویه) زیر را خواهیم داشت:

علم زیبایی، عشق الهی است

چگونگی فعل راز برخورد واقعی با ثورای فلسفی است. چنانچه می‌بینیم با جابجا کردن فعل پیوند کلمات می‌توانیم یک جمله‌ی دیگر به دست آوریم:

علم و زیبایی، عشق الهی است

معهذا، در مرحله‌ی انتخاب جمله باید خواننده را آزاد گذاشت. نمونه‌هایی از جملات قصار فلسفی جهت مطالعه و انتقال مفهوم به خوانندگان تقدیم می‌گردد:

مثال رموز کبیر با فاصله‌ی ۳ و یا ۴:

۷	۱۰	۱۳
ارابه (فتح)	قدرت جادویی	مرگ

مفهوم این جمله چنین می‌شود:
فتح قدرت جادویی مرگ است

اما می‌توان به جای رمز ۱۳ رمز ۸ گذاشت، زیرا:

$$17 = 1 + 7 = 8$$

و در نتیجه جمله‌ی تازه‌یی به دست می‌آید:

عدالت قدرت جادویی فتح است

۳

۷

۱۱

علم

انسان عملکننده

آزادی

در نتیجه: علم، آزادی انسان عملکننده است؛ و $۳+۷=۱۰$

۱۰ قدرت جادویی است. در نتیجه:

علم قدرت جادویی انسان عملکننده است

مثال رموزی که با فاصله‌ی ۷ پشت هم می‌آیند:

۱

۸

۱۵

انسان

عدالت

تقدیر

در نتیجه: انسان عدالت است

رمزهایی که با فاصله‌ی ۱۰ پشت هم می‌آیند:

۲

۱۲

۲۲

زن

قربانی آگاهانه

ذات مطلق

در نتیجه: زن، قربانی آگاهانه‌ی ذات مطلق است

رموز مختلف:

۱۳

۲۰

۱۰

مرگ

تغییر

سرنوشت

مرگ تغییر سرنوشت است

۱۳

۴

۱۰

مرگ

اختیار

سرنوشت

مرگ اختیار سرنوشت است

معنی چهاربرگی

مثال:

۳	۲	۲۰	۱۱
طبیعت	ماده	تغییر	نیرو

نیرو ماده‌ی تغییر طبیعت است

بررسی یک شماره از طریق ثورا

$$1, 2, 3, 4, 1+2+3+4=10$$

مثال ۱:

۱	۲	۳	۴
انسان	زن	بشریت	قدرت
طبیعت طبیعی	طبیعت قادر	جهان	ماده‌ی سیال آفریننده

$$15=1+5=6 \quad 78=7+8=15$$

مثال ۲:

۱	۲	۳	۴	۵	۶
علت اولی	ماده	علم	اختیار	هوش	زیبایی

$$12=1+2=3$$

مثال ۳:

علت اولی	ماده	علم
مورد	زن	بشریت

$$12=1+2+3+4+5+6+7+8+9+10+11+12=78$$

$$78=12$$

برگهای تصادفی:

مثال ۱:

۱	۷	۴
علت اولی/اصل	پدر	اختیار
انسان	به عمل درآوردن	قدرت
طبیعت قادر	نور کوکبی	ماده‌ی سیال آفریننده

الف: اصل اول، پدر اختیار است؛

ب: انسان به عمل درآورنده قدرت است؛

ج: طبیعت قادر، نور کوکبی ماده‌ی سیال آفریننده است.

مثال ۲:

۱۳	۲۰	۱۰
باززایی اخلاقی	اصل تغییر دهنده	نظم
مرگ	تغییر	سرنوشت
نیروی قدرتمند ظهور	زندگی نباتی	

الف: نظم در باززایی اخلاق اصل تغییر دهنده است؛

ب: سرنوشت تغییر مرگ است؛

ج: نیروی قدرتمند ظهور در زندگی نباتی نیروی قالب‌پذیری جهانی است.

سه برگ با فاصله‌ی ۳:

حالت ۱:

۱	۷	۴
اصل	فتح	اختیار
اختیار در فتح اصل است		

حالت ۲:

۴	۱	۷
اختیار	اصل	فتح

فتح، اصل است در اختیار

حالت ۳:

۴	۷	۱
اختیار	فتح	اصل

اصل فتح اختیار است

حالت ۴:

۱	۴	۷
اصل	اختیار	فتح

فتح در اصل اختیار است

حالت ۵:

۷	۴	۱
فتح	اختیار	اصل

اصلِ اختیار فتح است

حالت ۶:

۷	۱	۴
فتح	اصل	اختیار

اختیار در اصل، فتح است

$$۷+۱+۴=۱۲$$

$$۱۲=۱+۲=۳$$

$$۱+۲+۳=۶$$

$$\frac{۱۲}{۶}=۲$$

مثال ۲، حالت ۱:

۱۲	۳	۶
قربانی	علم	عشق

عشق به علم قربانی شدن است، الخ...

برای اسامی خاص هر حرف از اسم را بر حسب شماره‌های حروف
عربی حساب می‌کنیم و برگ مربوط به آن را تفسیر می‌کنیم.

سه برگ پیاپی با فاصله‌ی ۷

مثال ۱:

۱	۸	۱۵
انسان	عدالت	مقدار

انسان، عدالت مقدار است

مثال ۲:

۱۵	۸	۱
مقدار	عدالت	انسان

مقدار، عدالت از برای انسان است

سه برگ پیاپی با فاصله‌ی ۳

مثال ۱:

۷	۱۰	۱۳
فتح	قدرت جادویی	مرگ
فتح، قدرت جادویی مرگ است		

مثال ۲:

۱۳	۱۰	۷
مرگ	قدرت جادویی	فتح
مرگ، قدرت جادویی فتح است		

سه برگ پیاپی با فاصله‌ی ۴

مثال ۱:

۳	۷	۱۱
علم	پدر	آزادی
علم پدر آزادی است		

مثال ۲:

۱۲	۱۶	۲۰
آزمایش	هرچ و مرج	بازبازی اخلاق
آزمایش هرج و مرج در بازبازی اخلاق است		

سه برگ پیاپی با فاصله‌ی ۱۰

مثال ۱:

۲

۱۲

۲۲

زن

تجربه

ذات مطلق

ذات مطلق تجربه‌ی زن است

مثال ۲:

۱

۱۱

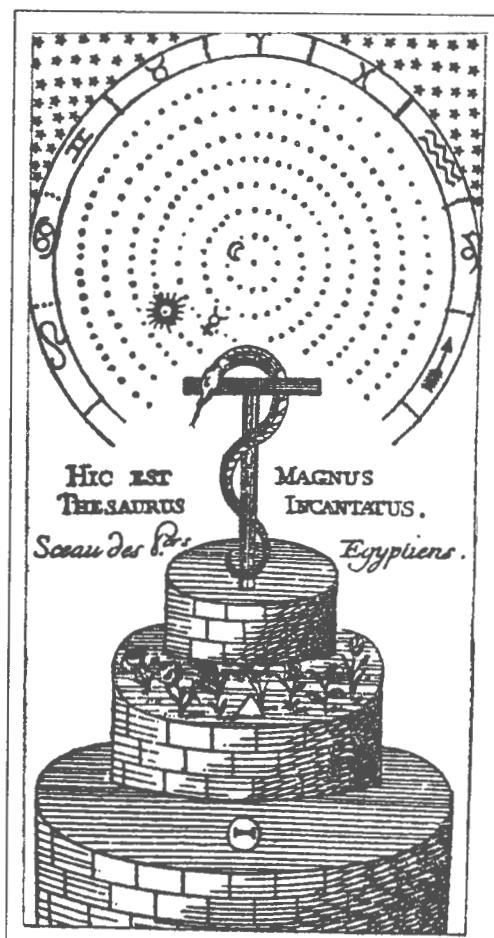
۲۱

انسان

شهامت

غریزه

غریزه شهامت انسان است

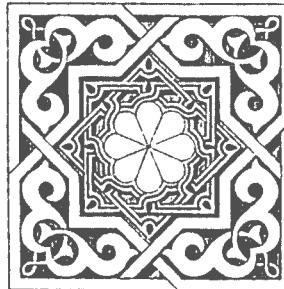


HIC EST
THESAURUS
MAGNUS
INCANTATUS.

Sceau des P.
Egyptiens.

تطابق نجومی کیمیابی ثورا، توسط اتلاء

فصل پانزدهم



..... تقدیم به نویسنده‌ی "رازهای بزرگ"

۱ فیلسوف استاد اوژن نو



ثورای نجومی

برای نشان دادن دقت اصول ساختار ثوراکه تا اینجا بررسی شد ما به عنوان اولین نمونه‌ی کاربردی ثورا پدید آمدن جهان را مطرح می‌کنیم که توسط نجوم تعیین شده است.

می‌دانیم که مصریها سال را به چهار فصل تقسیم کردند که هر یک از فصول از سه ماه تشکیل می‌شد، هر ماه از سه دهه یا ده روز که روی هم سیصد و شصت روز برای سال منظور می‌داشت. برای کامل کردن آن یک دوره‌ی پنج روزه^۱ یا پنجه‌ی دزدیده افزوده می‌شد که پس از سی‌امین درجه‌ی اسد (امداد) قرار می‌گرفت.
حال با توجه به مطالب بالا نکات زیر را در ثورا جست‌وجو کنیم:

1- Eugène Nus: *Grands Mystères*.

-۲ (Epagomène)، در تقویم ایرانی به این پنج روز پنجه‌ی دزدیده یا خمسه‌ی مسترقه یا اندرگاه می‌گویند، و آن، پنج روزی است که ایرانیان، کلدانیان و مصریان قدیم به ۳۶۰ روز سال می‌افزوندند تا طول آن را به ۳۶۵ روز خورشیدی برسانند.

۱- چهار فصل؛

۲- دوازده ماه یا دوازده صورت فلکی؛

۳- سی و شش ده روزه.

ضمناً هر ماه یا هر صورت فلکی، و همچنین هر ده روز، با یک کوکب نشان داده می‌شود.

۱- چهار فصل

چهار خال ثورا (جام، سکه، چوبدست، شمشیر) کاملاً با چهار فصل سال برابر است. و همچنین بیست و یکمین برگ ثورا، که چنانکه گذشت اصول تمام کاربردهای ثورا در آن خلاصه می‌شود، چهار تصویر در گوشه دارد که هم نشانه‌ی چهار عکس ثورا (جام، سکه، چوبدست، شمشیر) است و هم نشانه‌ی چهار فصل.

بخش بیضوی که در وسط برگ بیست و یکم به چشم می‌خورد با صور فلکی و تقسیمات آن برابر است.

و سرانجام بخش مرکزی برگ بیست و یکم با سیاره‌یی برابر است که روی تمام نظام فلکی تأثیر گذاشته است.

۲- دوازده صورت فلکی

هر خال ثورا نمایشگر یک فصل است. هر فصل از سه ماه تشکیل شده، بنابراین، در ثورا هر ماه علامتی دارد. اما چه علامتی؟ ماهها به صورت عکسها نشان داده می‌شوند، عکس مرتبط با هر ماه به ترتیب زیر است:

شاه: اولین ماه یا ماه فعال فصل. ماه آفرینشندۀ حرف "ای"

شاهبانو: دومین ماه یا ماه غیرفعال فصل. ماه حفظ کننده. حرف "ه"

سردار: سومین ماه یا ماه عمل کننده. متعادل کننده فصل. حرف "و"

سریاز: انتقال فصل قبلی به فصل بعدی.^۱

بنابراین، ما دوازده عکس خواهیم داشت (چهار عکس از هر خال)

که با دوازده صورت فلکی برابر خواهد بود:

حمل=فروردین	شاه چوبیدست	چوبیدست:
-------------	-------------	----------

ثور=اردیبهشت	شاهبانوی چوبیدست	شاهبانوی
--------------	------------------	----------

جوزا=خرداد	سردار چوبیدست	سردار
------------	---------------	-------

پنجه‌ی دزدیده	سریاز انتقال	سریاز
---------------	--------------	-------

سرطان=تیر	شاه جام	جام:
-----------	---------	------

اسد=امداد	شاهبانوی جام	شاهبانوی
-----------	--------------	----------

سنبله=شهریور	سردار جام	جام
--------------	-----------	-----

پنجه‌ی دزدیده	سریاز انتقال	سریاز
---------------	--------------	-------

۱- به این ترتیب پنجه‌ی دزدیده یا روز مکمل را پس از هر فصل قرار می‌دهد. پاپوس.

میزان = مهر	شاه شمشیر	شمشیر:
عقرب = آبان	شاهبانوی شمشیر	
قوس = آذر	سردار شمشیر	
پنجه‌ی دزدیده	سرباز انتقال	
جدی = بهمن	شاه سکه	سکه:
دلو = بهمن	شاهبانوی سکه	
حوت = اسفند	سردار سکه	
پنجه‌ی دزدیده	سرباز انتقال	

۳- سی و شش ده روزه

هر فصلی به سه ماه تقسیم می‌شود و هر ماه به سه دهه یا ده روزه تقسیم می‌شود.

برای تعیین آنکه کدامیک از برگهای ثورا این تقسیمات جدید را نشان می‌دهند، کافی است رابطه‌یی را که میان عکسها و شماره‌ها در رموز صغیر وجود دارد، بررسی کنیم. اگر ما یکی از عکسها را به دست بگیریم، مثلاً شاه را، می‌دانیم که این شاه بر برگهای ۱، ۲، و ۳ و اولین مثلث حاکم است.

بنابراین، ما رابطه‌ی زیر را خواهیم داشت:

شاه چوبیدست،	علامت برج فلکی حمل	
دهه‌ی اول،	یا دهه‌ی فعال،	دهه‌ی آفریننده، حرف "ی"؟
دهه‌ی دوم،	دهه‌ی غیرفعال،	دهه‌ی شکل دهنده و
		حفظ‌کننده، حرف "ه"؟

سه دهه‌ی سوم، یا دهه‌ی متعادل کننده، حرف "و"؛
 چهار انتقال سومین دهه از مجموعه‌ی فعلی به اولین دهه از
 مجموعه‌ی بعدی، حرف "ه" دوم
 و در زیر می‌بینیم چگونه سی و شش دهه در ثورا شکل می‌گیرند:

		شاه:	تکحال چوبدست
حمل	دهه‌ی اول	دوی چوبدست	دهه‌ی دوم
	دهه‌ی سوم	سه‌ی چوبدست	
		شاهبانو:	چهار چوبدست
ثور	دهه‌ی اول	پنج چوبدست	دهه‌ی دوم
	دهه‌ی سوم	شش چوبدست	
		سردار:	هفت چوبدست
جوزا	دهه‌ی اول	هشت چوبدست	دهه‌ی دوم
	دهه‌ی سوم	ئه چوبدست	
		سریاز:	ده چوبدست
پنجه‌ی دزدیده	انتقال		
		شاه:	تکحال جام
سرطان	دهه‌ی اول	دوی جام	دهه‌ی دوم
	دهه‌ی سوم	سه‌ی جام	

	دنهی اول	شاهبانو: چهار جام
اسد	دنهی دوم	پنج جام
	دنهی سوم	شش جام
	دنهی اول	سردار: هفت جام
سنبله	دنهی دوم	هشت جام
	دنهی سوم	نُه جام
پنجه‌ی دزدیده	انتقال	سرباز: ده جام
	دنهی اول	شاه: تکخال شمشیر
میزان	دنهی دوم	دوی شمشیر
	دنهی سوم	سه‌ی شمشیر
	دنهی اول	شاهبانو: چهار شمشیر
عقرب	دنهی دوم	پنج شمشیر
	دنهی سوم	شش شمشیر
	دنهی اول	سردار: هفت شمشیر
قوس	دنهی دوم	هشت شمشیر
	دنهی سوم	نُه شمشیر
پنجه‌ی دزدیده	انتقال	سرباز: ده شمشیر

فصل پانزدهم

۳۰۹

		دنهی اول	تکحال سکه	شاه:
جدی		دنهی دوم	دوی سکه	
		دنهی سوم	سهی سکه	
		دنهی اول	چهار سکه	شاہبانو:
دلو		دنهی دوم	پنج سکه	
		دنهی سوم	شش سکه	
		دنهی اول	هفت سکه	سردار:
حوت		دنهی دوم	هشت سکه	
		دنهی سوم	نُه سکه	

سریاز: ده سکه
پنجه‌ی دزدیده
انتقال
هر دهه بر ده درجه از دایره‌ی فلکی مستولی است و با تعداد خاصی
از روزهای ماه برابر است. بنابراین، هر برگ از رموز صغیر با یک
دهه برابر است و یک جزء خاص از سال را نشان می‌دهد. به ترتیب
زیر:

تکحال چوبدست = ۱۱-۱۰ فروردین = ۲۱-۳۰ مارس
دو چوبدست = ۱۱-۲۰ فروردین = ۳۱ مارس تا ۹ آوریل
سهی چوبدست = ۲۱-۳۰ فروردین = ۱۹-۱۰ آوریل
برای تعیین دهه‌ی هر برگ می‌توانید به نقشه‌ی ثورای نجومی
مراجعه کنید.
ثورای نجومی بر این مبنای تنظیم شده و به کمک این جدول می‌توان

یک زایجه با رموز صغیر ثورا تنظیم کرد. در زیر جدولی از تطابق رموز کبیر، با علامات منطقه البروج آمده است. لازم به یادآوری است که این جدول از روی معیار باستانی سنت ایو دالودر برداشته شده و کلید تطابق رموز کبیر را به دست می‌دهد. تمام توضیحات مفید در این باب را در کتاب معیار باستانی اثر سنت ایو دالودر پیدا خواهیم کرد. فقط در اینجا اضافه می‌کنیم که ابزار علوم لدنی مشتمل است بر: ۱- سه رمز کبیر ۱، ۱۳ و ۲۱ (سه عنصر اصلی)، مطابق با "الف" و "م" و "ش"، ۲- هفت رمز ۲، ۴، ۳، ۲۰، ۱۷، ۱۱، و ۲۲ سیارات. ۳- دوازده رمز ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ سیارات.

صور فلکی.

رموز کبیر	عناصر و سیارات	رموز کبیر	عناصر و سیارات
۱- من	باد	۱۲- بدارآویخته	میزان
۲- پاپ بانو	فمر	۱۳- مرگ	آب
۲- شاهبانو (امپراطربس)	زهره	۱۴- اعتدال	عتربر
۴- شاه (امپراطور)	مشتری	۱۵- شیطان	قوس
۵- پاپ	حمل	۱۶- برج	جدی
۶- عاشق	ثور	۱۷- ستاره	مریخ
۷- ارابه	جوزا	۱۸- ماه	دلدر
۸- عدالت	سرطان	۱۹- خورشید	حوت
۹- درویش	اسد	۲۰- قیامت	زحل
۱۰- چرخ سرنوشت	سنبله	۲۱- شیدا	آتش
۱۱- نیرو	بهرام	۲۲- دنبیا	شمس



رابطه‌ی دوازده صورت فلکی و اندامهای بدن (نجوم قدیم)

سر: حمل / گردن: ثور / بازو: جوزا / دو
کتف: سرطان / قلب: اسد / شکم: سنبه /
دست: میزان / آلت تناسلی: عقرب /
ران: قوس / زانو: جدی / ساقها: دلو /
کف پا: حوت.

به طور خلاصه، رموز صغیر به تمام و
کمال در ثورای نجومی نموده می‌شوند
و دقیقاً زمینه‌یی را نشان می‌دهد که در آن
سیارات حرکت می‌کنند. اینک مانده
است تا این سیارات را مورد بررسی قرار
دهیم.

سیارات

در کاربرد نجومی ثورا، رموز کبیر به وسیله‌ی هفت تایی سیاره‌ها که
روی سه جهان عمل می‌کنند نشان داده شده است ($3 \times 7 = 21$).
هر صورت فلکی و هر دهه تحت استیلای یک سیاره است.

به کمک این جدول می‌توان تمام کارهای کریستیان^۱ و الی استار^۲ را در مورد نجوم دریافت. به علاوه این جدول رابطه‌ی نجومی تمام برگهای ثورا را نشان می‌دهد که عبارت اند از:

چهار تصویری که در چهار گوشه‌ی بیست و یکمین برگ ثورا قرار دارد (فرشته، گاو، عقاب، شیر)؛ و همچنین چهار خال (جام، شمشیر، سکه، چوبیدست) نشانه‌ی چهار فصل سال است.

مرکز بیست و یکمین برگ ثورا به هفت سیاره‌ی منظمه‌ی سال جواب می‌دهد. و سرانجام میان این دو بخش (بخش مرکزی و چهار تصویر دورش) از برگ بیست و یکم "بیضی زیج"^۳ قرار دارد. این بیضی کلید تأثیر رموز کبیر بر رموز صغیر (برجهای فلکی و دهه‌ها) است. به این ترتیب، این جدول نه تنها نشان می‌دهد که روش تفسیری ما در ثورا صحیح است، بلکه به همان نسبت کلید راهگشایی برای خود ثورا است (شکل صفحه‌ی ۲۷۵ را ببینید).

برای نشان دادن تطابق استنتاجهای ما از ثورا و اطلاعات کولی‌ها در این باب مقاله‌یی از رومی‌ها، تاریخ کولی‌ها، نوشتہ‌ی ژ. آ. وايان.^۴

معرفی می‌شود:

1- Christian: *Histoire de la Magie*. Paris, in-8, 1854.

2- Ely Star: *Les Mystères de L'Horoscope*, 2ème edit, Hecteur et Henri Durville, Editeur.

3- Ellipse Zodiacale

4- J. A. Vaillant: *Les Romes, Histoire des Bohémiens*.

اطلاعات کولی‌ها در باب ثورای نجومی

نوشته‌ی ز. آ. وايان

برگ بیست و یکم موسوم به دنیا^۱ یا زمان است. در این برگ یک تاج
گل به شکل بیضی دیده می‌شود که به چهار قسمت تقسیم شده، با
چهار گل لاله؛ این بیضی استوار شده است بر چهار سر نمادین که
یوحنای قدیس از حزقيال^۲ نبی به استعارت گرفته، حزقيال آنها را
از کروبیم^۳ و سرافیم^۴ آشوری و مصری گرفته بود. این چهار سر
عبارت اند از:

1- Le Monde

-۲ (Ezechiel) حرقیل یا حزقيال به معنی قوت الله پسر بوزی کاهن در
يهودیه. کتاب نبوت او شامل رویاهای مختلفه و رموز متعدده است. از رموز او
شیری است با بالهای عقاب و گاوی با سر انسان. در مکاشفات یوحنای اشارات و
مطلوبی مشابه مطالب حزقيال هست.

-۳ (Cherubian) کروبیم یا کروبیان گروهی از فرشتگان هستند که از حضور
خداآوند فرستاده می‌شوند. دارای دو بال هستند و تمثیلی از طلا دارند. کروبیان
در عرش کبریایی بودند که به حزقيال نبی ظاهر گردیدند.

-۴ (Seraphim) به معنی درخشندگان، ارواحی که همواره ملازم عرش
پروردگار هستند. بر حزقيال و اشعیای نبی نمودار گردیدند. هر یک از ایشان را
شش بال بود و با دو بال روی خود را می‌پوشاندند، زیرا که سزاوار لقاء الله نبودند
و با دو دیگر پاهای خود را، و فقط با دو بال پرواز می‌کردند تا اراده‌ی پروردگار را
به جای آورند.

سر عقاب: نماد شرق، صبح، اعتدال ریبیعی، بهار؛
 سر شیر: نماد ظهر، انقلاب صیفی، تابستان؛
 سر گاو: اعتدال خریفی، پاییز؛
 سر انسان: نماد شب، شمال، انقلاب شتوی، زمستان.

در وسط این تاج که نماد هسته‌ی جهان است، زنی عریان قرار گرفته:
 نماد حوا؛ زن پایی در هوا دارد، نماد زمان که به سرعت پیش
 می‌رود، و در دست دو چوب‌دست یکسان گرفته است. نماد میزان و
 تعادل زمان، نماد عدالت و انصاف انسانها، تساوی روز و شب،
 تساوی مرد و زن.

حوا جده‌ی بشریت است و بر ستارگان، خدا-انسانهای آسمان را
 فرومی‌پاشد، و بر انسانها، ستاره-خدایان زمین را فرومی‌بارد،
 شراب و مائدۀی بهشتی جاودانگی، نور و ظلمت ابدیت، که تاجی
 دورادر آن کشیده شده، دریا است یا اقیانوس، حصار است یا
 صحن گل، طاق است یا نهر آب.

این نماد جدید نیست، تفسیری است از تمام عهد باستان، از
 طبیعت جهان از ترکیب چرخ گردون، از چرخ فلک که عبریان از
 روی آن صندوق الواح شرایع خود را ساخته‌اند.

ثورا استنتاجی است از کتاب نجومی خنوخ^۱، موسوم به خنوخیه یا

۱ - (Henoch) پسر شیث پیغمبر. کتاب خنوخ موسوم به خنوخیه (Henochia). دو نسخه از آن به دست آمده؛ اولی در جبله، که مکاشفات است

انوشیا. این کتاب بر مبنای گردش کواکب در آتور^۱ است که همان عشتاروت^۲ خوانده می‌شود، و مشابه است با اُت تارا^۳ هندی، دب اکبر یا بنات النعش کبری از صور فلکی شمالی است. ثورا آن نیروی عظیم است که استواری جهان و چرخ گردون زمین بر آن متکی است؛ بنابراین، چون خرس قطبی است ما آن را گردونه خورشید می‌دانیم، و اربه‌ی داود و آرتور؛ ثورا ساعت یونانی

— کتاب در قرن اول یا دوم پیش از میلاد نوشته شده، و برای اغلب محرران "عهد جدید" آشنا بوده است و بر آنان تأثیر داشته است. این کتاب که به پنج قسمت تقسیم می‌شده، در سال ۸۰۰ میلادی تا پذید شده و در ۱۷۷۳ روایت حبسی آن در حبسه به دست آمده است. محققان متفق القول اند که خنوخیه به یکی از زبان‌های سامی نوشته شده، اما در اینکه عبری یا آرامی بوده اختلاف نظر دارند. کتاب دوم موسوم به خنوخیه اسلامی در روسیه پیدا شده و شامل فصلهای زیر است:

مقدمه: زندگی خنوخ، رؤیای او که به او گفته شد به آسمان خواهد رفت؛ آسمان اول: فرمانروایان ستاره‌ها، دریای بزرگ، خزینه‌ی بوف؛ آسمان دوم: فرشته‌ی هابط؛ آسمان سوم: بهشت و محل تنبیه؛ آسمان چهارم: مسیر خورشید و ماه، سمندر؛ آسمان پنجم: عزاداران بیدار برای برادران هابط؛ آسمان ششم: هفت دسته فرشتگان نظام مسیر کواکب، دیگر فرشتگان نظام سال و تعیین کننده‌ی میوه‌های زمین و ارواح انسانها؛ آسمان هفتم: خداوند بر عرش جلوس کرده با ده تن از فرشتگان به سرکردگی میکاییل لباسی بر خنوخ می‌پوشند و به او رازهای طبیعت و انسان، تاریخ آفرینش زمین و هفت سیاره، دور آسمانها و زمین، داستان فرشتگان هابط، و بقای هفت هزار ساله‌ی زمین و هزاره‌یی که مانده را می‌گویند.

بعض عمدۀ این کتاب به یونانی نوشته شده، برخی از فصول در اصل عبری بوده، در شکل فعلی اش در مصر، احتمالاً در ۳۰ قبل از میلاد تا ۷۰ بعد از میلاد نوشته شده است.

1- Athor

2- As-taroth

3- Ot-Tara

(*Tiko*) است، تقدیر چینی (*Tuchè*) است، تصادف مصری (*Tika*) است، سرنوشت رومی (*Tiki*) است. و چون ستاره‌ها بی‌وقفه به دور خرس قطبی می‌چرخند بر روی زمین سعد و نحس به وجود می‌آید؛ نور و ظلمت، گرما و سرما و از آنجانیکی و بدی، عشق و نفرت ایجاد می‌شود که خوشبختی (*Ev-Tuchiè*) و بدبختی (*Dis-Tuchiè*) آدمیان را باعث است.

در واقع سفورا، یکی از هماهنگیهای تثلیثی است که وحدت آن بر کره‌ی جهان موجب به وجود آمدن سافر (=نور)، سیفر (=عدد) و سفورا (=سخن) در زبان عبری شده است، و زایجه‌هایش کتابی است دربرگیرنده‌ی سفورا (سپهر) و ستاره‌هایش اعداد و حروفی هستند که آن را نام می‌دهند و کولی‌ها آن را تارو می‌خوانند، فنیقی‌ها استاروت، مصریها آتور و سرانجام عربیان ثورا.

در باب ثورا

نوشته‌ی آنوان کور دوژبلن

۱

حیرتی که پیدا شدن یک کتاب مصری برانگیخت
اگر می‌شنیدیم که در روزگار ما هنوز کتابی از مصریان قدیم وجود
دارد، یکی از کتابهایی که از آتش، آتشی که تمام کتابخانه‌ی عظیم
آنان را طعمه‌ی خویش ساخت، مصون مانده، بخصوص که این
کتاب شامل کاملترین و خالصترین نظریات آنان در مورد موجودات
و مسایل بوده است، بدون شک هر کسی راغب می‌شد چنین کتاب
ارزشمند و فوق العاده‌ی را بشناسد. اگر اضافه کنیم که این کتاب در

بخش عظیمی از اروپا رواج دارد و از قرنها پیش در دست تمام افراد بشر بوده است، مطمئناً این تعجب به اوج می‌رسد. و این تعجب در اوج خواهد ماند وقتی به اطمینان بگوییم که هرگز ظن نبرده‌ایم که مصری است و در واقع آن را در اختیار داشته‌ایم، به نحوی که انگار هرگز در اختیار ما نبوده است، زیرا هرگز به جست‌وجو برنیامده‌ایم تا مفهوم یک برگ آن را کشف کنیم. یعنی به منتجه‌ی یک خرد حکیمانه و والا چنان نگاه شده که گویی در مقابل ابوهی از اشکال نامعقول قرار گرفته باشیم که به خودی خود هیچ مفهومی ندارند. گمان مبرید که شوخی می‌کنیم یا می‌خواهیم با زودبادری خوانندگان خود بازی کنیم.

اما اشکال، طرز چیدن و عملکرد ثورا و تصاویری که عرضه می‌کند چنان تمثیلی هستند و تمثیلهایش چنان مطابق با نظریه‌ی عرفی، فلسفی و مذهبی مصریان قدیم، که نمی‌توان آن را یکی از کتابهای این ملت حکیم و خردمند ندانست: زیرا فقط آنها می‌توانستند محترع آن باشند و به همان ترتیب که شطرنج را هندوان اختراع کرده‌اند.

دسته‌بندی برگهای ثورا

تمثیلهایی که برگهای مختلف ثورا عرضه می‌کنند عبارت اند از:
 رموز شماره‌دار که از روی آنها ثورا درست شده است
 چگونه این برگها تا دوره‌ی ما رسیده‌اند؟
 ارتباط آنها با یک یادگار چیزی
 چگونه برگهای اسپانیایی از روی آنها ساخته شدند؟
 و ارتباط آنها با برگهای فرانسوی

این مقاله از روی رساله‌یی است که در آن تحقیق شده چگونه ثورا برای تفأل به کار می‌رفته. این رساله نوشه‌یی یک سرهنگ تمام، حاکم ولایات فرانسه است که در مقاله‌ی خود با دانشی نبوغ‌آمیز اصول مصری هنر تفأل به وسیله‌ی برگهای ثورا را پیدا کرده است. او این اصول را از روی اولین ثورا که مصری بود و به اشتباه ثورای کولی نامیده شد و در اروپا رواج یافت، تشخیص داد و متوجه شد که هنوز چند رد پا از آن در برگهایی که امروزه برای تفأل به کار می‌روند وجود دارد. اما خیلی کم از اصل وام گرفته، یکنواخت‌تر است و آشکال کمتری دارد.

ثورای مصری، برعکس، از این نظر قابل تحسین است که به ترتیبی تمامی جهان و مراحل مختلفی را که زندگی انسان به آن حساس است در برگهای خود محصور کرده است. اینچنان بوده‌اند این مردم خاص و ژرف‌اندیش، که در کمترین اثر خود مهر جاودانگی

را می‌زدند. به نظر می‌رسد که دیگران با زحمت خود را روی ردپای آنان می‌کشند.

۳

تمثیلی که برگهای ثورا عرضه می‌کنند

ثورا همواره بی‌سروصدای وجود داشته، و فقط عده‌ی معدودی آن را می‌شناختند، اما از اصل و مبدأ آن بی‌خبر بودند. اینک ثورا در برابر چشمان ما گسترش می‌یابد و این گسترش نه به دست عرفا و از طریق مراقبه‌های عمیق صورت گرفته، و نه محققانی چند برای رفع توهمند آن را گسترش داده‌اند، بلکه می‌باید گفت تا چند لحظه قبل از این مقاله کسی از وجود آن خبر نداشت. چند سال پیش به منزل یکی از دوستانم خانم س. هاش، که تازه از آلمان یا سویس برگشته بود، دعوت شدم. موقع ورود دیدم با یک دسته برگهای تصویردار مشغول به تفأله است. به من گفت: "مطمئناً این برگها را نمی‌شناسید، احتمالاً همان ثورا است." من برای اولین بار فرصت یافتم آنها را نگاه کنم؛ یک مجموعه‌ی رنگین از اشکال عجیب و غریب بود. مثلاً برگی را انتخاب می‌کردی، پراز تصویر و یک اسم، که این اسم ربطی به تصاویر آن برگ نداشت و دقیقی خاص می‌خواست کشف نمادهای این تصاویر. به دقت یک‌ایک آنها را

بررسی کردم و یقین کردم که ریشه‌ی این اشکال مصری است. در این برگها اثری از تخيیل اروپایی وجود نداشت، بلکه نشانه‌هایی از نظرات و عقاید مصری به وضوح در آن دیده می‌شد. بر این اعتقاد شدم اصل ثورا مصری است و کتابی است که از توحش و غارت، از ویرانیها و فجایع اتفاقی و عمدی و بیش از همه از جهل نکبت‌بار و موحش نجات یافته است.

قطع کوچک این کتاب و کم وزنی آن موجب شده بود که بر تمامی مشکلات این سالها فایق شود و به صورت امانتی کمیاب، تا زمان حاضر برسد. و باید اعتراف کرد که عدم اطلاع ما از اصل آن تا به امروز نیز به صورت کمربند نجاتی بوده است و باعث شده پس از قرنها سالم در دست ما بماند، بدون آنکه کسی به فکر نابود کردن آن بیافتد.

اینک وقت آن رسیده است که تمثیلهای آن را که تا کنون مقدر بود پنهان بماند، باز پیدا کنیم و نشان بدھیم که نزد مردم دانا همه چیز حتی سرگرمیها دارای مفهومی خاص هستند و اینکه دانایان می‌دانند چگونه مسایل غامض فلسفی و علمی را در جامه‌ی تمثیل به صورت همه‌فهم درآورند و آن را به صورت سرگرمی ارایه دهند.

گسترده‌گی ثورا

معهذا، حقیقت دارد که این کتاب مصری تنها کتابی است که از آن کتابخانه‌ی عظیم باقی مانده و به دست ما رسیده است. این کتاب به حدی معمولی انگاشته شده است که هیچ دانشمندی آن را لایق ندیده تا بدان پردازد؛ هیچکس قبل از ما هرگز در باب مبدأ والای آن ظنی نبرده است. این کتاب از هفتادوهشت برگ یا تصویر، یا دقیقتر بگوییم، از هفتادوهشت برگ تشکیل شده که به پنج قسم تقسیم شده که هر یک مفاهیم گوناگون و جالب و در عین حال آموزنده‌یی به دست می‌دهد: این کتاب موسوم به ثورا است، یک وسیله‌ی تفأل ناشناخته در پاریس، اما بسیار معروف در ایتالیا، آلمان، حتی در پرووانس، و عجیب اینجا است که هر یک از تصاویر این برگها در نقاط مختلف به نحوی متفاوت عرضه شده است.

هر چند ثورا بسیار رواج داشته، لکن ارزش تصاویر عجیبی که نشان می‌دهد مشخص نشده است. و همینجا است مبدأ قدیمی آن که در ظلمت زمان گم شده و ما نمی‌دانیم از کجا و کی اختراع شده است و نه می‌دانیم انگیزه‌ی به وجود آمدن اینهمه تصاویر خارق العاده چه بوده است، و حقایق کمی به دست آمده تا این راه را هموار کند، به ترتیبی که در تمام مجموعه‌ی خود مگر معماهی به دست نداده

است و هرگز کسی به حل آن اقدام نکرده است.

ثورا آنقدر لایق توجه تشخیص داده نشد، که در معرض نظر آن دسته از دانشمندانی که به مبدأ و اصل سرگرمیها می‌پردازند قرار گیرد. آنان فقط در مورد سرگرمیهای فرانسوی مورد استفاده در پاریس که اصل آن چندان قدیمی نیست تحقیق کرده‌اند و پس از آنکه به تصور خود این اختراع جدید‌الولاده این سرگرمیها را تشخیص داده‌اند، آنها را کنار گذاشته‌اند. این امر یعنی وضعیت دانشی را در امروز عجولانه با اختراع اولیه‌ی آن مخلوط کنیم؛ این همان‌کاری است که در مورد قطب‌نما هم انجام شده است: یونانیان و رومیان هم همین چیزها را با هم خلط کرده‌اند و باعث شده‌اند که ما از بخش کثیری از اصول و ابتدای اختراعات و اکتشافات دور بمانیم.

۵

حال‌ها (رنگها)

ثورا غیر از عکس از چهار حال (رنگ) تشکیل شده که با نماد خود مشخص شده‌اند: شمشیر، جام، چوبیدست و سکه.

۱- تکحال شمشیر، تاجی بر سر آن نشانده شده، و دورادور آن را نخل فراگرفته است.

- ۲- تکخال جام، شبیه به یک قصر است، بدانگونه که در روزگاران قدیم کاسه‌های بزرگ نقره‌بی می‌ساختند.
- ۳- تکخال چوبدست، یک چماق واقعی است.
- ۴- تکخال سکه، زینت شده با گل و برگ.

هر یک از این خالها از چهارده برگ تشکیل شده، یعنی از ده برگ شماره‌دار از یک تا ده، و چهار برگ عکسدار که آنها را شاه، شاهبانو، سردار و سرباز می‌خوانیم.

این چهار خال به چهار طبقه‌ی جامعه‌ی عصر باستان شبیه است:

شمیشیر نشانه‌ی شهنشاهی و نجای نظامی
جام نشانه‌ی روحانیان و کاهنان
چوبدست نشانه‌ی گرز هرکول و کشاورزی
سکه نشانه‌ی تجارت

ثورا بر مبنای عدد ۷ بنا شده است. هر خال شامل دو هفت تایی برابر با چهارده است و کل برگها ۷۷ عدد است، به علاوه‌ی شیدا عدد صفر. و ۷۷ نیز قابل تقسیم به ۷ است. رموز کبیر ۲۲ برگ است که جز شیداکه صفر است ۲۱ برگ می‌ماند که آنهم بر ۷ قابل تقسیم است. صفر شماره‌ی شیدا است و نمی‌توان نقشی را که این عدد نزد مصریان قدیم داشته است فراموش کرد. این عدد در مصر، حکم رمزی را داشته که عوامل تمام علوم را به آن نسبت می‌داده‌اند. نحوستی که در ثورا به شماره‌ی سیزده نسبت داده شده هم دقیقاً از همان اصل و مبدأ است. بنابراین، ثورا به طور یقین به وسیله‌ی مصریان اختراع شده، زیرا به عنوان پایه، شماره‌ی ۷ را در نظر

گرفته است. از طرفی چهار خال آن با تقسیم اهالی مصر به چهار طبقه متناسب است. همچنین تصاویر رموز کبیر از جمله هیروفانتها^۱، مرد و زن، ایزیس، تیفون، اوزیریس، برج، دنیا، سگهایی که در مناطق حاره زندگی می‌کردند و دیگر تمثیلهای ثورا همه مصری بودن آن را گواهی می‌دهد.

ثورا به دست فردی نابغه، قبل یا بعد از شطرنج اختراع شده و پس از گذر از قرنها به دست ما رسیده است. ثورا از ویرانی مصر و نابودی حکمتش جان به در برده و در زمانی به دست ما رسیده که هیچ شناختی نسبت به حکمت و خرد مصر که ثورا حاوی آن است، نداریم.

هر چند که خود مصر هم از اختراع خود دیگر خبری ندارد و آنچنان دستخوش مسایل خود شده که از تمام هنرهای باستانی خود به دور مانده و نمی‌تواند حتی یک صفحه از ثورا را بازسازی کند. این ماجرا برای کشورهایی با سابقه‌ی درخشان فرهنگی و هنری چیزی نوظهور نیست. آنان هر آنچه داشته‌اند از دست می‌دهند و نمی‌توانند امتیازهای باارزش خود را احیا و یا حفظ کنند.

۱ - (Hierophantes) کاهنان اعظم معبد الوسیس (Eleusis) در یونان باستان، که در آن مراسم مذهبی باطنی و مخفی برگزار می‌شد.

نام شرقی ثورا

اگر هیچیک از دلایل بالا مورد قبول واقع نشد، نام ثورا (تارو) شرقی بودن آن را اثبات می‌کند.

نام تارو کاملاً مصری است و از دو پاره‌ی "تار" به معنی جاده و راه، و "رو"/"رس"/"رُگ" به معنی زندگی شاهانه ساخته شده است و مفهوم آن "راه شاهانه‌ی زندگی" یا "شهرهای زندگی" است.

در واقع ثورا به سراسر زندگی افراد بستگی دارد، زیرا زندگی از مراحل مختلفی تشکیل شده و ثورا این مراحل را از تولد تا مرگ دنبال می‌کند و به آنها تمام فضایل را می‌آموزد، و راهنمایان جسمانی و روحانی را که در مسیر زندگی باید به آنان پیوست نشان می‌دهد. مثلاً، شاه، شاهبانو، اقطاب روحانی (پاپ و پاپبانو)، خورشید، ماه، و غیره. در عین حال به وسیله‌ی مُخ و چرخ سرنوشت به آنان می‌آموزد که هیچ چیز در این دنیا مستزلزلتر از مراحل مختلف زندگی انسان نیست، و تنها پناهگاه آدمی در نیکی و فضیلت است و او هرگز از فضیلت بی نیاز نمی‌شود.

کتاب ثوت (طوط)

میل به یادگیری در قلب انسان آنقدر شدید می‌شود که روح او به دنبال دست یافتن به دانش‌های تازه است، نیاز به حفظ آن و میل به منتقل کردن آن حروف را به یاد می‌آورد. و از حروف به یاد ثوث^۱ یا مرکور^۲ می‌افتیم که به عنوان مخترع خط و نوشتار معروف‌اند. حروف اختراعی آنان ابدآ شبیه به علامتهای امروز نیست که فقط

(1) شکل یونانی از اسم مصری خدایی به نام جھوئتی (Djhowtey) است که مرکز او در شهر خامون در مصر علیاً واقع شده بود. احتمالاً در آغاز خدای ماه بود، عنوان "محاسب زمان" را داشت. نام او بر ماه اول سال مصری گذاشته شده بود. بعد خدای محاسبه و آموزش شد. او را مخترع خط، بنیانگذار نظام اجتماعی، خالق زبانها، مفسر متون الهی و نماینده خدای آفتار برع (Re) بر روی زمین می‌دانستند. او در مورد اسطوره‌ی اوزیریس نقش مهمی بر عهده داشت، زیرا همسر او ایزیس را در هنگام وضع حمل حمایت می‌کند و پسر آنان هورووس را که به دست دشمن زخمی شده بود، درمان می‌کند. ثوت در روز قیامت قلب مردگان را توزین می‌کرد و نتیجه را به خدای سرپرست و قاضیان گزارش می‌داد.

حیوانات ثوت به دلایلی نامعلوم عقاب و میمون هستند. بدنی‌ای مومیایی این دو حیوان در قبرستان نزدیک خامون و تبس پیدا شده. خود ثوت گاهی به صورت عقاب و میمون، اما اغلب به صورت انسان با سر عقاب و میمون ازایه شده است. یونانی‌ها ثوت را با هرمس همدات می‌دانستند و نوشتن کتابهای علوم خفیه را بدو نسبت می‌دادند. در نوشته‌های ایرانی-اسلامی اغلب از او با نام هرمس مثلث‌النعمه یاد شده است.

(2) خدای رومی تجارت، پیک خدایان، پسر ژوپیتر، و همدات با هرمس خدای یونانی. اغلب او را آراسته به کلاهی و چوبیدستی در دست و کفشهای بالدار بر پا توصیف می‌کردند. مکتب او در روم تا قرن پنجم ادامه یافته است. او تحت تأثیر هرمس، خدای مسافران و حامی آنها و سرانجام خداوند هنر و صنعت دانسته شد. مکتب او بر مبنای برادری بود.

صدای حروف را نشان می‌دهد، بلکه تعداد زیادی تصاویر است که نقشی را ارایه می‌داده و به وسیله‌ی این نقوش مفاهیم القا می‌شده است. طبیعی است که مختصر این نقوش اولین تاریخدان جهان بوده است؛ در واقع ثوث (طوط) را همان کسی می‌دانستند که خدایان را نقاشی می‌کرده است، یعنی افعال قادر مطلق یا آفرینش را با مفهوم عرفانی‌اش به رشته‌ی تحریر درمی‌آورده است.

ظاهراً کتاب ثوث موسوم به آستاروش^۱ بوده، که "آس" به معنی نظریه‌ی علمی و "روش" به معنی مشتری بوده است، که حرف تعریف "تا" این دو کلمه را به هم متصل می‌کند. از طرفی "روش" به معنی شروع هم هست و کلمه‌ی "تاروش" به معنی علم "تکوین عالم" و "هرم خدایان" در عهد باستان می‌شود. بنابراین، تاروش کتابی است که به نظر می‌رسد با چند تغییر کوچک در برگهایی که هنوز این نام را حفظ کرده‌اند، و تا امروز باقی مانده است، هر چند که به دست یک عده فالگیر سودجو افتاده و جنبه‌ی خرافی و غیرعلمی پیدا کرده است، و نمادهای رمزآمیز آن که در عهد باستان به دست مغان بوده و از تعدی زمان مصون مانده امروزه برای گول زدن یک عده زودباور به کار می‌رود.

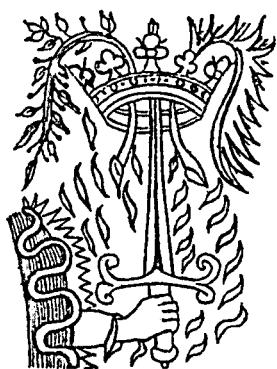
این کتاب را اعراب به اسپانیایی‌ها منتقل کردند و سربازان شارل

پنجم آن را به آلمان برند. رموز کبیر آن از سه دسته، به نشانه‌ی سه عنصر اولیه (طلا، نقره، مفرغ) که هر دسته حاوی هفت برگ است تشکیل شده است.

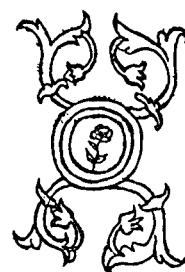
می‌دانیم که نوشه‌های مصری از چپ به راست خوانده می‌شده، بیست و یکمین برگ شماره‌یی نگرفته مگر با اعداد جدید ولی در هر حال باید خوانده شود. اما چون ثورا تنها کتاب بازمانده از مصر باستان است و روش شناخته شده‌یی برای شماره‌گذاری آن در دست نیست آن را برگ بیست و یکم خوانده‌اند. و سرانجام برگ بیست و دومی هست که حتی پس از انتقال به اروپا شماره‌یی نگرفته، برگی است بدون شماره و بی‌قدرت، اما ارزش برگی را که قبل از آن می‌آید بالا می‌برد. این برگ شماره‌ی صفر است و همان نیروی صفر را در علوم خفیه دارد: آن را شیدا نامیده‌اند.

تک خالها در شورای کسر دو زبان

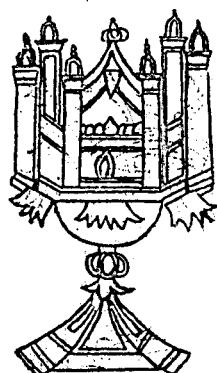
شمشیر



سکه



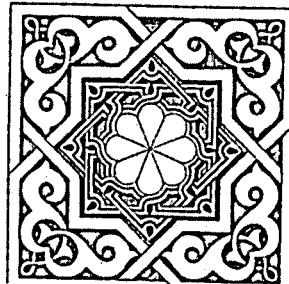
جام



چوبدست



فصل شانزدهم



۱ محترماً تقدیم به مادام پل اولدندورف



تفاُل با ثورا در هفت درس

مقدمه

اولین بخش این کتاب که در معرفی ثورا و سابقه‌ی تاریخی آن بود، مملو از شماره، حروف عبری و استنتاجهای مجردی بود که ممکن است چندان مورد علاقه‌ی افرادی که فقط به سادگی می‌خواهند با ثورا تفاُل بزنند نباشد. از این رو فصل زیر تنظیم شده است و آرزو دارم با استفاده از آن و تفاُل با ثورا تردید در روحهای سختگیر به یقین مبدل شود؛ زیرا در همین جا می‌توانم به صراحت اعتراف کنم که عقیده‌ی تمام مؤلفان و محققان قدیم صحیح است که اظهار می‌داشتند مصریان ثورا را برای پیش‌بینی آینده به کار می‌بردند و یهودیان نیز از ثورا استفاده می‌کردند تا در باب آینده استخاره کنند. مصریان آینده را به وسیله‌ی ثورا پیش‌بینی می‌کردند و این امر غیر

قابل انکار است، اما تفأل با ثورا همراه بود با استفاده‌ی کامل از کاربردهای نجومی آن. آنان هیچ چیز را به تصادف متسب نمی‌کردند. همچنین می‌دانستند که اغلب وقایع مهمی که روی زمین اتفاق می‌افتد تعیین شده است و به وسیله‌ی جریانی مغناطیسی آفریده می‌شود که در ارتباط با وضعیت قرارگیری ستاره‌ها است در لحظه‌یی که وقایع اتفاق می‌افتد. این دانشمندان ابتدا میان وضعیت قرارگیری ستاره‌ها در آسمان و اتفاقات روی زمین رابطه‌یی برقرار می‌کردند. می‌دانیم که ستارگان حرکات دورانی مشخصی را در دوره‌یی مشخص تکرار می‌کنند، یعنی در انتهای تعداد سالهای ریاضی معین و قابل محاسبه‌یی در همان وضعیت قبلی قرار می‌گیرند. مصریان باور داشتند که در تکرار یک وضعیت همان اتفاقات در فاصله‌یی معین به وقوع خواهد پیوست. بنابراین، کافی بود که حرکات ستارگان را بشناسند تا بتوانند پیشگویی اتفاقات آینده را بنمایند. به همین دلیل علم نجوم منحصرآ مقدمه‌یی بر طالع بینی بود.

از آنجایی که ثورا روی جدولی حرکت ستارگان آسمان را ترسیم می‌کرد، پس می‌توان دید قدیمی‌ها چگونه برای تفأل با ثورا از این جدول استفاده می‌کرده‌اند. آنان زایجه‌ی سال بعدی را از روی وضعیت قرارگیری ستارگان می‌کشیدند و بدین ترتیب می‌توانستند با اطمینان دو سوم از اتفاقات را پیشگویی کنند. فابر ڈلیو در کتاب خود نشان می‌دهد چگونه یک سوم وقایع مقدار هستند، یک سوم بستگی به اختیار شخص دارد، و سرانجام یک سوم آخر منوط به مشیت الهی است. زیرا جبر مقدر، و اختیار بشری، تقریباً همیشه به

طور ناخودآگاه به هم می‌پیوندند. ما می‌بینیم که زایجهٔ طالع‌بینی می‌تواند $\frac{2}{3}$ وقایع را پیش‌بینی کند.

با گذشت زمان اطلاعات دقیق در این باب از میان رفت و پس از آن تفأل در باب زندگی به تصادف و بدون روشنی علمی انجام می‌شد. به این ترتیب پیشگویی از روی مفهوم اسمامی خاص، به کمک اعداد، حروف، اسم یا اسم خانوادگی هر شخص، در عمل و اغلب اوقات نتیجهٔ غلط یا ختی به دست می‌داد. با این وجود نمی‌توان تمام نظام نجومی مسیحیان را به عنوان یک خیال‌بافی دروغ‌آمیز و گول‌زننده به حساب آورد. هر چند که پیشگویی بستگی تام دارد به الهام پیام‌آور، و این امر به ما نشان می‌دهد چرا افراد مختلف در پیشگویی برداشتهای مختلف دارند. وقتی شیوهٔ علمی خاص در پیشگویی از بین رفت الهام بیشترین نقش را بر عهده گرفت، به همین دلیل است که افرادی با الهام قویتر برای تفأل مستعدتر هستند.

صحبت در باب این مسایل ما را بسیار دور می‌برد و از موضوع خارج می‌شویم، و به هر حال نمی‌توان نجوم ثورا را در چند صفحه خلاصه کرد، بلکه یک جلد کتاب مستقل در باب نجوم ثورا باید نوشت. تا حال وقت کافی برای پرداختن به این موضوع دست نداده است، شاید روزی به آن پردازیم.

به هر حال می‌بینیم که در پیشگویی با ثورا بدانگونه که به طور معمول اتفاق می‌افتد تصادف و اتفاق راهبر نیست. بنابراین، برای آنکه خوانندگان ما به بهترین وجه ثورا را به مرحله‌ی عمل درآورند قواعد این هنر را به یک مجموعه درس تقسیم کرده‌ایم و این دروس را تا حد ممکن به سادگی توضیح داده‌ایم.

در این دروس طرز تفأّل با ثورا و طریقه‌ی تفسیر آن به نحوی بیان شده است که خواننده لازم نیست تمام تحقیقات علمی و خاص را که تا اینجا ذکر شان رفت در باب ثورا بداند. بنابراین، شیوه‌ی اصلی و فن استادان در تفأّل با ثورا را به نحوی توضیح می‌دهیم که علاقه‌مندان بتوانند وقایع آینده را پیشگویی کنند. معهذا، تذکر می‌دهیم که علم در تفأّل نفوذ‌کمتری دارد، و تخیل و الهام دو شرط اصلی این فن دل‌انگیز است.

درس اول: ساده کردن قواعد چیدن برگ‌های ثورا

مشکل بزرگی که اغلب مبتدیان در پیشگویی با ثورا با آن مواجه اند، میزان مفاهیمی است که برای تفسیر برگ‌های ثورا باید به خاطر سپرد.

در واقع با احتساب کلی می‌بینید که ابتدا می‌باید مفاهیم مستقیم ۷۸ برگ ثورا را آموخت، و سپس مفاهیم غیرمستقیم آنها را دانست. حال بدون در نظر گرفتن هر دو برگی که با هم مفهومی تازه می‌سازند و دیگر پیچیدگیهای احتمالی می‌باید روی هم حدود ۲۰۰ مفهوم مختلف را در خاطر نگاه داشت. فقط به کمک تمرین می‌توان به چنین نتیجه‌یی رسید، و اینهمه مفهوم را به یاد سپرد. البته الهام نقشی اقدم و افضل به حافظه می‌دهد.

پیچیدگیهای فوق الذکر موجب می‌شود شیوه‌یی مستقیم و کامل وجود نداشته باشد. هر چند که در انتهای هر پیچیدگی نوعی سادگی وجود دارد و این امر حتی در مورد طبیعت صادق است که

در تجلیات خود ترکیبی است، لکن در انتهای این پدیده‌های به ظاهر پیچیده، همواره سادگی وجود دارد. در مورد برگهای ثورا هم باید دانست که با وجود پیچیدگی مفاهیم، اصول تشکیل دهنده‌ی آن از سادگی محسن برخوردار است. به همین دلیل برای آموزش ثورای پیشگو هم می‌توان شیوه‌یی اتخاذ کرد تا به خاطر سپردن مطالب را تا حد معتبربھی تعديل کند، یا حتی به طور کامل ما را از آن معاف سازد. پس قاعده‌یی ساده و روشن برای استفاده از ثورای پیشگو انتخاب می‌کنیم.

این قاعده را در درس‌های بعد توضیح خواهیم داد.

..... مختصر مأ تقدیم به خاطره‌ی آهنگساز اوگوستا هولمس^۱

درس دوم: رموز صغیر مفاهیم از نظر پیشگویی

ثورا از ۷۸ برگ تشکیل شده است. بیست و دو برگ نامهای نمادین (مع، خورشید، ماه، "به دار آویخته"، و غیره) دارند، که باید از ۵۶ برگ دیگر جداشان دانست. ۵۶ برگ مزبور به چهار دسته:

چوبدست، جام، شمشیر و سکه تقسیم می‌شوند.
هر یک از این دسته‌ها ۱۴ برگ (شاه، شاهبانو، سردار، سرباز، تکحال، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰) دارند. این ۵۶ برگ "رموز صغیر"^۲ نامیده می‌شوند و ۲۲ برگ نمادین "رموز کبیر"^۳ نامیده می‌شوند.

۱- رموز صغیر از چهار دسته تشکیل شده‌اند که هر یک شامل ۱۴ برگ هستند و

1- Augusta Holmès

2- Minor Arcana

3- Major Arcana

روی هم ۵۶ برگ می‌شوند.

۲- رموز کبیر از ۲۲ برگ تشکیل شده‌اند.

پس در مرحله‌ی اول، این تقسیم‌بندی را در مورد رموز کبیر و صغیر می‌باید در نظر داشت.

گفتیم که رموز صغیر به چهار دسته تقسیم می‌شوند: چوبدست، جام، شمشیر، سکه. هر یک از این دسته‌ها چهار اصل عظیم زیر را نشان می‌دهند:

چوبدست: نشانه‌ی معامله و شهرت و افتخار

جام: نشانه‌ی عشق و خوشبختی

شمشیر: نشانه‌ی نفرت و بدبوختی

سکه: نشانه‌ی پول و سود و منفعت

معامله، عشق، نفرت، پول چهار عامل اصلی هستند که باید در مرحله‌ی اول به خاطر سپرد.

حال اگر هر یک از این چهار دسته را از هم جدا کنیم می‌بینیم هر یک شامل ۱۴ برگ است و این چهارده برگ عبارت اند از ۴ عکس (شاه، شاهبانو، سردار، سرباز) و ده برگ شماره‌دار از همان علامت.

شاه: نشانه‌ی مرد

شاهبانو: نشانه‌ی زن

سردار: نشانه‌ی مرد جوان

سریاز: نشانه‌ی کودک

مرد نشانه‌ی آفریننده است؛ کسی که معامله را انجام می‌دهد. زن نشانه‌ی عشق است. مرد جوان نبرد، جنگ، رقابت، نفرت؛ و کودک نشانه‌ی خنثای مطلق است ("ه" دوم) و نشانه‌ی آن چیزی است که

تمام ارزشها را می‌گیرد، نشانه‌ی پول است که به همه می‌رسد و شامل همه می‌شود، نشانه‌ی انتقال کلی است. بنابراین، مرد، زن، مرد جوان، و کودک همان نمادهایی هستند که در مورد خانواده به کار می‌روند و چهار اصل بزرگ که شامل بشریت می‌شود و شناختن هر یک شناختن ضمنی دیگران است.

به طور خلاصه باید گفت که اولی مثبت است، دومی منفی است، سومی در تضاد میان این دو است، و سرانجام آخری خنثای مطلق است و این عوامل با چهار عکس از رموز صغیر نمادین شده‌اند. اما همان طور که برگها به دو دسته‌ی رنگ قرمز و سیاه تقسیم می‌شوند، همان طور هم بشریت به دو رنگ سیاه و سفید، یا تیره و روشن تقسیم می‌شود.

چهار عکس در چوبیدست و شمشیر نشانه‌ی تیره‌پوستان و چهار عکس در جام و سکه نشانه‌ی روشن‌پوستان است.

از طرفی علامات چوبیدست و جام خوب (نیک) هستند و علامات شمشیر و سکه بد. ما آن را در ارتباط با هر رنگ تکرار خواهیم کرد. در حال حاضر معنی چهار عکس چوبیدست را به طور قطعی خلاصه کنیم:

شاه چوبیدست: مرد تیره‌پوست: خوب/دوست

شاهبانوی چوبیدست: زن تیره‌پوست: خوب/دوست

سردار چوبیدست: مرد جوان تیره‌پوست: خوب/دوست

سرباز چوبیدست: کودک یا پیام‌آور تیره‌پوست: خوب/دوست

غیر از این چهار عکس باید ده برگ شماره‌دار را مورد ملاحظه قرار دهیم. چگونه مفهوم ده برگ را پیدا کنیم و بخصوص چگونه مفهوم

دسته‌ی ده برگی را به خاطر بسپاریم؟ هیچ چیز از این ساده‌تر نیست.

هیچ چیز تازه‌ی باید یاد بگیریم، کافی است آنچه تاکنون یاد گرفته‌ایم دوره کنیم. ما ده برگ شماره‌دار خود را به چهار بسته تقسیم می‌کنیم، سه بسته از سه برگ و یک بسته از یک برگ (برگ شماره‌ی ۱۰). حال می‌گوییم:

بسته‌ی اول از ۳ برگ تشکیل شده که تکحال (۱)، ۲، و ۳ همان مفهوم مرد را خواهند داشت و به معنی معامله، شروع، ایجاد یک نوع رابطه است: معامله، عشق، نفرت یا پول.

بسته‌ی دوم از سه برگ تشکیل شده که عبارت اند از ۴ و ۵ و ۶ همان مفهوم زن و تمام نظریه‌های منفی، و انعکاسهایی که از آن مشتق می‌شود، یعنی نقطه‌ی مقابل مرد، نشانه‌ی دشمنی، ضدیت در هر رابطه‌یی که باشد.

بسته‌ی سوم مرکب از ۷ و ۸ و ۹ نشانه‌ی تعادل است، که نتیجه‌ی عمل دوسویه‌ی یکی روی دیگری است، و با شکل مرد جوان شکل می‌گیرد.

سرانجام کودک خنثای مطلق، با برگ شماره‌ی ۱۰ نشان داده می‌شود.

هر یک از سه برگ در هر بسته همان مفهوم را دارند. یعنی برگ اول بسته نشانه‌ی شروع است، دومی نشانه‌ی تضاد و دشمنی، سومی نشانه‌ی تعادل؛ که برای ده برگ دسته‌ی بعدی مفاهیم کلی زیر را می‌دهد:

کلید ثورای پیشگو

۱- شروع

۲- تضاد شروع

۳- تعادل

۴- شروع

۵- تضاد تضاد

۶- تعادل

۷- شروع

۸- تضاد تعادل

۹-

۱۰- نامعین، برگ بعدی آن را توضیح می‌دهد

به این ترتیب سه کلمه‌ی "شروع، تضاد، تعادل" با نهاده (تز)، برابرنهاده (آنتی تز) و همنهاده (ستنز)؛ یا براهماء، شیوا و ویشنو همارز هستند، برای شناختن مفهوم تمام رموز صغیر ثورا کافی خواهد بود. حال به هر یک از این بسته‌ها کلمه‌ی زیر را می‌افزاییم: عشق، نفرت، معامله یا ثروت، تا مفهوم هر برگ به دست آید بدون آنکه حافظه را خسته کنیم. این، همان کاری است که انجام خواهیم داد.

مفهوم چهار دسته رموز صغیر در ثورای پیشگو

چوبدست (آفرینش، معامله، کشاورزی)

شاه چوبدست: یک مرد تیره‌پوست، دوست، به طور کلی یک

- مرد متأهل و بخصوص پدر خانواده است.
- شاهبانوی چوبدست: زن تیره‌پوست، دوست، نشانه‌ی زنی جدی، با نصایح بسیار نیک، اغلب مادر خانواده است.
- سردار چوبدست: مرد جوان تیره‌پوست، دوست.
- سرباز چوبدست: کودک تیره‌پوست، دوست، نشانه‌ی فرستاده‌یی از طرف خانواده‌ی نزدیک.
- تکخال چوبدست: تکخال چوبدست نشانه‌ی شروع یک معامله است.
- دو (۲): تضاد (ضدیت)، شروع یک معامله. معامله شروع شده اما یک مانع غیرمنتظره ناگهان با پیش روی و انجام آن مخالفت می‌کند.
- سه (۳): به مرحله‌ی عمل درآمدن معامله‌ها. پایه‌ها به طور قطعی برقرار شده‌اند. می‌توان بدون ترس ادامه‌ی این آفرینش را به نتیجه رساند.
- چهار (۴): مانع بر سر راه معامله. هیچ چیز نمی‌تواند بدون مانع انجام شود. همچنین اینک می‌بینیم که این اشکالات ظاهر شده‌اند و باید حاضر باشیم تا از قدرت این موانع بکاهیم.
- پنج (۵): مخالفت با موانع. فتح پس از غالب شدن بر مشکلات.
- شش (۶): عملکرد تضادها. موانع به طور قطعی غالب می‌شوند. سقوط معامله در وسط جریان.
- هفت (۷): موققیت تضمین شده در معامله.

هشت (۸):

تضاد با موفقیت. معامله فقط جزویاً موفق
می‌شود.

نه (۹):

به ثمر رسیدن و موفقیت، معامله با موفقیت به
انجام می‌رسد.

ده (۱۰):

عدم اطمینان در مورد طرز پیشروی معامله.

جام (نگهداری و حفاظت، عشق، تعلیم)

با دانستن مفهوم هر دسته، عملاً مفهوم سه دسته‌ی دیگر را هم
خواهیم دانست. معهداً همه‌ی مفاهیم را خواهیم آورد تا کار آسان‌تر
شود.

شاه جام:

مردی با پوست روشن، دوست. این برگ
نشانه‌ی مردی با لباس متعددالشكل نیز هست،
قاضی یا روحانی. او نشانه‌ی یک مرد عزب
است.

شاهبانوی جام:

زن با پوست روشن، دوست، محبوبه،
معشوقه.

سردار جام:

مرد جوان با پوست روشن، دوست، مرد
محبوب، معشوق.

سریاز جام:

کودک با پوست روشن، فرستاده. تولد.
شروع یک عشق.

تکخال جام:

مخالفت با این شروع. موانع کم‌اهمیت از یکی
از طرفین به ثمر می‌رسد.

دو (۲):

به ثمر رسیدن این شروع. عشق مورد موافقت از

سه (۳):

هر دو طرف.

مانع جدی بر سر راه عشق که از طرف کسی غیر
از طرفین عشق ایجاد شده.

مخالفت با موانع. غالب شدن بر موانع پس از
یک مبارزه.

فایق شدن بر موانع. عشق در میانه‌ی
شکفتگی نابود می‌شود. بیوگی.

موفقیت تضمین شده در عشق.
عدم موفقیت جزئی در عشق. عشق مگر تا
حدی موفق نمی‌شود.

حاملگی.

عدم اطمینان در طرز پیشروی عشق.

شمشیر (تغییر، نفرت، جنگ)

در کل عکسهای شمشیر نشانه‌ی تضادی است که از منبعی خارج از
خانه می‌آیند.

مرد تیره‌پوست، بدجنس. یک مرد اهل جنگ،
شاه شمشیر:

یک دشمن قادر که باید از او گریخت.

زن تیره‌پوست، بدجنس. عمل زنی غیرقابل
شاهبانوی شمشیر:

تحمل، زنی هزو و بدنام.

مرد جوان تیره‌پوست، دشمن. او جاسوس هم
سردار شمشیر:
هست.

کودک دشمن، خبر بد. دیرکرد و تأخیر.
سرباز شمشیر:

- | | |
|--|--------------|
| شروع یک دشمنی. | تکحال شمشیر: |
| مخالفت با این دشمنی. | دو (۲): |
| عمل کردن به دشمنی، نفرت. | سه (۳): |
| مخالفت با نفرت. موفقیت در رویارویی با دشمن. | چهار (۴): |
| مخالفت با این مخالفت. دشمن غالب می‌شود، در لحظه‌یی که شخص فکر می‌کند خودش برتری را به دست آورده است. | پنج (۵): |
| تعادل در تضاد. دشمن بالاخره قدرتش را از دست می‌دهد. | شش (۶): |
| موفقیت تضمین شده‌ی دشمن. | هفت (۷): |
| مخالفت جزئی با این موفقیت. دشمن فقط تا حدی موفق می‌شود. | هشت (۸): |
| مدت مشخصی از نفرت. | نه (۹): |
| عدم اطمینان نسبت به دشمنی. | ده (۱۰): |

سکه (پیشرفت، پول، تجارت)

- | | |
|--|---------------|
| مرد روشن پوست، دشمن یا بی‌تفاوت. | شاه سکه: |
| زن پوست روشن، دشمن یا بی‌تفاوت. | شاهبانوی سکه: |
| مرد جوان با پوست روشن، غریبه، یک تازهوارد. | سردار سکه: |
| کودکی با پوست روشن، قاصد، فرستاده، نامه. | سریاز سکه: |
| شروع و ثروت. ارث. سوغات، پس‌انداز... | تکحال سکه: |

- دو (۲): مخالفت با این شروع، اشکال در حفظ یا افزایش ثروت.
- سه (۳): افزایش ثروت، مقدار اندک.
- چهار (۴): مخالفت با ثروت، از دست دادن پول.
- پنج (۵): مخالفت با این مخالفت.
- شش (۶): سنگ اندازی و مخالفت، نابودی.
- هفت (۷): موفقیت تضمین شده، ثروت زیاد.
- هشت (۸): موفقیت جزئی، از دست دادن پول زیاد در لحظه‌یی که ثروت زیادی در حال حصول بود، و سپس به دست آوردن پولی اندک.
- نه (۹): تعادل، ثروت طولانی مدت.
- ده (۱۰): عدم اطمینان به باقی ماندن ثروت، موفقیت عظیم و فلاکت عظیم.

می‌بینیم روی هم رفته همان مجموعه است که همیشه می‌آید. پس زمان کمی لازم است تا کاملاً مفهوم رموز صغیر را دریابیم، حتی اگر حافظه‌ی چندانی نداشته باشیم. به اشخاصی که می‌ترسند مطالب را فراموش کنند توصیه می‌کنیم مفاهیم را روی برگها یادداشت کنند. معهذا، کسانی که به طور حرفة‌یی پیشگویی با ثورا می‌کنند باید به چنین کاری دست بزنند، زیرا الهام معمولاً آنها را به تفسیری اندک متفاوت از مفهوم ثابت برگهای ثورا خواهد رساند.

^۱ محترماً تقدیم می شود به نقاش لوییز آبه ما

درس سوم: رموز کبیر مفاهیم از نظر پیشگویی

ما اکنون مفهوم رموز صغیر را می دانیم و مانده که مفهوم رموز کبیر را هم دریابیم.

چنانچه گفتیم رموز کبیر از ۲۲ برگ نمادین تشکیل شده‌اند. ما در باب ثورای پیشگوی یک کتاب خاص^۱ نوشته‌ایم که خوانندگان خود را به آن رجوع می‌دهیم.

به یاد سپردن معنای این ۲۲ برگ اگر بخواهیم واقعاً آنها را یک به یک تا جایی که مفهوم آنها توضیح شده است، مورد ملاحظه قرار دهیم چندان مشکل نیست. به علاوه، یک قانون کلی حافظه را در این مورد یاری می‌کند: اینکه هفت برگ اولیه بخصوص نشانه‌ی بخش

1- Louise Abbema

2- Papus: *Le Tarot Divinatoire*, 2ème edition. Hector & Henri Durville, éditeurs.

متکر انسان است، هفت برگ بعدی بخش اخلاقی انسان، و سرانجام هفت برگ آخر اتفاقات گوناگون زندگی مادی او است. مفاهیم ۲۲ برگ ثورا را می‌توان به ترتیب زیر به خاطر سپرد:

- | | |
|--------------------|----------------------------|
| ۱- مغ: | مشاور |
| ۲- پاپ‌بانو: | مشاور زن |
| ۳- شاهبانو: | عمل، شروع راه |
| ۴- شاه: | اختیار |
| ۵- پاپ: | الهام |
| ۶- عاشق: | عشق |
| ۷- ارباب: | فتح، حمایت خداوندی |
| ۸- عدالت: | عدالت |
| ۹- درویش: | احتیاط |
| ۱۰- چرخ سرنوشت: | سرنوشت، تقدیر |
| ۱۱- نیرو: | نیرو |
| ۱۲- به دار آویخته: | امتحان، قربانی |
| ۱۳- مرگ: | مرگ |
| ۱۴- اعتدال: | اعتدال، اقتصاد |
| ۱۵- شیطان: | نیروی عظیم |
| ۱۶- برج: | خرابی، فریب |
| ۱۷- ستاره: | آرزو |
| ۱۸- ماه: | دشمن پنهان، خطر |
| ۱۹- خورشید: | خوبشختی مادی، ازدواج بارور |

فصل شانزدهم

۳۵۱

۲۱- شیدا:

شیدایی، عملی ناشی از هوس، رشك یا نومیدی

۲۲- دنیا:

موفقیت تضمین شده

محترماً تقدیم به مادام گایار^۱

درس چهارم: مبنای کاربرد این اطلاعات تنظیم قرعه‌های سرنوشت

ما اینک می‌خواهیم ثورا را از نظر پیشگویی به کار گیریم. معهذا، قبل از پرداختن به این موضوع می‌باید نقشه‌ی چیدن برگهای ثورا را برای تفأل بدانیم.

در واقع دانستن مفهوم برگها فقط بخش اول هنر پیشگویی است، اما طریقه‌ی چیدن برگها هنوز مهم‌تر است. همان طور که تاکنون گفتیم ما باید از اطلاعات نجومی‌یی که تا حال ذکرشان رفت صرفنظر کنیم، زیرا ثورا انقلاب ستارگان را تصویر می‌کند که منبع اتفاقات آینده است. لکن در اینجا زمینه‌ی طالع‌بینی نیز اهمیت دارد، و ما باید بر آن بخش از ثورا نیز متمرکز شویم که نشانه‌ی قضا و قدر است، قضا و قدری که بر سرنوشت حاکم و مسلط است.

بهر حال در حد امکان ما بیشترین عوامل مثبت در این بررسی را به دست خواهیم داد. کافی است به بخش اول مراجعه کنیم. چنانچه در بخش اول ذکر شد زندگی انسان چهار دوره‌ی مشخص را طی می‌کند. این چهار دوره عبارت اند از:

کودکی

جوانی

پختگی (میانسالی)

پیری

اگر ما نخواهیم زندگی بشری را مورد ملاحظه قرار دهیم و بخواهیم به سادگی تحول یک اتفاق را ببینیم، این اتفاق هم از چهار مرحله‌ی اصلی رشد و تحول می‌گذرد:

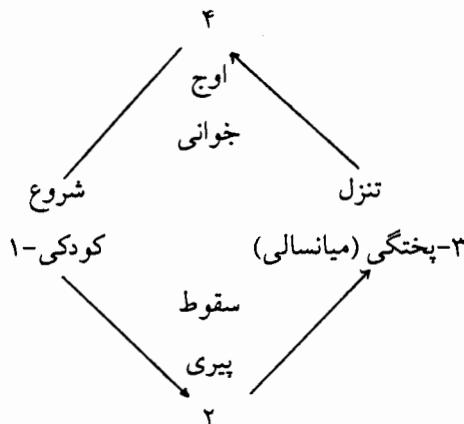
شروع

اوج

تنزل

سقوط

بنابراین، در ابتدا در جاهایی که برگها خواهند نشست باید چهار نقطه‌ی متضاد را دو به دو مشخص کنیم که بعداً روی آن برگهایی جا خواهیم داد که ناشناخته را برای ما آشکار خواهند کرد. از این رو، اولین نقطه‌ی عمل ما این است: تعیین چهار نقطه‌یی که برگها اشغال خواهند کرد. به ترتیب زیر:



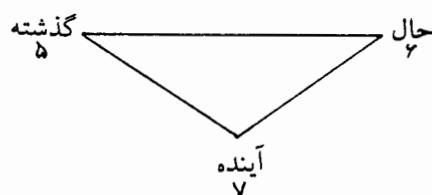
متوجه هستیم که چیدن نقطه‌ها از چپ به راست حرکت می‌کند، همان طور که ترتیب نوشتمن اعداد است؛ حال اینکه نمادها از راست به چپ حرکت می‌کنند (چنانچه ترتیب نوشتمن حروف است در عربی، عبری و فارسی). زندگی بشری یا اتفاقات در سه دوره‌ی کاملاً مشخص حرکت می‌کند:

گذشته

حال

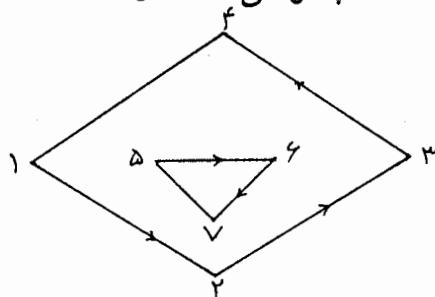
آینده

آنچه به ما تصویر جدید زیر را می‌دهد:



مشاور در مرکز مثلث قرار می‌گیرد. قرار گرفتن مثلث حرکت اعداد

را مشخص می‌کند، نه چگونگی نمادها را.



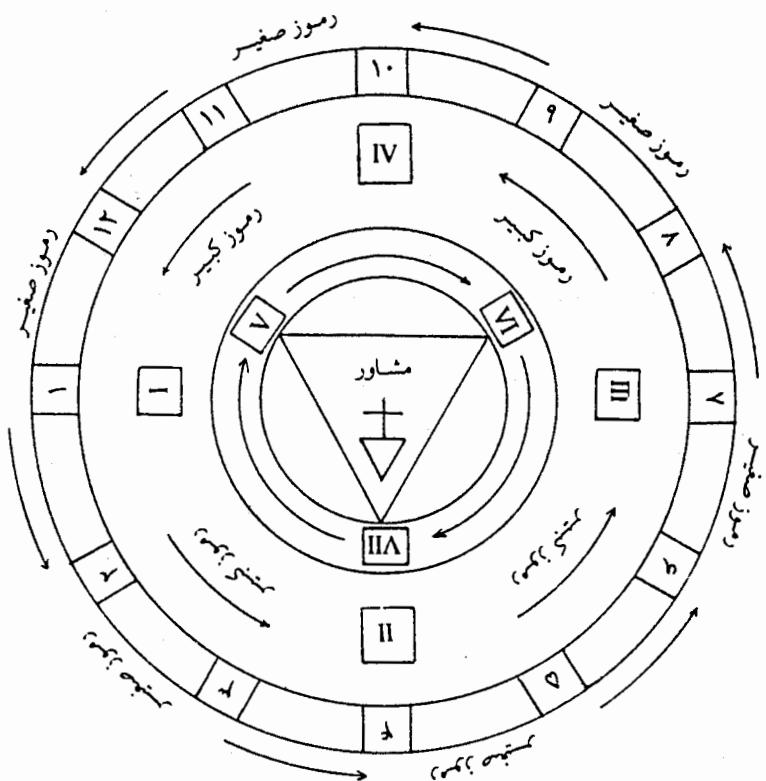
معهذا، برای نشان دادن حرکت دقیق خورشید در آسمان، چهار نقطه کافی نیست. برای چیدن ثورای بزرگ ۱۲ نقطه‌ی مرتبط با دوازده ماه سال را مشخص می‌کنیم. تصویر قبلی که متشکل از چهار نقطه بود به ما کمک می‌کند با ثورا در باب اتفاقات کوچک مشورت کنیم. اما برای به دست آوردن تصویر بعدی برگها را به صورت زیر می‌چینیم تا اتفاقات بزرگ تمام زندگی را پیشگویی کنیم: به خاطر سپردن این شکل بسیار مهم است. این شکل از سه دایره درست شده است.

۱- دایره‌ی خارجی متشکل از ۱۲ خانه است که با رموز صغیر پر خواهند شد. خانه‌ها بدانگونه چیده می‌شوند که شماره‌ها نشان می‌دهند، یعنی از راست به چپ.

۲- دایره‌ی دوم میانی که از چهار خانه تشکیل شده و از راست به چپ چیده می‌شود.

۳- وبالآخره دایره‌ی مرکزی که از مثلث تشکیل شده و یک خانه در هر یک از سه رأس مثلث را شامل می‌شود و روی هم سه خانه است. این سه خانه‌ی آخرین و چهار خانه‌ی قبلی با رموز کبیر پر می‌شوند. در مرکز شکل مشاور یا مشاور زن می‌نشینند.

۳- و بالاخره دایره‌ی مرکزی که از یک مثلث تشکیل شده و یک خانه در هر یک از سه رأس مثلث وجود دارد که روی هم سه خانه است. این سه خانه‌ی آخرین و چهار خانه‌ی قبلی با رموز کبیر پر می‌شوند. در مرکز شکل مشاور یا مشاور زن می‌نشینند.



..... به یاد مؤسس کنگره‌ی بین‌المللی آثار و سازمانهای بانوان

خانم امیلی دو مورسیه^۱

درس پنجم: طریقه‌ی چیدن ثورا

الف- طریقه‌ی چیدن سریع: تصور کنید که می‌خواهید تفالی بر

ماجرایی بکنید، برای این کار:

۱- رموز صغیر را بگیرید و تمام خالها را از هم جدا کنید، خالی را
که در ارتباط است با نوع مشورت مورد درخواست انتخاب کنید؛
اگر در مورد معامله‌یی است که می‌خواهید انجام دهید چویdest را
بگیرید؛

اگر در مورد یک ماجرای عشقی است جام را بگیرید؛

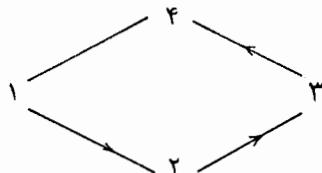
اگر ماجرای جنگ و مبارزه است شمشیر را بگیرید؛

1- Emilie de Morsier

اگر ماجراي پولي است سكه ها را.

۲- برگهاي انتخاب شده را بير بزنيد و بدھيد تا شخص تفأل زننده هم بير بزند.

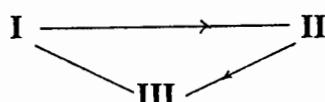
۳- چهار برگ اول را برداريد و بدون نگاه به آنها به صورت صلیب بچینيد، به ترتیبی که اعداد زیر نشان می دهند، یعنی از چپ به راست.



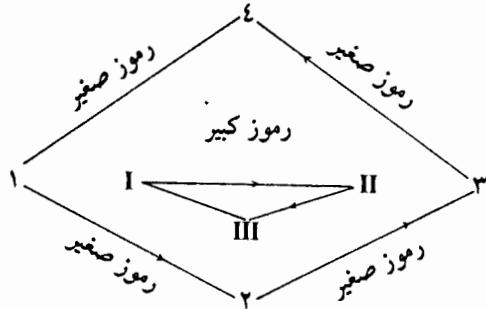
۴- حالا رموز كبير را برداريد (که باید همیشه جدا از رموز صغیر نگهداريد)، آنها را بر بزنيد.

۵- حال تفأل زننده ۷ برگ از میان آنها انتخاب کند، بدون نگاه کردن به آنها.

۶- اين ۷ برگ را بر بزنيد، سه برگ اول روبي را برداريد و بدون نگاه به آنها، به شکل مثلث به ترتیب زير بچينيد:



بنابراین، شکل زیر به دست می آید:



۷- حالا برگها را از روکنید به ترتیبی که آنها را بینید و مفهوم فال را بخوانید، با توجه به اینکه برگ شماره‌ی ۱ شروع است.

برگ قرار گرفته در شماره‌ی ۲ اوج است؛ در شماره‌ی ۳ نشانه‌ی تنزل و موانع؛ و برگ قرار گرفته در شماره‌ی ۴ نشانه‌ی سقوط. رمز کبیر قرار گرفته در شماره‌ی I نشانه‌ی آن چیزی است که روی گذشته‌ی ما جرا تأثیر گذارده است.

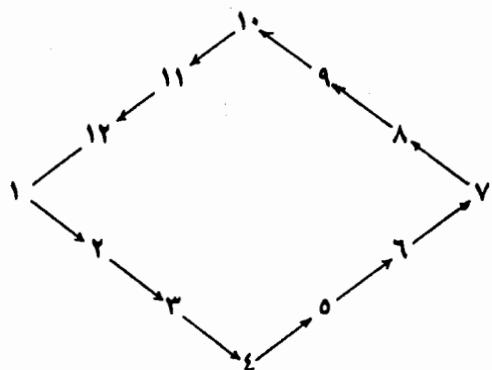
رمز کبیر قرار گرفته در شماره‌ی II نشانه‌ی آن چیزی است که روی حال حاضر ما جرا تأثیر گذارده و رمز کبیر قرار گرفته در شماره‌ی III نشانه‌ی آن چیزی است که تأثیر خواهد گذاشت روی آینده و آن را تعیین خواهد کرد.

تمامی این مسیر وقتی شخص عادت کند بسیار سریع می‌شود. یک نکته‌ی مهم برای به خاطر سپردن آن است که وقتی ما به طریق سریع فال می‌گیریم عکسها لزوماً شخصی با رنگ پوست و مویی خاص

رانشان نمی‌دهند؛ شاه نشانه‌ی مرد است بدون مشخصه‌ی دیگری؛
شاهبانو نشانه‌ی زن؛ سردار نشانه‌ی یک مرد جوان و سرباز نشانه‌ی
یک کودک است.

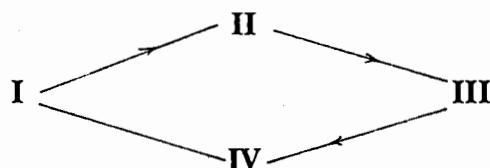
ب - طریقه‌ی طولانی یا گسترده: برای این کار به ترتیب زیر عمل
کنید:

- ۱ - رموز صغیر را قاطی کنید و بر بزنید.
- ۲ - دوازده برگ اول را از رو بردارید و در جایشان به ترتیبی که در
زیر آمده بچینید:

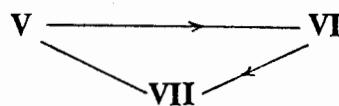


۳ - رموز کبیر را قاطی کنید و بر بزنید. بعد به تفأله زننده بدھید تا
هفت برگ انتخاب کند.

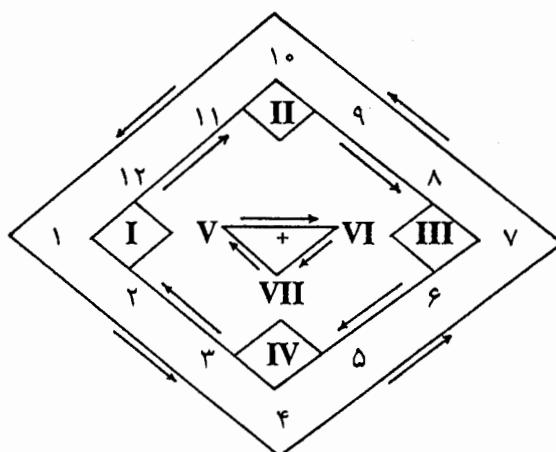
۴- چهار برگ اول این دسته‌ی هفت برگی را بردارید و به ترتیب زیر بچینید به ترتیبی که شماره‌ی I در محاذات عدد ۱ و شماره‌ی II در محاذات عدد ۱۰ و شماره‌ی III در محاذات عدد ۷ و شماره‌ی IV در محاذات عدد ۴ قرار گیرد؛ به شکل زیر:



بعد سه برگ آخری را که از رموز کبیر در دست دارید به صورت مثلث زیر در مرکز برگ‌های چیده شده، بچینید:



بنابراین، برگ‌ها به صورت زیر به دست می‌آید.



در مرکز این شکل شما مشاور را قرار می‌دهید. البته اگر تا کنون بین برگهایی که کشیده‌اید بیرون نیامده باشد. اگر مشاور یا مشاور زن بیرون آمده باشد، می‌دهید تفال‌زننده برگ جدیدی از رموز کبیر بکشد و آن را با مشاور جانشین می‌کنید، و مشاور را در مرکز مثلث قرار می‌دهید. ۱۲ برگ رموز صغیر نشانه‌ی مرحله‌های مختلف است که در آن دوره‌ی زندگی شخص می‌گذرد، یا وقایع زندگی اش که در طول چهار مرحله‌ی مهم زندگی اش اتفاق می‌افتد: - شروع با رمز کبیر I نشان داده می‌شود و شخصیت فرد را نشان می‌دهد. اوج

با رمز II، تنزل یا مانع با رمز III، و سقوط با رمز IV

سه رمز کبیر (رئوس مثلث) شخصیت خاص تفال‌زننده را در گذشته (V)، در حال (VI) و در آینده (VII) نشان می‌دهند. آینده‌یی که در رموز صغیر نشان داده می‌شود در جاهایی قرار گرفته که شماره‌های ۷ تا ۱۲ دارند. "گذشته" در جاهای شماره‌ی ۱ تا ۴ قرار گرفته و "حال" در جاهای ۴ تا ۷. تمام این اعداد نشانه‌ی شماره‌های محلی است که رموز اشغال می‌کنند و هرگز شماره‌ی خود رموز نیستند. این امر بسیار مهم است که فکر نکنیم مثلاً رمز شماره‌ی ۷ در جای شماره‌ی ۷ قرار می‌گیرد. هر اشکالی در باب توضیح مفاهیم رموز، پس از خواندن درس‌های ۲ و ۳ برطرف خواهد شد.

..... محترماً تقدیم به فرستاده‌ی نامریی مادام ژولیت آدام^۱

درس ششم: شیوه‌ی ابداعی و چاپ نشده‌ی اتلارای چیدن ثورا، از روی یکی از کمیابترین آثارش

در اینجا ما شیوه‌یی را شرح خواهیم داد که تا حد زیادی شخصی بوده است لکن چون ما هرگز مایل نبوده‌ایم که هنر تفأله با ثورا را در انحصار خود بگیریم در این بخش که آن را درس ششم خوانده‌ایم چند کلمه در باب شیوه‌ی استاد بزرگ ثورا، اتلارای خواهیم گفت.
اتلارکه اسم واقعی او آلیت^۲ است پسر یک سلمانی بود و در عصر انقلاب فرانسه می‌زیست. به تصادف با ثورا آشنا می‌شود و از

1- Juliette Adam

2- Aliette

غрабت آن به شگفت می‌آید و به مطالعه‌ی آن می‌پردازد. مطالعه‌ی او سی سال طول می‌کشد و سرانجام متوجه می‌شود که راز این کتاب مصری را دریافته است. متأسفانه هیچ یک از اطلاعات ترکیبی (ستتیک) را در اختیار نداشته است، همین امر باعث شده که در کنار الهام واقعاً شگفت‌انگیزش برخی توهمنات و روایاهای نادرست را نیز بنویسد. ما بسیار میل داشتیم که از این محقق مشتاق رفع اتهام کنیم، زیرا می‌باید آن حق واقعی را که در آثار او نهفته است قدر شناخت، بی‌آنکه چندان توجهی به بخش ساده‌لوحانه‌ی آن بکنیم.

به هر حال اتلا تمامی دانش خود را برای پیشگویی حوادث خوب به کار برد و اگر همعصران او را باور کنیم به خوبی از پس این کار برآمد، همچنین آیت طالع‌بینان از برای آینده شد که به اسم او قسم می‌خوردند.

به همین دلیل ما تصمیم گرفتیم شیوه‌ی او را با جزئیات توضیح دهیم و گمان داریم بی‌فایده است از شیوه‌ی جانشینان او چیزی بگوییم، چرا که تقليدی از شیوه‌ی او بوده است بدون فهم کامل آن.

برای چیدن ثورا به شیوه‌ی اتلا باید برگها را به چهار دسته تقسیم

کرد. مرحله به مرحله بیینیم:

شیوه اول: تمام برگهای ثورا را بدون جدا کردن رموز کبیر و صغیر
بر می زنیم و بعد آنها را به سه دسته‌ی ۲۶ تایی تقسیم می کنیم^۱

۲۶ ۲۶ ۲۶

دسته‌ی وسطی را برمی داریم و کنار می گذاریم، در سمت راست
خود.

۲۶ ۲۶

پس دو دسته‌ی ۲۶ تایی می ماند. آنها را برمی داریم و با هم قاطی
می کنیم و بر می زنیم و به سه دسته‌ی ۱۷ تایی تقسیم می کنیم:

۱۷ ۱۷ ۱۷

و ۱

یک برگ می ماند که می گذاریم تا بماند. حال دسته‌ی وسطی
۱۷ تایی را برمی داریم و آن را در سمت راست خود در کنار دسته‌ی
۲۶ تایی وسطی قرار می دهیم.

پس برگها به صورت زیر دسته‌بندی شده‌اند:

در کنار در سمت راست: ۱۷، ۲۶

۱- اتلاتا کاملاً فهمیده بود که شماره‌ی ۲۶ بستگی دارد به نام الهی "ی هوه" که
مجموع آن $= 26 = 5+6+5+10$ است - پاپوس.

و در میان:

۱۷ ۱۷

۱

بعد سی و پنج برگ را که کنار نگذاشته ایم برمی داریم. خوب بر
می زنیم و به سه دسته‌ی ۱۱ تایی تقسیم می‌کنیم، به صورت زیر:

۱۱ ۱۱ ۱۱

۲

و

دو برگ می‌ماند که می‌گذاریم تا بمانند. بعد دسته‌ی وسطی را
برمی داریم و سمت راست در کنار دسته‌ی ۲۶ تایی و ۱۷ تایی قرار
می‌دهیم، که نتیجه به صورت زیر درمی‌آید:
در کنار در سمت راست: ۱۱، ۱۷، ۲۶

و در میان:

۱۱ ۱۱

۲

و

حال برگهایی را که کنار گذاشته ایم برمی داریم. بعد آماده‌ی تفأل
می‌شویم.

برای فال گرفتن اول بسته‌ی ۲۶ تایی را که کنار گذاشته بودیم
برمی داریم و آن را روی میز می‌چینیم، برگ به برگ، از راست به
چپ می‌چینیم:

۲۹..... ۱

بعد دسته‌ی ۱۷ تایی را برمی‌داریم و آن را مثل ۲۶ تایی زیرا آن می‌چینیم، سپس دسته‌ی ۱۱ تایی را می‌چینیم زیر دو تای قبلى. بنابراین چیده‌ی زیر را خواهیم داشت:

روح	٢٦.....	١
روان	١٧.....	١
جسم	١١.....	١

و بسته‌یی که روی هم ۲۴ برگ است، حالا مفاهیم را توضیح می‌دهیم، با توجه به اینکه دسته‌ی پایینی ۱۱ برگی مربوط به جسم است و دسته‌ی وسطی مربوط به روان، و بالآخره دسته‌ی بالایی ۲۶ برگی به روح تفأل زننده بستگی دارد.

اتلا با این شیوه‌ی چیدن برگهای ملاحظات ظریفی را در مورد آفرینش جهان، قبالا و حجر الفلاسفه نتیجه‌گیری می‌کند. در این مختصر، بحث درباره‌ی آن مفید فایده نخواهد بود، زیرا در اینجا می‌خواهیم به طریقه‌ی او به تفأل با ثورا ادامه بدهیم.

شیوه‌ی دوم: تمام برگها (۷۸ برگ) را قاطی می‌کنیم و بر می‌زنیم.
هفده برگ رویی را از راست به چپ می‌چینیم:

IV.....)

برگ هیجدهم را خوب نگاه می‌کنیم و همچنین آخرین برگ (هفتاد و هشتمنی برگ) را. مفهوم این دو برگ نشان می‌دهد که آیا

رابطه‌یی سهل و روان و دوستانه بین تفأّل‌کننده و تفأّل‌زننده اتفاق افتاده است یا نه.

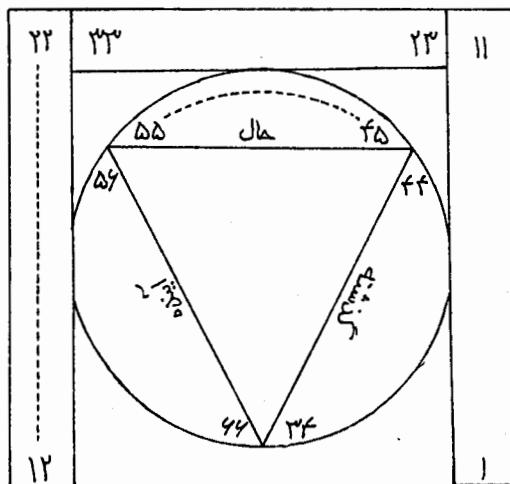
آنگاه می‌توان مفهوم ۱۷ برگی را که روی زمین چیده‌ایم، مثل همیشه از راست به چپ، تفسیر کنیم. وقتی این هفده برگ تفسیر شد، برگ هفدهم را به سمت راست می‌رانیم، که اولین برگ از سمت چپ خواهد شد، و بعد برگ شانزدهم، پانزدهم الى آخر، تا جایی که فقط یک برگ باقی می‌ماند که این برگ را جدا می‌کنیم.^۱

شیوه‌ی سوم: تمام برگها را می‌گیریم، آنها را بر می‌زنیم، بعد به ترتیبی که تصویر صفحه‌ی بعد نشان می‌دهد، از روی شماره‌ی ردیف می‌چینیم.

به این ترتیب است که تصویر بزرگ اتلا را به دست می‌آوریم که کلید گذشته را به دست می‌دهد و همچنین کلید حال و آینده‌ی شخصی را که تفأّل زده است. برای استفاده از این شیوه باید همیشه تصویر را در ذهن حاضر داشت. بهترین کار آن است که این تصویر را با تمام شماره‌هایش روی یک میز یا یک مقوای بزرگ ترسیم کنیم و برگها

۱- شاید منظور اتلا را که زبان بسیار پیچیده‌یی در کتابهایش به کار برده و ما مجبور بودیم شیوه‌ی چیدن او را از خلال کتابهایش پیدا کنیم، درست نفهمیده باشیم؛ لکن به هر حال این آخرین عمل او به نظر ما کاملاً بدون فایده است- پاپوس.

را روی آنها بچینیم.



برای خواندن نتیجه‌ی این تصاویر باید برگها را دو به دو از رو کنیم.

مثلاً برای گذشته، اولی با سی و چهارمی؛ دومی با سی و پنجمی الی

آخر. برای حال بیست و سومی با چهل و پنجمی؛ بیست و چهارمی با

چهل و ششمی... سی و سومی با پنجاه و پنجمی.

برای آینده دوازدهمی با شصت و ششمی؛ سیزدهمی با

شصت و پنجمی؛ بیست و دومی با پنجاه و ششمی.

نگاهی به تصویر اجازه می دهد به راحتی آن را بفهمیم.

شیوه‌ی چهارم: شیوه‌ی چهارم بخشی مکمل است. و برای جواب

گفتن به سؤالاتی است که ممکن است مطرح شود. برای رسیدن به

آن، تمام برگها را برابر می‌زنیم و ۷ برگ می‌کشیم و به ترتیب زیر از راست به چپ آنها را می‌چینیم:

۷.....۱

و جواب را می‌خوانیم.

این شیوه‌ی چیدن ثورا از روی شیوه‌ی ابداعی اتلا است. ما در این چند صفحه جزوی پیچیده‌ی او را در چند شیوه خلاصه کرده‌ایم. اتلا شیوه‌های چیدن ثورا و اصولاً معرفی آن را در کتاب ثوث آورده بود. کتاب ثوث اثر اتلا در واقع جزوی‌بی است که شامل یک تک‌چهره از اتلا است و مانند سایر آثار این نویسنده بسیار نایاب است. در ضمن باید اضافه کرد که این شیوه به وسیله‌ی هیچ یک از شاگردان متعدد او به طور دقیق روش‌ن شده است، و ظاهراً ما یکی از اولین کسانی هستیم که با این روش بسیار ساده شیوه‌ی پیچیده‌ی او را توضیح داده‌ایم.

..... تقدیم به رادمرد دانشمند و سلحشور آرمانگرا
کامی فلاماریون^۱

درس هفتم: جمعبندی دروس

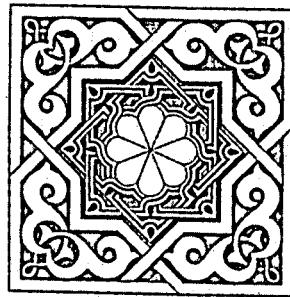
لزوم وجود الهام و تمرین را در هنر تفأل با ثورا فهمیدیم. می‌دانیم که این هنر در طول سالها اصول علمی خود (علم نجوم) را از دست داد، و در ورطه‌ی بی‌علمی افتاد. در این بخش ما بهترین روشی را که برای استفاده از ثورا ممکن بود و طرز تفأل با ثورا را به نحوی که برای همگان قابل استفاده باشد پیشنهاد کردیم. چنانچه در درس دوم ملاحظه کردید مفاهیم رموز کبیر و رموز صغیر را توضیح دادیم، و همچنین طرز چیدن برگها را برای تفأل سریع یا تفأل

1- Camille Flammarion

عمیقتر و طولانی‌تر. در کنار این شیوه می‌خواستیم شیوه‌یی قدیمی‌تر را هم مطرح کرده باشیم، و شیوه‌ی بنیانگذار تفأل با ثورا یعنی اتلا را انتخاب کردیم.

خوانندگان ما می‌توانند هر یک از این شیوه‌ها را که برایشان جالب‌تر است و یا نتیجه‌یی بهتری از آن گرفته‌اند مورد استفاده قرار دهند. تکرار می‌کنیم که الهام بزرگترین راز تمام طالع‌بینی‌ها است، چه در تفأل با برگهای ثورا و چه در تفأل با آب یا خاک یا قهوه و غیره. در این هفت درس ما تفأل با ثورا را به اختصار بیان کردیم و روحیه‌یی مشتاق آن را به خوبی درک خواهد کرد. به هر تقدیر این بخش برای کسانی نوشته شده که فقط می‌خواهند با ثورا تفأل بزنند.

فصل هفدهم



..... تقدیم به ژول لرمین^۱ نویسنده‌ی کتاب "برای سوزاندن"



جمع‌بندی کلی

به انتهای مطلب خود رسیده‌ایم، و بجا است که نگاهی سریع به راهی که پیمودیم بیافکنیم و دامنه‌ی کارمان را ببینیم.

با دیدن علم ماده‌گراکه به رغم کوشش مذبوحانه‌ی هوادارانش، و با وجود حرکت ناپایدار عصر جدید، فرمی‌ریزد ما عدم قدرت شیوه‌های تحلیلی در اثبات ماده‌گرایی را به وضوح متوجه می‌شویم و پایه‌های محتمل یک علم ترکیبی (سنتیک) را که هر روز لازم‌الاجرا‌تر به نظر می‌آید جست‌وجو می‌کنیم.

و بدین ترتیب در بررسی ما از علم قدیم چنان معلوم می‌شود که این شیوه‌ی ترکیبی اساساً مبنای تغییرناپذیر تمام کشفهای علمی، مذهبی و اجتماعی است.

انجمنهای سری و مکاتب عرفانی که مسئول انتقال این ودیعه‌ی

1- Jules Lermine: *À Brûler.*

مقدس بوده‌اند، کلید آن را از دست داده و تنها کولیهای چادرنشین و یهودیان نسل پشت نسل کتابهای مقدس خود را منتقل کردند. این یک سفر موسی را و آن دیگر ثورای منسوب به ثوث هرمس مثلث را که دارالعلم هرم سه‌سویهٔ خرد مصر باستان است.^۱

به زعم ما ثورا ترجمان مصری کتاب عرفان است و بنابراین، همان کلید گمشده‌ی تمام نحله‌های فکری و عرفانی در علوم قدیمه است.

اما چگونه این مجموعه‌ی هیروغلیف را بخوانیم؟ چگونه دسته‌بندی مرمز این برگها را که طالع‌بینان در انحصار خود گرفته‌اند کشف کنیم؟

ورونسکی می‌گوید: "مکتب تفکر عرفانی به طور ضمنی مکتب عملی است." با قوت قلبی که دانستن این حقیقت به ما ارزانی می‌دارد یقین می‌کنیم که در عهد باستان با آنهمه عزت و احترام نیز جز این نبوده است، و ابوالهول‌ها که به نظر بیگانگان و غافلان‌گنگ و لال می‌نمایند، برای آشنایان و همدلان سخن می‌گویند، معابد قدیمی رازهای خود را از حجاب بیرون می‌آورند، سالکان دوباره برمی‌خیزند و چهار حرف رازآمیز را بر ما آشکار می‌کنند:

الله یهوه یهودی

کلمه مقدس بر رأس تمام نحله‌های عرفانی می‌درخشند و مورد احترام و افتخار تمامی عرفا، حکما و فلاسفه است. در طول این کتاب دیدیم که ثورا بر مبنای ترکیب چهار حرف "یهوه" به وجود

1- Saint-Yves d'Alveydre: *Mission des Juifs*.

آمده است. معهذا، چون اعتقاد داشتیم که باید به طریقی علمی با این مقوله‌ی ماوراءالطبيعه برخورد کنیم، جای زیادی از برای تخیل باقی نگذاشتیم، و در بررسی خود به عنوان نقطه‌ی شروع، اصلی ثابت را برگزیدیم؛ این اصل ثابت، اعداد و روابط آنها با یکدیگر بود، که در ترکیب تغییر نمی‌کند و همواره همان نتیجه را به دست می‌دهد، و در مقابل تمام اشتباهات ممکن می‌ایستد و جواب صحیح را تصریح می‌کند.

پس از اعداد نوبت به نمادها رسید. در اینجا نیز توانستیم بر مشکلات جدیدی فایق شویم. تاریخ ثورا به ما نشان می‌دهد که نمادها به تبع مردمان مختلف و دوره‌های مختلف تغییر کرده و به شکلی دیگر درآمده است، اما مفاهیم آن همیشه و همه جا حفظ شده است.

پس باید برای نمادها هم یک اصل ثابت پیدا کرد، اصلی که در ترکیبها و در اعدادش تغییر نکند. این نکته همان است که در طول کتاب به دنبال آن بودیم. در مرحله‌ی اول در باب مبدأ حروف زبانهای بشری به مطالعه پرداختیم و شانزده علامت هیروغلیف اولیه را که سرچشمه‌ی الفبای اولیه است شناختیم. در مقایسه به ۲۲ حرف الفبای عبری رسیدیم که مستقیماً از علامات هیروغلیف اولیه مشتق شده‌اند، و پایه‌ی قطعی تمام تحقیقات جدی در باب ثورا را فراهم می‌کنند. این ۲۲ حرف برای ثورا همانقدر به عنوان نماد ثابت و تغییرناپذیر اند که اعداد بودند. به این ترتیب در مورد نمادها هم رهنمودی مطمئن یافتیم که امکان اشتباه را تقریباً سلب می‌کرد. به برکت استفاده از این اصول، اطلاعاتی دقیق، هرچند بسیار کلی،

در "تکوین عالم"^۱ و "هرم خدایان"^۲، "علم منظومه‌های فلکی"^۳ به دست آوردیم، و سرانجام توانستیم نسادگرایی ثورا را در یک جدول جالب خلاصه کنیم.

از همین طریق ما اثبات می‌کنیم که ثورا کلید کلی علوم قدیمه است، از جمله نجوم که به دلیل اصول ثابتش بدون شک مهمترین آنها است. مثلاً ما می‌خواستیم بدانیم چگونه سرنوشت تغییر می‌کند، اما در ابهام پیچ در پیچ توهمنات سرگردان می‌شویم و تنها علم نجوم است که برای یافتن جواب به ما کمک می‌کند، و نشان می‌دهد چگونه خورشید تغییر می‌کند و از آنجا کلید تمام تغییرات به دست ما داده می‌شود.

سرگردانی ما از آن جهت بود که نفهمیده بودیم اسطوره‌ی خورشیدی فقط نمایانگر این قانون است: قانون تغییر و تحول کلی، و نه تغییر و تحول خاص خورشید، که کار عظیم دوپویی^۴ بر مبنای آن بدون نتیجه مانده بود. شیوه‌ی علوم قدیمه نه استنتاجی است و نه استقرایی، بلکه نسبی و تشیبی است، روشی که امروزه ناشناس است و ثورا در تمامی ابعادش آن را برابر ما آشکار می‌کند. اما کاربردهای ثورا فقط به علم نجوم منحصر نمی‌شود؛ کلید فلسفه،

1- Cosmogonie

2- Théogonie

3- Androgonie

4- Charles Dupuis (CHARLES DUPUIS) علامه و فیلسوف فرانسوی (۱۸۰۹-۱۷۴۲). الهیات و حقوق خوانده بود، در دانشگاه لاتین تدریس می‌کرد. نماینده مجلس دوم (کنوانسیون ۱۷۹۵-۱۷۹۲) بود. او در مطالعات خود به جستجوی اصل و ریشه‌ی نحله‌های عرفانی و مذاهب جهان بود و تمامی آنها را مرتبط با نجوم اولیه می‌دانست.

قبالی مقدس، عرفان و تصوف، اندام‌شناسی انسان و جهان همگی در ثورا موجود است. در این کتاب ما فقط کلید را به دست داده‌ایم و به چند نمونه اکتفا کرده‌ایم، زیرا نمی‌خواستیم از محدوده‌ی سخت تعهدات خود فراتر رویم.

ما می‌دانیم که با وجود همه‌ی تلاش‌هایمان برای اجتناب از نقایص، هنوز این کتاب کامل نیست. ما در مورد آن گرفتار هیچ‌گونه شبهه‌یی نیستیم و زمان خود می‌داند چگونه آن را کامل کند. با این همه، در این مجموعه نکته‌یی وجود دارد که ما میل داشتیم آن را برجسته سازیم: کاربرد علوم خفیه با شیوه‌یی تا حد ممکن دقیق.

جالب اینجا است که این امر از طریق علم دقیق معاصر صورت عمل به خود گرفت، و ما به مطالعه‌ی علوم خفیه و قدیمه دست یافتیم. ما از ماده‌گرایی که یکی از مریدان بسیار مشتاق آن بودیم آغاز کردیم و آنگاه نیاز به دورتر رفتن را احساس کردیم. معهذا، از علایق اولیه‌مان اثراتی به جا مانده است، مثلًاً اعتقاد به فهرست‌بندی و قاعده‌گذاری در هر مطلب، یعنی دقیقاً همان روشی که عدم وجود آن علوم قدیمه را به نابودی کشاند. لویی لوکاس^۱ به خوبی دیده است که باید همواره ماده را در کنار ماوراء‌الطبیعه به حرکت درآورد تا به عنوان نقطه‌ی حرکت در خدمت ماوراء‌الطبیعه باشد. به همین دلیل ما در طول این کتاب همواره سعی کرده‌ایم اصول ثابتی چون اعداد و ارقام یا حروف عبری را به موازات اطلاعات ماوراء‌الطبیعه چون نمادها، یا مفاهیم انتزاعی مطرح کنیم.

آنچه علوم قدیمه از دست داده است، عدم وجود دقت بوده است. ما سعی کردیم از این لغش اجتناب کنیم، بدون اینکه بتوانیم به تأکید بگوییم که موفق شده‌ایم. زیرا یک مؤلف هرگز قادر نیست خود را قضاوت کند.

به هر حال ما لاجرم اغلب از علوم خفیه و علوم قدیمه در این کتاب سخن گفته‌ایم، بدون اینکه مجال وارد شدن به جزئیات تشریحی آنها را داشته باشیم، از این رو ما این کتاب را خطاب به جویندگان حقیقت نوشته‌ایم.

جویندهی حقیقت کسی است که عوامل علوم قدیمه را در اختیار دارد، واز آن طریق با تمامی اصطلاحاتی که بی‌شک از آدمیان جهان نیست، آشنا است. این است علت وجودی این کلمات که شاید به نظر برخی افراد متظاهرانه بنماید، اما موجب بوده است که ما در بیان افکار خود محتاط باشیم.

گاهی چون استفاده از ثورا از طریق تفال است، خواسته‌ایم به این موضوع نزدیک شویم و آن را تا حد ممکن جذاب کرده‌ایم. ما به دنبال ساده کردن شیوه‌های کاربرد بودیم، و به نحوی که هر کس بتواند از آن استفاده کند، و به سرعت و بدون حافظه‌یی چندان، این هنر را به مرحله‌ی عمل درآورد.

اما از آنجایی که روش‌های ما ممکن است باب طبع تمام دوستان طالع بین نباشد خلاصه‌یی از روش معروف اتلارا هم برای این دسته از خوانندگان آورده‌ایم، و حتی در این زمینه‌یی کاملاً تجربی سعی کردیم تا حد ممکن علمی و دقیق عمل کنیم.

آرزو می‌کنیم که این چکیده‌یی کوشش سالها بتواند برای علوم

قدیمه و نوزایی آن، که هر روز بیش از روز قبل تحکیم می‌شود، مفید افتاد. این همان هدفی است که ما به دنبال آن بوده‌ایم. آیا ممکن است آشوب و ناآرامی اجتماعی بی که در راه است میان مردمی که اینهمه از هم فاصله دارند به دوره‌یی از صلح و هماهنگی برسد؟

آیا ممکن است شناخت رازها سرانجام بتواند بر قیصریت اروپایی، تحت تمام اشکالش تأثیر بگذارد؟ آیا هدف شما عارفان، شما پیروان آیین قبالا، پیروان سن مارتون، پیروان صلیب‌گل سرخ و دیگر محله‌ها، نیز در همین نیست؟ باور کنید به این مرید متواضع نظریه‌ی خود که بسیار شادمان خواهد بود اگر اثرش بتواند شعاعی ضعیف بتاباند از حضور خدای لایزال و حقیقت مقدس ...

..... تقدیم به خاطره‌ی عالم علوم قدیمه / پوآرل^۱

فهرست مؤلفان و مکتبهایی که در باب ثورا تحقیق کرده‌اند
(به ترتیب زمانی)

ریمون لول^۲: (۱۳۱۵-۱۲۳۵) دانشمند والامقام، پایه‌گذار یک شیوه‌ی فلسفی، بخصوص منطق، کاملاً بر مبنای کاربرد ثورا، نویسنده‌ی هنرکبیر^۳.

کاردان، ژروم^۴: (۱۵۰۱-۱۵۷۶) استاد ریاضیات و پزشکی در میلان و در بولونیا. به اسکاتلند، انگلستان و فرانسه سفر کرد و شیوه‌های درمانی جالبی را عرضه کرد. رساله‌ی او موسوم به "سرعت تأثیر"^۵ (۱۵۵۰) کاملاً بر مبنای کلید ثورا است.

1- E. Poirel

2- Lulle, Raymond

3- *Ars Magna*

4- Cardan, Jerôme

5- *La Subtilité*

پوستل، گیوم^۱: متولد ۱۵۱۰ در دولری، فرستاده‌ی فرانسوای اول به شرق. او از شرق کتابهای ارزشمندی آورد و به عنوان استاد ریاضیات در کولژ دو فرانس مشغول کار شد. در صومعه‌ی "سن مارتین دشان" در ۱۵۸۱ وفات یافت. او یکی از بزرگترین عرفای قرن شانزدهم بود. کلید ثورا را یافته بود، اما چنانچه کتابش با عنوان کلید چیزهای پنهان^۲ نشان می‌دهد آن را کاملاً برای دیگران فاش نساخت. تمام آثار او فهرست‌بندی شده است.

صلیب گل سرخ^۳: (۱۶۰۴) به سالکان نشان می‌دهد که این مکتب بر ثورا اشرف داشته است. چنانچه در کتاب مشهور نحله‌ی مشهور صلیب گل سرخ^۴ (۱۶۱۳) در باب ثورا نوشته شده: ایشان کتابهایی در اختیار دارند که از طریق آن می‌توانند هر آنچه در کتابهای دیگر نوشته شده یا نوشته خواهد شد بدانند. لازم به تذکر است که لا یپ نیتس از پیروان "صلیب گل سرخ" بوده است.

کور دو ژیلن، آتوان^۵: در شهر نیم متولد شد و در پاریس به سال ۱۷۸۴ وفات یافت. او دانشمندی بنام بود و اصل مصری ثورا را یافته بود. در این باره به کتاب مشهورش جهان اولیه^۶ مراجعه کنید.

اتلا^۷: (۱۷۸۳) ما فشرده‌یی از هنر تفائل او را با ثورا و کاربرد آن را در قبالا ذکر کردہ‌ایم.

1- Postel, Guillaume

2- *La Clef des Choses Cachées*

3- Des Roses-Croix

4- *La Fama Fraternitas Roseo Crucis*

5- Court de Geblin, Antoine

6- *Le Monde Primitif*

7- Etteilla

سن مارتون، کلود دو^۱: فیلسوف گمنام متولد ۱۷۴۳ در آمبوآز^۲ متوفی به سال ۱۸۰۳، شاگرد مارتینز پاسکوالیس^۳ و ژاکوب بوهم^۴. بنیانگذار مکتب مارتینیست‌ها یا آئین سن مارتون. کتاب جدول طبیعی او که در باب ارتباط میان خدا، انسان و جهان است دقیقاً بر مبنای ثورا نوشته شده است.

وایان، ژ. آ.^۵: سالها با کولیها زندگی کرد و به طور شفاهی بخش عظیمی از سنتهای آنان را آموخت که در کتابهایش خلاصه شده‌اند:

رومیان، تاریخ واقعی کولیها (حدود ۱۸۵۳)

انجیل کولیها (۱۸۶۰)

کلید جادویی داستان و عمل (۱۸۶۳)

کریستیان^۶: کتابدار کتابخانه‌ی آرسنال. کتابی در باب علوم قدیمه و ثورا منتشر کرده است که با افکار شخصی‌اش در باب طالع‌بینی عجین شده است. انسان سرخ توییلری^۷ (۱۸۵۴) از آثار او است.

لوی، الیفاس^۸: استاد علوم قدیمه در دوره‌ی معاصر که به خوبی بر ثورا اشراف داشت. اثر او اصول و آیین‌های علوم قدیمه^۹ (۱۸۶۱ در دو مجلد) بر مبنای کلید ثورا است. الیفاس لوی انسانه‌یی زیست و در ۱۸۷۰ درگذشت. گمان دارم پسری از او مانده باشد.

1- Saint-Martin, Claude de

2- Amboise

3- Martinez Pasqualis

4- Jacob Böhme

5- Vauillant, J. A.

6- Christian

7- *L'Homme Rouge de Tuillerie*

8- Levi, Eliphas

9- *Dogme et Rituel d'Occultisme*

استانیسلاس دو گیتا^۱: عالم قباليي معاصر. در قبala بارها از ثورا استفاده کرده است، که ذکر آن در کتاب آمد. برای اطلاعات بیشتر به آستانه‌ی راز^۲ (۱۸۸۶) و مار (شیطان) در سفر پیدایش^۳ رجوع کنید.

پلдан، ژوزفین^۴: نویسنده‌ی والامقام قباليي. اغلب در آثار خود از ثورا کمک می‌گرفت (۱۸۸۵-۱۸۸۹).

افلاطونی^۵: نشریه‌ی آمرکایی علوم قدیمه و خفیه. بررسی نادرستی در مورد کاربرد ثورا در طالع‌بینی چاپ کرده بود. این بررسی بدون قيد نام منبع، با نشانی زیر به چاپ رسید:

نشریات عرفانی، لیتل پلاک، شماره‌ی ۱۴ (لندن- ۱۸۸۸)

بارله، ف. ش.^۶: یکی از نویسنده‌گان دانشمند و مطلع که بر علوم خفیه در فرانسه احاطه دارد. در صفحات قبل از کتابش ثورای عارفانه^۷ (۱۸۸۹) ذکری رفت.

پوارل، ا.^۸: عالم بر علوم قدیمه. ناشر کتابی موسوم به ثورا^۹ (۱۸۸۹).

1- Stanislas de Guita

2- Au Seuil du Mystère

3- *Serpent dans la Genèse*

4- Peldane, Josephine

5- *The Platonist*

6- Barlet, F. Ch.

7- *Le Tarot Initiatique*

8- Poirel, E.

9- *Tarot*

استار، الی^۱: به خاطر آثارش در باب طالع‌بینی معروفیت دارد. در کتاب رازهای طالع‌بینی^۲ خود فصلی در باب ثورا نگاشته است.

بلواتسکی، ه پ.^۳: این مؤلف در تأثیفاتش در موضوع صوفیگری از ثورا سخن گفته است: ایزیس بدون حجاب^۴ و نظریه‌ی رازآمیز^۵. اما به شیوه‌یی سطحی و سرسی بدون هر گونه مبنای علم ترکیبی آن را بررسی کرده است.

دوسیوره، ش.^۶: عالم ارجمند علوم قدیمه بخصوص به خاطر آثارش در باب موسیقی معروفیت دارد. ما به او اثری را موسوم به "خلاصه‌یی کتاب مقدس قبیله‌ی آپاچی از خاندان اولیه‌یی که آچاواتری مظهر خدای یگانه را ستایش می‌کرده‌اند"^۷ مدیونیم که در ارتباط با ثورای کولیها است. قبیله‌ی مزبور در حوالی هیمالیا می‌زیسته‌اند. این کتاب نمادگرایی بیست و دو رمز را بنا بر روایت کولیها بدون استنتاجی در باب علوم باطن تشریح کرده است.

ماذرز^۸: مؤلف انگلیسی. اخیراً کتاب کوچکی در ۶۰ صفحه در باب ثورا نوشته است که در آن هیچ چیز تازه‌یی وجود ندارد. فشرده‌یی است از تأثیفات نویسنده‌گان معروفی که در باب ثورا سالها تحقیق کرده‌اند. این کتاب بیشتر در باب طرز تفأل با ثورا است.

1- Star, Ely

2- *Les Mystères de L'Horoscope*

3- Blavatsky, H. P.

4- *Isis Unveiled*

5- *The Secret Doctrine*

6- Desivrey, Ch.

7- *Extrait du livre sacré de la tribu Opatchi, de la famille Primitif qui adorait Otchawatri representant Le Dieu Unique Otchawatri.*

8- Mothers

فصل هفدهم

۳۸۷

بورژه^۱: کار عظیمی در باب ثورای پیشگو منتشر کرده است، با نظریاتی کاملاً بکر و بدیع.

پیوب، پ.^۲: او ثورا را در کتاب خود تحلیل کرده است. در این باره به کتاب دیگر او با عنوان تحول علوم خفیه^۳ رجوع کنید.

اینها همگی افرادی هستند که آثارشان به دست ما رسیده است و در باب ثورا سخن گفته‌اند، یا از کلیدهای آن استفاده کرده‌اند. ممکن است نام چند تنی ذکر نشده باشد، پیشاپیش از ایشان پوزش می‌طلبیم.

1- Bourgeat

2- Piobbe, P.

3- *Evolution de L'Occultisme*

کتابنامه‌ی مترجم

۱- کتابنامه‌ی فارسی:

۱. آرام، احمد. علم در اسلام. تهران، سروش، ۱۳۶۶.
۲. آقونسو نلینو، کارلو. تاریخ نجوم اسلامی، ترجمه‌ی احمد آرام. تهران، کانون نشر و پژوهش‌های اسلامی، (بی‌تا).
۳. ذیبح، بهروز. تقویم و تاریخ در ایران.
۴. ذیبح، بهروز. خط و فرهنگ.
۵. دایره‌المعارف فارسی، ج ۱، به سرپرستی غلامحسین مصاحب. تهران، فرانکلین، ۱۳۴۵.
۶. دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه، به سرپرستی محمد معین و سید‌جعفر شهیدی. تهران، موسسه‌ی لغت‌نامه دهخدا، ۱۳۳۸.
۷. سجادی، سید‌جعفر. فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی. تهران، کابخانه‌ی طهوری، ۱۳۵۰.
۸. سجادی، سید‌جعفر. فرهنگ معارف اسلامی. تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۹۲.
۹. غفاری، اصلاح. سال‌ماری در ایران. تهران، سازمان انتشارات فروهر، ۱۳۶۷.
۱۰. کاویانی، شیوا. آینه‌قبلا (عرفان یهود). تهران، انتشارات فراروان، ۱۳۷۲.
۱۱. کتاب مقدس. بیل سوسایتی دارالسلطنه‌ی لندن، ۱۹۵۹ میلادی.
۱۲. گریمال، پیر. فرهنگ اساطیر یونان و رم، ترجمه‌ی احمد بهمنش. تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۶.
۱۳. محمد زکریای رازی. کتاب الاسرار یا رازهای صنعت کیمیا، ترجمه و تحقیق حسنعلی شیبانی. تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
۱۴. هاکس، جیمز. قاموس کتاب مقدس. تهران، ۱۳۴۹.

۱۵. داگلاس، آفرد. بی‌چینگ. ترجمه‌ی سودابه فضایلی. تهران، نشر نقره، ۱۳۶۲

۲- کتابنامه‌ی غیرفارسی

1. Blavatsky, H. P. *Isis Unveiled, A Master-Key*. Theosophical University Press, 1972.
2. Buber, Martin. *Les Recits Hassidiques*. Edition du Rocher, 1963.
3. Champeaux, Gerard de. *Le Monde des Symboles*. Zodiaque, MCMLXXII (1972).
4. Chevalier, Jean & Gheerbrant, Alain. *Dictionnaire des Symboles*. Paris, Robert Laffont/Jupiter, 1982.
5. Davy, Marie-Madeleine. *Encyclopedie des Mystique*. Seghers, 1972.
6. Douglas, Alfred. *The Tarot*. Penguin Books, 1974.
7. *Encyclopaedia Britannica*. Encyclopaedia Britannica Inc., 1961.
8. *GRAND LAROUSSE encyclopedique*, en dix volumes. Librairie Larousse, 1960.
9. Handjeri, Alexandre. *Dictionnaire Francais, Arabe, Persan, et Turc*. The Pahlavi Commemorative Reprint Series, 1976.
10. Ions, Veronica. *Egyptian Mythology*. Paul Hamlyn, 1968.
11. Kamil, Jill. *Luxor, A Guide to Ancient Thebes*. Longman, 1973.
12. *New Larousse Encyclopedia of Mythology*, introduced by Robert Graves. Paul Hamlyn, 1968.
13. Orbis Terrae Aegyptiae. *Thebes*. Lehnert & Landrock, 1974.
14. Orbis Terrae Aegyptiae. *TUT-ANKH-AMEN*. Lehnert & Landrock, 1976.
15. Stutley, Margaret & James. *A Dictionary of Hinduism*. Routledge & Kegan Paul, 1977.
16. Whittick, Arnold. *Symboles and Signs and their Meaning*. London, Leonard Hill (Books), 1960.
17. *World Mythology*. Henry Holt and Company, 1993.

فهرست:

مقدمه‌ی مترجم یک تا ده
آشنایی با مؤلف کتاب ۱
پیشگفتار ۵
فصل اول: مقدمه‌ی بر آشنایی با ثورا ۱۱
فصل دوم: واژه‌ی مقدس: واژه‌ی قبالایی "وهه" ۲۷
فصل سوم: عرفان اعداد ۳۷
فصل چهارم: ارتباط کلمه‌ی مقدس و اعداد ۴۷
فصل پنجم: کلید رمز صغير ۵۳
فصل ششم: کلید رمز كبير ۷۳
فصل هفتم: رابطه‌ی ميان رمز كبير و صغير ۸۵
فصل هشتم: مقدمه بر بررسی نمادگرایی ثورا ۱۰۲
فصل نهم: تاریخ نمادگرایی ثورا ۱۱۵
فصل دهم: ثورای نمادین ۱۳۵
اولین برگ ثورا: مبدأ معنای تمام برگهای ثورا ۱۴۱
نمادگرایی اولین برگ ثورا: مُخ ۱۴۹
نمادگرایی دومین برگ ثورا: پاپبانو ۱۵۸
نمادگرایی سومین برگ ثورا: شاهبانو یا امپراطريس ۱۶۲
نمادگرایی چهارمین برگ ثورا: شاه یا امپراطور ۱۶۸
نمادگرایی پنجمین برگ ثورا: پاپ ۱۷۳
نمادگرایی ششمین برگ ثورا: عاشق ۱۷۸
فصل یازدهم: هفت تایی دوم: رمز ۷ تا ۱۳ ۱۸۳
نمادگرایی هفتمین برگ ثورا: اربه ۱۸۸

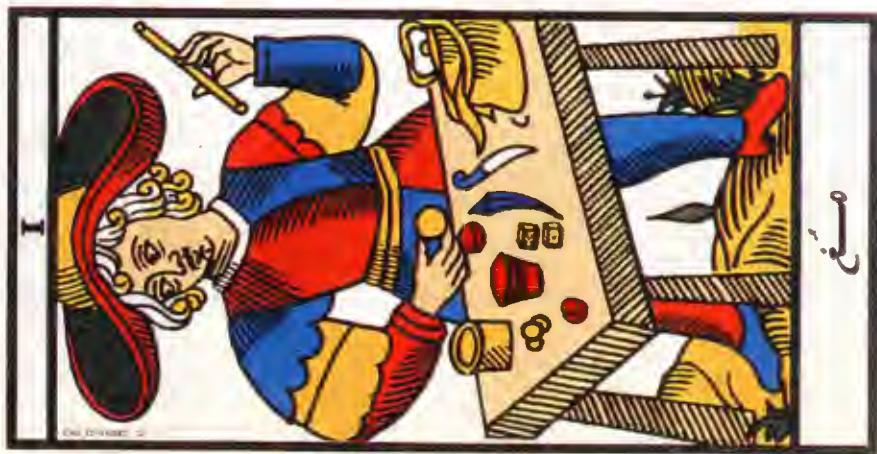
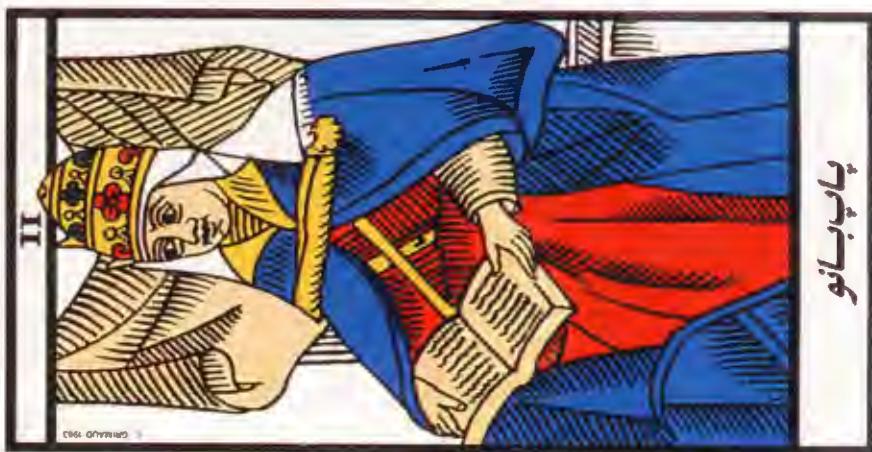
نمادگرایی هشتمین برگ ثورا: عدالت.....	۱۹۴
نمادگرایی نهمین برگ ثورا: درویش	۱۹۹
نمادگرایی دهمین برگ ثورا: چرخ سرنوشت	۲۰۴
نمادگرایی یازدهمین برگ ثورا: نیرو	۲۱۰
نمادگرایی دوازدهمین برگ ثورا: بدآرآویخته.....	۲۱۴
فصل دوازدهم: هفت تایی سوم، رموز ۱۳ تا ۱۹	۲۱۹
نمادگرایی سیزدهمین برگ ثورا: اسکلت دروگر.....	۲۲۴
نمادگرایی چهاردهمین برگ ثورا: اعتدال	۲۲۹
نمادگرایی پانزدهمین ثورا: شیطان	۲۳۳
نمادگرایی شانزدهمین برگ ثورا: برج	۲۳۸
نمادگرایی هفدهمین برگ ثورا: ستاره.....	۲۴۲
نمادگرایی هیجدهمین برگ ثورا: ماه	۲۴۷
فصل سیزدهم: انتقال رموز کلی، رموز ۱۹ تا ۲۱	۲۵۱
نمادگرایی نوزدهمین برگ ثورا: خورشید	۲۵۵
نمادگرایی بیستمین برگ ثورا: قیامت.....	۲۵۹
نمادگرایی بیست و یکمین برگ ثورا: شیدا.....	۲۶۴
نمادگرایی بیست و دومین برگ ثورا: دنیا	۲۶۸
فصل چهاردهم: کلید کلی کاربرد ثورا.....	۲۷۹
ثورا از نظر فلسفی.....	۲۸۹
فصل پانزدهم: ثورای نجومی.....	۳۰۱
اطلاعات کولیها در باب ثورای نجومی:	
نوشته‌ی ژ. آ. وابان	۳۱۳
در باب ثورا: نوشته‌ی آتنوان کور دو ژبلن.....	۳۱۷
فصل شانزدهم: تفال با ثورا در هفت درس	۳۳۱
درس اول: ساده کردن قواعد چیدن برگهای ثورا.....	۳۳۷
درس دوم: رموز صغیر.....	۳۳۹
درس سوم: رموز کبیر.....	۳۴۹
درس چهارم: مبای کاربرد این اطلاعات	۳۵۲
درس پنجم: طریقه‌ی چیدن ثورا	۳۵۷
درس ششم: شیوه‌ی ابداعی و چاپ نشده‌ی اتلا برای چیدن	
ثورا از روی یکی از کمیابترین آثارش	۳۶۳

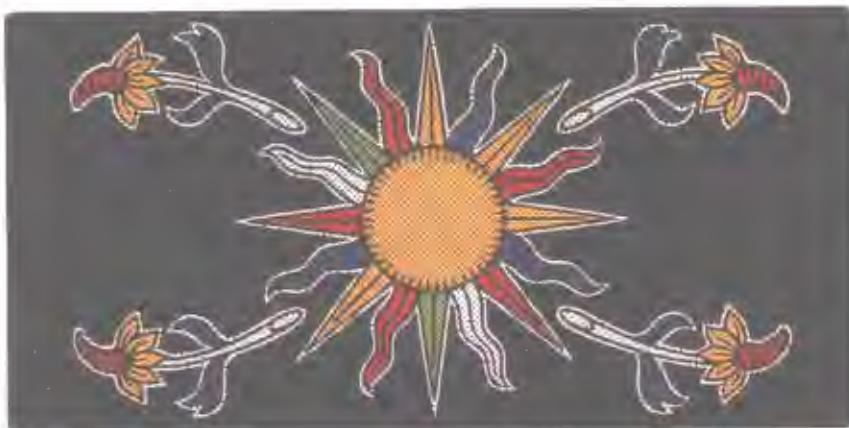
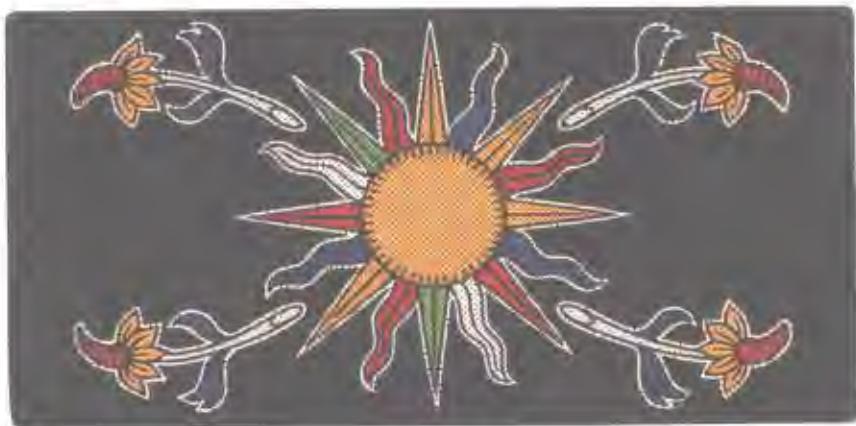
درس هفتم: جمع‌بندی دروس ۳۷۱	
فصل هفدهم: جمع‌بندی کلی ۳۷۳	
فهرست مؤلفان و مکتبهایی که در باب ثورا تحقیق کرده‌اند ۳۸۲	
کتابنامه‌ی مترجم ۳۸۹	
فهرست ۳۹۳	

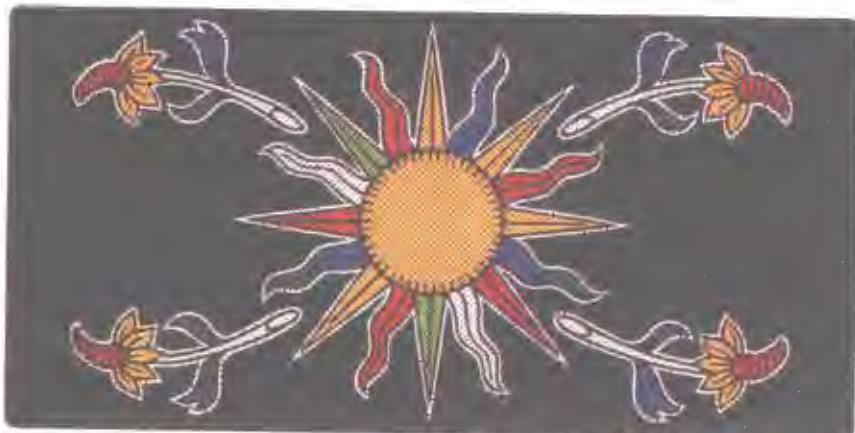
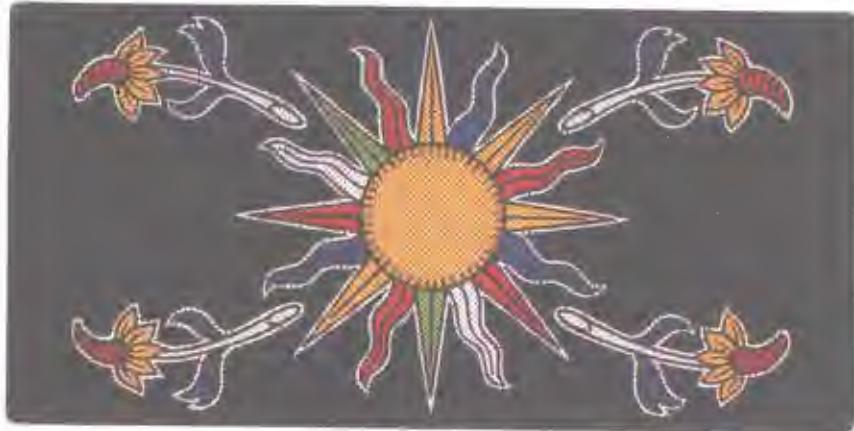
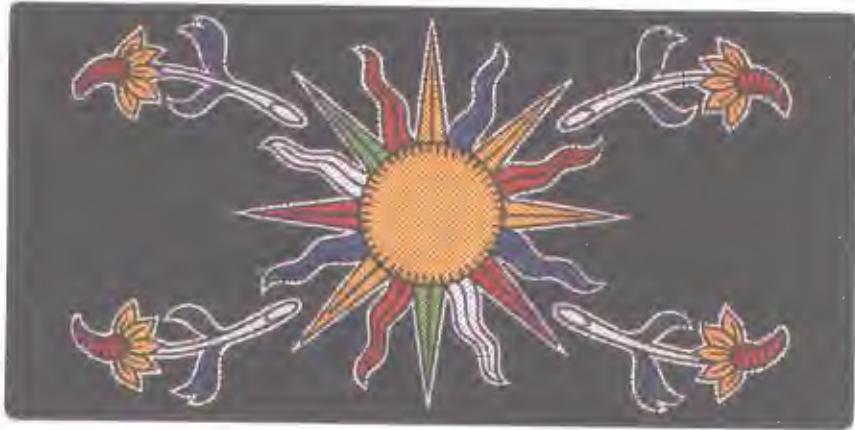
فهرست تصاویر:

برگهایی از ثورای پاپوس ۲۶۲	
تطابق نجومی-کیمیایی ثورا، توسط اتلا ۳۰۰	
رابطه‌ی دوازده صورت فلکی و اندامهای بدن ۳۱۱	
تکحالها در ثورای کور دو ژبلن ۳۳۰	

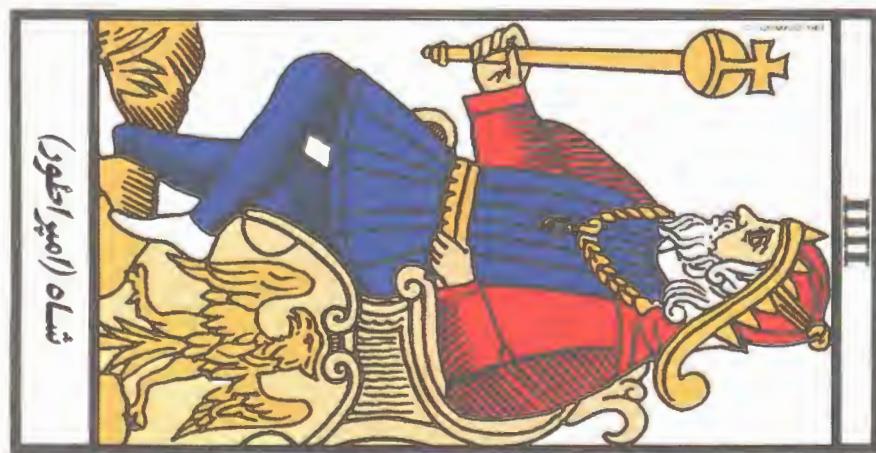
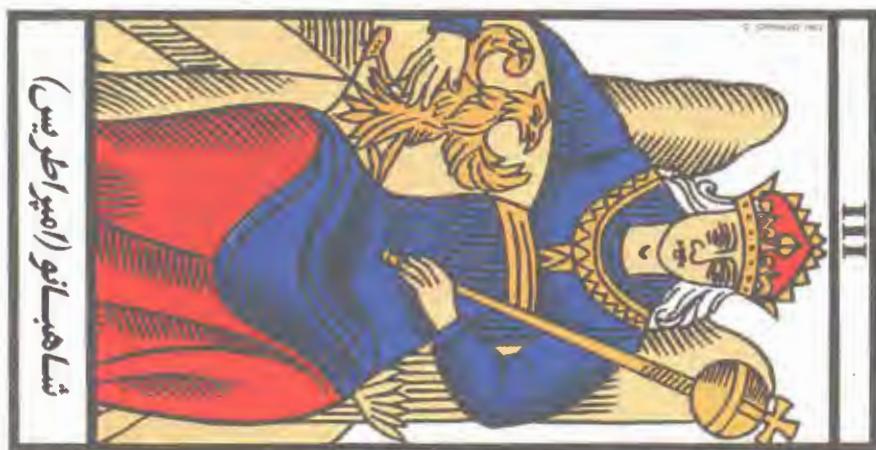
رموز کبیر



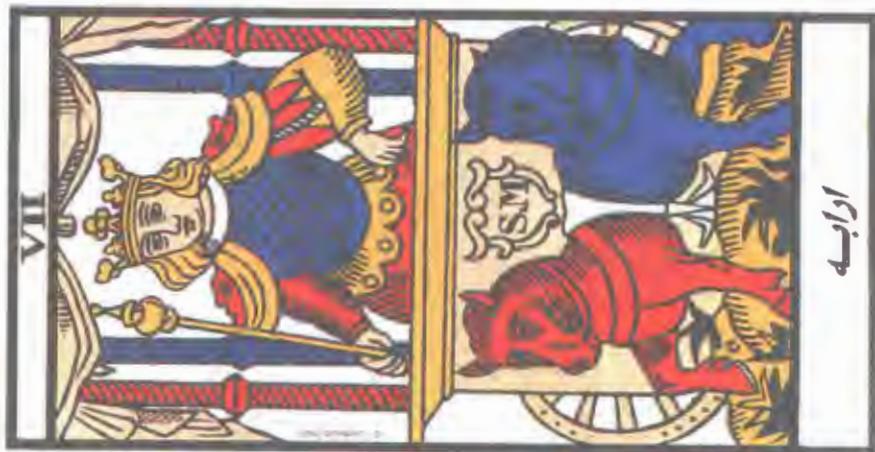




رموز کبیر



رموز کبیر



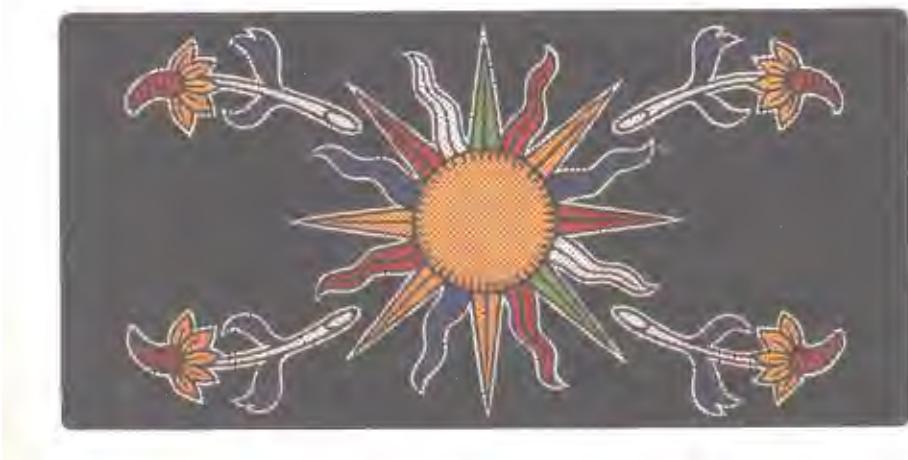
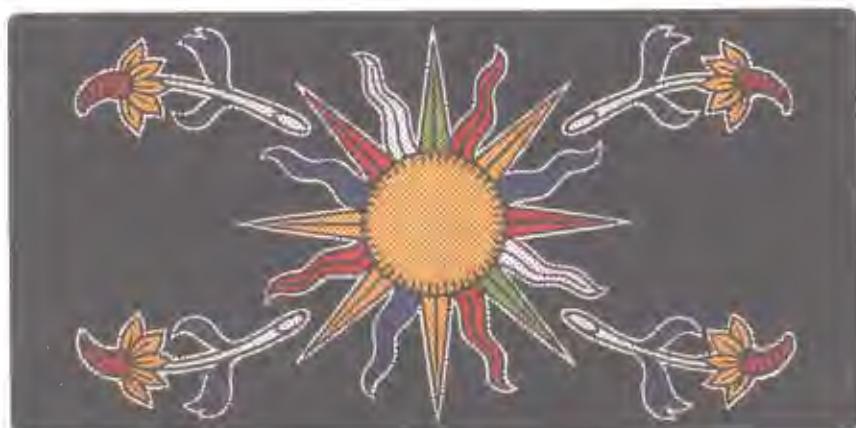
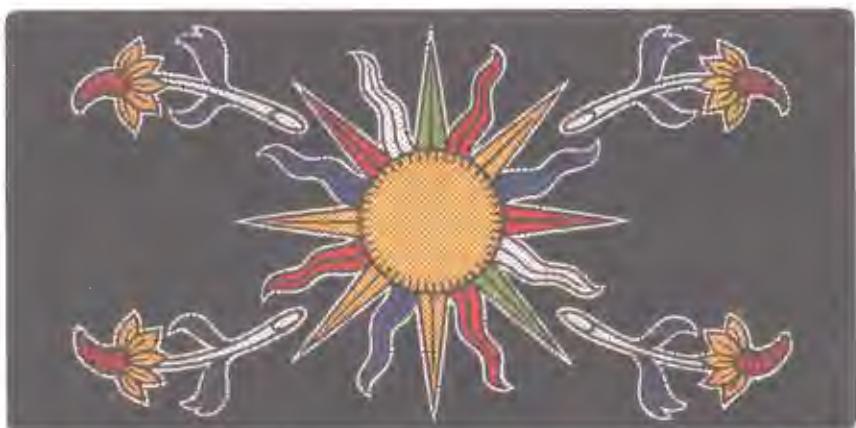
ارابه

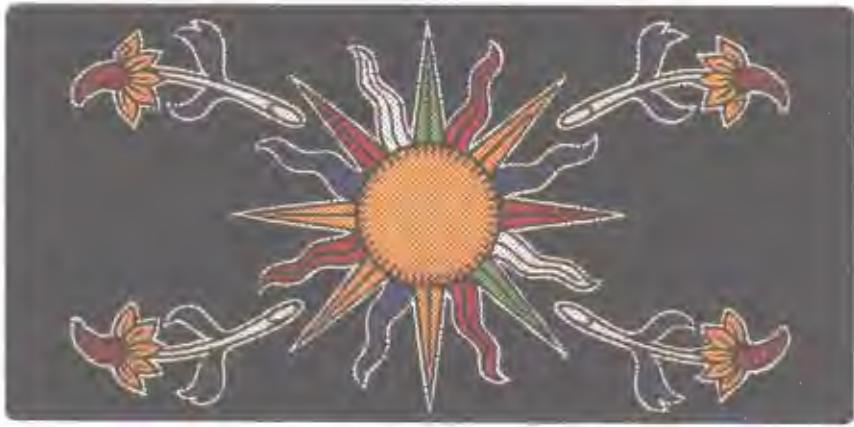
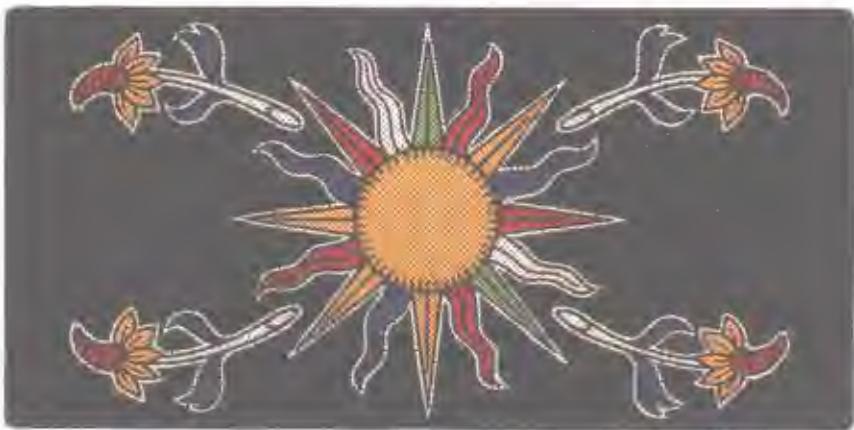
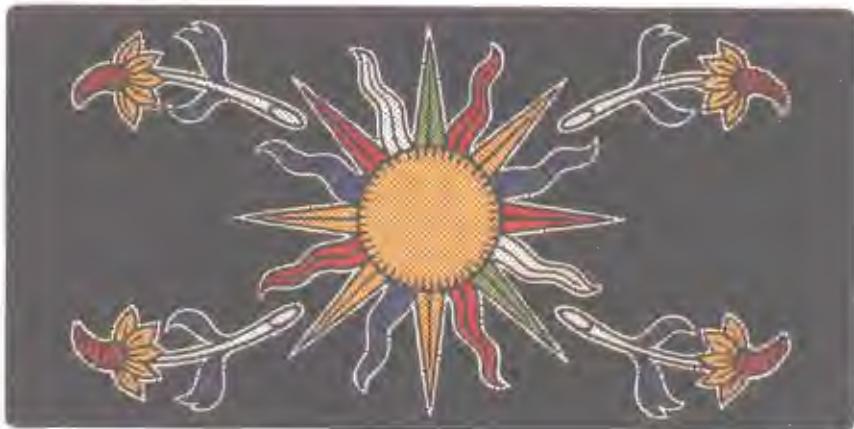


عاشق

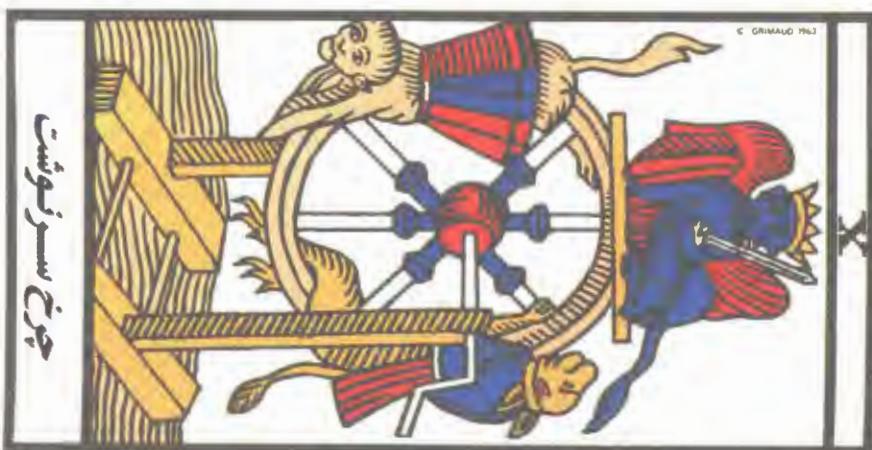
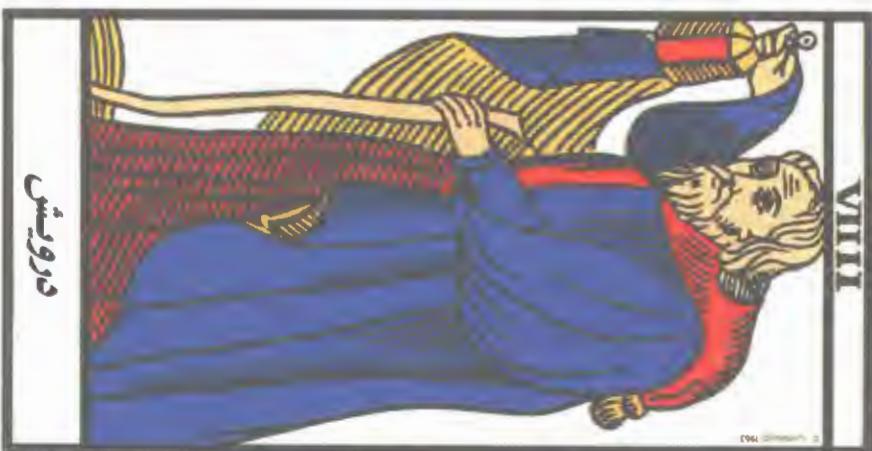


باب

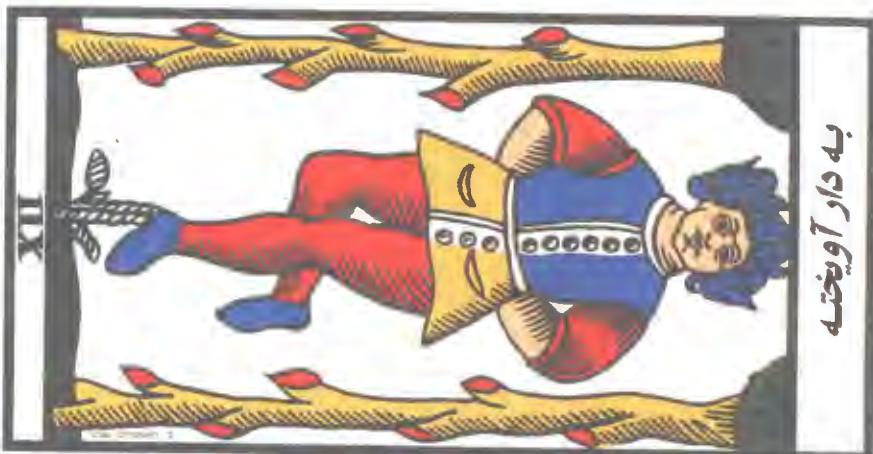
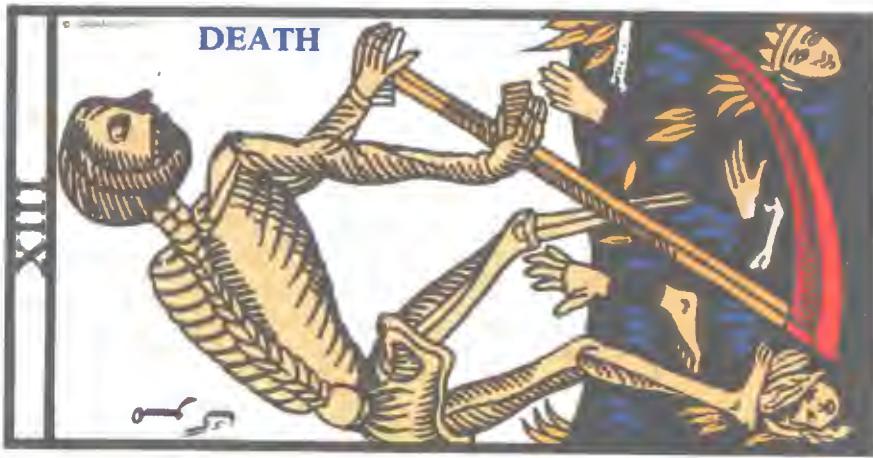


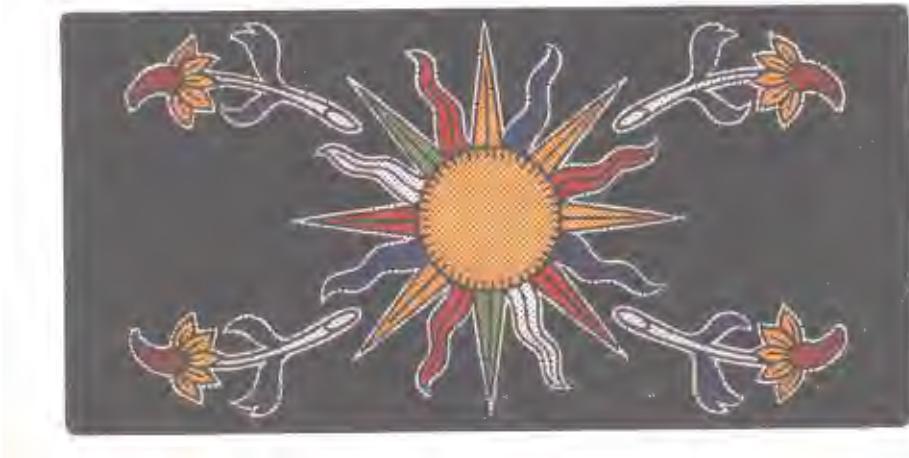
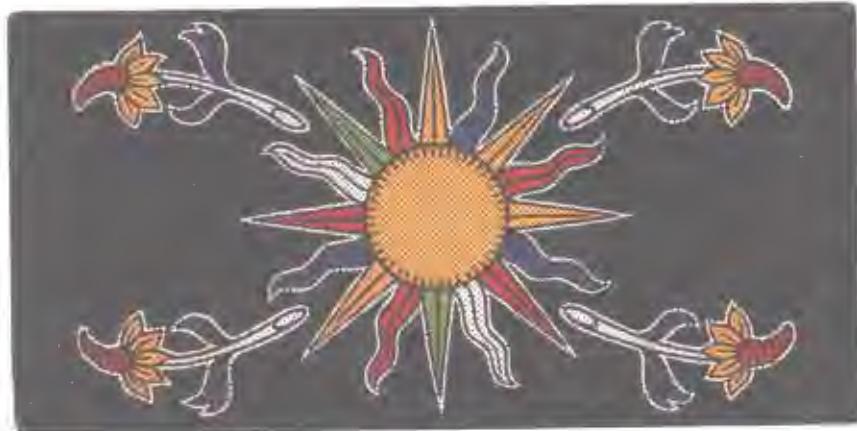
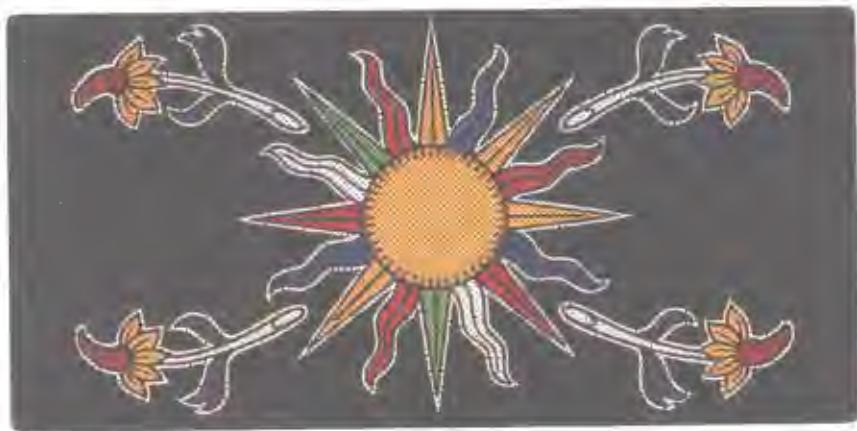


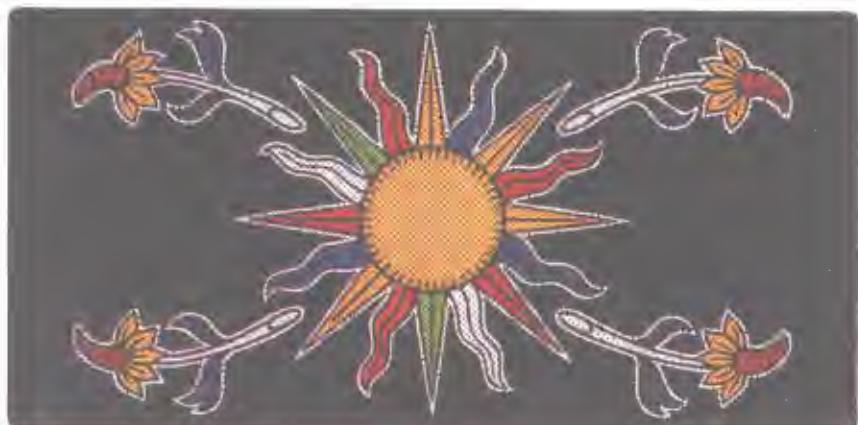
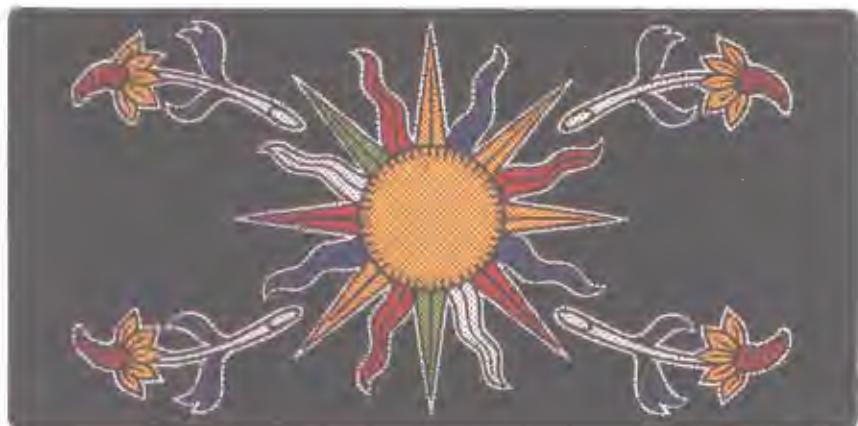
رموز کبیر



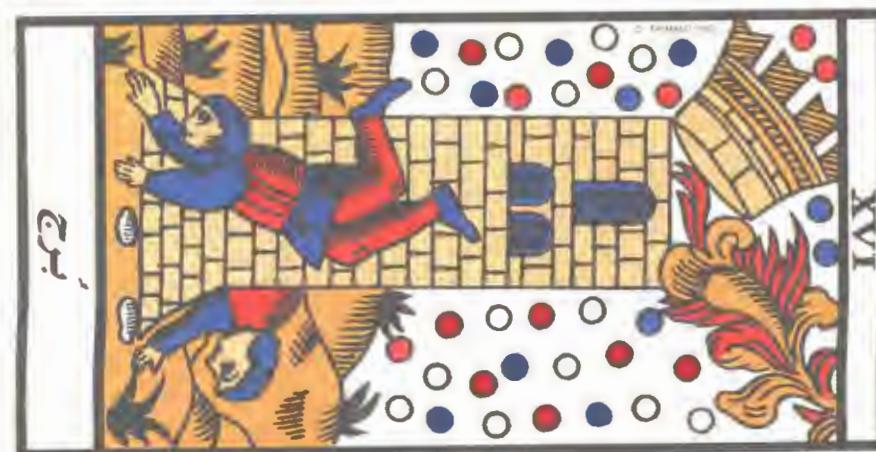
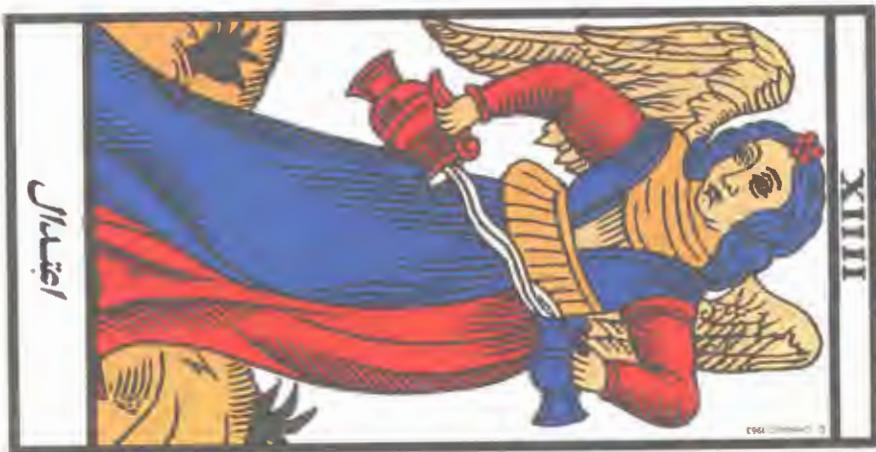
رموز کبیر







رموز کبیر



رموز کبیر



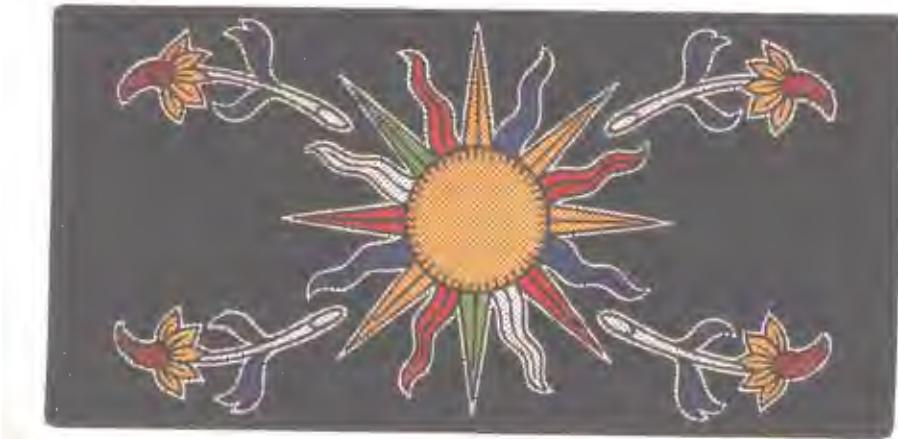
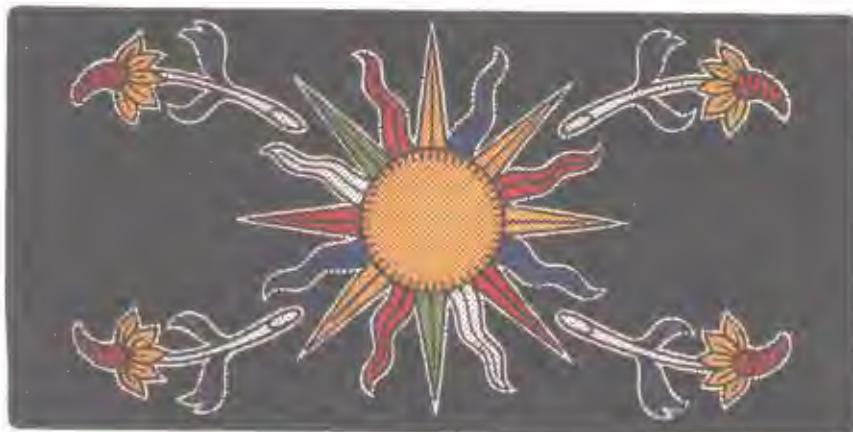
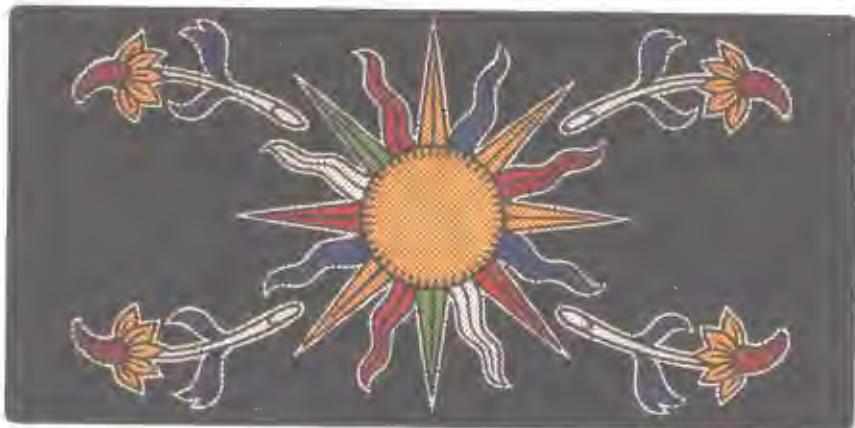
خواشید

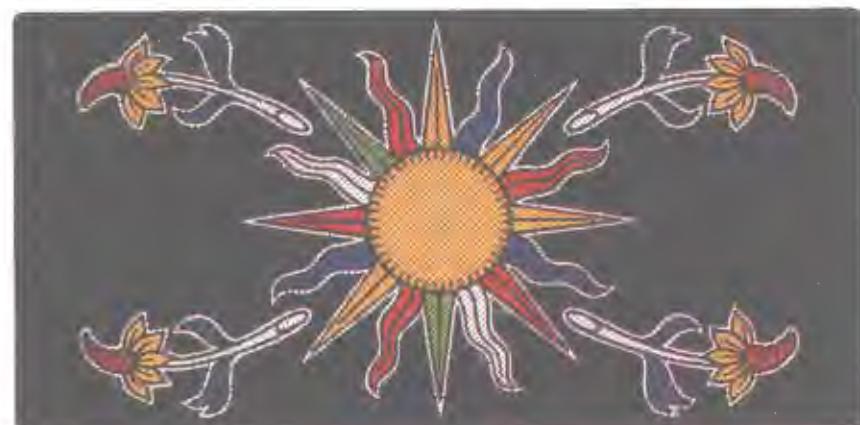
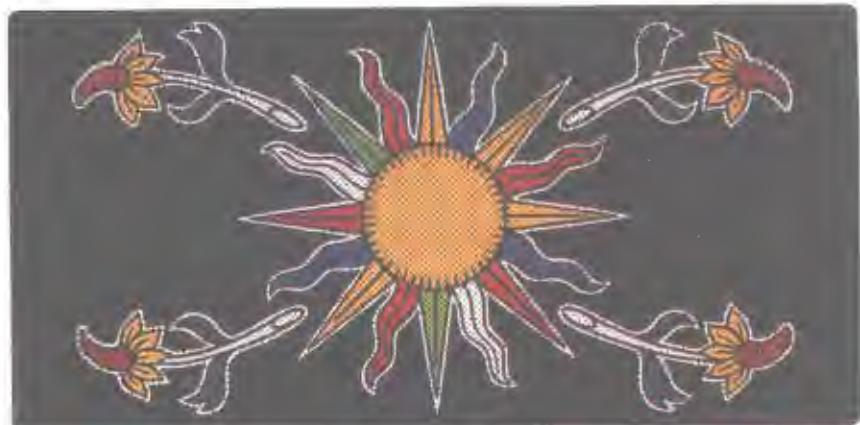
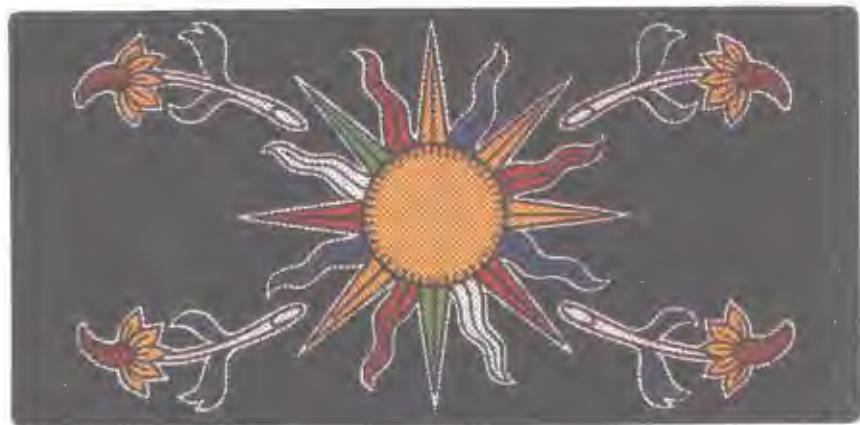


مساهم



ستاره



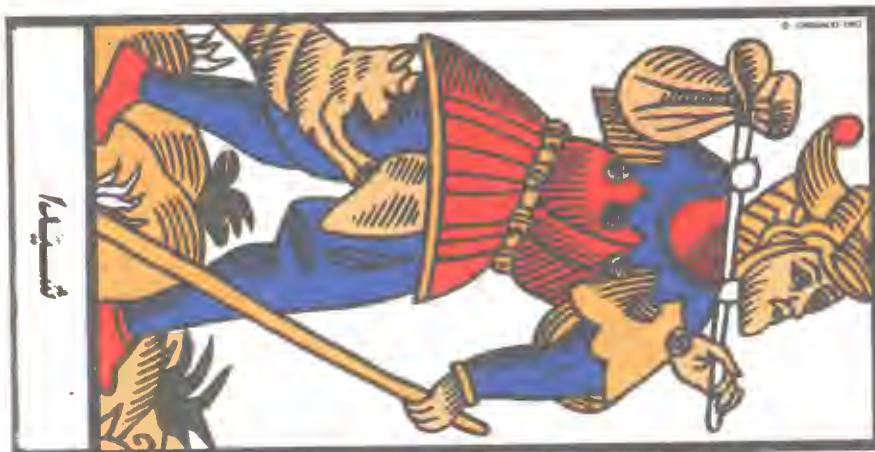


رموز کبیر



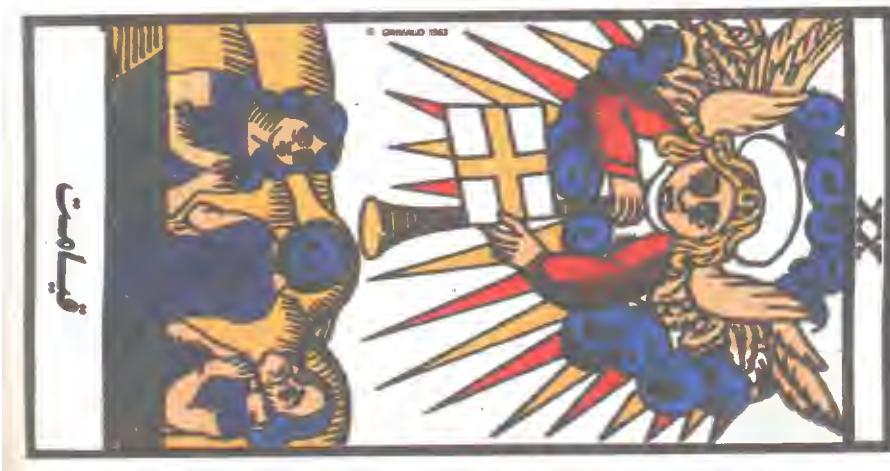
بیشه

دش



لذت

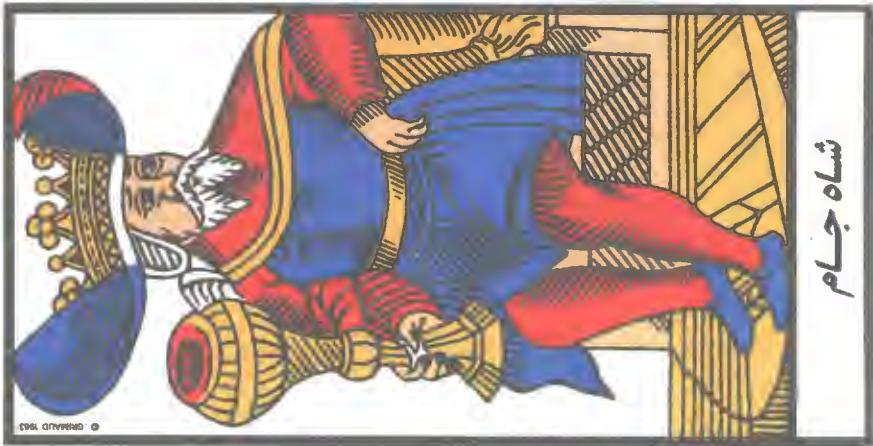
دش



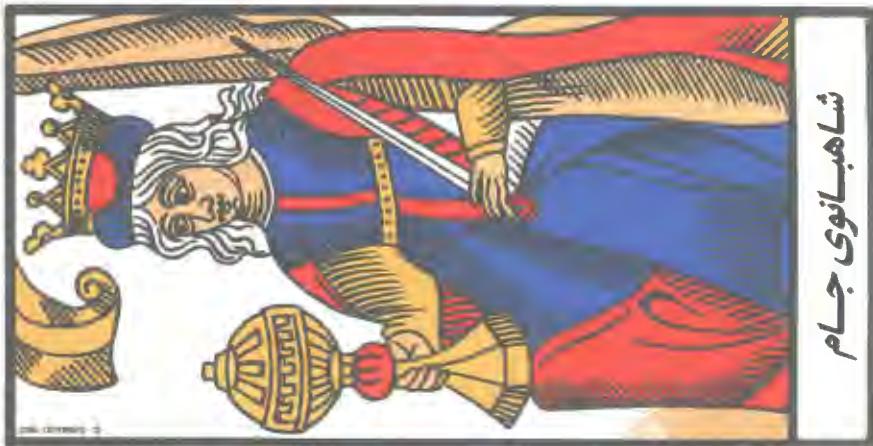
پیامت

دش

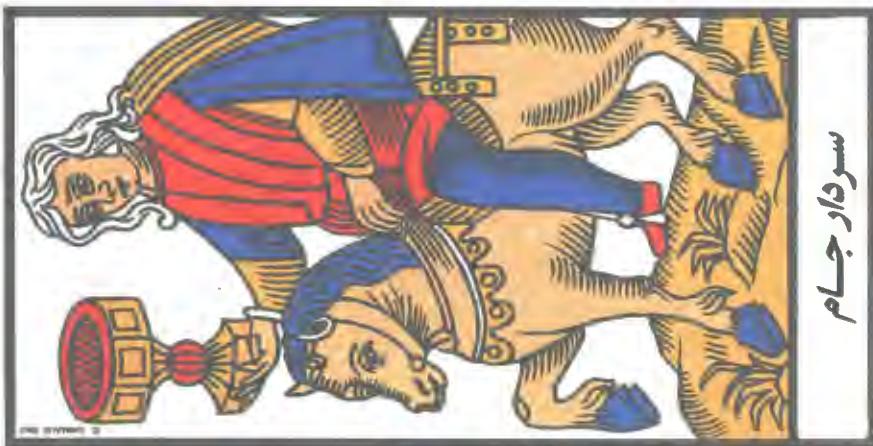
رموز صغیر (جام)



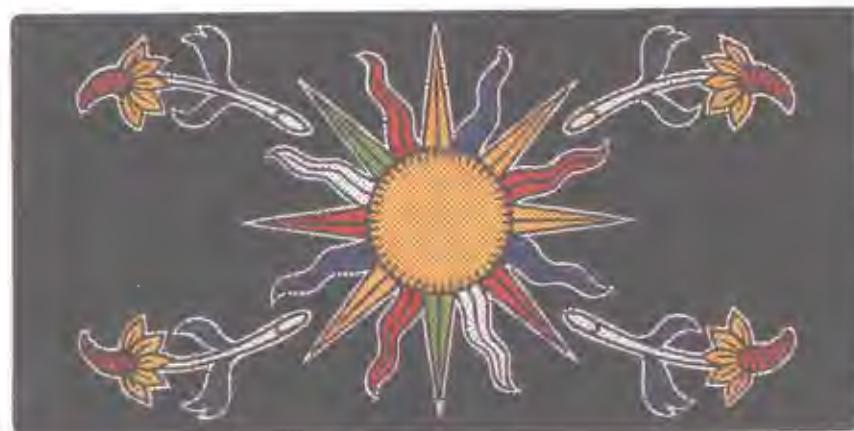
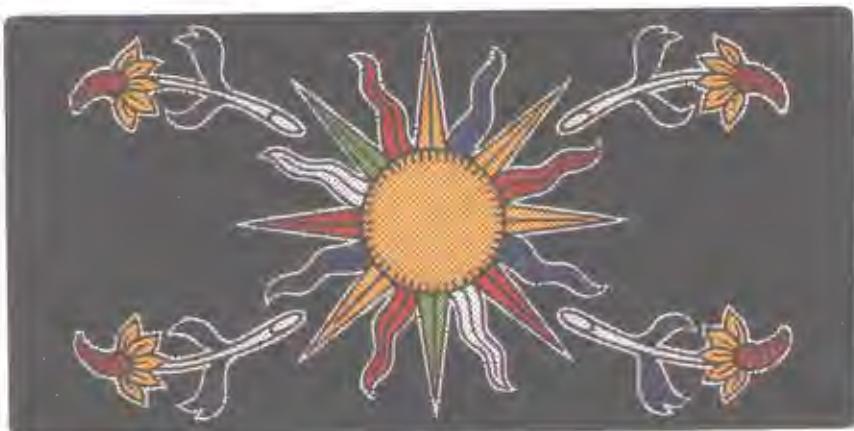
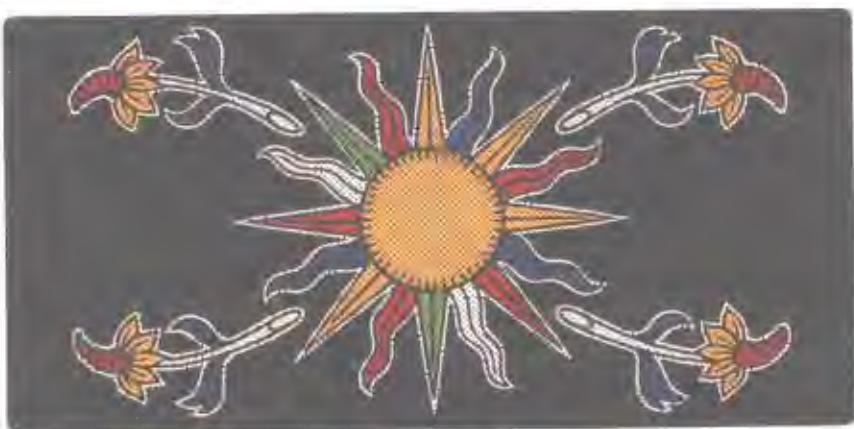
شاه جام

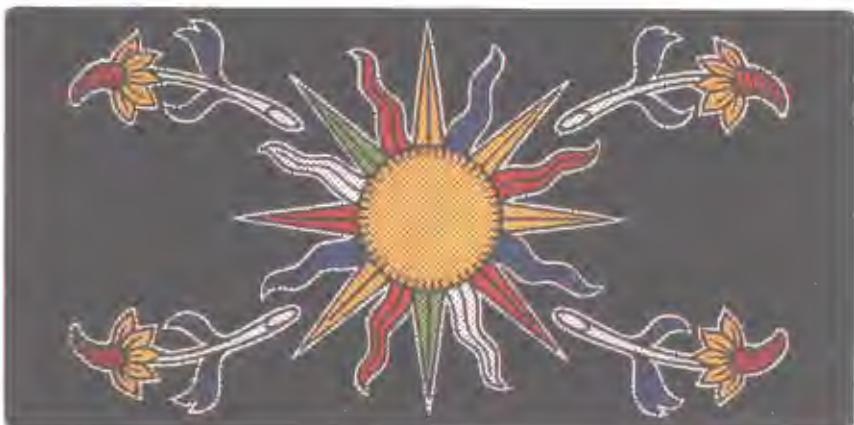
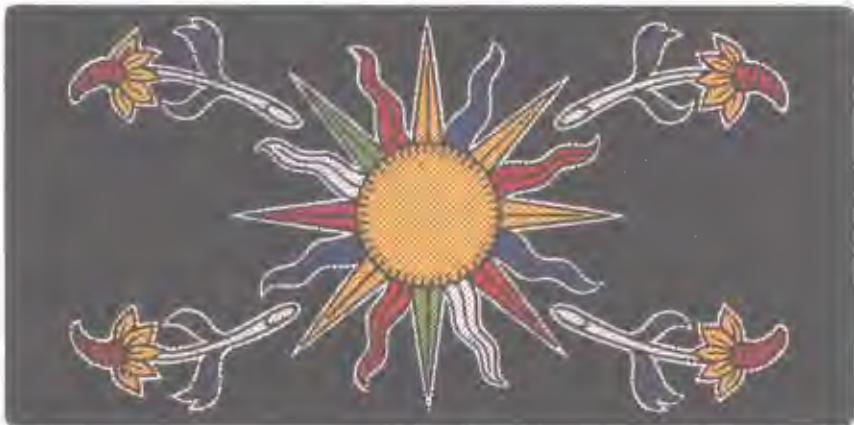
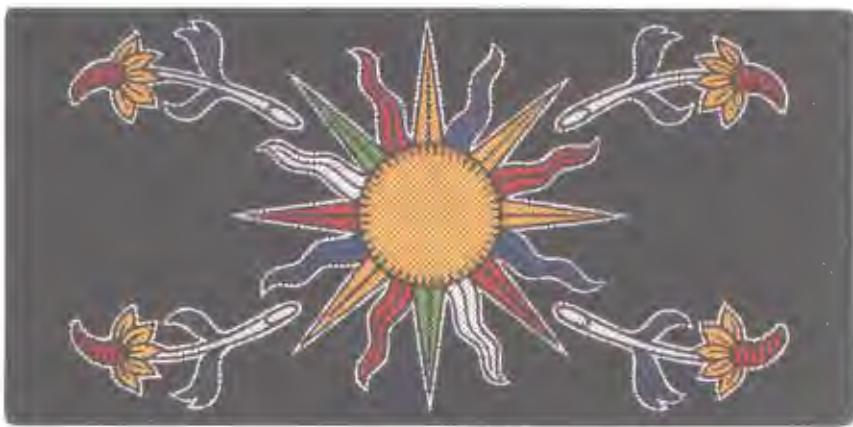


شاهبانوی جام

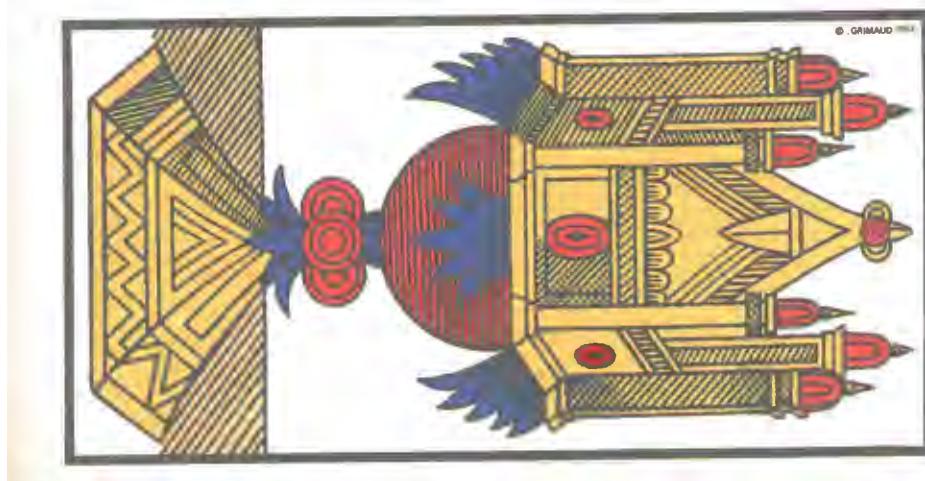
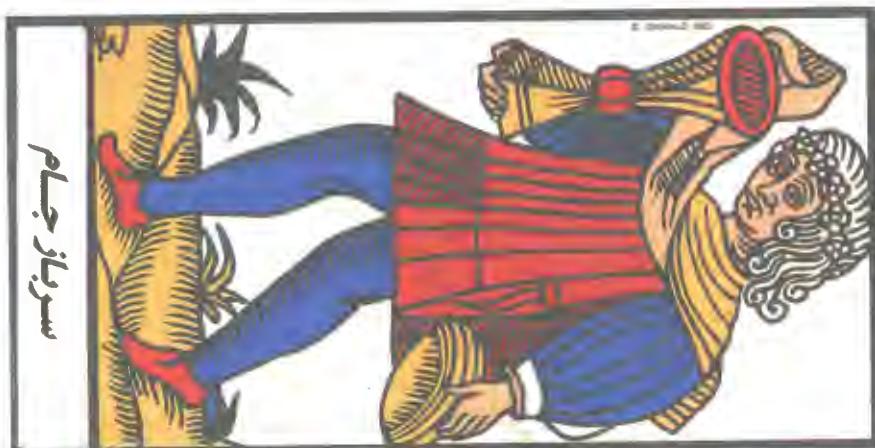


سردار جام

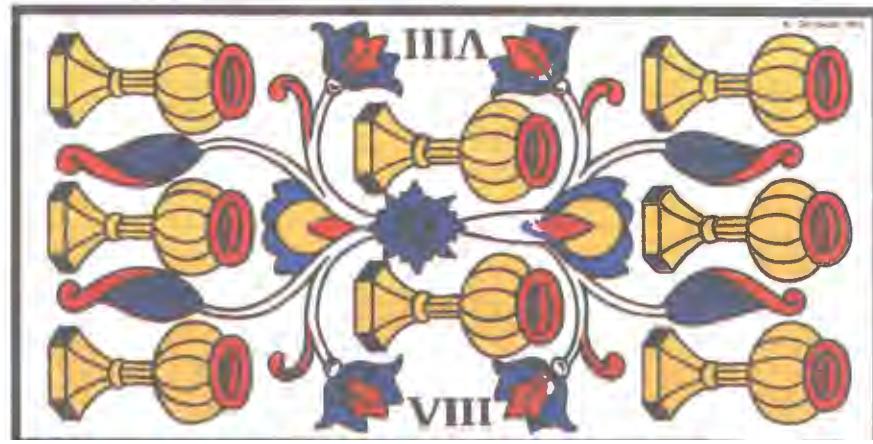
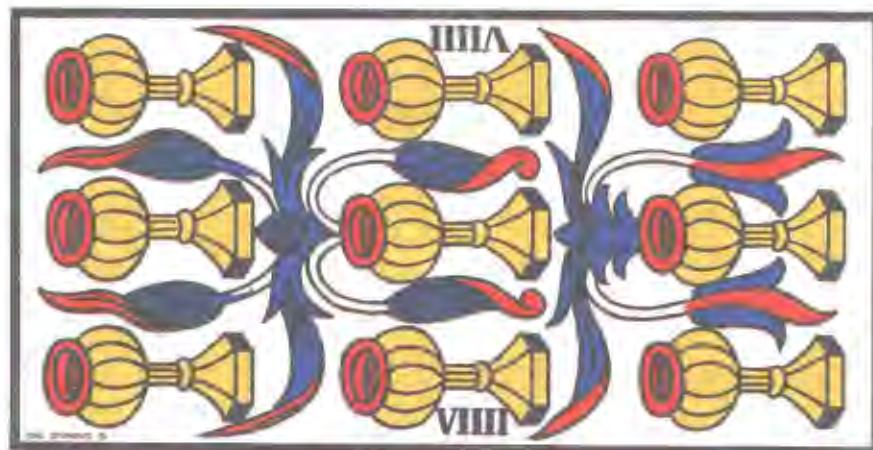
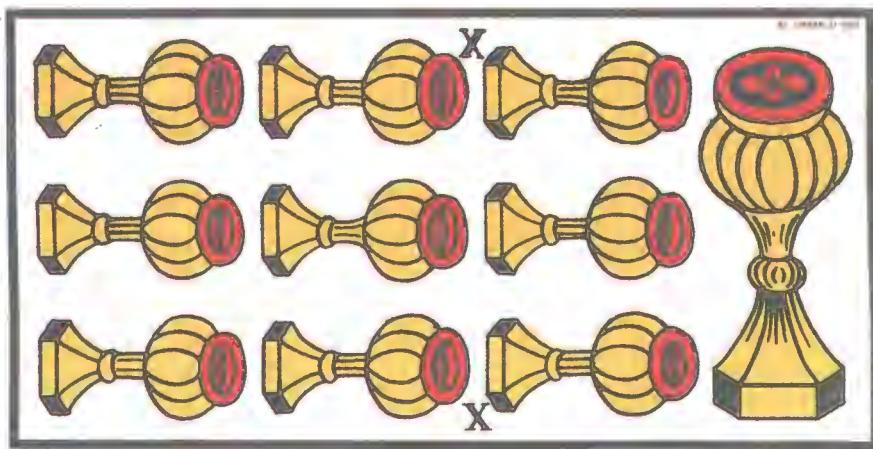


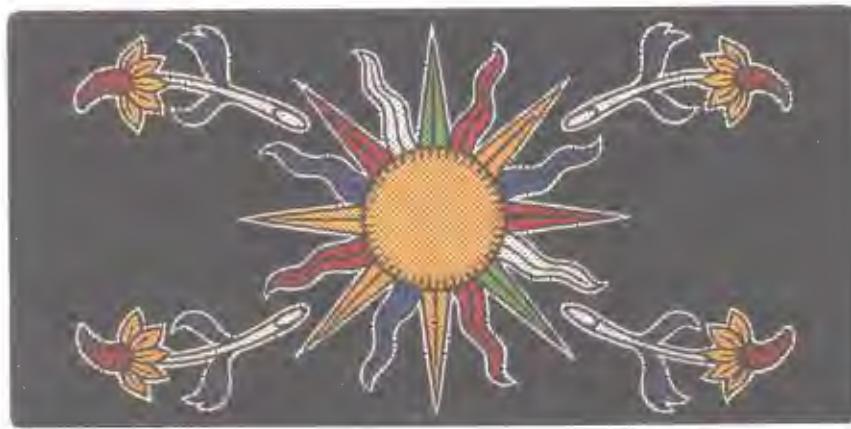
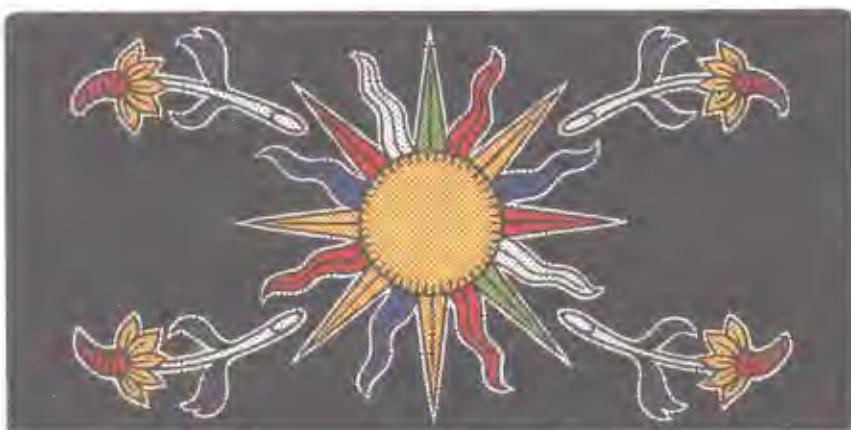


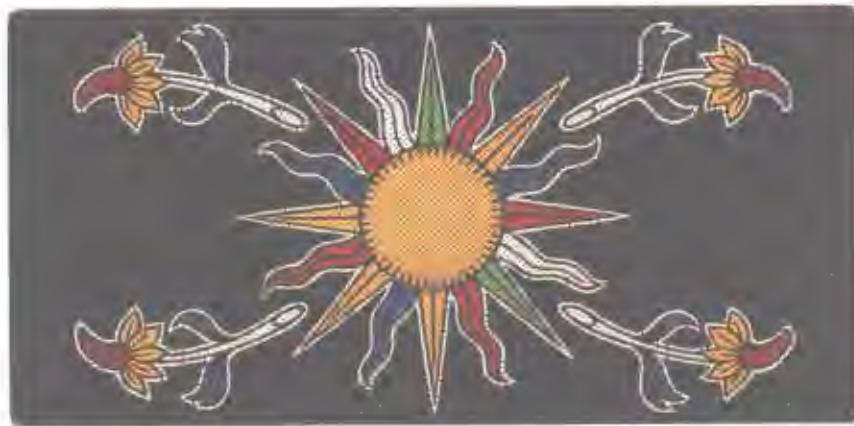
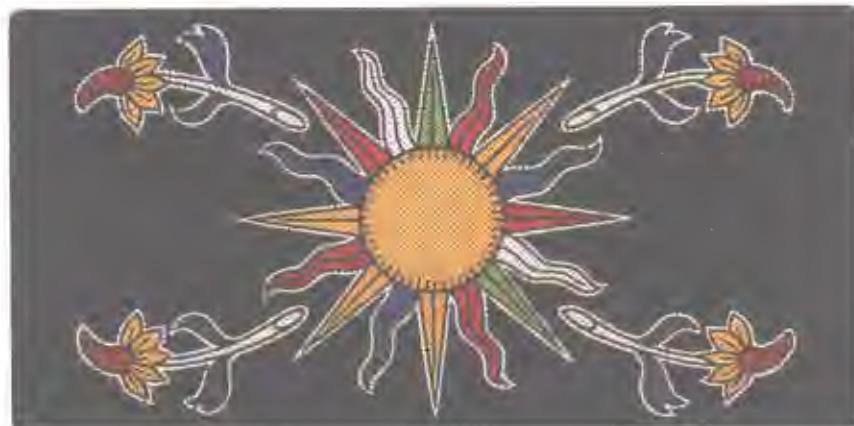
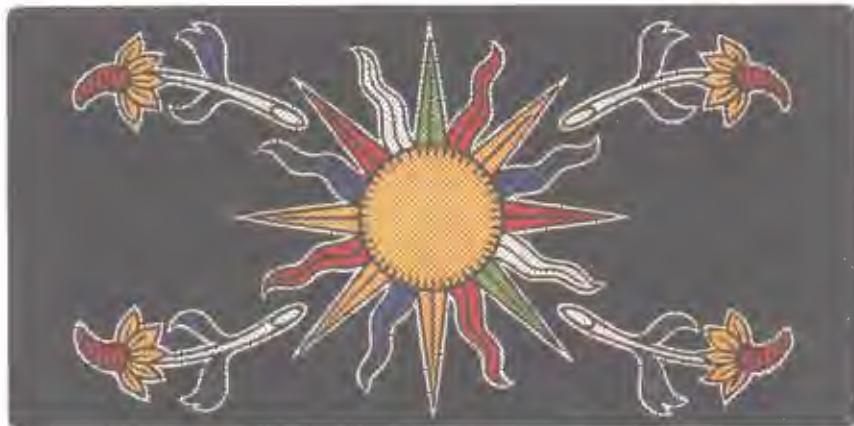
رموز صغیر (جام)



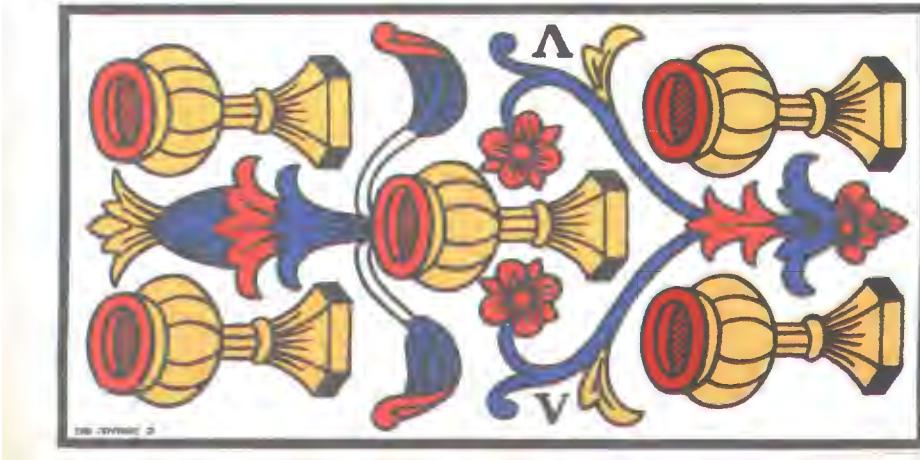
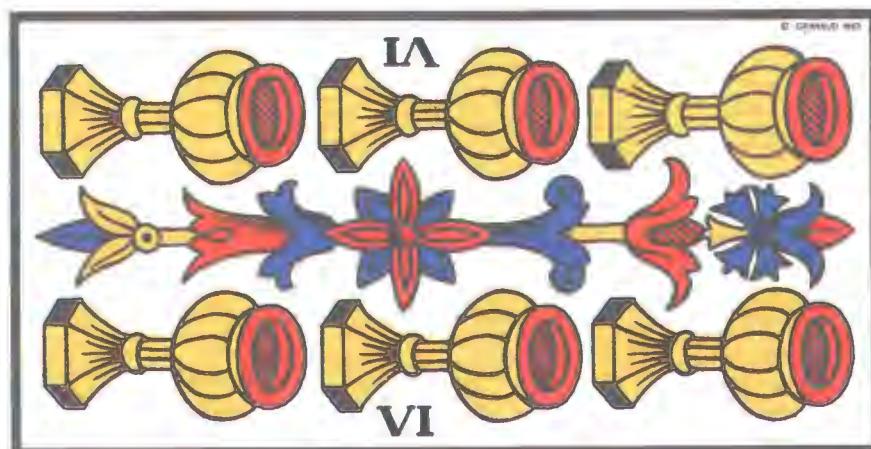
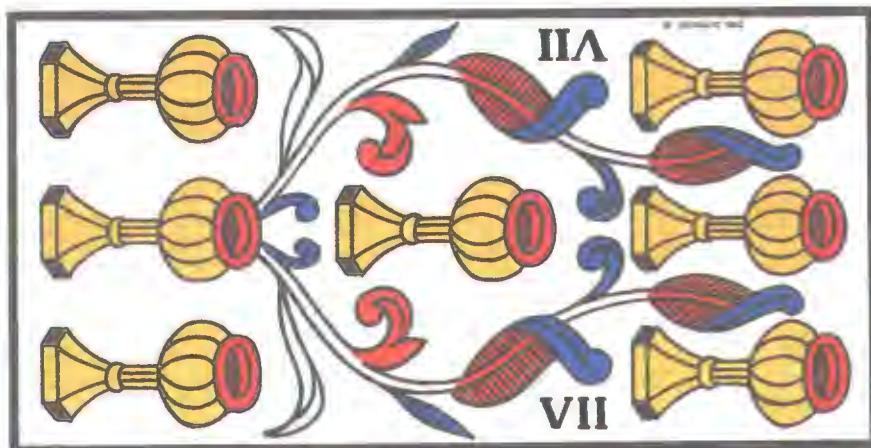
رموز صغیر (جام)



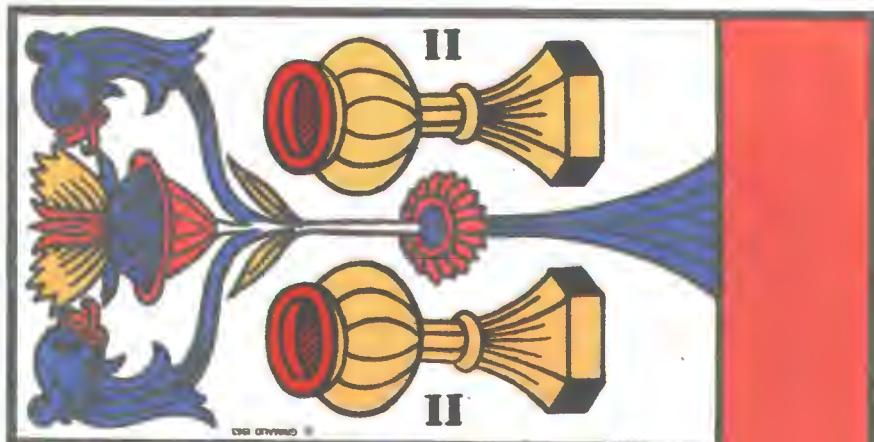
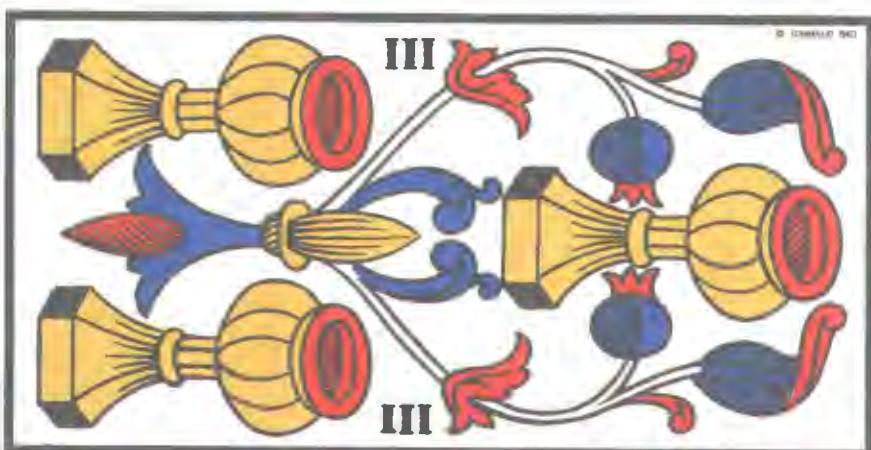
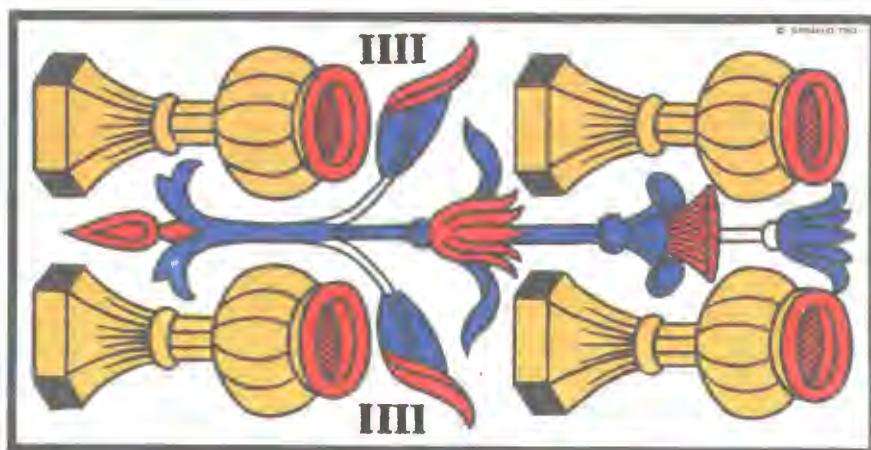


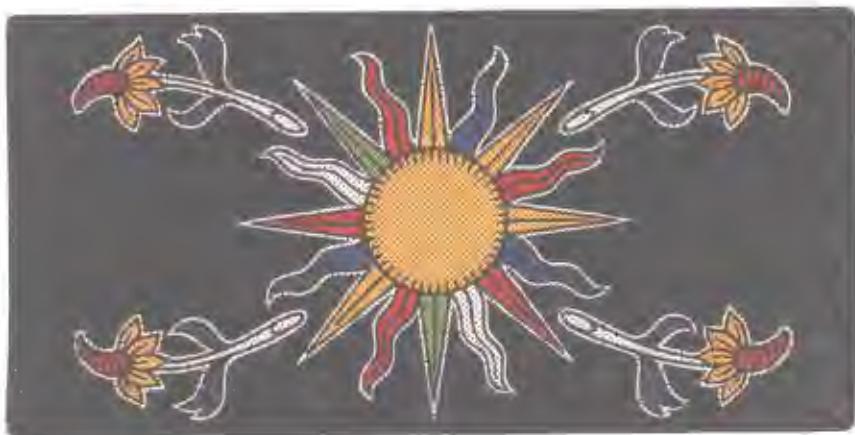


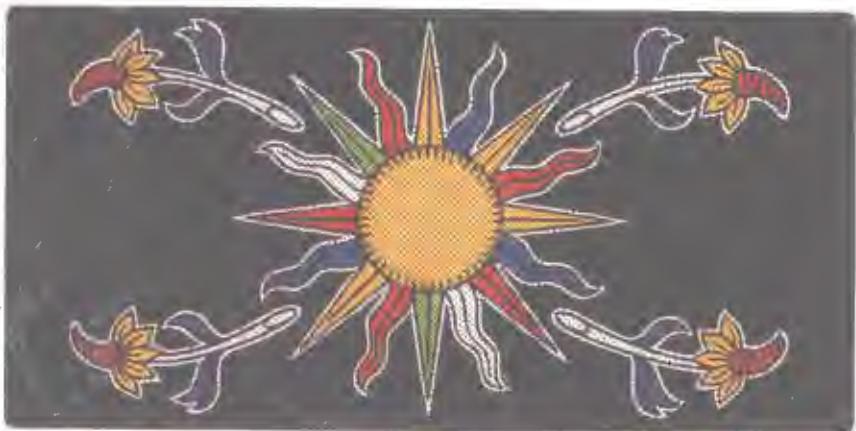
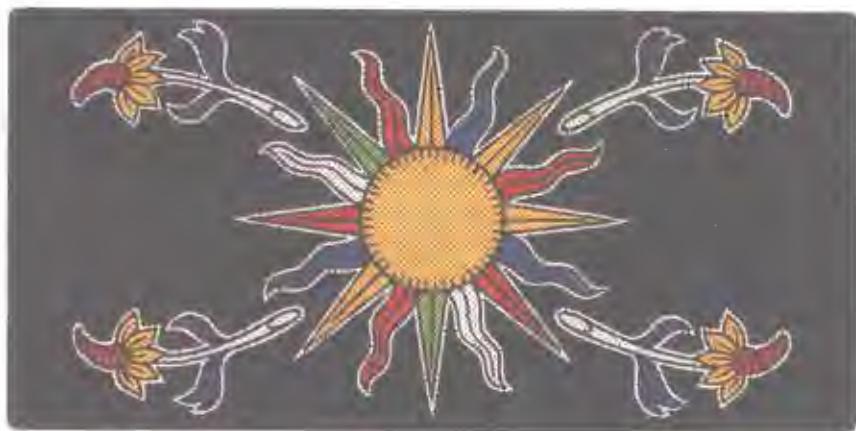
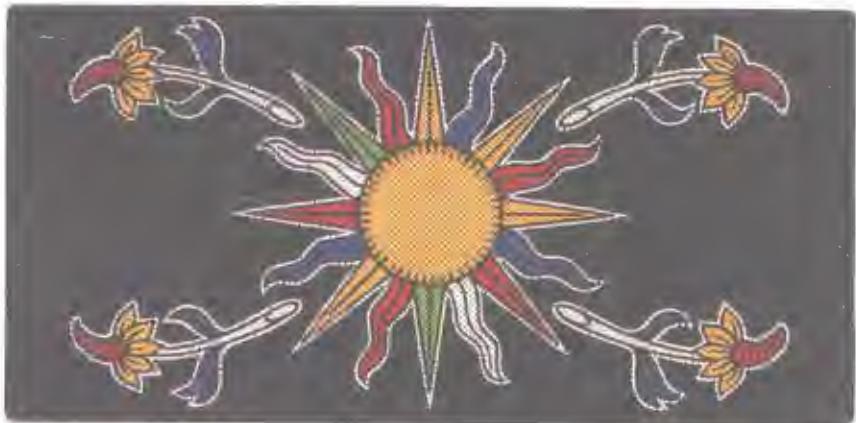
رموز صغیر (جام)



رموز صغير (جام)







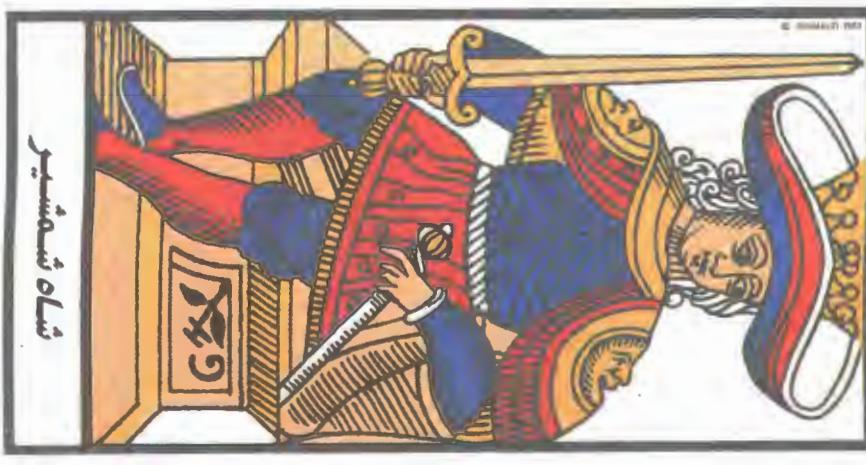
رموز صغیر (شمშیر)



سروار شمشیر

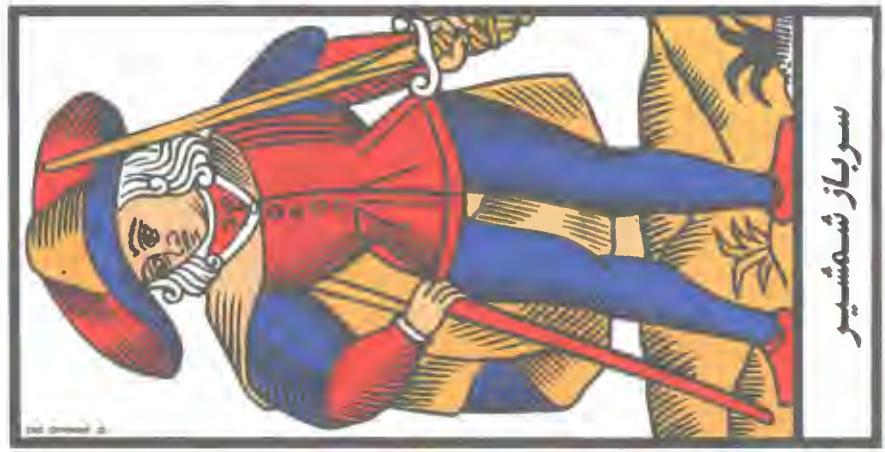
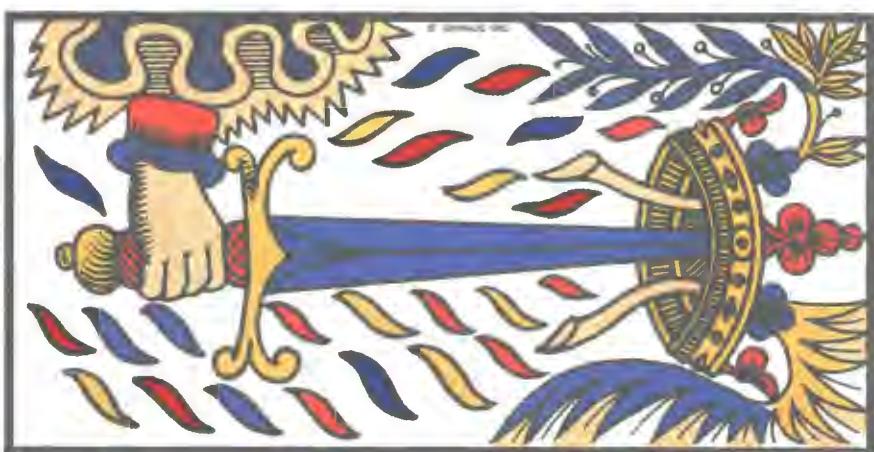


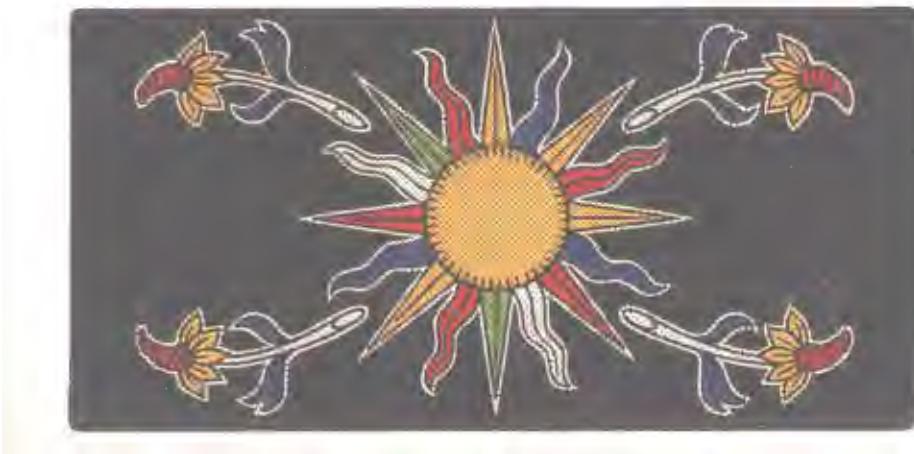
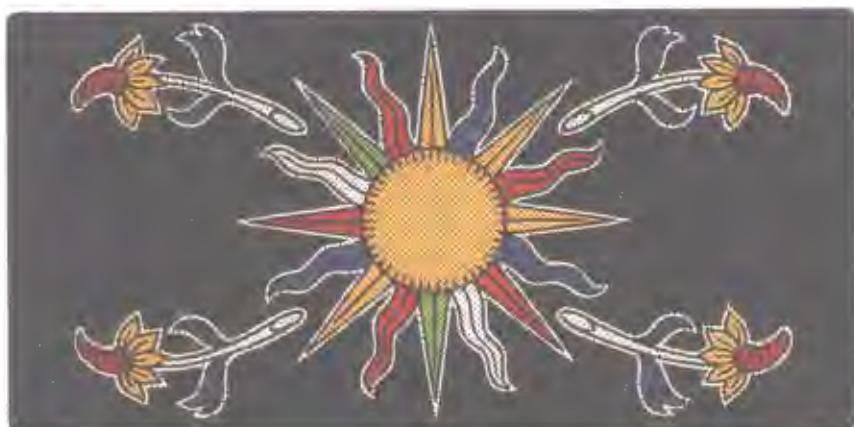
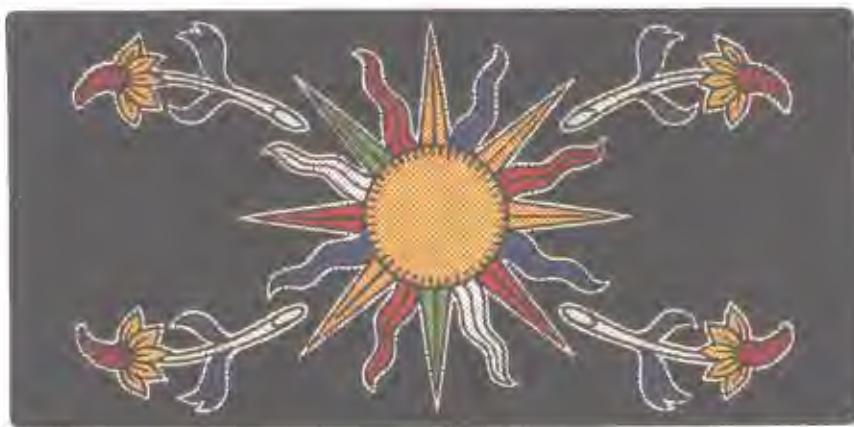
شاهبانوی شمشیر

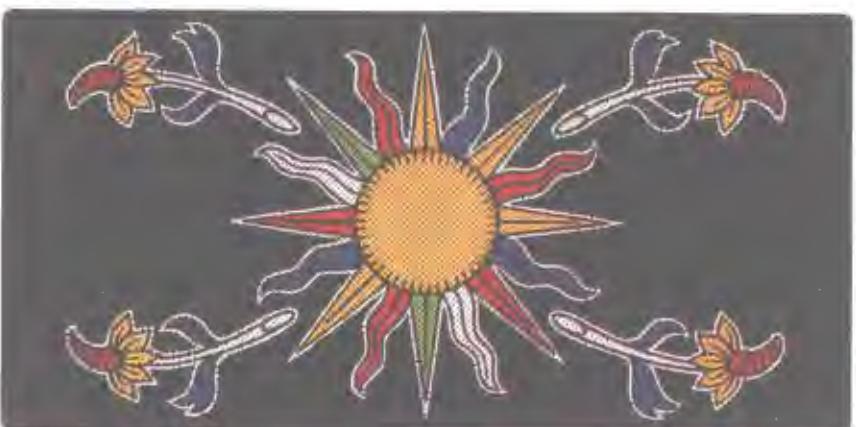
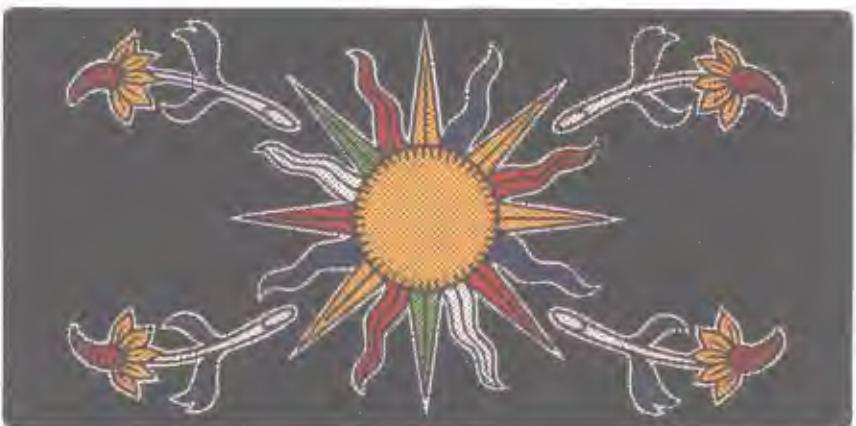
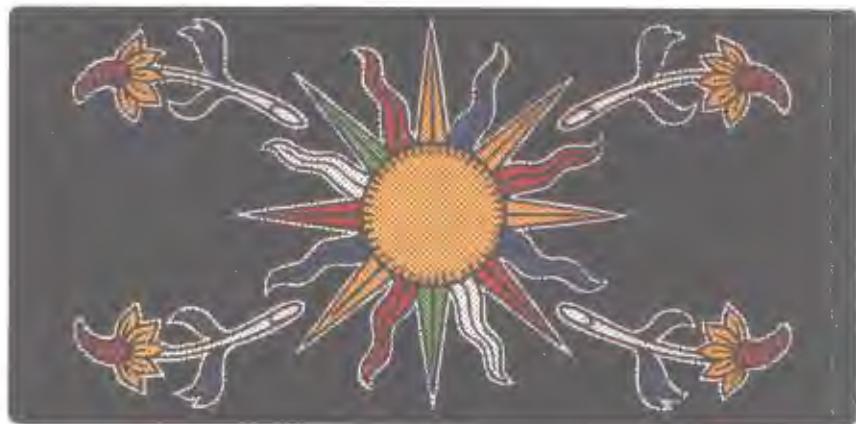


شاه شمشیر

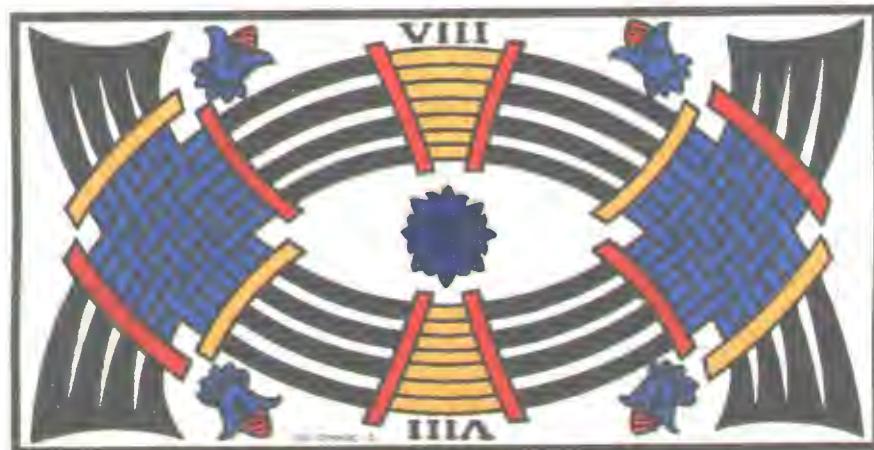
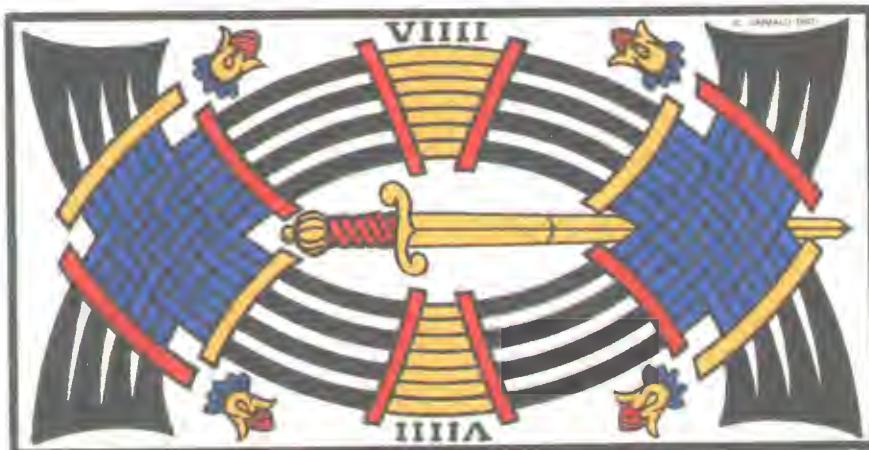
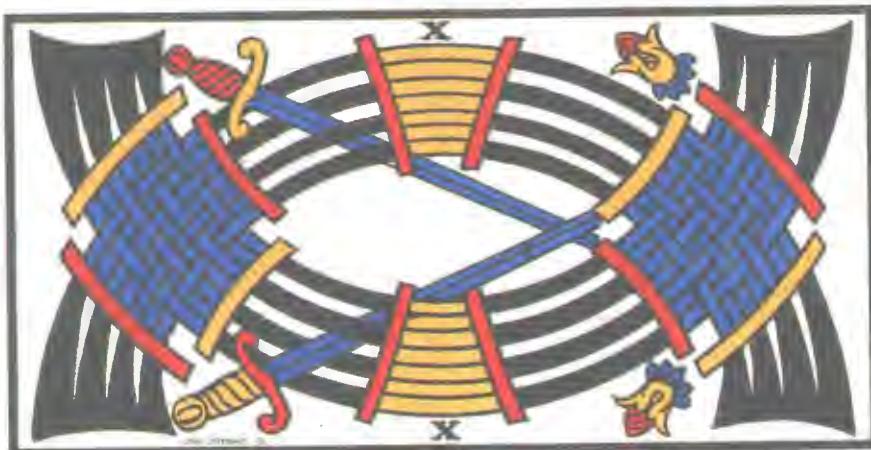
رموز صغیر (شمشیر)



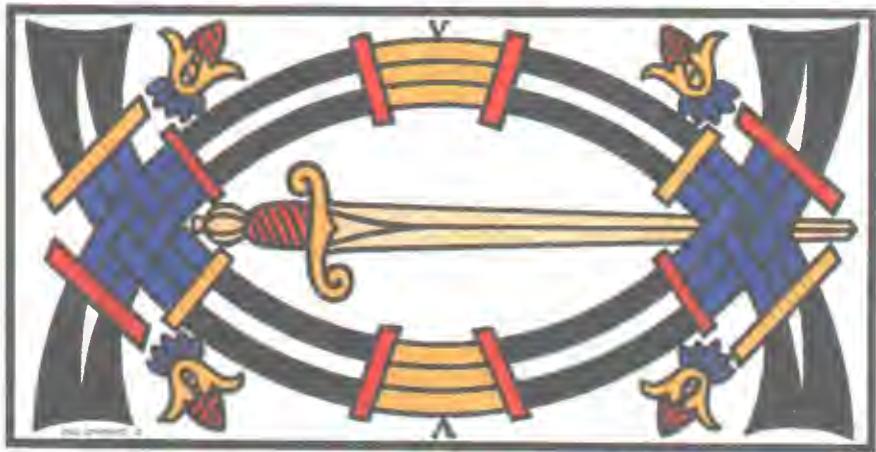
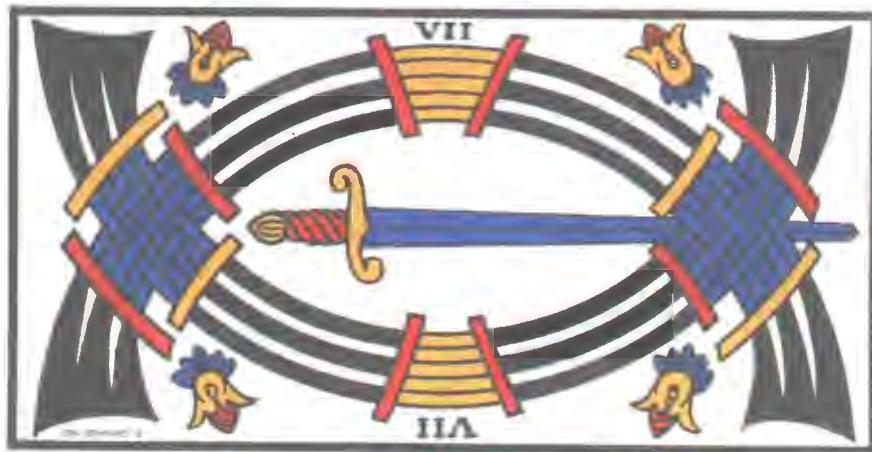


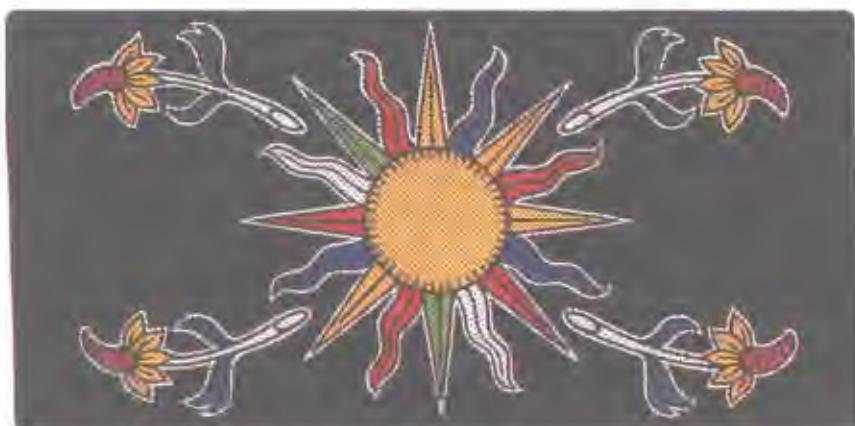
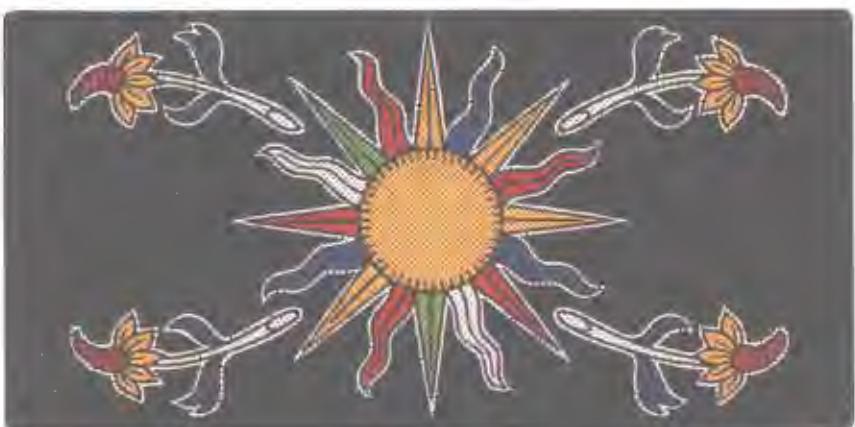
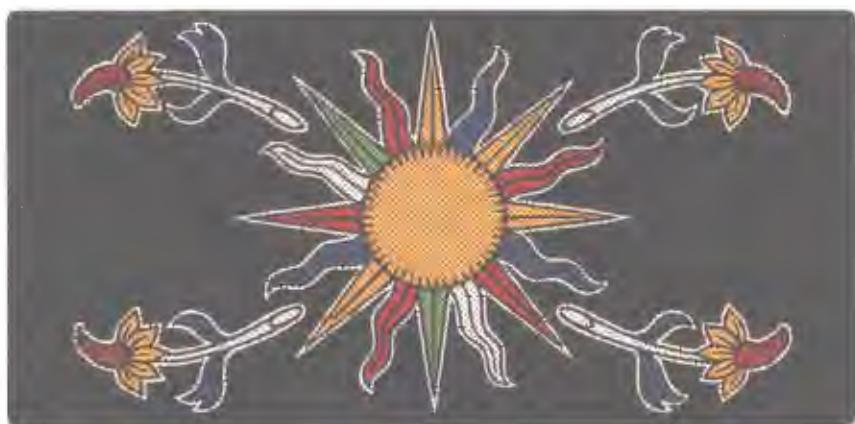


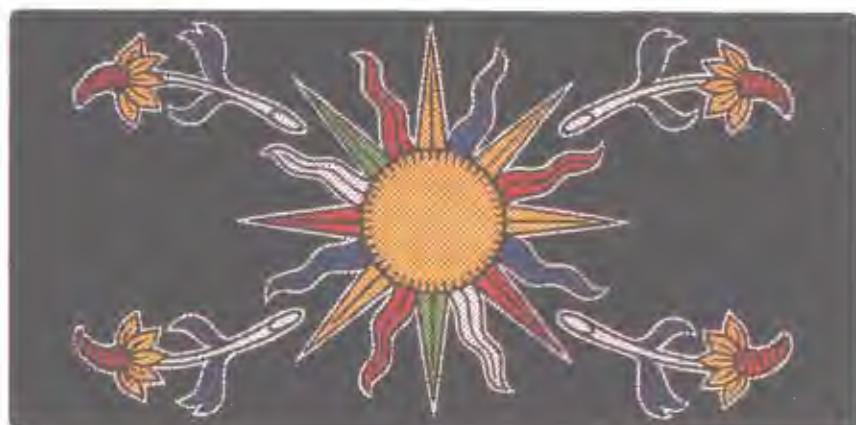
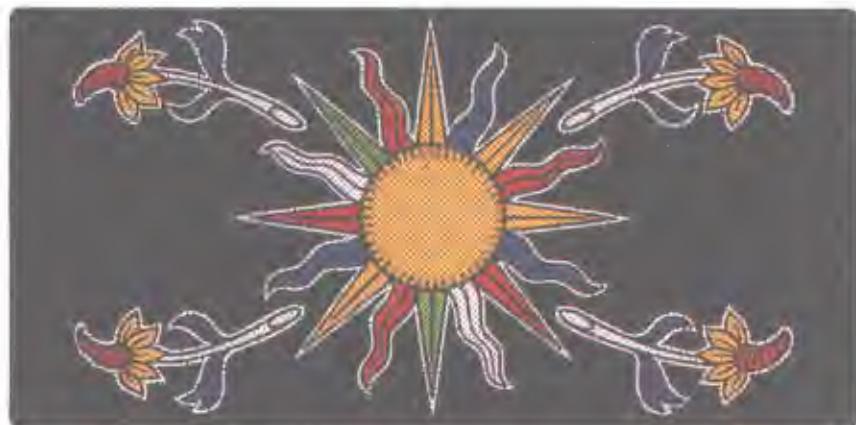
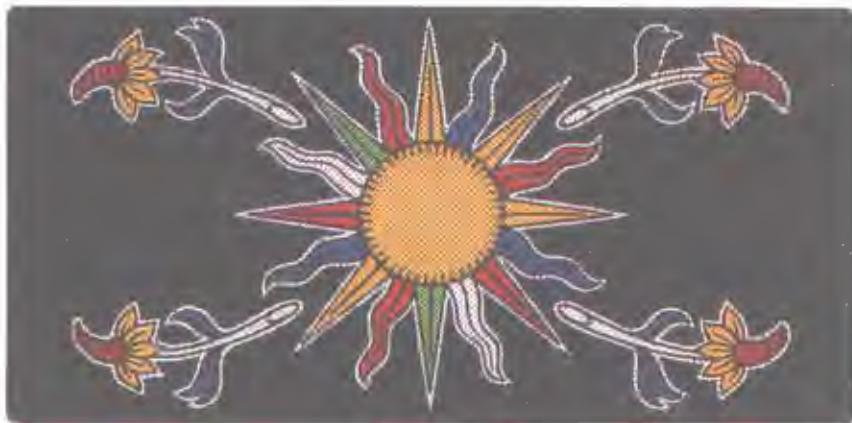
رموز صغیر (شمیشیر)



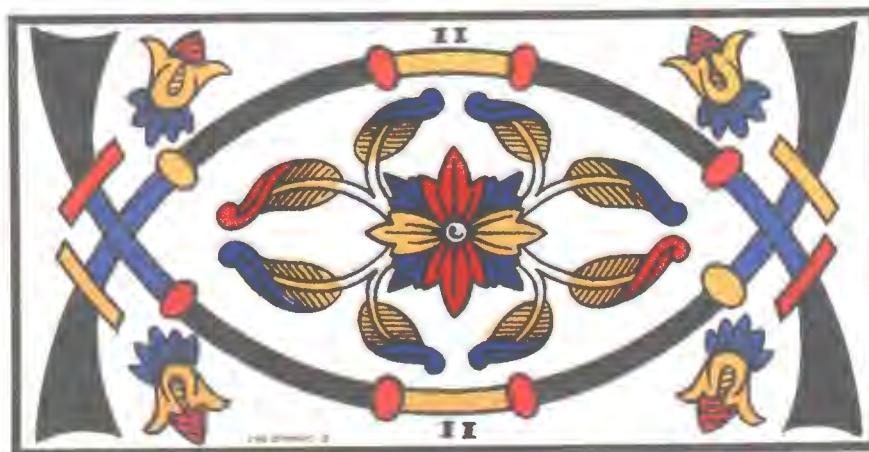
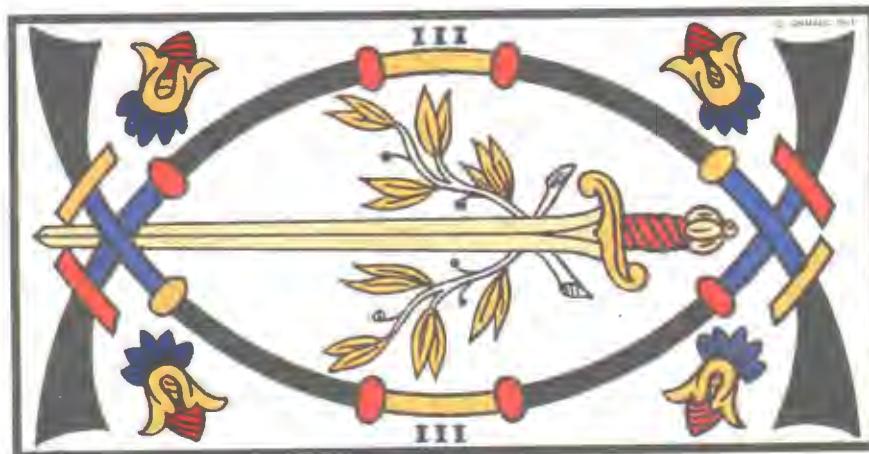
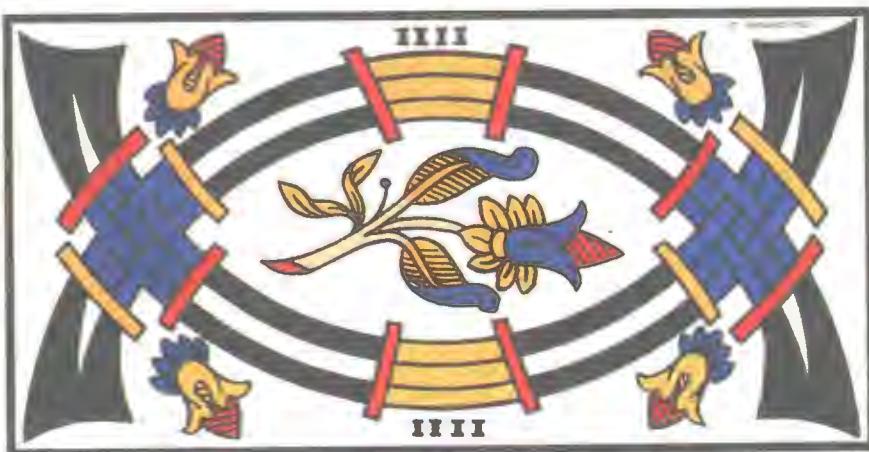
رموز صغیر (شمشير)



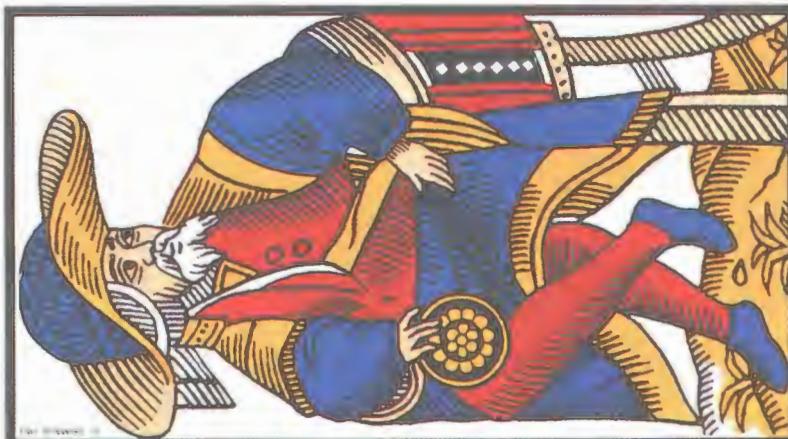




رموز صغیر (شمشیر)



رموز صغیر (سکه)



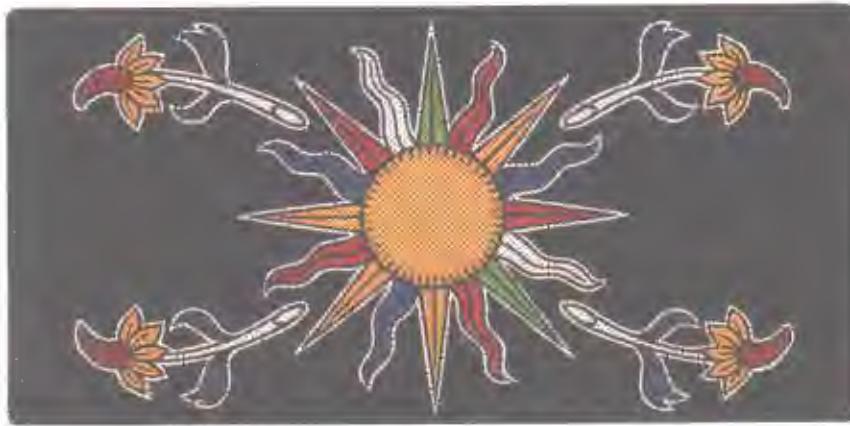
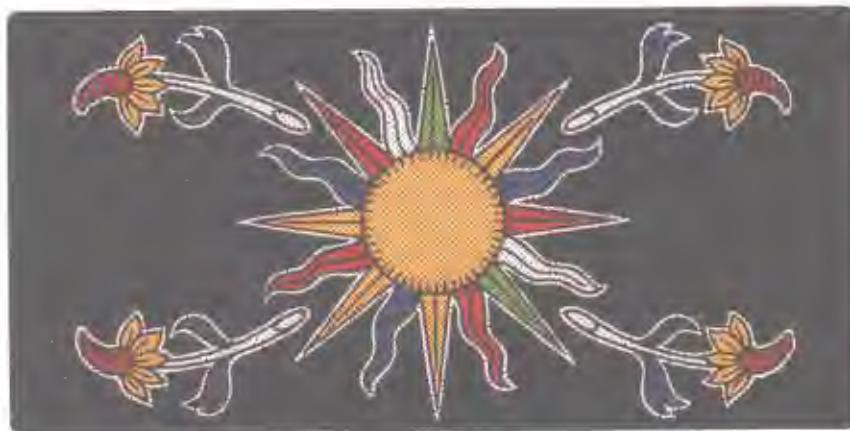
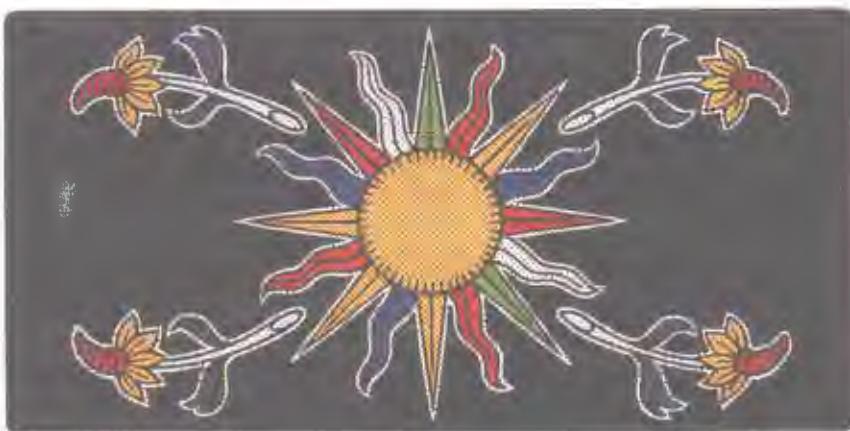
شاه سکه

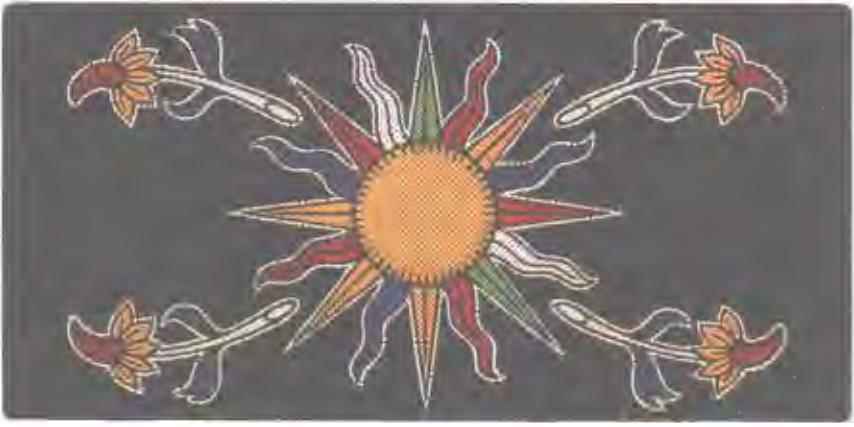
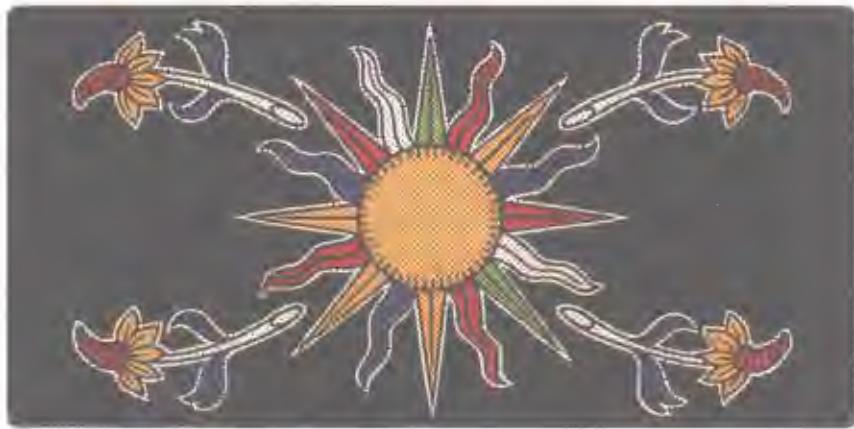
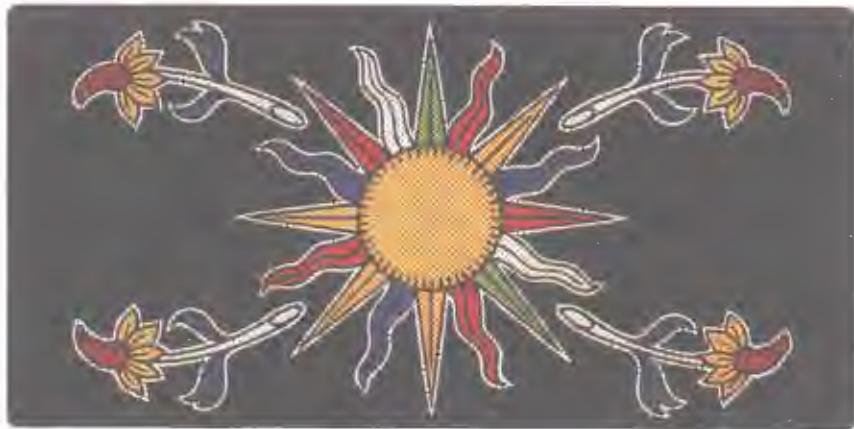


شاهبانوی سکه

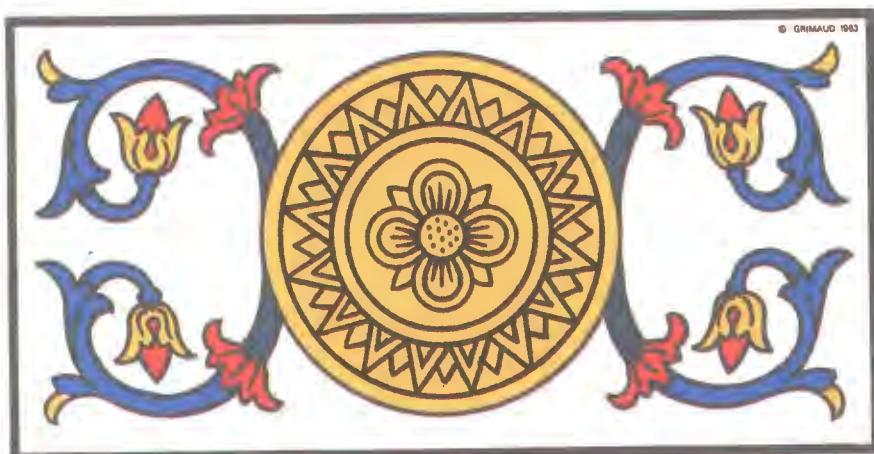


سردار سکه

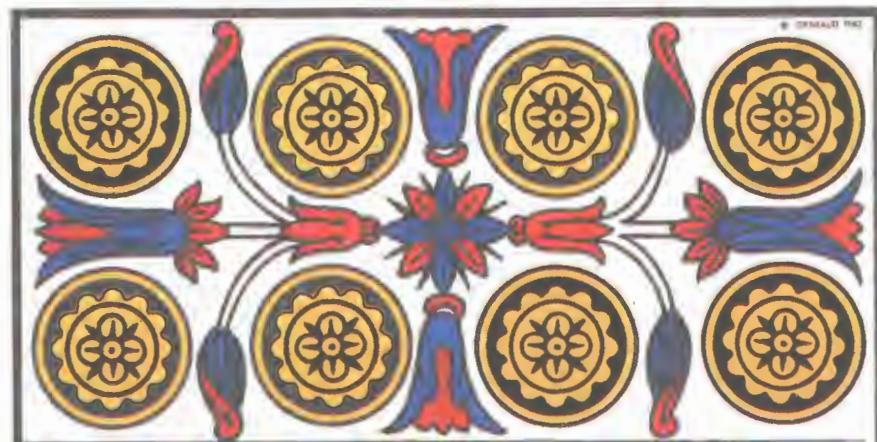
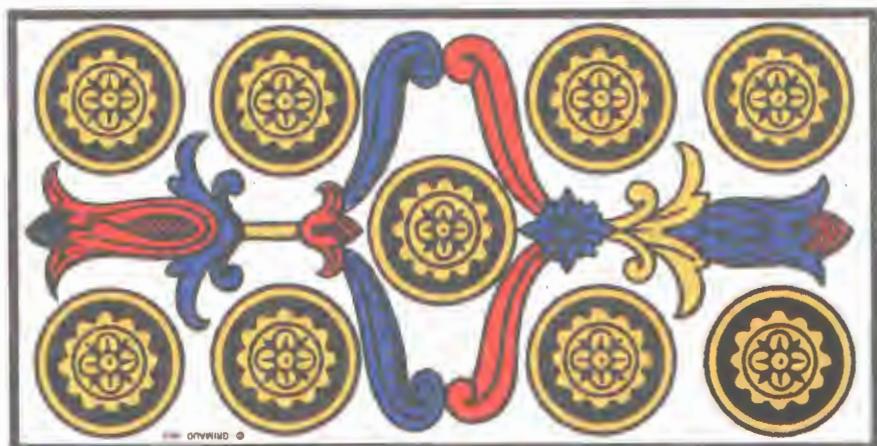
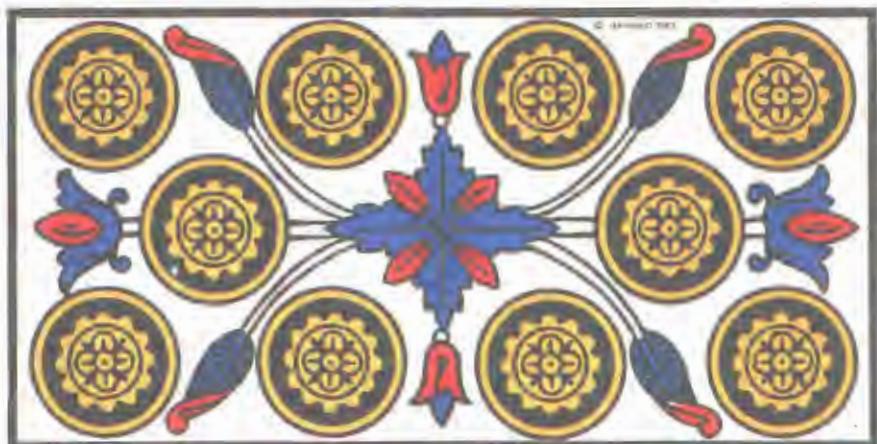




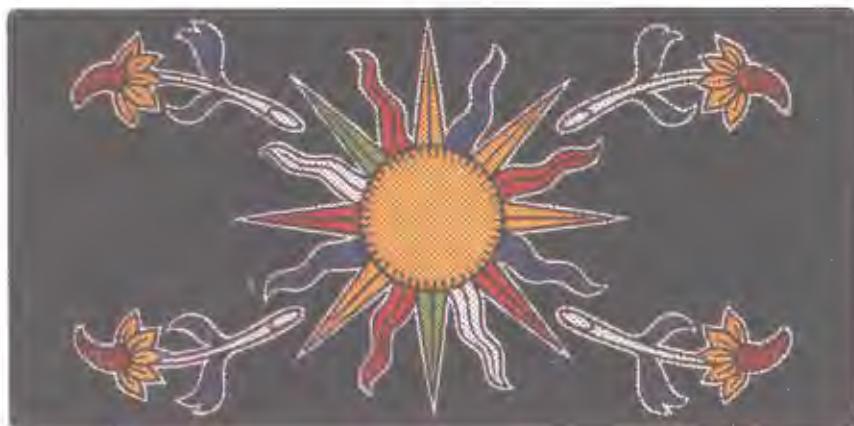
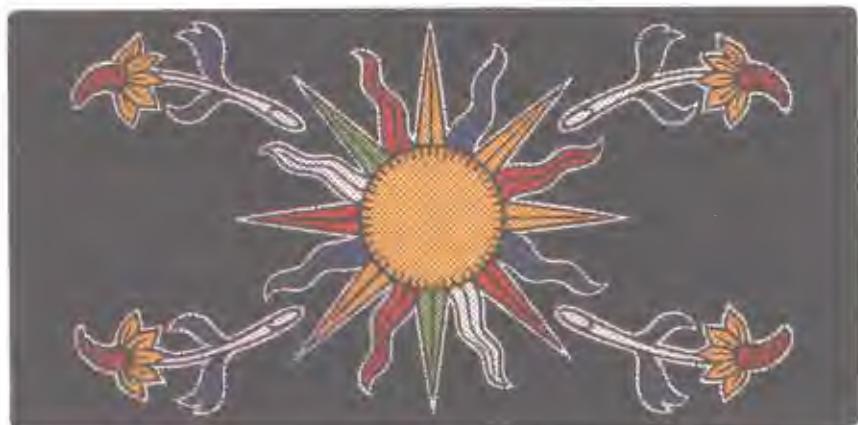
رموز صغیر (سکه)



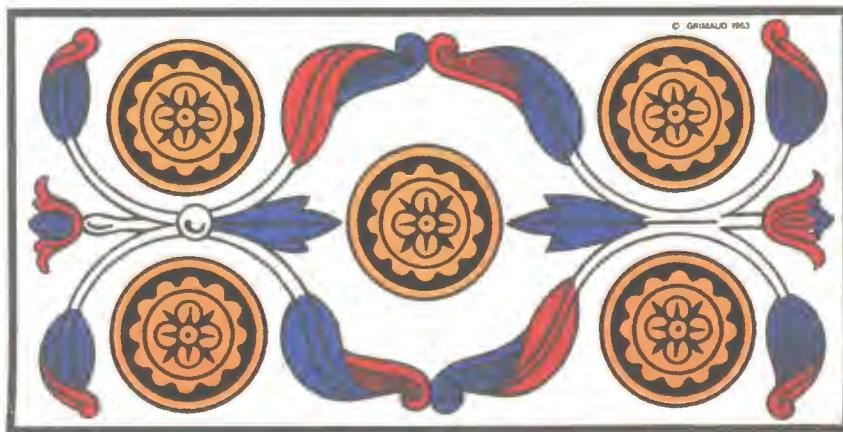
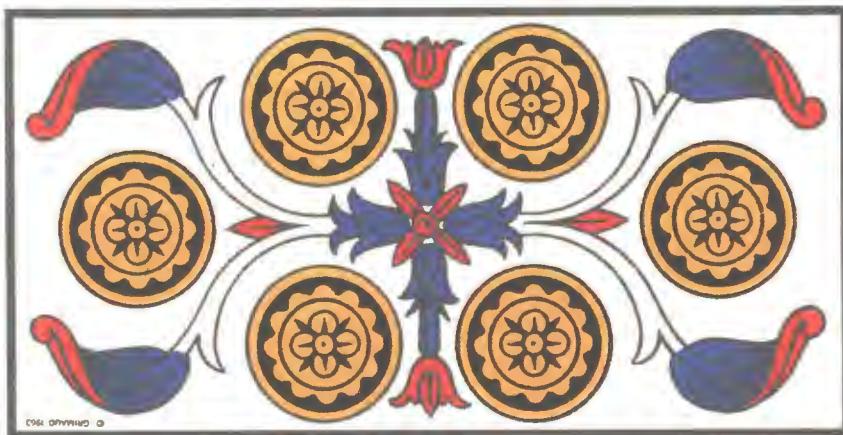
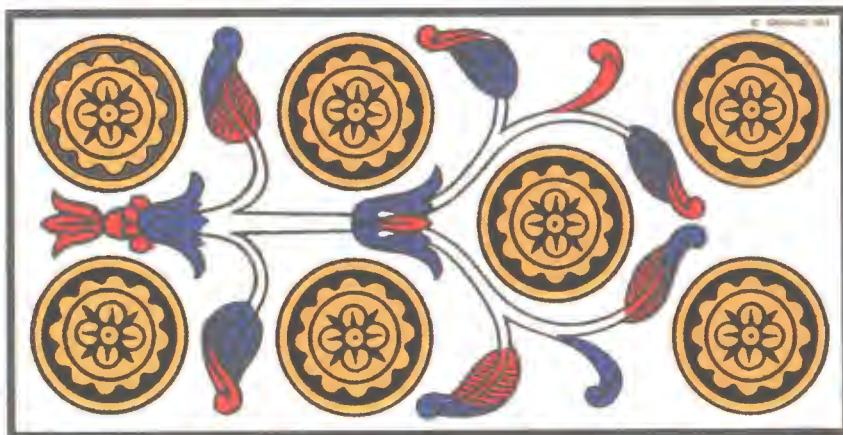
رموز صغیر (سکه)



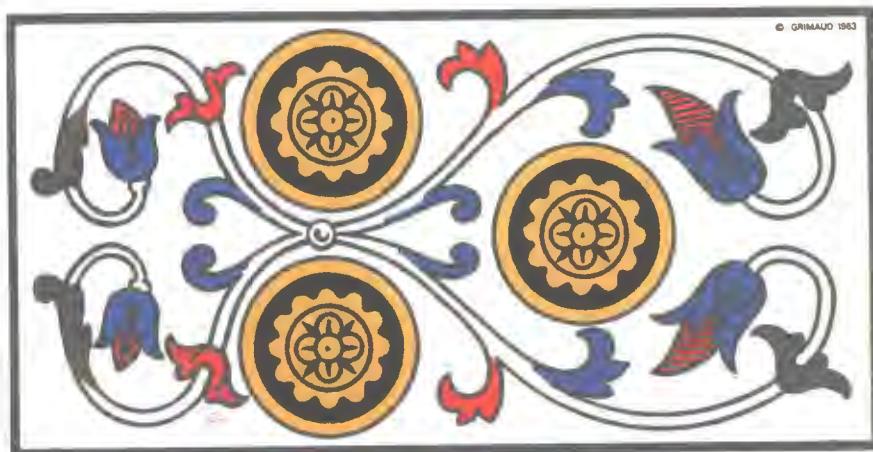
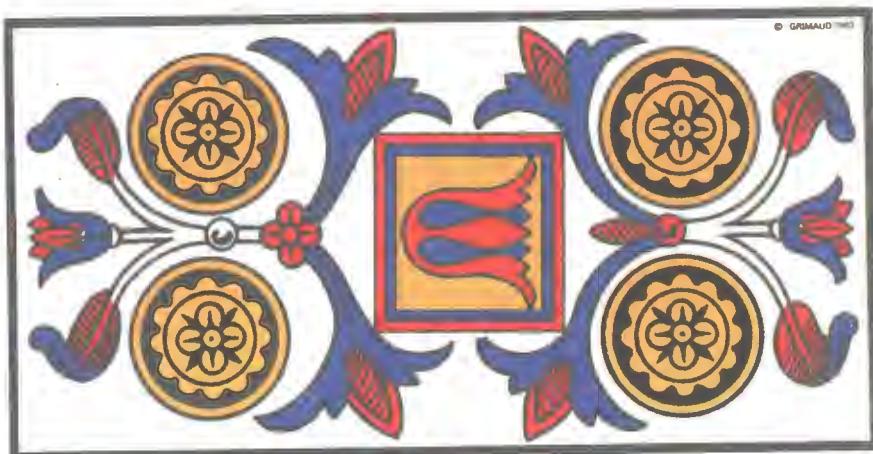


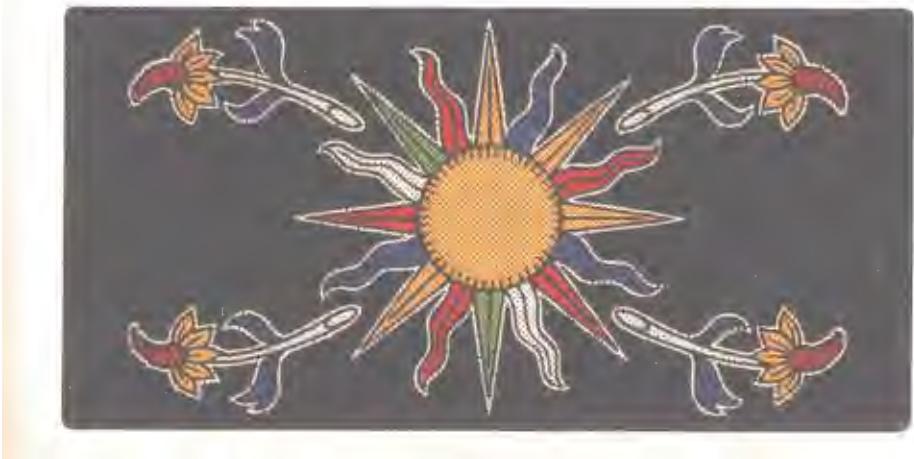
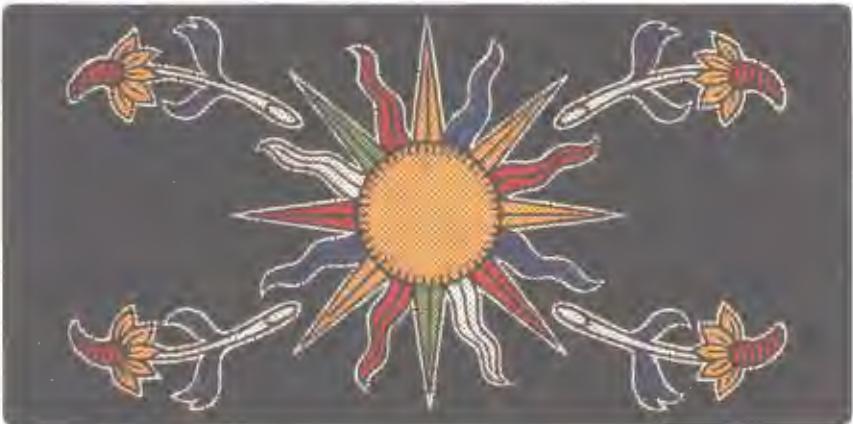


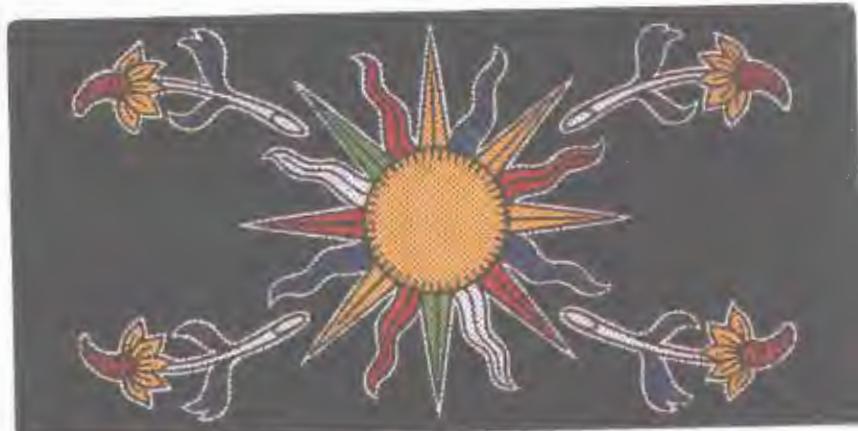
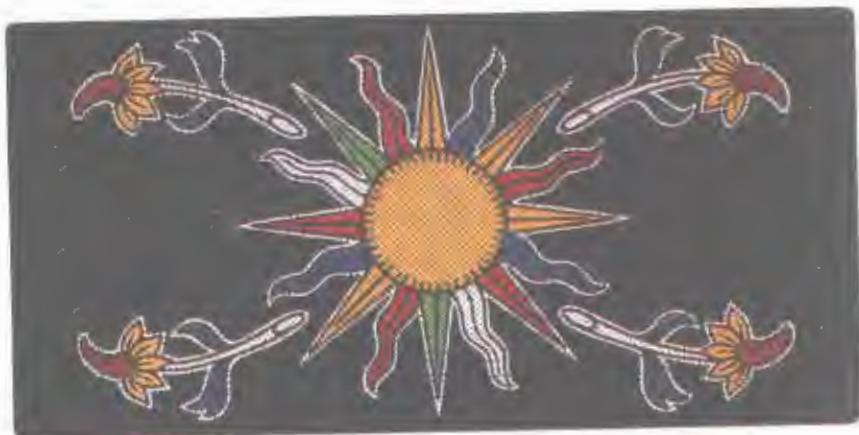
رموز صغیر (سکه)



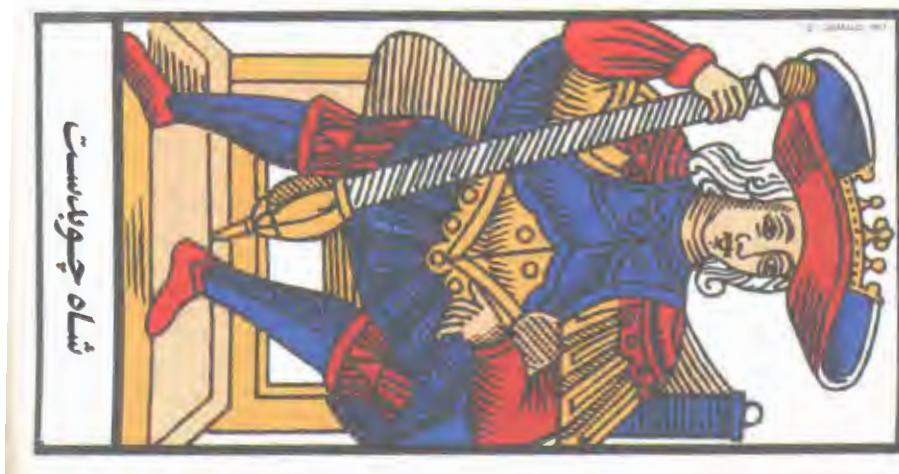
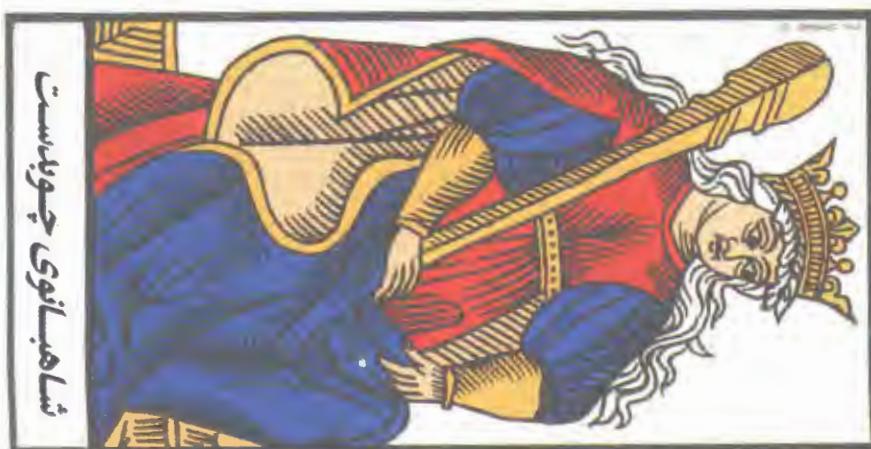
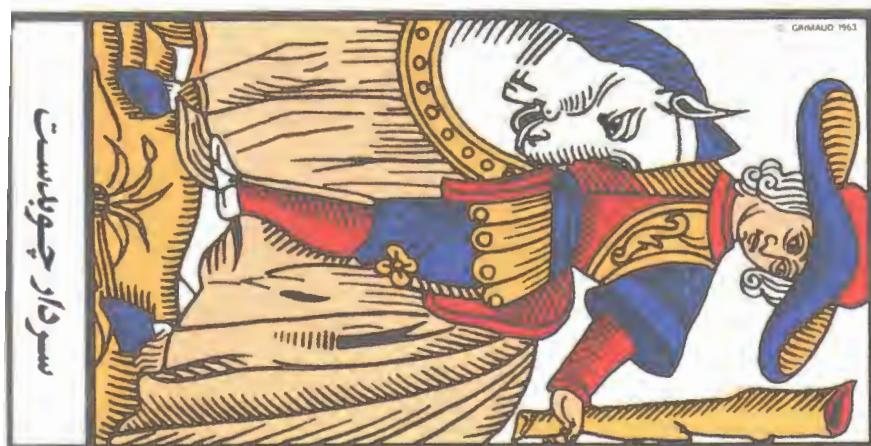
رموز صغیر (سکه)





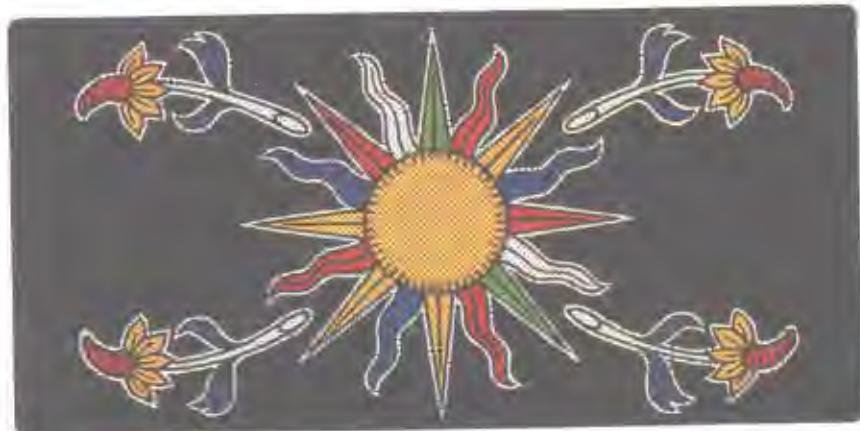
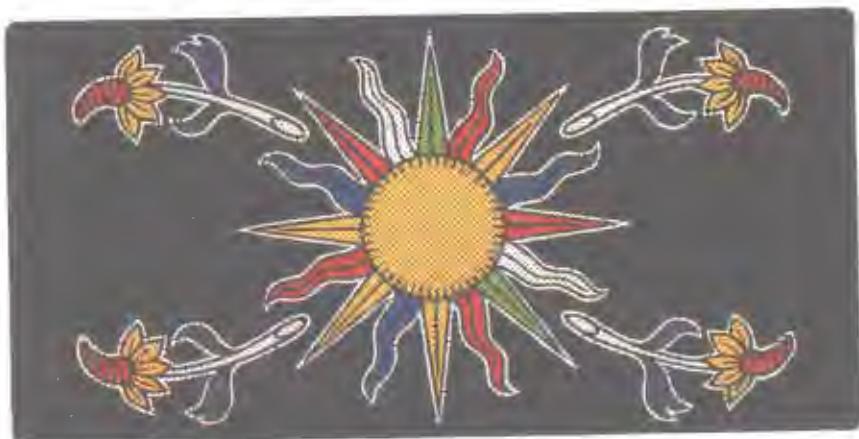


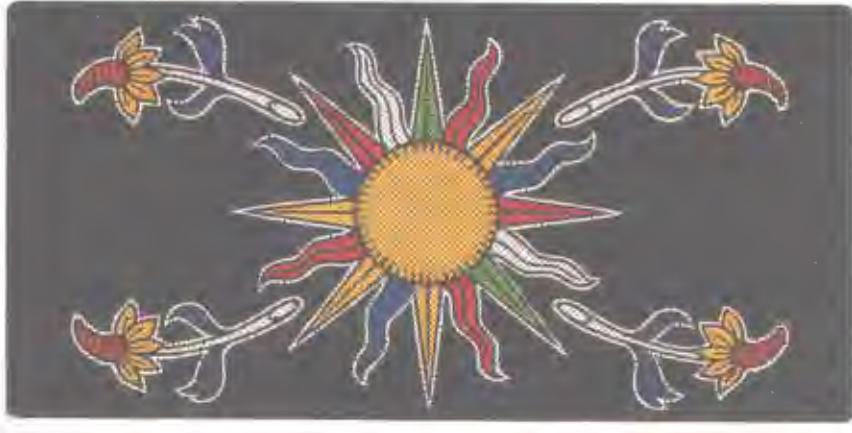
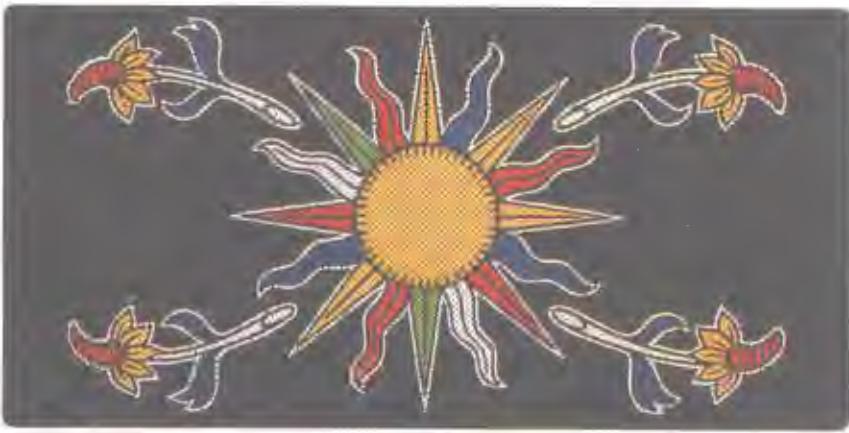
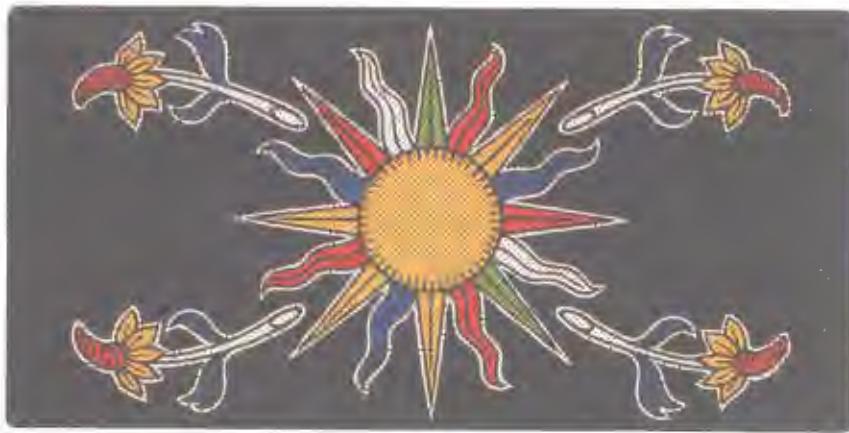
رموز صغیر (چوبیدست)



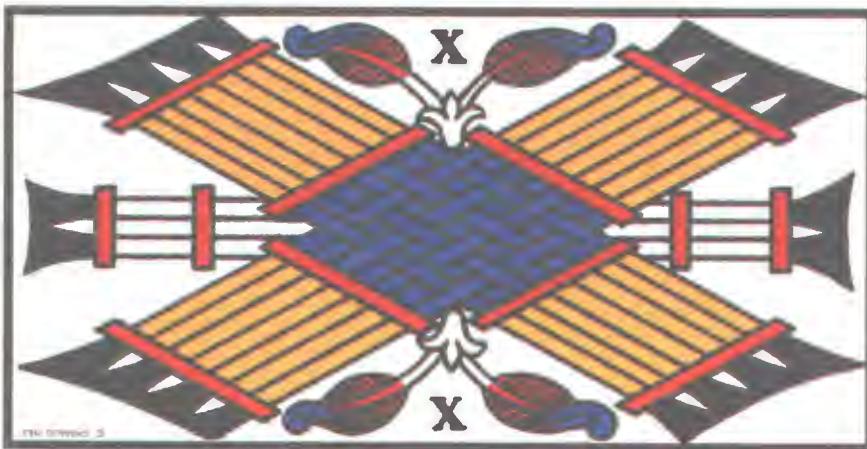
رموز صغیر (چوبدست)



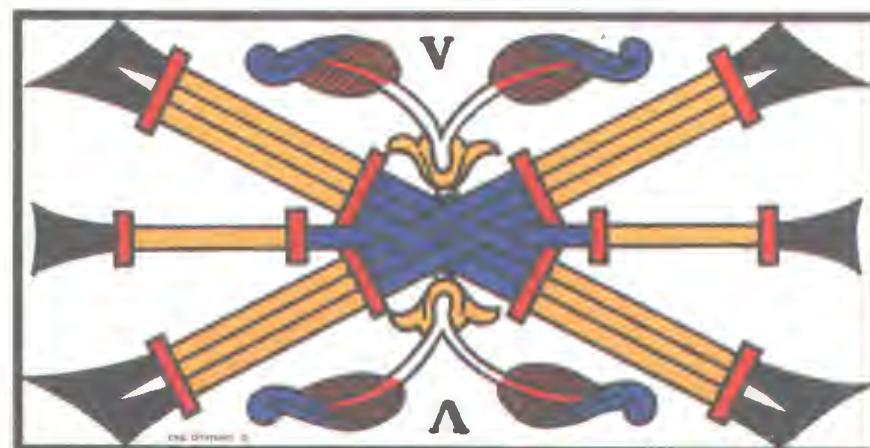


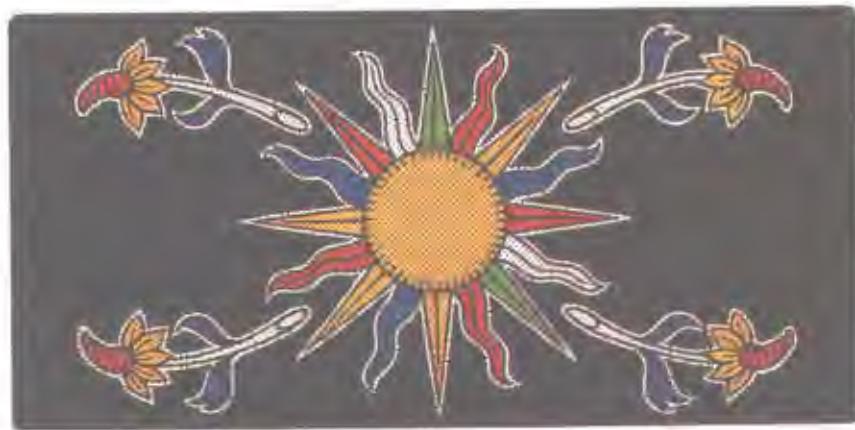
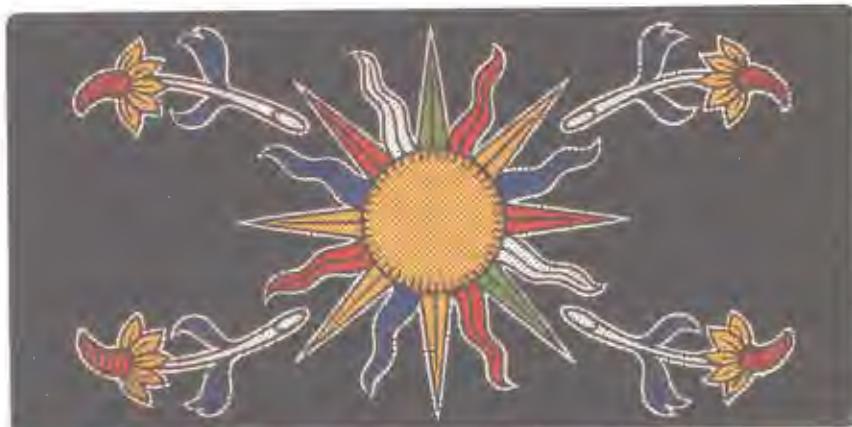
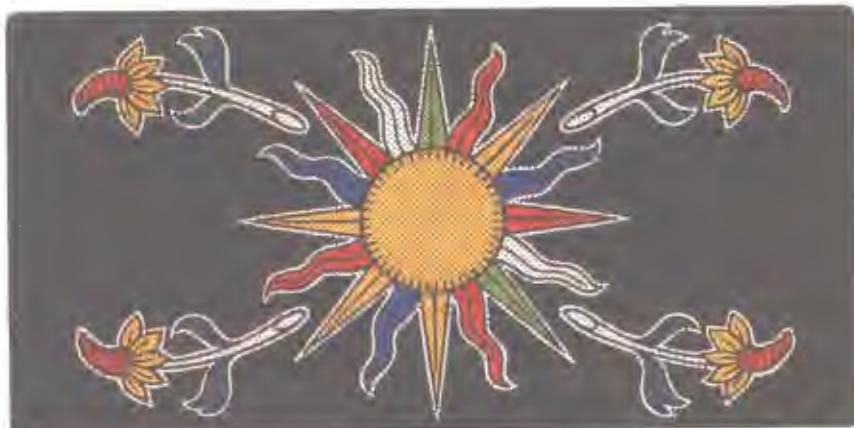


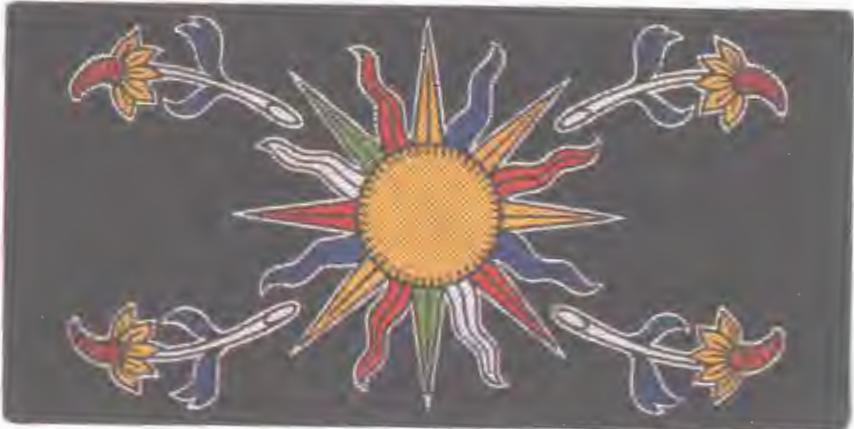
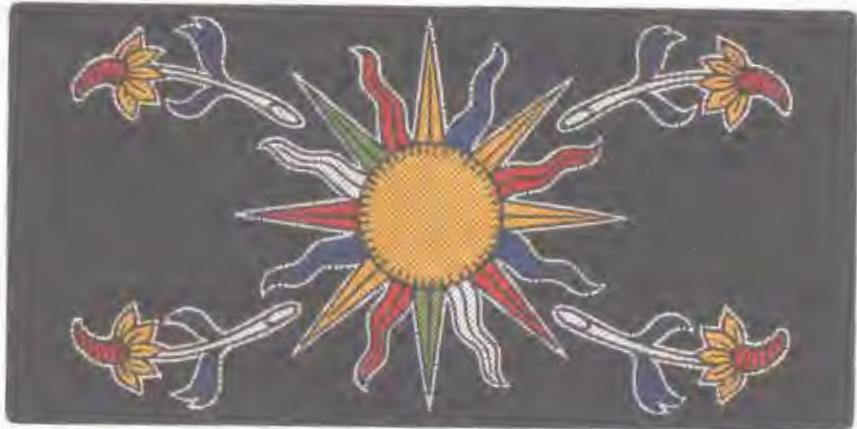
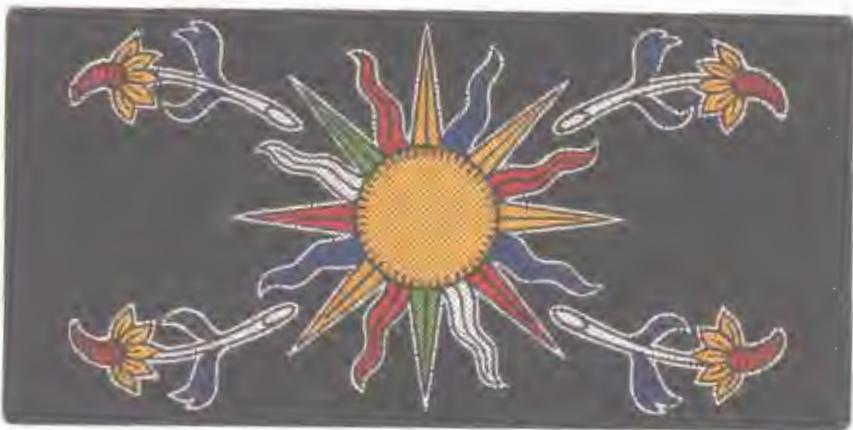
رموز صغیر (چوبدست)



رموز صغیر (چوبدست)







رمور صغیر (چوبدست)

